به سوی عمل:

رهنمونی برای مشارکت سیاسی زنان



WLP

Women's Learning Partnership

به سوی عمل:
رهنمونی برای مشارکت سیاسی زنان

مهناز افخمی

آن آیزنبرگ

با همکاری:

لینا ابو حبیب
اسما خدر
سیندی مدار گولد
ژاکلین پیتانگه

ترجمه:
مهرانگیز کار

سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان(WLP)

4343 Montgomery Avenue, Suite 201
Bethesda, MD 20814
USA

Tel: 301-654-2774
Fax: 301-654-275
Email: www.learningpartnership.org
Web: wlp@learningpartnership.org

Cover design and Layout by Xanthus Design

ISBN: 978-0-9814652-6-5

فهرست مطالب

پیوست‌ها

قدردانی و سپاس

از بنیادهای زیر به خاطر کمک‌های ارزندهٔ آن‌ها در راه طراحی، آزمایش، و سازگار کردن این رهنمون سپاسگزاریم:

Dutch Ministry of Foreign Affairs MDG3 Fund
Ford Foundation
National Endowment for Democracy
New Field Foundation
Oxfam-Novib
Shaler Adams Foundation

نیز سپاسگزاریم از رهبرانی که برای یافتن نمونه‌های مناسب رهنمون ما را یاری دادند، و همچنین از همکاران خود در نیجریه، بنیاد بائوباب برای حقوق بشر زنان، که نتایج ارزندهٔ آزمون‌ها و تمرین‌های این رهنمون را در مؤسسات آموزشی خویش در اختیارمان قرار دادند، از جمله در مؤسسه‌های مونرُویا، لیبری (۲۰۰۷)، استان اکیتی، نیجریه (۲۰۰۸)، و فری تاون، سیرالئون (۲۰۰۹).
ما همچنین وامدار مؤسسهٔ همکارمان در لبنان، بنیاد پژوهشی و آموزشی توسعه-عمل، هستیم، و نیز سپاسگزار لینا ابوحبیب و دِلفین تورز که برای ویرایش نسخهٔ نهایی این رهنمون و یافتن منابع و نمونه‌هایی از سهمیه‌بندی سیاسی، ما را از راهنمایی‌های بی‌نظیرشان بهره‌مند ساختند. از آن موگیشا بومِزی و کریستینا هلستِد نیز برای کمک‌هایشان در مراحل گوناگون تألیف این رهنمون سپاسگزاریم و به ویژه سپاسگزاریم از جنیفر پندلتون برای کمک‌های ارزنده‌اش در ویراستاری و انتشار نسخهٔ نهایی این کتاب.

در بارۀ ما

مؤسسۀ بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، که دربرگیرندۀ ۲۰ سازمان مستقل است، زنان را، به ویژه در جوامع اکثریت مسلمان، آموزش و یاری می‌دهد تا بتوانند در نقش کنشگر، رهبرو مدیر جامعۀ خود و جهان را به سوی صلح و عدالت رهنمون شوند. ما به طرّاحی اصول و شیوه‌های رهبری و مشارکت سیاسی‌ی فرهنگ‌محور می‌پردازیم و، با همکاری سازمان‌های محلی، می‌کوشیم زنان را برای دستیابی به آگاهی‌ها و مهارت‌هایی یاری دهیم که برای رسیدن به سطوح رهبری در خانواده و در جوامع محلی و ملی ضروری است. در دهۀ گذشته، برنامه‌ها و منابع آموزشی سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، که به بیشتر از ۲۰ زبان ترجمه شده‌اند، در دسترس هزاران زن در ۴۰ کشور جهان قرار گرفته‌اند. ما همچنین توانسته‌ایم سازمان‌های محلی را برای رسیدن به مرحلۀ خودکفایی یاری دهیم و آنان را برای کمک به گسترش جنبش زنان در سراسر دنیا توانمند کنیم.

در سال ۲۰۰۱، سازمان ما رهنمونی برای آموزش رهبری با عنوان *در طلب حقوقمان*، که به ویژه معطوف به نیازهای زنان جوامع اکثریت مسلمان جهان بود، منتشر کرد. این کتاب تا سال ۲۰۰۶ به ۱۷ زبان - با توجه به ملاحظات و ویژگی‌های فرهنگی خاص مخاطبان گوناگونش- ترجمه شده بود. بیشتر از ۹هزار زن (و مرد) در جوامع جنوبی جهان در کارگاه‌هایی که برای بهره‌جویی از این کتاب و رهنمون‌هایش تشکیل شده بود شرکت کرده بودند. سازمان‌های همکار ما، همراه با بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و مؤسسات پژوهشی ما را تشویق کردند که به تألیف و انتشار رهنمون دیگری بپردازیم که بتواند شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها را به سطح تازه و بالاتری از آگاهی برکشاند و راهنمای حرکت آنان «به سوی عمل» شود. همکاران ما پیش‌نویس‌های نخستین رهنمون حاضر، *به سوی عمل: رهنمونی برای مشارکت سیاسی زنان* را بررسی کردند و کارآیی برنامه‌هایش را درعمل سنجیدند. کتاب حاضر برآمده از چنین همکاری‌هاست.

در بارۀ سازمان‌های همکارمان

انستیتوت آموزشی افغانی (AIL)
این مؤسسۀ غیردولتی، با بهره‌جویی گسترده از رهیافت‌های ابتکاری و مناسب، می‌کوشد تا در راه برآورده شدن نیازهای بهداشتی و آموزشی زنان و کودکان افغانی گام بردارد. کار اصلی این مؤسسه آموزش دادن، و همکاری کردن با، کارشناسان مسائل بهداشتی و آموزشی و با سازمان‌های آن‌هاست. این همکاری از راه تهیه و برگزاری برنامه‌های آموزش معلّم و متخصصان امور بهداشتی و آموزشی و نیز آموزش اصول و مبانی حقوق بشر، انجام می‌شود. این برنامه‌ها به آموزش کودکان در خانه، به سازمان‌های محلّی، به آموزشگاه‌های ویژۀ زنان و مراکز یادگیری کودکان نیز یاری می‌رسانند.
http://www.creatinghope.org/aboutail

انجمن زنان فعّال (AWAM)
این انجمن که در سال ۱۹۸۵ تشکیل شد یک سازمان فمینیستی مستقل و متعهد به بهینه کردن زندگی زنان مالزیایی است. هدف نهایی این انجمن پی ریختن یک جامعۀ عادلانه، دموکراتیک و برابری‌محور است که در آن زنان محترم شمرده شوند و از خشونت و تبعیض در امان باشند. برای رسیدن به این هدف، انجمن در راه تبادل آگاهی‌ها، ارتباط یابی و بسیج علاقمندان به تحقق حقوق بشر زنان، برابری بین زن و مرد و حمایت از زنان بی نوا و بلاتکلیف گام بر می‌دارد. دیگر فعالیت‌های این انجمن شامل ترویج هدف‌ها، آموزش، یاری دادن به زنان قربانی خشونت، از جمله ارائۀ رایزنی‌های حقوقی به آن‌ها است. http://www.awam.org.my

انجمن دمکراتیك زنان مراکش (ADFM)
این انجمن در سال ۱۹۸۵ به عنوان یك انجمن مستقل به منظور حمایت از حقوق انسانی زنان و ارتقای آن و همچنین ترویج سیاست‌های عادلانه و گسترش فعالیت‌های اجتماعی تأسیس شد. انجمن دموکراتیک زنان مراکش، یکی از بزرگترین سازمان‌های غیردولتی در زمینه تأمین حقوق زنان در مراکش، در تشکیل شبکه‌های همکاری با نهادهای دولتی و جامعۀ مدنی در سطح منطقه‌ای و جهانی موفق بوده است. هدف انجمن ارتقاء حقوق زنان از طریق حمایت از زنان، کمک به افزایش آگاهی‌های آنان و فعالیت‌های سوادآموزی و آموزش است. افزون براین، انجمن مرکزی برای رهبری زنان ایجاد کرده که معطوف به افزایش مشارکت زنان در کلیۀ عرصه‌های تصمیم‌گیری است. http://www.adfm.ma

انجمن زنان سرپرست خانواده (AFCF)
رسالت اصلی این انجمن غیردولتی در موریتانیا حمایت و دفاع از حقوق بشر زنان و کودکان است. تلاش این انجمن معطوف به کمک به زنان نیازمند است، به ویژه زنانی که سرپرستی خانواده خویش را برعهده گرفته‌اند. ایجاد یک شبکه از انجمن‌هایی که برای بهترشدن زندگی زنان و کودکان تلاش می‌کنند، ترویج برابری جنسیتی و کمک به همبستگی هرچه بیشتر زنانی که به طبقات گوناگون اجتماعی تعلق دارند، از دیگر هدف‌های این انجمن است. http://www.afcf.rim-asso.org

بنیاد اورات
هدف اساسی این بنیاد غیردولتی، که در سال ۱۹۸۶ تشکیل شد، کمک به تحقق حقوق زنان مشتغل و

توانمند کردن شهروندان به شرکت فعّالانه در مسیر اصلاح حکومت برای ایجاد یک جامعهٔ عادلانه، دموکراتیک و انسانی در پاکستان است. این بنیاد با نزدیک به ۱۲۰۰سازمان غیردولتی و محلی برای افزایش دانش و آگاهی‌های شهروندان دربارهٔ حقوق زنان و برابری جنسیتی در کشور همکاری می‌کند.
http://www.af.org.pk/mainpage.htm

سازمان بائوباب برای تأمین حقوق بشر زنان (BAOBAB)

این سازمان نیز يك سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی است که برای حقوق انسانی و قانونی زنان، با توجه به قوانین مذهبی و کیفری محلی، به ویژه قوانین مربوط به زنان مسلمان، فعالیت می‌کند. سازمان تأمین حقوق انسانی زنان با حقوقدانان دولتی و غیردولتی، سیاست‌پردازان، گروه‌ها و سازمان‌های فعال در زمینه حقوق زنان و حقوق بشر، سایر سازمان‌های غیردولتی و افراد عادی علاقمند به همکاری مشغول است و آموزش موازین حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان را تأیید و تشویق می‌کند. علاوه براین همه، این سازمان تأمین هزینهٔ تعلیم حقوق زنان و پروژه‌های آموزشی و اجرای برنامه‌های معطوف به افزایش سطح آگاهی عموم نسبت به حقوق زنان را با توجه به میزان تأثیرگذاری آن بر سیاست‌های اجتماعی و دولتی به عهده دارد.
http://baobabwomen.org

مرکزی برای آزاد شدن/انجمن زنان بحرین (BFC/BWA)

هدف این مرکز، که در سال ۲۰۰۱ تشکیل شد، کمک به تحقق حقوق بشر زنان و کودکان بحرین و کوشش برای آگاه‌سازی جامعه نسبت به این حقوق و به دیگر عوامل مؤثر در زندگی زنان است، از جمله پدیدهٔ جهان‌روایی، فن‌آوری اطلاعاتی، محیط زیست، پوشش بهداشتی، فرهنگ و خانواده. کانون تمرکز این انجمن از بین بردن غفلت و خشونت نسبت به کودکان است و نیز کمک به آنان تا به شهروندانی تندرست و کارآ تبدیل شوند. از راه فعالیت‌هایی چون تشکیل کارگاه‌های آموزشی، همایش‌ها، برنامه های رادیویی و تلویزیونی، کمپین‌های ترویجی، و شبکه‌سازی، این انجمن زنان بحرین را به مشارکت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی تشویق می‌کند. http://www.bahrainws.org

شهروندی، بررسی، پژوهش، آگاهی و عمل (Cepia)

یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی است که به تهیه و انتشار طرح‌ها و برنامه‌هایی می‌پردازد که مروّج و پشتیبان حقوق بشر و حقوق شهروندان باشند به ویژه در میان گروه‌هایی که از گذشته‌های دور در برزیل از این حقوق محروم بوده‌اند. این سازمان همچنین به تهیهٔ برنامه‌ها و طرح‌هایی مشغول است که متمرکز بر مسائل اجتماعی گوناگون‌اند، از جمله مسائل مربوط به بهداشت، روابط جنسی و حق داشتن فرزند، خشونت در خانه، برخورداری از عدالت اجتماعی، پیکار با فقر، و دسترسی به اشتغال مفید. در رهیافت این سازمان به فعالیت‌های ترویجی این سازمان نیز معطوف به بررسی و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت و تبادل نظر و گفت‌وگو با گروه‌های گوناگون اجتماعی و نهادهای جامعهٔ مدنی است. http://www.cepia.org.br

انجمن پژوهش و آموزش کاربردی توسعه (CRTD-A)

این انجمن در لبنان، در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و محلی، به ویژه برابری جنسیتی، برای سازمان‌های غیردولتی، نهادهای دولتی، پژوهشگران و آژانس‌های بین‌المللی علاقه‌مند، امکانات آموزشی فراهم می‌کند. فعالیت‌های انجمن متمرکز بر پژوهش در بارهٔ کیفیت مشارکت‌های نظری و کاربردی است. از

دیگر فعالیت‌های انجمن انتشار پژوهش‌ها و نوشته‌های بدیع در بارهٔ جنسیت و توسعه، آموزش جنسیتی، توسعهٔ اجتماعی، جامعهٔ مدنی و فقر است. گروه‌های وابسته به این انجمن خدمات رایزنی به سازمان‌های غیردولتی، و دیگر مراکز علاقه‌مند به موضوع‌های مربوط به مسائل جنسیتی ارائه می‌کنند.
http://crtda.org.lb/en

صندوق حمایت از توانمندی زنان (FODEM)
این سازمان غیردولتی در تلاش برای توانمندکردن زنان محروم و بی‌بضاعت اروگوئه در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی است، به ویژه از راه تهیه و اجرای برنامه‌های مالی، اقتصادی و ترویج حقوق شهروندی. برنامه‌های این سازمان به دریافت جایزهٔ بهترین کارکرد در آمریکای مرکزی موفق شده‌اند.
http://www.fodem.org.ni

شبکهٔ گسترش حقوق زنان (FWID)
هدف این شبکهٔ غیردولتی مصری رهایی زنان از محدودیت‌های سنّتی و انواع تبعیض‌ها است. این شبکه، که در سال ۱۹۹۷ از ائتلاف ۱۵ نهاد جامعهٔ مدنی پدید آمد، به فعالیت برای اصلاح قوانینی پرداخته است که تبعیض علیه زنان را مجاز دانسته‌اند. اعضای آن گروه‌های فعّال از زن و مرد و از طبقات و تعلّقات گوناگونی هستند که برای بناکردن یک جامعهٔ دموکراتیک، و برابری‌محور با یکدیگر همکاری می‌کنند. http://www.anhar.net/who.htm

بنیاد حمایت از حقوق و آزادی‌های زنان (FSWW)
یک سازمان غیردولتی در ترکیه است که، با بهره‌جوئی از تجربیات زنان محلی، برای تأمین مشارکت برابر زنان و مردان در نهادهای تصمیم‌گیری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فعّالیت می‌کند. هدف این سازمان که در سال ۱۹۸۶ برپا شد پشتیبانی از زنانی است که در جست‌وجوی بهترکردن وضع زندگی، توانمند کردن سازمان‌های محلی و ارتقاء نقش رهبری خویش‌اند. فعالیت‌های این سازمان بیشتر متمرکز در شهر استانبول، منطقهٔ زلزله خیز مرمره و نواحی جنوبی ترکیه است. این سازمان حکومت‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی و هر سازمان دیگری را نیز که علاقه‌مند به بهره‌جویی از امکانات آموزشی و برنامه‌های آن است یاری می‌دهد. http://www.kedv.or.tr

مرکز حقوق بشر/زنان علیه فساد (CAC)
تمرکز این سازمان که در قرقیزستان ایجاد شده بر حقوق بشر زنان و پناهندگان است. حیطهٔ فعالیت‌های آن شامل ارائهٔ رایزنی‌های حقوقی، انجام و نشر و پخش طرح‌های پژوهشی، برگزاری و شرکت در گردهم‌آیی‌های مدنی، و آموزش دادن به هواداران و کوشندگان حقوق بشر است. از هدف‌های این سازمان پیکار علیه فساد در نهادهای دولتی است از راه نظارت بر فراگرد انتخابات، هواداری از اصلاح قوانین انتخاباتی، کمک به افزایش شمار زنان در مجلس قانونگذاری و تلاش برای تحریم شکنجه و مجازات اعدام است. http://www.anticorruption.kg

ایران: سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان با کوشندگان و پژوهشگران حقوق زن در ایران برای تهیهٔ رهنمون‌های آموزشی و دروس الکترونیکی همکاری می کند. در سال ۲۰۰۵، سازمان با همکاری گروهی از این کوشندگان، رهبران سازمان‌های غیردولتی و دانشگاهیان مؤسسهٔ ملی آموزش رهبری

برای زنان و آموزش آموزشگران را برپا کرد. هدف این مؤسسه آشناکردن شرکت‌کنندگان با مهارت‌های لازم برای رهبری مشارکتی و تقویت شبکه‌های کوشندگان زن در ایران بود.

مرکز آموزش مقابله با خشونت علیه زنان (SWRC)
برنامه‌های این سازمان غیردولتی در قزّاقستان معطوف به پیکار با خشونت علیه زنان و خرید و فروش آن‌ها و کمک به ارتقاء حقوق بشر زنان و افزایش سهم‌شان در سطوح رهبری است. ایجاد مراکز یاری‌رسانی به زنان، ارائۀ رایزنی‌های حقوقی و روانی به زنان نیازمند و برپایی سرپناه و پناهگاه برای زنان قربانی خشونت از جمله فعالیت‌های این سازمان است. http://swrc.kz/eng

مؤسسۀ همبستگی جهانی زنان/اردن (SIGI/J)
بنیادگذاران این سازمان غیردولتی که در سال ۱۹۹۸ برپاشد وکلای دادگستری، حقوقدانان و کوشندگان حقوق بشراند که برای ارتقاء و هواداری ار حقوق بشر زنان از ابزارهای آموزشی، مهارت‌سازی و تکنولوژی مدرن ارتباطی بهره می‌جویند. برنامه‌های این سازمان بین‌المللی شامل آموزش حقوق بشر، شیوه‌های پیکار با خشونت علیه زنان و دختران و همکاری فنی از جمله در زمینۀ فناوری اطلاعاتی بین‌المللی است. این سازمان به برگزاری گردهم‌آیی‌های فرهنگی و آموزشی نیز که معطوف به بررسی تجربه‌های رهبران زن در جهان باشد یاری می‌رساند. http://www.sigi-jordan.org

کمیتۀ امور حقوقی زنان (WATC)
این کمیته از ائتلاف زنان وابسته به پنج حزب سیاسی در فلسطین، شش مرکز مطالعاتی زنان، سازمان‌های حقوق بشر محلی و بین‌المللی و شماری قابل توجه از زنان متخصص تشکیل شده که همگی از نظر سیاسی مستقل‌اند. هدف اصلی این کمیته که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شده از میان بردن تبعیض علیه زنان و ایجاد يك جامعۀ استوار و دمکراتيك است که متعهد به احترام به حقوق بشر باشد. از جمله دیگر اهداف این کمیته کمک به پرورش مهارت رهبری در زنان جوان، افزایش مشارکت سیاسی زنان در کلیۀ سطوح و تقویت سازمان‌های حقوق زنان و حمایت از آنها است. کمیته امور حقوقی زنان از طریق آموزش، ایجاد شبکه‌های ارتباطی، حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های مبارزاتی از راه رسانه‌های آموزشی برای تحقق اهداف کمیته تلاش می‌کند. http://www.watcpal.org/english/index.as

جنبش ترویج مقام زن (WSPM)
یک سازمان مردمی که در سال ۲۰۰۱ در زیمباموه بنا شد. هدف این سازمان اجرای برنامه‌هایی برای توانمندکردن زنان در زمینه‌های مالی و اقتصادی است و نیز طراحی برنامه‌هایی که می‌توانند زنان را، از راه آموزش، توسعۀ اقتصادی، و آشنایی با شیوه‌های رهبری، به بهینه کردن وضع زنان محروم توانا کنند. این سازمان به ویژه دختران و زنان پناهنده را در نواحی جنوبی آفریقا یاری می‌دهد.

بینش ما

هدف: تقویت جنبش فمینیست برای دگرگون ساختن روابطِ قدرت‌محور و ترویج عدالت، برابری، صلح و پیشرفت پایدار.

تآمین هدف: سازمان همکاری و آموزش زنان از راه نشر و ترویج بینش، مکانیزم‌ها و مفاهیم؛ تبادل تجربه‌ها، راهبردها و مهارت‌ها؛ و بسیج منابع، و در نتیجه افزایش ظرفیت، در راه تأمین هدف‌های سازمان گام برمی‌دارد.

رهیافت: ترویج و تقویت رهبری مشارکتی، فراگیر، افقی و قابل اقتباس.

ارزش‌ها: برابری جنسیتی، حقوق بشر، فعالیت‌های دست‌جمعی مشترک، و احترام به چندگونگی.

اصول راهنما: فعالیت‌های سازمان با احترام و رعایت اصول زیر انجام می‌شود:

- زندگی ما متأثر از ارزش‌ها و اصولی است که پذیرفته‌ایم. ما خود را به ایجاد جامعه‌ای متعهد کرده‌ایم که مداراجو، برابری‌محور و دموکراتیک است، از راه مشارکت برپایهٔ همکاری، اعتماد و احترام متقابل بنا شده، و بر اساس تعامل و ارتباطهای باز، پیوسته و ژرف تداوم این ویژگی‌ها را تأمین می‌کند.
- ما مجموعه‌ای از سازمان‌های آموزشی هستیم که انعطاف‌پذیر، متحوّل و پاسخگو به دگرگونی‌های اجتماعی‌اند.
- ما ماهیت مشارکتی مجموعهٔ خویش را ارزنده می‌دانیم و به اهمیت بینش مشترک اعتقاد داریم.
- ما آنگونه رهبری را ترویج و تبلیغ می‌کنیم که افقی، مشارکتی و فراگیر باشد.
- ما برای تسهیل ارتباط با دیگران و مبادلهٔ آگاهی‌ها و دانش‌ها از تکنولوژی‌های تازهٔ اطلاعاتی و ارتباطی بهره می‌جوییم.
- ما بر این واقعیت آگاهیم که شناساندن هرچه بیشتر سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان عاملی ضروری برای موفقیت فردی و دست‌جمعی ماست.

«ما می‌توانیم با یکدیگر برای ساختن دنیایی بهترکار کنیم؛ دنیایی پر از زنان و مردان خوش‌نیت که بازتابندهٔ نیکی فطری نوع بشراند. برای رسیدن به این هدف نیازمند رشد یک نظام اخلاقی انسانی و جهانگیریم. چنین نظامی باید آکنده از ارزش‌هایی باشد که به تجربه‌های زندگی بشری معنا می‌بخشند و، بسی بیشتر از نهادها و احکام انعطاف‌ناپذیر مذهبی، ابعاد معنوی وجود انسان را جلوه‌گر می‌سازند. ارزش‌های انسانی عشق، همدلی، همبستگی، دلسوزی و بردباری باید بن مایه‌های این نظام اخلاقی جهانگیر شوند. به یقین چنین نظام اخلاقی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، بازرگانی، مذهبی و فلسفی زندگی جوامع بشری تأثیری به سزا خواهد داشت.»

وانگاری موتا ماثائی
کوشندهٔ طبیعت دوست کنیائی و
برندهٔ جائزهٔ صلح نوبل (۲۰۰۴)

پیشگفتار

فرضیه‌ها

امروز، در سراسر جهان جنوب، کوشندگان زن در دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی جوامع خویش نقشی روزافزون ایفا می‌کنند. رویدادهایی که در قرن گذشته به طرد استعمار، آپارتاید و دیکتاتوری انجامید اشتیاق به تحقق حقوق جهانی بشر و تأمین عدالت را، در سراسر جهان، در دل و اندیشهٔ انسان‌ها تثبیت کرد. گرچه دستاوردهای جنبش زنان از یک جامعه به جامعهٔ دیگر، از یک زبان به زبان دیگر، از یک کیش به کیش دیگر، و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، متفاوت است، اما اصول برابری، عدالت، و حقوق بشر وجه مشترک همهٔ این جنبش‌هاست.

مبارزه در راه حقوق زنان اغلب به عنوان مبارزه بین سنت و تجدّد تلقی می‌شود. در بسیاری از نقاط جهان، مذهب، قبیله، و نیروهای محافظه‌کار و نیز سنت‌ها و هنجارهای فرهنگی اصرار می‌ورزند که حقوق زنان از حوزه زندگی خصوصی آنان- که به خانه و وظایف مادرانه محدود می‌شود- فراتر نمی‌رود زیرا حوزهٔ عمومی به مردان اختصاص دارد تا بتوانند به تصمیم‌گیری در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه بپردازند. ولی، پیشرفت حقوق زنان بر پایه حقوق بشر به معنی ایجاد تعادل بین حوزهٔ خصوصی و عمومی و یا سنت و تجدد نیست. تأمین این حقوق نباید معادل از بین رفتن سنت‌ها باشد. در مثل است که نی در نیزار در برابر باد سر خم می‌کند. سنت و فرهنگ پدیده‌هایی ایستا نیستند که تندبادی آنان را بشکند. در طول زمان سنت‌ها و فرهنگ‌ها همواره در حال تحول بوده‌اند تا بتوانند در فرایند سازگاری با اوضاع و احوال متحول اجتماعی نیرومندتر شوند.

مشارکت زنان در عرصهٔ عمومی و سیاسی گامی اساسی برای ایجاد شرایط مناسب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که به برابرشدن فرصت‌ها برای زنان و مردان بینجامد. زنان می‌توانند مروّجان آگاه، موقع‌شناس و دوراندیش نیازهای خویش باشند. در دنیای کنونی، شرکت زنان در پهنهٔ سیاست در حال پایان بخشیدن به ستیز دیرینه بین فضای خصوصی و عمومی و توانمند کردن زنان به تصمیم‌گیری و رهبری در جامعه است. ***به سوی عمل: رهنمون مشارکت سیاسی زنان***(از این پس ***رهنمون***) در پرتو این اندیشه طرّاحی شده است که باید، با تشویق زنان به ورود به عرصهٔ سیاست، بر شمار زنانی که در جایگاه‌های تصمیم‌گیری سیاسی قرار گرفته‌اند افزود. در هر حال ما به تجربه آموخته‌ایم که برابری شمار زنان و مردان در سطوح رهبری، با همهٔ ضروریت و اهمیتش، کافی نیست. رهبری سیاسی صرفنظر از جنسیت سیاستگر، می‌تواند به عاملی برای سرکوب و اختلاف‌آفرینی تبدیل شود. از همین روست که سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان و همکارانش *رهنمون* را به منظور توانمند کردن زنان برای رهبری مشارکتی و دموکراتیک طرّاحی و ارائه کرده‌اند.

هدف‌ها

کتاب حاضر ابزار یادگیری برای کسانی است که خود را آمادهٔ پذیرفتن چالش مشارکت سیاسی جدّی در جامعه می‌بینند. این کتاب بخش تازه‌ای از مجموعهٔ رهنمون‌ها و آموزه‌های سازمان بین‌المللی آموزش زنان است که به عنوان ابزاری کارآ برای توانمند کردن و پیشرفت زنان طرّاحی شده‌اند. همهٔ بخش‌های این مجموعه از ویژگی‌های مشترکی بهره‌منداند. همانند دیگر بخش‌ها، رهنمون حاضر نیز، با بهره‌گیری از شیوه‌های گفت‌وگو و پرسش و پاسخ آزاد و ارائهٔ آگاهی‌های گوناگون به خوانندگان و مشارکت‌کنندگان، داوری‌ها و نتیجه‌گیری‌های نهایی را به خود آنان واگذار می‌کند.

آورده‌اند که: «به عمل کار برآید به سخن‌دانی نیست.» کتاب حاضر نیز به خوانندگانش و شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها کمک می‌کند تا از سخن گفتن در بارهٔ موانع و محدودیت‌های سیاسی فراتر روند و وارد عرصهٔ عمل شوند. اگر هدف شما این است که برای تصدی مقامی انتخاب شوید یا از مبارزهٔ انتخاباتی شخص دیگری حمایت کنید، اگر می‌خواهید زنان را به رای دادن تشویق کنید، یا به تدوین قوانین مطلوب‌تری برای جامعهٔ خود یاری دهید، این کتاب راهنما به شما کمک می‌کند تا برای برداشتن گام سیاسی بعدی به مهارت‌های بیشتری دست یابید.

ارزش‌ها و قالب‌ها

بهره‌جویی از کتاب حاضر نیازمند منبع یا کتاب دیگری نیست، زیرا با سایر منابع یادگیری سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان در ارزش‌ها و قالب‌های یادگیری مشترک است. راهبردهای مشارکت سیاسی بر کارهایی چون گستردن رشته‌های ارتباطی، گوش فرادادن، ایجاد توافق و اجماع، پیداکردن مفاهیم مشترک، و توسعه همکاری برای فراگیری استوار است. مجموع این کارها به پیدایش یک جریان دموکراتیک و فراگیر، و طرّاحی راهبردهای مشارکت سیاسی می‌انجامد که در گزینش وسیله و هدف، هردو، متعهد به اصول اخلاقی‌اند.

همانگونه که برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تنها یک راه وجود ندارد، برای یادگیری مهارت‌های لازم برای چنین مشارکتی نیز به رهیافت‌های گوناگون می‌توان تکیه کرد. در «رهنمون»، افزون بر تشریح راهبردهای مشارکت سیاسی، فرایند یادگیری به خودی خود می‌تواند هم تسهیل‌گران و هم شرکت‌کنندگان را توانمند کند. آن چه در جلسه‌ها مطرح می‌شود تنها رهنشانه‌هایی قابل تغییر و انطباق است با شرایط و اوضاع و احوال هر جامعه. برای مثال، زندگی‌نامه‌های شخصیت‌های تاثیرگذار و روایت‌ها در بارهٔ پیکارهای سیاسی و انتخاباتی موفق تنها حاوی نکات روشنگری است برای آغاز بحث. البته می‌توان سرگذشت‌نامه و وقایعی را برای بحث برگزید که متناسب با موضوع جلسه و آشنا برای شرکت‌کنندگان باشد.

ساختار

«رهنمون» به نحوی تنظیم و فصل‌بندی شده که متناسب با فضای بحث و پرسش و پاسخ باشد و استفاده‌کنندگان و تسهیل‌گران بتوانند به آسانی و آنگونه که مایل‌اند آن را تعدیل کنند. درس‌ها و تمرین‌ها نیز به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بشود آنها را تغییرداد و حذف کرد تا بتوان از آن‌ها در حد بهینه بهره برد.

«رهنمون» در بخش نخست با عنوان «عناصر اصلی مشارکت سیاسی» هدف و ماهیت مشارکت سیاسی را برمی‌رسد. بخش «راهنمای تسهیل‌گران» به شرح ساختار جلسه‌های کارگاه می‌پردازد و این که چگونه می‌توان از کارگاه‌ها به نحوی بهینه بهره برد.

در ده جلسه‌ای که در این کتاب پیش‌بینی شده است شرکت‌کنندگان به بررسی موانع مشارکت سیاسی زنان می‌پردازند، و راهبردهای رهبری سیاسی اخلاقی را مورد بحث قرار می‌دهند. این جلسه‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش ۱،«سیاست و قدرت: کجا ایستاده‌ام؟» این بخش مرکب از سه کارگاه (workshops) است. در این کارگاه‌ها موضوع بحث و بررسی این است که هر شرکت‌کننده خود را در قالب یک رهبر، یک کوشندهٔ سیاسی و یا یک شهروند جهان چه گونه می‌بیند. بخش ۲، « به سوی عمل: گام‌های بعدی ما کدام‌اند؟» مرکب از هفت جلسه است. در این جلسه‌ها به شرکت کنندگان کمک می‌شود تا استراتژی‌های خاصی برای فعال شدن در جنبش‌های سیاسی و با مبارزات انتخاباتی طرّاحی کنند. در هر یک از این جلسه‌ها شرکت‌کنندگان موانعی را که در راه مشارکت بیشتر زنان در حوزهٔ عمومی وجود دارد مورد بررسی قرار می‌دهند و مثال‌هایی از زندگی زنانی که در عرصهٔ سیاسی فعال‌اند می‌آورند و این که این زنان چگونه با این موانع رفتار کرده‌اند. کتاب راهنما همچنین در برگیرندهٔ سناریوهای گوناگون است که برای مبادلهٔ آزاد نظرهای انتقادی و یا طرح پرسش‌ها توسط شرکت‌کنندگان و به این ترتیب با ایده‌هایی که در کارگاه معرفی می‌شود وارد چالش می‌شوند.

پیوست‌های این کتاب راهنما منابع سودمندی در اختیار می‌گذارد تا خوانندگان بتوانند از آن‌ها برای فعالیت سیاسی در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی بهره جویند.

اصول مشارکت سیاسی

مهناز افخمی

مشارکت سیاسی چیست؟ سیاست چیست؟ چرا سیاست و مشارکت در امور سیاسی برای زنان دارای اهمیت است؟ چرا در اغلب جوامع، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، فرصت‌های برابر در عرصه‌های سیاسی، مانند، سایر عرصه‌ها، از زنان دریغ می‌شود، حتی در جوامعی که اصل برابری پذیرفته شده است؟ چه منافعی نصیب زنان می‌شود، اگر در امور سیاسی تاثیرگذار شوند؟ زنان چگونه می‌توانند در عرصهٔ سیاست نقشی مؤثر داشته باشند؟

اینها البته، پرسش‌هایی اندک است از انبوه پرسش‌هایی که ما باید بپرسیم و به آنها پاسخ دهیم. پاسخ‌های ما و حتی سبک و شیوه طرح پرسش‌ها نمی‌تواند همه‌جا یک شکل و یکسان باشد. ما در جوامع متفاوت، شرایط فرهنگی و وضعیت اقتصادی متفاوت و در نظام‌های گوناگون سیاسی به سر می‌بریم. برخی از ما روزگار را بهتر از دیگران می‌گذرانیم از آن رو که امکانات بهتری برای تحرک و پویایی داریم و به سطوح بالای تصمیم‌گیری راه یافته‌ایم. با این حال تفاوت‌های اساسی چندان زیاد نیست. همه ما دشواری‌های ناشی از زیستن را در فضایی مردسالار تجربه کرده‌ایم و می‌دانیم مشکلاتی که مردسالاری برای مشارکت زنان سر راه می‌گذارد تا چه اندازه دردناک است. به همین دلیل می‌توانیم از یکدیگر یاد بگیریم و به یکدیگر کمک کنیم. می‌توانیم یک دیدگاه مشترک را توسعه بدهیم. دیدگاهی که پیاپی آن را بررسی می‌کنیم و در همان حال که به آن عمق و گسترش می‌دهیم، بیشتر یاد می‌گیریم چگونه شهروندی کنشگر و تاثیرگذار شویم.

مقصود ما از این مرور برجسته کردن برخی از جنبه‌های سیاست و مشارکت است که بر منافع و موقعیت زنان در سراسر جهان-به ویژه در جوامع غیرغربی- تأثیر گذارند. از آن جا که زنان در جوامعی با فرهنگ‌ها و شرایط اجتماعی گوناگون زندگی می‌کنند، فعالیت‌های سیاسی نمی‌تواند برای همهٔ زنان یکسان باشد. اما ویژگی‌های اصلی سیاست و مشارکت، در همهٔ جوامع کم و بیش یکسان است. در اینجا، تمرکز عمدهٔ ما بر چنین ویژگی‌هایی است.

سیاست و قدرت

سیاست با قدرت سر و کار دارد، یعنی توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران. مفهوم قدرت وسیع‌تر از سیاست است؛ جنبه‌ای از روابط متقابل انسان‌ها در همهٔ عرصه‌های زندگی است. بسیاری از ما هرگز درگیر سیاست نشده‌ایم. ولی همه ما در ارتباط با قدرت تجربه به دست آورده‌ایم، حتی در دوران کودکی. ما در آن دوران آموخته‌ایم با چگونه رفتاری با ِ پدر و مادر دلخواهمان را به دست آوریم. در مقام مادری آموخته‌ایم چگونه و با استفاده از کدام شیوه‌ها فرزندمان را ترغیب کنیم تا آنچه را دوست داریم انجام دهد. و سرانجام، آموخته‌ایم که دستکم دو شیوهٔ کلی برای تاثیرگذاری بر رفتار دیگران وجود دارد: یکی زور است، یعنی تهدید به تنبیه و مجازات یا اقدام به آن؛ و دیگری به وجود آوردن فضایی است که در آن خواست ما مشروع شمرده می‌شود و پذیرفتنی و در نتیجه ضرورتی برای بهره‌جویی از زور وجود نخواهد داشت. در مقام زن، ما آشکارا و به دلایل اخلاقی و احساسی شیوهٔ دوم را بر می‌گزینیم. استفاده

از زور را به دلایل عملی هم رد می‌کنیم زیرا اصولاً به ابزار بهره‌جویی از زور دسترسی نداریم. به علاوه، حتی اگر از زور هم استفاده کنیم چنین عملی کارسازترین راه اِعمال قدرت نیست.

با انتخاب شیوه‌هایی که آمیخته با زور نیست، قدرت مشروع یا ناشی از شخصیت ما است یا مرتبط با هویت و اوضاع و احوال حاکم بر زندگی ما. این هردو قابل اکتساب و تغییراند. برخی افراد به طور طبیعی و فطری جاذبه‌هایی دارند که مردم را به سویشان جلب می‌کند. مردم به آنها گوش می‌سپارند به خاطر آن چه هستند. طبیعت به همه مردم این هدیه را نداده است گرچه بیشترمان می‌توانیم با بهره‌جویی از شیوه‌های خاصی بر دیگران تاثیرگذاریم. ما در *جست‌وجوی حق انتخاب: آموزه‌های رهبری برای زنان* در این باره سخن گفته‌ایم. صیقل دادن مهارت‌های رهبری برایمان بسیار با اهمیت است، زیرا همانگونه که خواهیم دید، عوامل شکل‌دهندهٔ شرایطی که در آن به سر می‌بریم، همیشه نمی‌توانند به ما یاری رسانند.

«قدرت مشروع » ما از تاریخ‌مان نشأت می‌گیرد و با آن هم محدود می‌شود- با سنت‌ها و چارچوب‌های قانونی که مرزهای حقوق، تعهدات و آزادی‌های ما را تعیین می‌کنند. از آنجا که اغلب ما در نظام‌های مردسالار زندگی می‌کنیم وظایف‌مان اغلب بر حقوق و آزادی‌هایمان چیره می‌شوند. امّا ما آن قدر هم که این گفته می‌نمایاند ناتوان نیستیم. ما در مقام مادر، همسر، خواهر و دختر، شأن و اعتباری اخلاقی داریم. در چند دهه اخیر بیش از گذشته به عنوان یک شهروند شناخته شده‌ایم. در دهه‌های اخیر، روزافزون دانش‌آموخته‌ایم. در بیشتر کشورها تعداد زنان دانشجو بر تعداد مردان دانشجو فزونی گرفته است. ما اکنون ادعا می‌کنیم حق مداخله در امور گوناگون جامعه داریم، از آموزش و پرورش گرفته تا اقتصاد و فرهنگ و مذهب. گرچه مداخلهٔ ما در برخی از این زمینه‌ها در پاره‌ای جوامع به واکنش‌های منفی مردسالارانه انجامیده اما چنین واکنش‌هایی ما را از تحرک و تکاپو باز نداشته است.

با این همه، هنوز با مشکلات جدی دست به گریبانیم. پیچیده‌ترین این مشکلات از ارزش‌های مردسالاری بر می‌آید که نقش ما را در جامعه تعریف و تعیین کرده‌اند. این ارزش‌ها اغلب ریشه در سنت‌ها دارند، در روح و روان‌مان حک شده‌اند و اغلب نبردی درونی را بین عقل و احساسات‌مان برمی‌انگیزند. ما بر این نکته آگاهی داریم که برخی از محدودیت‌های حقوقی ما از عقل و منطق سرچشمه نمی‌گیرند. با این حال، حکم عقل را تابع احساساتی می‌کنیم که در دوران زندگی در درون ما پروریده شده‌اند، تابع تکلیفی می‌کنیم که ما را به پاسداری از «شرف و آبروی» خانواده، محله و جامعه فرا می‌خواند. بی‌فایده است که پیاپی به خود بگوییم که این شرف و آبروی ما نیست و مفهوم شرافتی که به ما تحمیل شده از حوزه مسئولیت و آزادی‌های فردی ما نشأت نمی‌گیرد. اما سودمند است اگر اجازه دهیم تضادهایی که حس می‌کنیم و بی‌عدالتی‌هایی که می‌بینیم خود ما را به تحوّلی رهنمون شوند که به هم‌نوایی شرف و حقوق و آزادی‌های ما می‌انجامد بی آن‌که پیوندهای درون جامعه را پاره کنند و رسوم و سنن ما را یکسره تباه سازند. نیز این گونه است که راه به سوی آزادی‌ها و حقوق‌مان راهی خواهد بود که خود برگزیده‌ایم. ما سنت‌های خود را انکار نمی‌کنیم. ما در سنت‌های خود بازاندیشی می‌کنیم تا خواست‌های ما را برای دستیابی به برابری، حقوق و آزادی‌هایمان برتابند. و البته با مردان و همه گروه‌های خواستار عدالت اجتماعی برای تحقق این هدف‌ها، که شالوده‌های تأمین عدالت، انصاف و آزادی برای همگان‌اند، همکاری می‌کنیم.

تا محقق شدن همهٔ این خواست‌ها، البته ما باید در عرصهٔ سیاست مشارکت داشته باشیم. شاید در نخستین نگاه بخت ما در این مورد چندان درخشان به نظر نیاید. اگر بپذیریم که سیاست با قدرت مرتبط است، ما زنان در موقعیت ضعیفی قرار گرفته‌ایم، زیرا فاقد همهٔ ویژگی‌هایی هستیم که به فرد قدرت می‌بخشد. نخست آن که امکانات بهره‌وری از قدرت چندان در دسترس ما نیست. علاقه‌ای هم به

بهره‌وری از قدرت نداریم حتی اگر در دسترس‌مان باشد. دوم آنکه، ما در طول تاریخ از اقتدار سنتی بهره‌ای نداشتتیم زیرا در فرهنگی مردسالار می‌زیستیم که تنها مردان را شایستهٔ اقتدار می‌دانست. سوم، از آن جاکه حتی در دنیای مدرن، قوانینی که بر ما حاکم است و مناسبات ما را با دیگران شکل می‌دهد توسط مردانی که بر مسند قدرت نشسته‌اند تدوین می‌شوند، ما اغلب با رفتارهای غیرمنصفانه روبرو می‌شویم حتی در مواردی هم که قوانین بر پایهٔ ضوابط عقلی نوشته شده باشند. این به آن معناست که ما بی‌تردید باید رهیافت‌مان به قدرت مبتکرانه و خلاق باشد. به این منظور لازم است مفاهیم و روش‌های جدید و متفاوت برگزینیم تنها در این شرایط است که موفقیت آن هم موفقیتی خیره کننده، نصیب ما و همه همجنس‌هایمان خواهد شد. اما قبل از آنکه بحث را بیشتر پیش ببریم، بهتر آن است که به موضوع قدرت و سیاست با دقت بیشتری بپردازیم.

قدرت به معنای ارتباطات

اگر بپذیریم که سیاست و قدرت همزادند و «قدرت» توانایی تاثیرگذاری بر دیگران است تا مطابق خواست ما عمل کنند. باید بپذیریم که سیاست پیوندی ماهوی با ارتباطات دارد. اگر با دیگران ارتباط برقرار نکنیم هرگز نمی‌توانیم آنان را از خواست خود آگاه کنیم و اگر نتوانیم خواست‌مان را با دیگران در میان گذاریم، نمی‌توانیم کسی را ترغیب کنیم تا برای تحقق آن چه خواست ماست کاری بکند. نیز نمی‌توانیم آنها را از آنچه برخلاف خواست و مقصود ماست برحذر داریم. بنابراین، ایجاد رابطه با دیگران عاملی اساسی در فرایند سیاست است. بدون چنین روابطی به کار سیاسی نمی‌توان پرداخت. حال باید پرسید که اجزا و عناصر لازم برای برقراری ارتباط با دیگران چیست؟ در ساده‌ترین شکل، ساختار رابطه از یک پیام‌دهنده، یک پیام، یک کانال ارتباطی، و یک پیام‌گیرنده، شخص یا گروهی که پیام خطاب به آن‌هاست، تشکیل می‌شود. ما در زندگی شخصی خود هر روز با پیام دادن و پیام گرفتن در ارتباط با دیگرانیم.

در زندگی خانوادگی اغلب رو در رو با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنیم. به پسر یا دخترمان می‌گوییم چه کنند یا چه نکنند. با افراد خانواده پرسشی را در میان می‌گذاریم. با دوستان‌مان ممکن است تلفنی یا با اینترنت تماس بگیریم. در طول زمان یاد گرفته‌ایم که برای ایجاد یک رابطهٔ پایدار به اصولی پایبند باشیم. برای مثال، از دختر پنج ساله‌مان، انجام کاری را طلب نمی‌کنیم که از نظر جسمی توانایی انجام آن را ندارد یا از نظر فکری هنوز برای او قابل فهم نیست. ترجیح می‌دهیم از او نخواهیم کاری را که هیچ دوست ندارد انجام دهد. اگر مجبور باشیم از او چیزی بخواهیم که می‌دانیم برایش دلپذیر نیست مثلا بخواهیم به او دارویی بخورانیم که از آن بدش می‌آید، ابتدا او را برای پذیرش چیزی که دوست ندارد آماده می‌کنیم. از روی غریزه می‌دانیم ابتدا او باید باور کند که کاری که ما از او می‌خواهیم انجام دهد ضروری است و برایش سودمند. به سخن دیگر،خوب می‌دانیم چگونه نظر مساعدش را به انجام کاری که دوست ندارد جلب کنیم.

این مثال روشنگر بنیادهای ارتباطات سیاسی است. ابتدا و در همهٔ موارد، نخست باید بخواهیم رابطه برقرار کنیم. سپس باید برای ایجاد رابطه هدف مشخصی داشته باشیم که به رابطه معنا بدهد. باید ابزارهای ایجاد رابطه مهیا باشد. باید افراد یا گروه‌های خاصی که ایجاد رابطه با آنها مورد نظر است تعیین شده باشند. ما ناگزیر باید سبک و سیاق پیام را به گونه‌ای تدوین کنیم که با مفاهیم از پیش تعیین شده و خلق و خوی دریافت‌کنندگان پیام در محل و مکانی که آن را دریافت می‌کنند تناسب داشته باشد و نیز با سرشت و طبیعت و خلق و خوی‌شان. در غیر این صورت ارتباطی که برقرار می‌کنیم برای

مخاطبانمان مبهم خواهد بود و در نتیجه تلاش ما به جایی نخواهد رسید. نوعی شباهت ساختاری را می‌توان بین چگونه حرف زدن با کودک و دوست و برقراری ارتباط برای رساندن یک پیام سیاسی پیدا کرد. دستکم از دید نظری این نتیجه‌گیری درستی است که اغلب ما، اگر نخواهیم بگوییم همهٔ ما، می‌توانیم با دیگران ارتباط سیاسی برقرار کنیم.

ایجاد ارتباط سیاسی

ارتباط ***سیاسی*** چیست؟ چه فرقی با انواع دیگر ارتباطات دارد؟

با توجه به منظوری که از این بررسی داریم باید دستکم به دو کیفیت اساسی که ارتباط سیاسی را از ارتباطات غیرسیاسی جدا می‌کند اشاره کنیم: فراگیری و ضمانت اجرا. ارتباط سیاسی در بارهٔ موضوع‌ها و مسائلِ مربوط به همهٔ اعضای یک جمع انسانی است، مانند یک دهکده، یک شهر، یک سازمان، یک دولت و حتی یک منطقه. برای آنکه برقراری ارتباط از نظر سیاسی اهمیت داشته باشد، باید شامل ضمانت‌های اجرایی پذیرفته شده در جامعه باشد. به طور معمول پشتوانهٔ تصمیم‌های سیاسی یا قوانین است، یا قواعد و آیین‌نامه‌هایی که ضمانت اجرایی دارند. در دوران‌های پیشین شاه یا حاکم با توسل به سنت حکومت می‌کرد. اگر کسی می‌پرسید چرا چنین است؟ پاسخ به احتمال بسیار این بود که تا بوده همین بوده.

در دوران ما، معمولاً قوانین و مقررات مدوّن و منبعث از ارادهٔ عموم مردم قدرت مشروع حاکمان را محدود می‌کنند و همزمان، حقوق، تکالیف و تعهدات دو طرف یعنی حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را نیز بر می‌شمرند. اصل پذیرفته شدهٔ امروزی این است که می‌توانیم دربارهٔ وضع موجود و نیز مبنای عقلایی قوانین و مقررات چون و چرا کنیم. همین اصل به ما حق می‌دهد تا مشروعیت صاحبان قدرت و تصمیم‌هایی را که می‌گیرند مورد پرسش قرار دهیم. و همچنین حق داریم تا در بارهٔ قوانین و مقرراتی که به درستی از تصویب نگذشته است و یا به نیازها و خواسته‌های جامعه پاسخ نمی‌دهد پرسش‌هایمان را طرح کنیم. اما همان گونه که اشاره شد، نباید سنت‌های جامعه را در ادارهٔ امور به فراموشی و غفلت بسپاریم و سبک‌سرانه اهمیت آنان را نادیده بگیریم. با این حال پذیرفتنی نیست که به نام سنت و یا تفاسیر مغرضانه از ارزش‌ها، آداب و رسوم و متون دینی، به قید و بندهایی تن بسپاریم که برای تحدید یا نفی حقوق، آزادی‌ها و نیازهای ساده و ابتدایی ما ایجاد شده‌اند. زیرا، در جوامع ما قدرت‌های تثبیت شده و دیرینه سال، منافع خود را در این می‌بینند که، به بهانهٔ سنت، بر ادامهٔ قید و بندهایی که آزادی‌ها و حقوق مردم را محدود کرده‌اند پافشاری کنند و سایهٔ سنگین‌شان را بر امور تداوم بخشند.

در چنین اوضاع و احوالی است که هریک از ما، با شناختن ویژگی‌های جامعهٔ خود و فرهنگ مسلط بر آن، باید بکوشیم و با گزیدن شیوه‌هایی کارآ برای ایجاد ارتباط سیاسی با دیگران بر این واقعیت تأکید کنیم که هریک از ما در مقام یک انسان دارای حقوقی هستیم، حقوقی که ناشی از پیروی از مذهبی خاص، و یا تعلق به نژاد خاص، ملیت خاص و یا جنسیت خاصی نیست. حقوق و آزادی‌های فرد انسان امری جهانی است گرچه تحقق این حقوق، و یافتن اولویت‌های لازم برای تحقق آن‌ها، به اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وابسته است.

فرایند سیاسی

همان گونه که اِعمال قدرت از سیاست فراتر می‌رود، عرصهٔ سیاست هم از پهنهٔ قدرت فراخ‌تراست. قدرت توانایی ماست به حرکت کردن و سیاست هدفی است که به خاطرش حرکت می‌کنیم. کار سیاسی یعنی تعریف هدف‌ها و تعیین مقصد و برگزیدن بهترین راه از میان راه‌های گوناگونی که می‌توانند ما را به مقصد رسانند. بنابراین، سیاست مرتبط با ارزش‌های ماست، با آنچه با منافع‌مان ارتباط دارد و بر منافع دیگران در هر جمعی از مردم تأثیر می‌گذارد، از یک روستا گرفته تا یک شهر و حتی محلی که در آن کار می‌کنیم. این ادعا را بارها شنیده‌ایم که برخی از سازمان‌های اجتماعی، مثلا احزاب سیاسی، با سیاست سرو کار دارند و برخی دیگر، همانند نهادهای دولتی، با امور اجرایی و اداری. امّا این ادعا تنها تا حدودی درست است. عمل سیاسی و اداری در هردو بخش همزمان جریان دارد، گرچه وظیفهٔ اصلی یک حزب سیاسی فعالیت در راه رسیدن به قدرت است و مهم‌ترین تکلیف نهادهای اداری دولتی اجرای تصمیم‌هایی است که در سطوح سیاسی گرفته می‌شود. در واقع، در بسیاری از جوامع این تصمیم نهادهای اداری و اجرایی است که بر زندگی روزمرهٔ شهروندان اثر می‌گذارد. به این ترتیب، با توجه به ماهیت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، باید با ارزیابی درست کانون‌های اصلی قدرت سیاسی را پیدا کنیم.

تصور کنید خواست مشخصی دارید که به دولت مربوط می‌شود. برای تحقق این خواست طبعا مقام مسئولی را در یکی از نهادهای دولتی پیدا می‌کنید و آن خواست را با او در میان می‌گذارید. به احتمال زیاد آن فرد سخن شما را می‌شنود اما در عمل کاری نمی‌کند. ماه‌ها بعد به این نتیجه می‌رسید که باید شیوهٔ دیگری برگزینید. به این می‌اندیشید که بسیاری دیگر از همشهری‌های شما نیز ممکن است همان خواستی را که مورد نظر شماست داشته باشند، اما نمی‌دانند چگونه آن را مطرح کنند. این اندیشه شما را به چاره‌جویی از نوع دیگری رهنمون می‌سازد. با خود فکر می‌کنید اگر شما و آنها به اتفاق صدای خود را به مقام‌های حکومتی برسانید، مجموعهٔ صداها از یک صدا مؤثرتر خواهد بود و ممکن است به جایی برسد. این گونه است که در مسیر تبدیل شدن به رهبر سیاسی گام برمی‌دارید.

نخست با افرادی که می‌شناسید کار را شروع می‌کنید. به تدریج متوجه می‌شوید کسانی که با شما همراه شده‌اند، هرچند در خواست مشخصی با شما اشتراک نظر دارند، در همهٔ نکات با یکدیگر هم‌رأی نیستند. در ابتدا ممکن است از آگاهی به این نکته سرخورده شوید. با این همه، کار را پی می‌گیرید و به تدریج متوجه می‌شوید که اگر آمادهٔ مصالحه باشید رسیدن به نقاط مشترک بیشتر نیز میسر است. در کار با گروه، شما پیاپی چیزی می‌دهید و چیزی می‌ستانید تا سرانجام نسبت به محتوای بیانیه‌هایی که می‌خواهید با گروه بزرگ‌تری در میان گذارید به توافق می‌رسید. پس از این مرحله از گفت‌وگو، خود را به سرعت در موقعیتی تازه و در میان گروهی بزرگ از هم‌فکران خود می‌بینید. در این فرایند است که متوجه می‌شوید باید ارتباطات خود را از تماس‌های چهره به چهره فراتر برید. پی می‌برید که به کانال‌های بیشتری نیاز دارید تا امکانات ارتباطی خود را با توسل به پخش اعلامیه، روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون و اینترنت گسترش دهید. در این مرحله شما پیام‌تان را دقیق‌تر و روشن‌تر کرده‌اید تا بتوانید پاسخ‌ها و واکنش‌های مثبت بیشتری دریافت کنید. در این جاست که در موقعیتی قرار می‌گیرید که می‌توانید هدف خویش را، با ارتباطات بیشتری که پیدا کرده‌اید، بهتر تعریف و توجیه کنید تا شنوندگان پیام‌تان هرچه بیشتر شوند.

پرسش این است که چه کسانی گیرندهٔ پیام شما خواهند بود؟ اگر پیام‌تان را در سطح محلی انتشار دهید طبیعتاً بهتر شنیده می‌شود. بر پایهٔ یک قاعدهٔ عمومی، در نظام‌های غیرمتمرکز که حکومت‌های محلی در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند، فرصت‌های مشارکت بیشتر از فرصت‌ها در نظام‌های متمرکز

است. ولی اگر نیازمند پیام‌رسانی و حرکت در سطح کشورید – آنگونه که معمولاً هدف نهایی زنان است– باید در درون نظام سیاسی به کانال‌های قابل اطمینان دسترسی داشته باشید. می‌توانید خواست خود را مستقیما با یک یا چند حزب سیاسی در میان بگذارید. البته این کار در صورتی شدنی است که در کشورتان احزاب سیاسی فعالیت داشته باشند. اگر چنین است به سرعت در می‌یابید که برخی از گروه‌های دیگر همان خواستی را که مورد نظر گروه شماست دنبال می‌کنند و برخی دیگر به خواستی در تضاد با آن اصرار می‌ورزند. کار احزاب سیاسی کارآ تلفیق و متجانس کردن این خواست‌ها و تنظیم‌شان برای طرح کردن در مراکز متناسب تصمیم‌گیری است — معمولاً یا هیأت دولت یا قوّهٔ قانونگذاری. اگر در پیمودن این مسیر موفق شوید آنچه گروه شما به عنوان خواست خود ارائه کرده است با خواست‌های متفاوت دیگر گروه‌ها تلفیق خواهد شد و در نهایت امر به زبانی تصویب خواهد شد که هیچ یک از گروه‌ها را کاملاً راضی نخواهد کرد امّا گامی است که می‌تواند برای اکثریت این گروه‌ها پذیرفتنی باشد.

این فرایند متناسب با آن گونه از نظام‌های سیاسی است که کمابیش پاسخگوی خواست گروه‌های فشار در جامعه‌اند. حتی آن دسته از نظام‌های سیاسی نیز که با توجه به مفاهیم دموکراسی در کشورهای غربی، دموکراتیک نیستند و به ایدئولوژی خاصی نیز تعصب نمی‌ورزند، اگر به قدر کافی فضا را برای شنیده شدن پیام‌ها باز گذارند، از خواست‌های گروه‌های مختلف مردم تاثیر می‌پذیرند. در این میان، زنان روبرو با موانع و تبعیض‌های جنسیتی در یک جامعهٔ مردسالار، از چنین امکاناتی چندان بهره نمی‌برند. چنین جوامعی، اگر هم نظام سیاسی کمابیش پاسخگو داشته باشند، بیشتر متمایل به برآوردن خواست‌های گروه‌های نیرومندتر اجتماعی‌اند، همان گروه‌هایی که ابتدایی‌ترین حقوق را برای زنان به رسمیت نمی‌شناسند. در چنین اوضاع و احوال، زنان فعّال در راه تبیین و تلفیق و ترویج منافع خویش ناگزیرند نخست بر بازآموزی فرهنگی و اصلاح شالوده‌های فکری جامعه تمرکز کنند. آنان باید بتوانند دستکم سازندگان متنفذ افکار عمومی را به این واقعیت قانع کنند که تلاش زنان برای احقاق حقوقشان به کاهش حقوق مردان نخواهد انجامید بلکه اگر به نتیجه رسد، به سود زنان و مردان هردو خواهد بود. توفیق چنین تلاشی نیازمند توفیق در بازنگری و اصلاح بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است که بسیاری از مردان و زنان آن‌ها را ارزش‌های اساسی و بنیادی می‌شمرند. چنین بازنگری به خصوص در جوامع با اکثریت مسلمان، کاری لازم است. در این جوامع طی چند دههٔ اخیر نقشی که زنان در عرصهٔ عمومی بازی می‌کنند با حقوق و تکالیفی که در فضای خصوصی دارند متجانس نیست. در بیشتر این جوامع زنان خارج از خانه سخت به کار مشغولند تا در تامین نیازمندی‌های معیشتی افراد خانواده سهمی داشته باشند. آنها زنانی دانش‌آموخته و از آن مهمتر آگاه به حقوق فردی خویش‌اند. بااین وصف، موقعیت حقوقی آنها در روابط خصوصی و زندگی خانوادگی تغییر قابل توجهی نکرده است.

باید به خاطر داشته باشیم که این ناسازگاری ریشه در تاریخ دارد و نه در فرهنگ. زنان همواره در سراسر جهان، در همهٔ ادوار تاریخی، در همهٔ فرهنگ‌ها، حقوق و مسئولیت‌هایشان با حقوق و مسئولیت مردان یکسان نبوده است. زنان تا همین سال‌ها و قرنی که از آن چندان دور نشده‌ایم در سراسر جهان از استقلال فردی برای ورود به بازار کار، پیدا کردن شغل، استفادهٔ آزادانه از امکانات آموزشی، انتخاب آزادانهٔ شوهر، تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، حق رأی دادن و حق انتخاب شدن محروم بوده‌اند. کشور سویس تازه در سال ۱۹۷۰ میلادی حق رأی را برای زنان پذیرفت. بنابراین، جوامع و فرهنگ‌ها به مرور زمان تغییراتی را پذیرفته‌اند. ادیان و مذاهب در طول زمان به بازنگری در تفاسیر کهن تن داده‌اند. این بازنگری‌ها اغلب با خواست و ارادهٔ رهبران دینی در تضاد بوده است. اختلاف بین معرفت‌شناسی دینی و جامعه‌شناسی مردمی که آداب و آیین‌های دینی را به جا می‌آورند نیز عمیق‌تر شده

است. برای مثال، مسلمانان از آیین‌ها و احکام اسلام، در اقلیم‌ها و ادوار تاریخی گوناگون، به صورت‌های مختلف پیروی کرده‌اند.

زنان و دموکراسی

گفته می‌شود دموکراسی بهترین شکل حکومتی است که می‌شناسیم. ولی حق داریم بپرسیم: چرا دموکراسی نوع مرجح از حکومت است؟ پاسخ متعارف این است که دموکراسی از آن رو بر دیگر شکل‌های حکومتی ترجیح دارد که مردم، از راه برگزیدن آزادانهٔ نمایندگان خود، حکومت می‌کنند. به سخن دیگر، دموکراسی نظامی است استوار بر حق حاکمیت مردم. شهروندان در این نظام صاحب حقوقی هستند. مصونیت حریم شخصی افراد از تعرّض تضمین شده است. حکومت دارای اختیارات مطلق نیست و اختیاراتش محدود است، همانگونه که حکومت اکثریت با حقوق اقلیت محدود می‌شود. هواداران دموکراسی چنانچه با این پرسش مواجه شوند که مطلوب‌ترین ویژگی‌های این نظام چیست به احتمالی خواهند گفت: آزادی فردی، حقوق بشر، احترام به عقاید دیگران، حق نظارت مردم بر حکومت، و بسیاری ویژگی‌های دیگر که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین اساسی دولت‌های «دموکراتیک» برشمرده شده‌اند. همهٔ این ویژگی‌های یک نظام دموکراتیک هنگامی تحقق می‌یابد که این نظام در جامعه‌ای بنا شود که به زبان فلسفی جامعهٔ «لیبرال» نام گرفته است.

حال فرض را بر این بگذاریم که جامعه جامعه‌ای لیبرال نیست. تصور کنیم زنان در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که اکثر مردمانش به ارزش‌های دموکراتیک اعتقادی ندارند. تصور کنیم که در باور این اکثریت ارزش‌های دموکراتیک را شماری از دولت‌های استعمارگر اختراع کرده‌اند تا بتوانند به فریب دادن و تسلط یافتن بر جوامع دیگر و استثمار آنان موفق شوند. تصور کنیم که چنین اکثریتی سخن گفتن از حقوق زنان را حیله‌ای برای تبدیل کردن آنان به ابزارهای فساد و هرزگی می‌شمرد. تصور کنیم که به اعتقاد این اکثریت‌شأن انسانی زن را تنها با پیروی از احکام قرآنی می‌توان حفظ و حمایت کرد. و اضافه می‌کنند که چنین احکامی فقط بر پایهٔ تفسیری که آنها به رسمیت می‌شناسند، و تنها تفسیر مجاز است، باید اجرا شوند.

البته اغلب می‌دانیم که این جامعهٔ فرضی در بسیاری از کشورها واقعیتی ملموس دارد. به همین دلیل ضروری است که زنان وارد عرصهٔ سیاسی شوند با جرأت همراه با احتیاط و با درک این واقعیت که: اغلب ما در جامعه‌ای لیبرال زندگی نمی‌کنیم. بنابراین، باید به پدیدهٔ حکومت و انواع آن با دید تازه‌ای بنگریم. به عنوان نمونه، هنگام سخن گفتن از دموکراسی نگرشی تحلیلی به آن داشته باشیم و ابعاد تاریخی و اجتماعی و فرهنگی‌اش را سبک و سنگین کنیم. باید بپرسیم چه نظامی در جامعه امکان تحقق ارزش‌ها و آداب و رسومی را فراهم می‌کند که مطلوب ما در یک دموکراسی آرمانی است؟ به منظور رسیدن به پاسخ این پرسش ناگزیریم دستکم به طرح دو نوع پرسش و پیشنهاد بپردازیم: ۱) ارزش‌هایی که مایل به تحقق و رواج هرچه بیشتر آن‌ها در جامعه‌ایم ـ ـ مانند آزادی، حقوق، برابری، حریم فردی و دولتی با اختیارات محدود و همچنین امنیت برای جامعه و خانواده و ۲) در چه جامعه‌ای دوست داریم این ارزش‌ها را رواج دهیم -- ثروتمند یا فقیر، باسواد یا بی‌سواد؟ لیبرال یا غیرلیبرال، مذهبی یا سکولار؟ سلسله‌مراتبی یا مشارکتی، مردسالار یا جنسیت‌پذیر، همگون یا غیرهمگون؟

قدرت، حاکمیت و عدالت، که اجزای اولیهٔ هر نظام سیاسی به شمار می‌روند، در دو سطح قابل بررسی و ارزیابی‌اند: نخست در سطح حکومتی و اداری که پهنهٔ تقاطع دولت و جامعه است و دیگری در سطح فردی و خصوصی که محل تقابل و تعامل بین انسان‌هاست از جمله بین زن و شوهر، پدر و

دختر، خواهر و برادر، آموزگار و دانش‌آموز، کارفرما و کارمند. آشکارا، این دو سطح نیز در تقابل و تعامل‌اند که گاه، به ویژه در جوامع غیرلیبرال، به تضادهای غیرعادی می‌انجامد. به عنوان نمونه، هنگامی که کار ترویج و تثبیتِ ساز و کارهای دموکراتیک به وضعی منجر می‌شود که نافی ارزش‌های بنیادی دموکراسی است. در جهان در حال رشد، به ویژه در کشورهای اکثریت مسلمان، زنان اغلب در این تضاد طرف بازنده‌اند. از همین رو، در هر فضای فرهنگی و اجتماعی، زنان خود باید تعیین کنند که چه رهیافتی به سیاست حافظ منافع آنان است.

رهیافت زنان به سیاست

ما از تجربه‌های مثبت کوشندگان حقوق زن، در عرصه‌های گوناگون سیاسی، آموخته‌ایم که چه گام‌هایی بخت ما را برای دستیابی به مشارکت کامل سیاسی افزایش می‌دهند.

نخست، ما باید با همکاری مردان وارد عمل شویم. ضمن همکاری می‌توانیم آنها را با این واقعیت آشنا کنیم که توانمند شدن زنان تهدیدی نسبت به مردان نیست. برعکس، این توانمندی به سود همه است زیرا به مشارکتی کارآ و پربار منجر می‌شود.

دوم، باید این مشارکت و همکاری را بر پایهٔ احترام، آگاهی، همبستگی، و همیاری میان خود و زنان و مردان دیگر برپا کنیم. ارتباط میان زنان جوامع گوناگون با یکدیگر نیز اهمیتی روزافزون یافته است؛ ارتباط برای تأیید کارهای یکدیگر، آموختن به یکدیگر و یادگیری از یکدیگر. برای زنان مسلمان به ویژه مهم است که با زنان جوامع و فرهنگ‌ها و مذاهب دیگر ارتباط و مشارکت برقرار کنند. همه احتیاج داریم بیاموزیم و بیاموزانیم.

سوم، باید با شبکه‌ها و سازمان‌های وسیع‌تری که خواهان عدالت اجتماعی‌اند هرچه بیشتر همکاری کنیم. در این زمینه، به ویژه سازمان‌ها و جنبش‌هایی اهمیت دارند که حقوق بشر، پاکیزگی محیط زیست، روابط کارگر و کارفرما، ترویج دموکراسی و صلح را در دستور کار و فعالیت خود گنجانده‌اند.

چهارم، باید به اهمیت توان فزونی در هر دو سطح فردی و جامعهٔ آگاه شده باشیم. ما باید به بسیج افراد، ترویج خواست‌ها، تشخیص مسائل، و یافتن راه‌حل‌ها توانا باشیم. همهٔ این توانایی‌ها به آفریدن ظرفیت رهبری یاری می‌رساند.

پنجم، رهبری‌ای که عاملی اساسی در توانمند شدن زنان شمرده می‌شود مفهومی پیچیده است. ما قدرت را برای رسیدن به جانشینی مردان نمی‌خواهیم. ما برای کمک به بهترشدن اوضاع و احوال جامعه در پی توانمند کردن خویشیم. مفهوم رهبری نیز برای ما با همین هدف عجین شده است. ما در سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان همراه با سازمان‌های همکارمان در سه قارهٔ جهان مفهوم رهبری زنان را عمیقاً بررسیده‌ایم و آن را به یک الگوی تعاملی ارتباط و گفت‌وگو تعبیر کرده‌ایم که معرّف جامعه‌ای باشد که زنان خواهان آن‌اند و به جست‌وجویش برخاسته‌اند. در این الگو، رهبری در فرایند یادگیری مشترک پدیدار می‌شود و ویژگی‌های نظامی را می‌یابد که در آن، بر پایهٔ داد و ستد دانش و تجربه، هر یک از اعضا، یا همزمان و یا به تناوب، هم پیرو است و هم رهبر. در واقع، این الگویی است که مایلیم نهادهای سازندهٔ جامعهٔ مدنی آیندهٔ ما از آن الهام گیرند.

ششم، نیاز داریم صدایمان شنیده شود. امکاناتی در دوران ما پدید آمده و توسعه یافته‌اند که قبلاً در دسترس نبودند از آن جمله تکنولوژی اطلاعات. ما باید بکوشیم تا با دستیابی به این امکانات نوین و

بهره‌جویی از آن‌ها به ایجاد انواع ارتباطات و همکاری‌هایی یاری دهیم که در کتاب *در جستجوی انتخاب؛ آموزه‌های رهبری برای زنان* به آن‌ها اشاره کرده‌ایم. از راه چنین ارتباط‌ها و همکاری‌هاست که می‌توانیم به همراهی‌های سیاسی نیز برسیم و دگرگونی‌های فرهنگی را در جامعه تسهیل کنیم. برای نیل به این هدف‌ها ما به دانش و منابع و توانایی‌های بالقوهٔ زنان مجهّزیم. ما باید بی‌وقفه با همکاری سازمان‌های شریک خود بکوشیم تا هم خود را و هم جوامع‌مان را به ضرورت اجتناب‌ناپذیر بهره‌جویی از تکنولوژی اطلاعات عمیقاً آگاه کنیم، نه تنها برای آشنا شدن با جهان بلکه برای بازسازی‌اش.

رهنمون‌هایی برای تسهیل‌گران [۱]

این رهنمون‌ها به شما کمک می‌کند تا بتوانید به هدفتان، که تسهیل برگزاری جلسه‌های گفت‌وگو و تمرین است، برسید. در مقام یک تسهیل‌گر مسئولیت دارید تا مراحل یادگیری را بگذرانید و برای برگزاری و مدیریت جلسه‌ها آماده شوید. برخلاف یک مربّی و آموزگار سنتی، مسئولیت شما این نیست که گروه تحت تعلیم خود را به سمت و سوی نتیجه‌گیری از پیش تعیین شده یا اندیشه‌ای خاص سوق دهید. مسئولیت شما این است که برای شرکت‌کنندگان در کارگاه آن چنان فضای راحت، اعتمادانگیز و امنی بیافرینید که در آن شرکت‌کنندگان و شما، هردو، بتوانید از ایده‌ها و تجربه‌های دیگران بیاموزید و با ذهنی باز، و با همکاری همهٔ شرکت‌کنندگان، به اجماع و اتفاق نظر برسید. شما می‌توانید با برنامه‌ریزی قبلی برای تهیهٔ مکان مناسب و ابزار و وسائل مورد نیاز، و نیز با بهره بردن از شیوه‌های مناسب تسهیل‌گری که به افزایش احترام متقابل، گفت‌وگوهای سنجیده و همکاری و مشارکت فعالانه می‌انجامد، چنین فضایی را بیافرینید.

نقش تسهیل‌گر

تسهیل‌گر موفق کسی است که همراه با شرکت‌کنندگان در کارگاه به سخنان دیگران گوش می‌سپارد و از آن‌ها می‌آموزد. نقش شما این است که جلسه‌ها را سامان دهید و راهنمای شرکت‌کنندگان در اجرای تمرین‌ها باشید. نیازی نیست که شما متخصص مشارکت سیاسی باشید یا همهٔ پرسش‌ها را بدانید. جلسهٔ گفت‌وگویی موفق است که حاصل مشارکت فعّال همهٔ اعضای گروه باشد.

هدایت بحث

ممکن است گهگاه شما مایل باشید تا جهت تازه‌ای به گفت‌وگوهای گروه بدهید. وظیفهٔ شما هدایت نتیجهٔ گفت‌وگوها نیست بلکه تنها جهت دادن به بحث و مناظره‌هاست. در عین حال باید به‌خاطر داشته باشید که عقیدهٔ درست یا معتبرتر از سایر عقاید وجود ندارد. با این شیوه می‌توانید اطمینان حاصل کنید که هر یک از شرکت‌کنندگان در یادگیری و انتقال آگاهی خود به دیگران از فرصت یکسانی بهره‌مند بوده‌اند. يك تسهیل‌گر توانا محیطی قابل اعتماد و بی‌طرف ایجاد می‌کند. در چنین محیطی شرکت‌کنندگان احساس می‌کنند که قادر به بیان عقاید خود و مخالفت با نظر دیگران به شیوه‌ای آرام و محترمانه‌اند، بی‌آن که آماج داوری یا حملهٔ دیگران قرار گیرند. از وقفه‌های طولانی میان اظهار نظرها نگران نشوید. در چنین درنگ‌هایی است که شرکت‌کنندگان هم مجال اندیشیدن می‌یابند و هم اعتماد به نفس لازم را برای ابراز عقیدهٔ خود پیدا می‌کنند.

---

۱. برای تفصیل بیشتر ن. ک. به:

"Communicating in a Workshop Setting: Guidelines for Facilitating," Leading to Choices: A Leadership Training Handbook for Women, (Women's Learning Partnership, 2001).

برانگیختن بحث

در همهٔ جلسه‌های این کتاب، پرسش‌هایی به منظور برانگیختن بحث و گفت‌وگو مطرح شده است. هدف از این پرسش‌ها تنها ارائهٔ نکاتی است که بتواند به گروه در بررسی زمینه‌ها و ابعاد گوناگون رهبری کمك کند. تا زمانی که گروه مشغول مباحثه‌های مفید و مربوط به موضوع است، شما می‌توانید اجازه دهید که گفت‌وگوها از مرز پرسش‌های مطرح شده بیرون روند. افزون براین، ما می‌توانید تصمیم بگیرید که روش‌های متفاوت را در اجرای تمرین‌ها به کار برید و یا پرسش‌هایی کاملا متفاوت با آنچه در جلسه‌های کارگاه مطرح شده است پیشنهاد کنید. اگر در جلسه متوجه افرادی می‌شوید که خجالتی هستند و جرأت لازم برای ابراز عقاید خود ندارند، شما عقیدهٔ خود را بیان کنید و سپس از یکی از آنها در بارهٔ آنچه گفته‌اید نظر بخواهید. تا زمانی که شما نسبت به نیازهای فرد فرد شرکت‌کنندگان و نیازهای جمعی گروه ابراز علاقه می‌کنید، با احتیاط و با روحیهٔ مثبت با آنان سخن می‌گویید و همراه دیگران مسئولیت یادگیری را می‌پذیرید، مطمئن باشید که تسهیل‌گر کارآمدی هستید.

پایبندی به برنامهٔ کار

تسهیل‌کننده در صورتی می‌تواند به بهترین شکل ممکن جلسه را برگزار کند که مقیّد حفظ وقت باشد و نیز ضرورت پای‌بندی به دستور جلسه را به شرکت‌کنندگان یادآوری کند. گرچه تعداد شرکت‌کنندگان در هر يك از کارگاه‌ها متفاوت خواهد بود، اما لازم است که در هر کارگاه شرکت‌کنندگان تشویق شوند تا منظور خود را در کوتاه‌ترین شکل ممکن با جمع در میان گذارند. در غیر این صورت، جلسه در انحصار یک یا چند تن قرار می‌گیرد. مراعات این قاعده به ویژه در تمرین‌هایی ضروری است که در آن همهٔ شرکت‌کنندگان یا با روایت ماجرایی یا با طرح نظری در گفت‌وگوها سهیم می‌شوند. شیوهٔ مناسب برای مراعات این قاعده این است که به همهٔ شرکت‌کنندگان، و نه تنها به یک نفر، گوشزد کنید که از موضوع خاص مورد بحث خارج نشوند. همچنین، مفید است اگر اعضای گروه را به شنیدن آراء یکدیگر تشویق کنید تا بتوانند نظر خود را با توجه به نظرهایی که قبلا در جلسه بیان شده، مطرح کنند.

تقسیم مسئولیت‌ها

اگرچه مسئولیت ادارهٔ هر جلسه کارگاه به عهدهٔ شماست، ولی نیازی نیست کلیهٔ فعالیت‌ها یا ادارهٔ همهٔ بحث‌ها را بر دوش بگیرید. مسئولیت مشترک می‌تواند و باید در سازماندهی جلسه‌های کارگاه جای خاصی داشته باشد. یک راه ساده برای رسیدن به مسئولیت مشترک این است که همهٔ شرکت‌کنندگان تشویق شوند داوطلبانه مسئولیت یادداشت‌برداری از گفته‌ها، خواندن دستورالعمل‌ها و روایت‌های مندرج در کتاب راهنما، و یا ادارهٔ جلسه را به عهده بگیرند. به شرکت‌کنندگان اطمینان بدهید که نگران خطاهای املایی در هنگام یادداشت‌برداری نباشند، و یا هنگامی که مطلبی را با صدای بلند می‌خوانند، از نادرست تلفظ کردن واژه‌ها بیم نکنند. این یادآوری‌ها هم به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا احساس آرامش کنند، و هم دیگران را به داوطلب شدن ترغیب می‌کند.

شرکت در بحث و گفت‌وگو

به خودتان مربوط است اگر بخواهید در بحث شرکت کنید. اما همواره به یاد داشته باشید که چون برگزارکنندهٔ جلسه هستید و کنترل‌اش کمابیش برعهده شماست، ممکن است شرکت‌کنندگان وزن و اعتبار خاصی برای نظرات و تصمیمات شما قائل باشند. بنابراین مهم است که دخالت محدودی در بحث داشته باشید، و هنگامی هم که نظری می‌دهید تأکید کنید که نظر شخص شماست و نه الزاماً نظر درست.[۲]

لذت بردن از جلسه

از یاد نبرید که شرکت در کارگاه هم برای یادگرفتن است و هم برای لذت بردن از کار.

نقش شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان در جلسه‌های کارگاه با انتظارات گوناگون، با طیفی وسیع از پیش‌فرض‌ها و انتظارات از آن چه روی خواهد داد، به آن می‌پیوندند. صرف‌نظر از تجربه‌ها و موقعیت شغلی‌شان، نقش شرکت‌کنندگان این است که هم دانش‌آموز باشند و هم آموزگار، هم خود بیاموزند و هم دیگران را در دانسته‌هایشان شریک کنند. کارگاه هنگامی موفق است که شرکت‌کنندگان به سخنان یکدیگر به دقت گوش سپارند، از طرح پرسش‌هایشان نگریزند و فرض‌ها و فرضیه‌ها را به چالش کشند. نیز با دیگر شرکت‌کنندگان همکاری و یا در گروه‌های بزرگ‌تر شرکت کنند. و سرانجام، به ارزیابی فرایند و پیشرفت کار در جلسه ها بپردازند. هریک از شرکت‌کنندگان کارگاه از آن بهره بیشتر خواهند برد اگر در طول هر جلسه به ایجاد یک فضای آرام و دل‌پذیر فعّالانه کمک کنند.

ترتیب برگزاری دیدارها

ضروری است که پیش از حضور در جلسه یادگیری، خود را با موضوع مورد بحث جلسه آشنا کرده باشید. موضوع مورد بحث هر جلسه را مرور کنید تا هم از هدف‌های کتاب راهنما مطمئن شوید و هم از هدف‌های خودتان در کارگاه‌ها و در هریک از جلسات. و نیز مطمئن شوید که لوازم مورد نیاز را، به اندازهٔ کافی، در دسترس دارید. جلسه‌ها می‌تواند در محل اداره، در اماکن عمومی، خانهٔ شخصی، یا هر جای دیگری برپا شود، مشروط بر آن به محل انتخاب شده بی‌سروصدا و امن باشد و شرکت‌کنندگان در آن احساس راحتی کنند.

می‌توانید به شرکت‌کنندگان توصیه کنید که کاغذ و قلم همراه داشته باشند یا تهیهٔ آن را خود به عهده بگیرید. با در نظرگرفتن وضع محل برگذاری کارگاه و لوازم موجود در آن می‌توانید به میزان لازم گچ برای نوشتن روی تخته سیاه یا ماژیک مخصوص برای نوشتن روی برگ‌های مخصوص کشیدن نمودار به جلسه بیاورید. تعدادی نوار چسب و پونز نیز همراه داشته باشید تا در صورت لزوم

۲- برای تعریفی دقیق‌تر از تسهیل‌گری ن. ک. به: "بخش ۱، آموختن تسهیل‌گری،" نانسی فلاورز، «به زبان خودمان،» بتزدا، مؤسسهٔ همبستگی زنان، ۱۹۹۹.

بتوانید برگ‌ها را روی دیوار بچسبانید. از تخته سیاه و ورقه‌های بزرگ کاغذ می‌توان برای یادداشت برداشتن از ایده‌ها و نظرهای مطرح شده و اشاره به آن‌ها در طول جلسه استفاده کرد. ثبت نکات مهم بحث و گفت‌وگو روی کاغذ به ویژه مفید است زیرا می‌توان در جلسه های بعدی به ایده‌ها و نظرهای مطرح شده مراجعه کرد.

در میان تمرین‌های کتاب راهنما تمرین‌هایی پیشنهاد شده که در آن گروه برای انجام کاری خاص به تیم‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود. اگر برخی از شرکت‌کنندگان نسخه‌ای از کتاب را همراه نداشته باشند، می‌توانید شرح انجام این تمرین‌ها را تکثیر کنید و در اختیارشان بگذارید. یا می‌توانید دستورالعمل‌ها را با حروف درشت روی ورقه‌های کاغذ بنویسید و به دیوار بیاویزید آن گونه که همه بتوانند ببینند و بخوانند.

وقتی که به هر جلسه اختصاص داده می‌شود نباید از سه تا چهار ساعت بیشتر باشد. می‌توانید ترتیبی بدهید که ساندویچ و نوشیدنی در دسترس شرکت‌کنندگان قرار گیرد تا بیشتر احساس راحتی کنند. اگر مطمئن نیستید که آنها چه نوع ساندویچ یا آشامیدنی را ترجیح می‌دهند، در همان جلسه نخست از آنها بپرسید. مهم‌تر از همه، از پیش برنامه‌ریزی کنید تا از نیازها با خبر شوید و پی برید که هر جلسه را چگونه باید سازماندهی کنید.

لوازمی که ممکن است نیاز داشته باشید:

- قلم/ یا مداد
- کاغذ
- کاغذ بزرگ برای برجسته ساختن نکات مهم
- نوار چسب یا پونز
- دفتر نمودار
- ماژیك رنگی
- گچ
- کپی‌های دستور عمل‌ها
- ساعت با صفحهٔ بزرگ و عقربهٔ دقیقه شمار
- نوشیدنی و غذای سبك برای ساعت استراحت
- فنجان، بشقاب، دستمال

گفت‌وگو در بارهٔ برقراری ارتباطات، گوش فرادادن، به توافق رسیدن، دستیابی به مفاهیم مشترک، همکاری در یادگیری

برقراری ارتباطات، گوش فرادادن، به توافق رسیدن، دستیابی به مفاهیم مشترک، و همکاری در یادگیری رمز موفقیت در مشارکت سیاسیِ اخلاق‌محوراست. می‌توانید نکات بالا را در جلسه‌های کارگاه یا هر موقعیت مناسب دیگری مطرح کنید. برای برانگیختن بحث می‌توانید از تعریف‌ها و مفاهیم زیر بهره بگیرید:

- **برقراری ارتباطات:** هر شکل از رهبری با ایجاد ارتباطات موثر آغاز می‌شود. رهبران باید در انتقال ایده‌ها و هدف‌های خود به دیگران مهارت داشته باشند. رهبران خوب کسانی هستند که از راه مشاهده، گوش فرادادن به سخنان دیگران، و سخن گفتن، بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. از همین رو در همهٔ جلسه‌های کارگاه تاکید بر تقویت توانایی برقراری ارتباط خواهد بود. در جلسه‌های نخستین تمرکز بر مهارت در ایجاد ارتباطات شخصی است و در جلسه‌های بعدی بر مهارت در زمینهٔ ایجاد ارتباط مابین گروه‌ها و سازمان‌ها.
- **گوش فرادادن به سخن دیگران:** مهارت رهبری با گوش فرادادن و توجه دقیق به آراء و هدف‌های دیگران افزایش می‌یابد. گوش فرادادن به شنیدن آنچه یک ناظر یا همکار یا رقیب می‌گوید خلاصه نمی‌شود. ارزش‌یابی و اعتبار بخشیدن به تصمیمات و عقاید دیگران نیز از تبعات شنیدن است. شنوندهٔ تاثیرگذار، مانند یک رهبر تاثیرگذار، کسی است که از آنچه می‌شنود می‌بیاموزد.
- **به توافق رسیدن:** به توافق رسیدن از اجزای مهم تصمیم‌گیری و مرحله‌ای کلیدی از رهبری موفقیت‌آمیز است. در جریان گفت‌وگوی میان اعضای یک گروه یا تیم یا جمعیت‌های بزرگ‌تراست که می‌توان دریافت پیرامون کدام نقطه نظرها توافقی همگانی وجود دارد. با تفاهم بر سر گزینه‌ها و امکانات است که تصمیم‌های گروه یا سازمان طرّاحی می‌شوند. اگر چنین تفاهمی نباشد گرفتن یک تصمیم دستجمعی ممکن نخواهد بود. رسیدن به توافق دستجمعی گرچه گاه وقت‌گیر و دشواراست، امّا به تصمیم‌های مورد توافق و پشتیبانی همگی می‌انجامد.
- **دستیابی به مفاهیم و ارزش‌های مشترک:** گروه‌های کوچک و سازمان‌های بزرگ هردو از توافق در بارهٔ مفاهیم و ارزش‌های مشترک سود می‌برند. با تبادل آراء و گفت‌وگو است که امکان رسیدن به توافق بیشتر می‌شود. اعضای گروه تجربه‌های شخصی خود را با جمع در میان می‌گذارند و در نتیجه، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول پدیدار می‌شود. هر یک از اعضا در این مجموعه اثری از نقش خود را می‌یابد و احساس می‌کند که در تحقق آن سهمی خواهد داشت. دستیابی به ارزش‌ها رهیافتی انعطاف‌پذیر و قابل انطباق به سوی تعیین هدف‌هاست. این رهیافت خود از ترکیب گروه و گذشت زمان تأثیر می‌پذیرد. هنگامی که گروه به مفاهیم و ارزش‌های مشترک دست یافت، هر یک از اعضای آن با این احساس وارد عمل می‌شود که با دیگراعضا مالکیت و مسئولیت مشترک دارد.
- **به سوی یادگیری دستجمعی:** یادگیری دستجمعی محصول کار مشترک و بازتاب تفکر و فعالیت یک یک شرکت‌کنندگان است. نهادی که اعضایش تنها مجریان کارآمد دستورالعمل‌ها باشند یک نهاد یادگیری دستجمعی نخواهد بود. اگر شرکت‌کنندگان فعالیت‌هایشان را مورد پرسش قرار ندهند، ظرفیت‌هایشان را برای پیشرفت ارزشیابی نکنند، و یا آموخته‌هایشان را با یکدیگر در میان نگذارند. یادگیری دستجمعی رهیافتی درون‌محور و گروهی به سوی نهادسازی است و مستلزم خودآگاهی و تفکر فردی و دستجمعی در مسیر فعالیت‌ها و تحقق هدف‌ها. بنابراین، یک گروه یادگیری مشارکتی آنچنان گروهی است که تعامل بین اعضایش به اندیشه‌ها، ارزیابی‌ها و دانش‌هایی می‌رسد که می‌توانند تحقق اهداف گروه را تسهیل و تسریع کنند. به سخن دیگر، یادگیری دستجمعی زایندهٔ فضایی باز و پویا است که در آن هریک از شرکت‌کنندگان می‌آموزد چگونه بر دانش و توانایی‌های خود و دیگر شرکت‌کنندگان بیفزاید.

نخستین جلسهٔ کارگاه

زمان ورود به جلسه

بکوشید زودتر از شروع جلسه در محل حاضر شوید تا اطمینان حاصل کنید همه چیز همانگونه است که باید باشد و به همان شکل که شما خواسته‌اید تنظیم شده است. دقت کنید که نور اتاق جلسه کافی و گرمای آن مناسب و هوایش تازه باشد و چگونگی چیدن صندلی‌ها مطابق میل شما. چیدن دایره‌وار صندلی‌ها اغلب بهترین شکل برای برگزاری جلسه‌ها بحث و گفت‌وگوست زیرا به هر یک از شرکت‌کنندگان امکان می‌دهد تا دیگران را ببیند و سخنانشان را بشنود.

ورود شرکت‌کنندگان به جلسه

هنگامی که شرکت‌کنندگان وارد جلسه می‌شوند این احساس را در آنها به وجود آورید که از حضورشان خوشحال شده‌اید. این احساس به ویژه هنگامی مهم است که شرکت‌کنندگان یکدیگر را قبلاً نشناخته باشند. اگر شما را هم نمی‌شناسند، خود را معرفی کنید و توضیح دهید که تسهیل‌گر کارگاه هستید. اگر خوردنی و آشامیدنی هم در دسترس است از آنها بخواهید از خودشان پذیرایی کنند.

معرّفی شرکت‌کنندگان

هنگامی که همه وارد شده‌اند بهتر است که شرکت‌کنندگان یک به یک به صورت رسمی خود را به دیگران معرفی کنند. چنانچه شرکت‌کنندگان یکدیگر را می‌شناسند، می‌توانید از آنها بخواهید تا هریک به جای معرفی خود از انگیزه‌ها و امیدهایش برای شرکت در جلسه‌های کارگاه و انتظاراتی که دارد با جمع سخن بگوید. البته شخص شما نیز باید در این تمرین شرکت کنید. دلیل ضرورت شرکت شما این است که با این تمرین به گروه از جمله شما کمک می‌شود تا با یکدیگر آشنا شوید و برای سخن گفتن در جلسه‌ها احساس راحتی کنید.

توضیحات

جلسهٔ نخست را با توضیحاتی به شرکت‌کنندگان آغاز کنید، از جمله در بارهٔ آنچه در دوران تشکیل کارگاه یاد خواهند گرفت و یا به بحث خواهند گذاشت و نیز در بارهٔ چارچوب اصلی هر جلسه (آنگونه که خواهد آمد). گروه را متوجه دستور کار جلسهٔ آن روز و زمان گرفتن تنفّس و پایان جلسه کنید. در ضمن آن‌ها را آگاه کنید که اغلب از داوطلبان برای ادارهٔ جلسه کمک خواهید خواست، در اموری مانند یادداشت‌برداری، نگهداشتن وقت، خواندن **کتاب راهنما** و ایجاد تسهیلات برای بحث و گفت‌وگو.

ساختار جلسه‌ها

جلسه‌های آمده در کتاب حاضر به دو بخش تقسیم شده است. «سیاست و قدرت: کجا ایستاده‌ام؟» (بخش اول) و «به سوی عمل: گام‌های ما کدام‌اند؟» (بخش دوم). در آغاز هر بخش شرح کوتاهی در بارهٔ هدف و مفاهیم مورد بحث داده می‌شود. به دنبال شرح هدف‌ها، می‌توانید از یک داوطلب بخواهید تا مقدمهٔ

بخش اول و دوم را بلند بخواند. پس از آن، حتماً از شرکت‌کنندگان دعوت کنید تا پرسشی اگر دارند مطرح کنند.

چارچوب هر جلسه

همهٔ جلسه‌ها ساختاری مشابه دارند. امّا، فعالیت‌های آن‌ها کاملا یکی نیست. متناسب با موضوع مورد بحث، جلسه ممکن است شامل کارهای زیر باشد:

وظایف تسهیل‌گر: دستورالعمل‌های تسهیل‌گران در آغاز هر دو بخش آمده و شامل فشردهٔ هدف‌ها و شیوه‌های کار تسهیل‌گران است.

هدف‌های جلسه: هر جلسه با ارائهٔ فهرستی از هدف‌ها آغاز می‌شود. قصد از این کار کمک به شرکت‌کنندگان است تا به هدف تمرین‌ها و پرسش‌ها پی برند و بهتر بتوانند گفت‌وگو در بارهٔ زندگی‌نامه‌ها و داستان‌ها را هدایت کنند. بسته به تصمیم شماست که اهداف جلسه را در آغاز جلسه طرح کنید یا در پایان جلسه و یا اصلا مطرح نکنید.

ابزار سنجش و ارزیابی کارگاه: این دو تمرین ارزیابی در پایان دو بخش کتاب گنجانده شده است. اگرچه تمرین‌های مورد اشاره فقط دو بار در کتاب آمده است، اما در همیشه در حین یک دورهٔ آموزشی کارگاه قابل بهره‌جویی است.

تمرین: هر جلسه تمرین‌هایی دارد که اعضای گروه با مشارکت یکدیگر، در گروه و یا دونفره، آن را انجام می‌دهند. مقصود از تمرین‌ها کمک رساندن به شرکت‌کنندگان است تا بهتر به موانع مشارکت سیاسی زنان پی برند و شیوه‌های چیره شدن بر این موانع را بیابند. بسته به ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در کارگاه و ارزیابی شما از نیازهایشان، می‌توانید تمرین‌ها را اصلاح کنید یا تغییر دهید. نظر به اینکه هیچ دو گروه شرکت‌کننده در کارگاه‌ها رهیافت‌شان به مواد اولیه مندرج در **کتاب راهنما** یکسان نیست، ضروری است که شما انعطاف‌پذیرباشید تا بتوانید تشخیص دهید بهترین شیوهٔ کار در هر گروه چیست.

انتخاب پرسش‌ها برای بحث در گروه: پرسش‌هایی که برای بحث و تبادل نظر در جلسه برگزیده شده‌اند به گونه‌ای است که بتوانند به روشن شدن نظر شرکت‌کنندگان در بارهٔ موضوع‌های مشخصی کمک کنند. هر پرسش از درون پرسش پیشین بیرون می‌آید تا بحث را به پیش برد. اگر نخستین بار است که شما در مقام تسهیل‌گر یک کارگاه مشارکت سیاسی کار می‌کنید، دستکم در جلسه‌های اولیه مفید است که پرسش‌های مندرج در **کتاب راهنما** را به همان ترتیبی که آمده است به بحث بگذارید. در جلسه‌های بعدی، ممکن است احساس کنید برای کارآتر شدن جلسه راه‌های بهتری برای طرح پرسش وجود دارد یا نیاز به طرح پرسش‌های بیشتری است. افزون براین، می‌توانید از یک شرکت‌کنندهٔ داوطلب بخواهید که کار هدایت بحث را به عهده گیرد. وی ممکن است برای تسهیل بحث و گفت‌وگو ایده‌های خودش را

انتخاب کند. پرسش و پاسخ‌های «درست» برای بحث در جلسه وجود ندارند. مهم این است که بحث و گفت‌وگوها سرزنده، سودمند و جذاب باشد.

فعالیت دایره‌وار: برای این گونه فعالیت‌ها ترتیبی بدهید که اعضای گروه دایره‌وار دور میزی بنشینند تا هنگامی که یکی سخن می‌گوید، دیگر اعضای گروه او را ببینند. در بحث‌های دایره‌وار کسی در ردیف «جلو» جای ندارد و همهٔ شرکت‌کنندگان می‌توانند به توالی و هرچه تمام‌تر در گفت‌وگو شرکت کنند. هدف این است که چشم‌انداز جامعی از نظرات و تجربه‌های متفاوت و مرتبط با موضوع بحث پدیدار شود.

اگرچه جلسهٔ گفت‌وگوی دایره‌وار برای مشارکت هرچه بیشتر مساعد است، اما باید تأکید کرد که هر شرکت‌کننده‌ای می‌تواند هنگامی که نوبت پاسخگویی به او می‌رسد، از حقش بگذرد و فرصت را به دیگری واگذارد. دلائل بسیار، و قابل احترامی، برای اکراه شرکت‌کننده‌ای از سخن گفتن وجود دارد. با این همه، اگر متوجه شدید که یکی از اعضای گروه به ندرت در گفت‌وگوها شرکت می‌کند و برای شرکت در فعالیت‌ها علاقه‌ای نشان نمی‌دهد، بهتر است موضوع را به صورت خصوصی با او در میان گذارید و به او اطمینان دهید که ایده‌هایش برای پیشرفت کار با ارزش است و در عین حال می‌تواند با بهره‌جویی از نظرهای دیگران و تجربه‌های خود بر دانش و آگاهی‌های خود بیفزاید. اگر نتوانستید او را قانع کنید بکوشید تا به دلائل اکراه وی پی برید تا بتوانید به نیازهای او در طول جلسه‌های کارگاه پاسخ دهید. شرکت‌کننده را نباید زیر فشار گذاشت که به شرکت در جلسه‌ها ادامه دهد اگر از آن‌ها نه لذّت می‌برد و نه سود.

پایان هر جلسه: به احتمال زیاد سودمند است اگر در پایان هر جلسه از شرکت‌کنندگان بخواهید تا اطلاعات کلیدی را که در جلسه فرا گرفته‌اند مشخص کنند و آن‌ها را با توجه به هدف‌های جلسه بسنجند. همچنین مفید است که شرکت‌کنندگان در بارهٔ گام‌های بعدی خود و نیز در این باره بیندیشند که با آگاهی‌های تازه‌ای که به دست آورده‌اند چه خواهند کرد وچگونه این آگاهی‌ها را با همکاران و همترازان خود در میان خواهند گذاشت. شرکت‌کنندگانی که در پایان جلسه از علاقهٔ خود نسبت به برگزاری کارگاه دیگری سخن می‌گویند که خود تسهیل‌گرش باشند باید تشویق شوند که به مهارت‌ها و شیوه‌های لازم برای تسهیل‌گری بیندیشند و نیز به این که چگونه از آن‌ها در یادگیری‌های بعدی خویش بهره خواهند برد.

نتیجه‌گیری از جلسه‌های کارگاه

اگر شرکت‌کنندگان علاقه‌مند باشند، می‌شود جلسه‌های کارگاه را با یک جشن کوچک و غیررسمی به پایان رساند. در نهمین یا دهمین جلسه، از گروه در این مورد که دوست دارند با کدام نتیجه‌گیری کارگاه را به پایان برسانند پرس‌وجو کنید. مهم است که شرکت‌کنندگان با این احساس کارگاه را ترک کنند که به تامین نیازها و انتظارات خود نزدیک شده‌اند. پیش از آنکه شرکت‌کنندگان بعد از آخرین جلسه، کارگاه را ترک کنند، از آنها بخواهید فرم **ارزش‌یابی کارگاه** را، که در **کتاب راهنما** در پایان جلسهٔ دهم گنجانده

شده است، پر کنند. پر کردن این فرم برای بهتر کردن کار در آینده و رفع کاستی‌ها و توسعهٔ برنامه‌های کارگاه سودمند است. لازم است اهمیت پرکردن فرم را برای شرکت‌کنندگان توضیح دهید و آنها را مطمئن کنید که به آنچه در فرم می‌نویسند بی‌تردید توجه خواهد شد. به خاطر داشته باشید که پیش از متفرق شدن شرکت‌کنندگان، فرم‌های پرشده جمع‌آوری شود.

افزایش میزان مشارکت سیاسی پروژه‌ای است که زنان در طول عمر خود باید به آن ادامه دهند. شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها باید به افزایش مهارت‌های خویش و به روز کردنشان تا سال‌ها پس از فراگیری در کارگاه آموزشی ادامه دهند. برخی از شرکت‌کنندگان پس از پایان کارگاه علاقه‌مند می‌شوند که چند ماهی پس از پایان دورهٔ یادگیری در یک گردهم‌آیی به چشم‌انداز بهتری در بارهٔ آن چه فراگرفته‌اند، و نحوه‌ای که از آن بهره جسته‌اند، برسند. در طول کارگاه‌ها اغلب دوستی‌هایی ریشه می‌گیرد و شرکت‌کنندگان معمولا گردهم‌آیی‌های بعدی برای تجدید دیدار با هم و محکم کردن پیوند ارتباطات تازه استقبال می‌کنند.

در پاره‌ای موارد، در پایان دوره، شرکت‌کنندگان علاقه‌مند می‌شوند که به کمک یکدیگر به سازماندهی یک کمپین سیاسی بپردازند. این شما بوده‌اید که جرقهٔ فعالیت سیاسی را در آنان بارور کرده‌اید. هر گام به گام دیگری مینجامد، امّا برداشتن گام‌های بعدی بر دوش آنان خواهد بود.

جلسه‌های کارگاه

بخش ۱
سیاست و قدرت
کجا ایستاده‌ام؟

آیا از زنان انتظار می‌رود که چون مردان خواهان قدرت باشند؟ و اگر به قدرت رسیدند آیا قابل تصور است که از آن لذت برند، در بهره‌جویی از آن توانا باشند و برای دستیابی به قدرت بیشتر به رقابت با دیگران بپردازند؟ نظر شما در بارهٔ مشارکت سیاسی زنان چیست؟

ما اغلب به این پرسش‌ها پاسخ‌های ضد و نقیض می‌دهیم. از همین رو، چندان غیرمنتظره نیست که راه زنان به سوی برابری فراز و نشیب بسیار داشته باشد. از طرفی، نقش کم‌رنگ زنان در عرصهٔ قدرت سیاسی این امکان را در اختیارمان گذاشته اشت که به تقویت ویژگی‌های مختص خود بپردازیم، از آن جمله میل به پروراندن، فروتنی، و شفقت نه تنها از آن رو که از خصائل ارزندهٔ فرد به شمار می‌آیند، بلکه به این دلیل نیز که ویژگی‌های مثبتی برای نوع تازه‌ای از رهبری در جهان‌اند. از طرف دیگر، اگر این توانایی‌های زنانه ناشی از نیاز زنان به اثرگذاری در جامعه، در نبود قدرت سیاسی، باشد این پرسش مطرح می‌شود که آیا زنان، پس از دستیابی به قدرت سیاسی، همچنان به بهره‌جویی از ویژگی‌های انسانی و «زنانهٔ» خود توانا یا حتی علاقه‌مند خواهند بود؟

تمرین‌های یادگیری این بخش از جلسه‌ها طوری طراحی شده است که شرکت‌کننده، با گذاشتن گامی به عقب، بتواند تصور کند که شکل و ماهیت قدرت در دنیایی بهتر چگونه است و آیا به نظر او بهره‌بری زنان و مردان از قدرت در چنین دنیایی مشابه خواهد بود یا باید مشابه باشد؟ آیا آنچه برای مرد در چنین دنیایی اخلاقی است به همان اندازه برای زن هم اخلاقی است؟ شرکت‌کنندگان ممکن است به شدت شگفت‌زده شوند از این که چه دشوار است بتوان مرد و زن سیاست‌گر را با دیدی یگانه نگاه کرد و رفتارشان را با محک اخلاقی واحدی سنجید.

هر یک از ما ظرفیت لازم هم برای ادارهٔ زندگی شخصی خود داریم و هم زندگی سیاسی پیرامون‌مان. این که ما در هریک از این عرصه‌ها چه خواهیم شد - دیدگاه‌های ما، مقاصد ما، و اعمال ما-- البته به خودمان ارتباط دارد. تمرین‌های بخش اول به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند که خود و گزینه‌های خود را با روشنی بیشتری ببینند، و با امید بیشتری برای ساختن دنیایی بهتر تلاش کنند.

پیشنهادهایی برای تسهیل‌گری

در تمرین‌های بعدی، رهنمون‌ها، داستان‌ها و پرسش‌ها را با صدای بلند بخوانید. اگر ممکن است، به شرکت‌کنندگان در کارگاه نسخه‌هایی از این کتاب و یا تمرین‌ها را بدهید تا برایشان خواندن و دنبال کردن رهنمون‌ها آسان شود. با انتخاب تعدادی از شرکت‌کنندگان، و نه فقط یک تن از آن‌ها، برای خواندن مطالب، شرکت‌کنندگان مشارکت و فعل و انفعال بیشتری در کارگاه خواهند داشت. بهتر خواهد بود اگر شماری از شرکت‌کنندگان ایده‌ها و نکاتی را که در جلسه های کارگاه مطرح می‌شود روی تخته سیاه یا در قطعات بزرگ کاغذ بنویسند تا همه به سهولت آن را ببینند. همانند خواندن مطالب به صدای بلند، بهتر است در یادداشت‌برداری هم بار تنها بر دوش چند تن نیفتد، همهٔ اعضای گروه به نوبت نقشی داشته باشند و همگان در این کار فعّالانه شرکت کنند. دستورالعمل‌های زیر دربارهٔ یادداشت‌نویسی روی تختهٔ سیاه یا هر نوع سطحی است که برای نوشتن مناسب باشد.

لذت ببرید و به یاد داشته باشید که شما هم مانند دیگر اعضای گروه در تمام تمرین‌ها شرکت می‌کنید!

جلسه ۱:

رؤیای دنیایی بهتر

(وقت جلسه: حدود ۳ ساعت)

هدف‌های جلسه:

ارائهٔ یک بینش فراگیر و جامع در بارهٔ دنیای دلخواه‌مان

طرح هدف‌هایی که می‌توانیم پیگیری کنیم

ابزار ارزیابی کارگاه:

ما می‌خواهیم از این کارگاه چه بیاموزیم؟

(وقت: در حدود ۳۰ دقیقه)

از همهٔ اعضای گروه بخواهید که دلایل شرکت خود در این کارگاه را با جمع در میان بگذارند. (تسهیل‌گر باید این فهرست را نگهدارد و از آن برای ارزیابی نتایج کارگاه، به ویژه میزان برآورده شدن انتظارات شرکت‌کنندگان بهره جوید.) اعضای گروه باید در بارهٔ نکات زیر تأمل کنند:

- امیدوارند چه چیزهایی بیاموزند،
- می‌خواهند چه تجربه‌هایی به دست آورند،
- در پایان جلسه‌های کارگاه دوست دارند چه به دست آورده باشند،

شما می‌توانید از شرکت‌کنندگان بخواهید پاسخ‌های خود به پرسش‌های بالا را روی ورقه‌های کاغذ نیز بنویسند. گزینهٔ دیگر این است که پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را جمع کنید و در پایان ده جلسهٔ کارگاه به آنان برگردانید. در این صورت، شرکت‌کنندگان بهتر می‌توانند دریابند که از جلسه‌های کارگاه چه آموخته‌اند.

اگر اعضای گروه خجالتی هستند یا به نظر می‌رسد که مایل نیستند انتظارات خود را در کارگاه مطرح کنند، اجرای یک تمرین آزمایشی غالباً مفید خواهد بود. ممکن است بخواهید پس از تمرین بعدی «چه رویاهایی در سر می‌پرورانم؟» به اجرای تمرین مرتبط با ابزار ارزش‌یابی بپردازید.

۱.۱

تمرین: چه رویاهایی دارم؟

(وقت: حدود ٤٥ دقیقه)

زندگی‌نامهٔ برندهٔ جایزهٔ نوبل، وانگاری موتا ماتای، و همچنین نامهٔ یک زن جوان برزیلی را که در زیر می‌آید، با صدای بلند بخوانید. فعالیت دایره‌وار زیر برای این است که شرکت‌کنندگان خود را به یکدیگر معرفی کنند و بحث و گفت‌وگو در میان آنان آغاز شود. با آن که شرکت‌کنندگان می‌توانند همهٔ فعالیت‌های گروهی در این کتاب را حلقه‌وار انجام دهند، استفاده از این شکل نشستن اجباری نیست. از سوی دیگر، فعالیت‌های دایره‌وار به مشارکت بیشتر می‌انجامد، و نیز به تک تک شرکت‌کنندگان امکان می‌دهد که چهره به چهره یکدیگر را ببینند و یکدیگر را همراهی کنند. در این شکل از فعالیت‌ها نوبت سخن گفتن و مشارکت در بحث به همه می‌رسد، از جمله به تسهیل‌گر جلسه.

نکاتی در بارهٔ زندگی وانگاری موتا ماتای

در سال ۲۰۰۴، دکتر وانگاری موتا ماتای نخستین زن آفریقایی بود که به خاطر «خدماتش به رشد اقتصادی پایدار، به دموکراسی و صلح» جایزهٔ صلح نوبل را دریافت کرد. هنگامی که وی برای نخستین بار در میهنش، کنیا، کمپین درختکاری را به راه انداخت، محبوبیتی نداشت. او در این باره به **بی. بی. سی.** گفته است: «روزها و شب‌های بسیار وقت من صرف این شد تا مردم را متقاعد کنم که زنان می‌توانند با اندک بهره‌جویی از تکنولوژی پیشرفته و با امکانات مالی محدود محیط زیست خود را اصلاح کنند.» جنبش کمربند سبزی که او در سال ۱۹۷۷ آغازگرش بود به کمپین‌های آموزشی، تغذیه، و دیگر زمینه‌های مهم برای زنان، منجر شد. می‌گویند همسر سابق وی یک بار گفته است که همسرش زنی بوده «بسیار دانش‌آموخته، بسیار توانمند، بسیار موفق، بسیار سرسخت و غیرقابل کنترل.»

از یک داوطلب بخواهید تا نامهٔ زنی را که به تحسین او پرداخته و در پی می‌آید با صدای بلند بخواند.

دکتر ماتای عزیز:

من یک دختر دانش‌آموز دبیرستان در برزیل‌ام. اخیراً جایزه‌ای گرفته‌ام به خاطر گزارشی که در بارهٔ قطع درختان جنگل باران آمازون نوشته‌ام. در این نوشته به دولت پیشنهاد کرده‌ام که به حفظ جنگل باران آمازون کمک کند. من از آن رو به شما نامه می‌نویسم که به شدّت تحت تاثیر تلاش‌های شما برای نجات دادن محیط زیست کشورتان و سراسر آفریقا هستم. روزهایی هست که احساس می‌کنم آماده‌ام با دنیا روبرو شوم و هرچه از دستم بر می‌آید انجام دهم تا توجه مسئولان دولتی را نسبت به آراء و ایده‌هایم جلب کنم. و روزهایی نیز هست که احساس می‌کنم دختر مدرسه‌ای بیش نیستم و کسی حاضر نیست به حرف من گوش دهد.

کشورم فقیر است و مردم آن از منابع جنگل باران آمازون برای تامین معاش و زندگی خانواده‌های خود استفاده می‌کنند. ولی شرکت‌های بزرگ و سودجو هم به این جنگل صدمه می‌زنند. در

گزارشم نشان داده‌ام که اگر نجاتش ندهند بیش از ۵۰ در صد از درختان جنگل باران آمازون در ۲۰ سال آینده یا قطع خواهند شد یا از خشکسالی آسیب خواهند دید. جهان به جنگل‌های آمازون احتیاج دارد تا اکسید دوکربنی را که مدام در هوای زمین پخش می‌شود جذب کند. اگر این جنگل به‌کلی از بین برود اکسیژنی که به هوا می‌رود کاهش خواهد یافت و از میزان باران در همهٔ نقاط جهان کاسته خواهد شد. برزیل به جنگل‌های آمازون نیازمند است. امروز خانواده‌ام و روزگاری دیگر فرزندانم نیز به این منابع نیاز خواهند داشت.

پدرم از من می‌خواهد سال آینده به دانشگاه بروم امّا مادرم مخالف است. خودم علاقه‌مندم که درس خواندن را ادامه دهم، چون تصور می‌کنم با دانش بیشتر، بهتر می‌توانم به کشورم کمک کنم. دوستانم از حرارت آرزوهای من می‌کاهند و می‌گویند از تو کاری ساخته نیست. ترسم آن است که حق با آنها باشد.

از شما سپاسگزارم که الگوی من شده‌اید و به من جرأت داده‌اید تا با صدای بلند سخن بگویم. فقط این را نمی‌دانم که چگونه می‌توانم جنگل‌های باران برزیل را نجات بدهم.

دوستدار شما،

الیانا

◎ فعالیت دایره‌وار

پس از آنکه شرکت‌کنندگان حلقه‌وار نشستند تا کار را شروع کنند، از هر شرکت‌کننده بخواهید که: خود را معرفی کند، یکی از آرزوهای بزرگی را که برای جهان، برای میهنش، برای خانواده‌اش در سر می‌پروراند با اعضای گروه در میان گذارد و به الیانا هم راه‌حلّی پیشنهاد کند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چرا به سیاست اهمیت می‌دهید؟
- آیا می‌توانید چیزی را عوض کنید؟
- آیا برای خود این مسئولیت را می‌شناسید که باید چیزی را عوض کنید؟
- آیا در پی رسیدن به قدرت سیاسی هستید؟
- آیا به نظر شما هر شهروند دارای تکالیف و مسئولیت‌های سیاسی است؟
- چه کارهایی را باید انجام دهید؟ برای آنکه شهروند خوبی باشید، چه حد مشارکت سیاسی را مناسب می‌دانید؟

۲.۱

تمرین : چه گونه زنی را برای رهبری می‌پسندیم؟

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

فعالیت دایره‌وار

از هر یک از زنان شرکت‌کننده بپرسید الگوی آنها در زندگی کیست و بخواهید تا شرح دهند چرا انتخابش کرده‌اند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چرا می‌خواهیم زنان وارد پهنهٔ تصمیم‌گیری شوند؟
- از برخی چالش‌هایی که زنان سیاست‌گر با آن‌ها مواجه‌اند نام ببرید.

۳.۱

تمرین: «رویای من این است که . . . »

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک یا دو داوطلب بخواهید روایت زیر را در بارهٔ سخنرانی معروف مارتین لوتر کینگ با عنوان «رؤیای من این است که . . .» با صدای بلند بخواند.

در ۲۸ اوت سال ۱۹۶۳، یکی از رهبران جنبش حقوق مدنی آمریکا، مارتین لوتر کینگ، برای بیش از دویست هزار تن از هوادارانش به ایراد یک سخنرانی تاریخی پرداخت. این سخنرانی که « رؤیای من این است. . .» نام گرفته، و معرّف بینش او در بارهٔ آینده است، در ذهن مردم آمریکا از هر نژاد و دین و طبقه‌ای طنینی ژرف یافت.

ایستاده در پله‌های بنای یادبود لینکلن در شهر واشنگتن، در یک روز داغ تابستانی، دکتر لوتر کینگ سخنانی بر زبان آورد که الهام‌بخش نسلی از جوانان شد، دل‌هایشان را از امید آکنده کرد و آنان را برانگیخت که در تلاش برای بهتر کردن جامعه شرکت کنند.

تکّه‌هایی از سخنرانی دکتر کینگ:

«رؤیایم این است که روزی این ملّت برخواهد خاست و زندگی آن چنان خواهد کرد که معنای واقعی این وعده باشد: "ما این حقیقت را حقیقتی بدیهی می‌دانیم که همهٔ مردمان برابر خلق شده‌اند."»

«رؤیایم این است که روزی هر چهار فرزند کوچکم در میان مردمی خواهند زیست و آن‌ها را نه بر پایهٔ رنگ پوست‌شان بلکه محتوای شخصیت‌شان داوری خواهند کرد.»

«رؤیایم این است که روزی، در تپه‌های سرخ رنگ جورجیا، پسران بردگان دیروز و پسران برده‌داران دیروز بتوانند با هم بر سر سفرهٔ برادری نشینند.»

«امید و باور ما بر این است. این همان باوری است که با خود به جنوب می‌برم. با این باورمی‌توانیم از درون کوه نومیدی نگین امید بیرون آوریم. با این باورخواهیم توانست ندای آهنگین برادری را جانشین نوای ناهنجار اختلاف سازیم. با این باور می‌توانیم در کنار هم کار کنیم، در کنار هم به نیایش بنشینیم، در کنار هم تلاش ورزیم، در کنار هم به زندان رویم و در کنار هم به جست‌وجوی آزادی برخیزیم، با این اطمینان که روزی همگی آزاد خواهیم شد.»

«بگذار ناقوس آزادی به صدا آید. آن گاه که زنگ آزادی را به صدا می‌آوریم، هنگامی که صدای آزادی در هر روستا، در هر شهر و ایالتی بلند شود، ما خواهیم توانست رسیدن روزی را تسریع کنیم که همهٔ فرزندان خدا، سیاه‌پوست و سفیدپوست، یهودی و غیریهودی، کاتولیک و پروتستان، بتوانند دست در دست یکدیگر این سرود قدسی کهن سیاه‌پوستان را با هم سردهند: "سرانجام آزاد شدیم! سرانجام آزاد شدیم! پروردگارا! سپاس که سرانجام آزاد شدیم."»

فعالیت گروهی

گروه را به چهار یا پنج تیم تقسیم کنید. از میان عناوینی که در زیر می‌آید انتخاب کنید (می‌توانید این عناوین را به سلیقهٔ خود تغییر دهید) و به هر تیم یکی از عناوین را اختصاص دهید:

- رویاهای مربوط به دولت
- رویاهای مربوط به مدارس
- رویاهای مربوط به بهداشت و رفاه
- رویاهای مربوط به زندگی شهری
- رویاهای مربوط به فرزندان‌مان
- رویاهای مربوط به زنان‌مان

- رویاهای مربوط به صلح
- رویاهای مربوط به محیط زیست
- رویاهای مربوط به زندگی خانوادگی‌مان
- رویاهای مربوط به نوه‌های ما که دختر به دنیا آمده‌اند، دخترانی که ما مادر بزرگان‌شان هستیم

هر یک از تیم‌ها باید ورقه‌ای کاغذ و قلم در دسترس داشته باشد و برای مدت ده دقیقه بحث و گفت‌وگو را ثبت کند، اعضای تیم باید در ارتباط با عنوانی که برای آنها انتخاب شده است به سرعت از رویاهای خود سخن گویند. هر تیم باید همهٔ رویاهای خود را بنویسد، چه بزرگ و چه کوچک، و آنچه را که ممکن به نظر می‌رسد یا غیرممکن مشخص کنند.

در پایان وقت، همه اعضای گروه را گرد هم آورید. از اعضای هر تیم بخواهید که فهرست همهٔ رویاها را بر دیوار بچسبانند. از میان هر تیم یک داوطلب بخواهید که پیرامون بحث‌ها و گفت‌وگوهای تیم خودش برای گروه گزارشی تهیه کند و فهرست رویاهای تیمش را بخواند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- در آینده کجا می‌خواهیم باشیم؟ جهان را چگونه می‌خواهیم با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی بسازیم؟ برای بهره‌جویی از قدرت در پی چه تقسیم‌بندی هستیم؟
- گام بعدی چیست؟ کدام ایده‌های تازه را پیشنهاد می‌کنیم؟
- مایل به نگهداری کدام ارزش‌هاییم؟

جلسه ۲:

اخلاق و سیاست

(وقت: حدود ۳ ساعت)

هدف‌های جلسه

- بحث دربارهٔ اخلاق و سیاست
- گمان‌زنی در بارهٔ ضرورت پاسخ‌گویی، شفافیت، انصاف، فراگیری و بردباری در عرصهٔ سیاست.

۱.۲

تمرین: ایجاد توازن بین کفه‌های ترازو

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

از یک یا دو داوطلب در گروه دعوت کنید تا روایت زیر را که مهناز افخمی[۳] نقل کرده است با صدای بلند بخواند. او شرح می‌دهد که در مقام ریاست سازمان زنان ایران و وزیر کابینه در امور زنان، در کار تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه‌ها با چه مشکلاتی روبرو بوده است.

«در سال ۱۹۷۴، هنگامی که من ریاست سازمان زنان ایران را به عهده داشتم، همکارانم و خودم در صدد آماده کردن مقدمات اصلاح وضع زنان و قوانین ناظر بر حقوق‌شان در خانواده بودیم. می‌دانستیم که هرگونه اقدام برای اصلاح قوانین خانواده به نفع زنان با مخالفت گروه‌های گونان روبرو خواهد شد. در ابتدا کمپینی را شروع کردیم برای بالا بردن آگاهی زنان عادی نسبت به محدودیت‌هایی که قوانین

۳. مهناز افخمی، رئیس و بنیانگذار سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، مدیرعامل بنیاد مطالعات ایران و عضو هیئت مشاوران شماری از سازمان‌های ملی و بین‌المللی است، از جمله موزهٔ بین‌المللی زنان، جنبش جهانی دموکراسی، و بخش زنان دیده‌بانان حقوق بشر. پیشینهٔ فعالیت‌های وی در راه پیشبرد حقوق زنان در سطوح ملّی و بین‌المللی، به ویژه در خاورمیانه، از چهار دهه می‌گذرد. وی در زمینه‌های گوناگون حقوق زنان دارای کتاب‌ها و تألیفات گوناگون است از آن جمله *زنان مسلمان و مشارکت سیاسی*، *ایمان و آزادی*، حقوق بشر *زنان در جهان اسلام*، *زنان در تبعید*، *در دل طوفان* و *حقوق زن در ایران*. در میان کتاب‌ها و رهنمون‌های آموزشی که مهناز افخمی با همکاری محققان دیگر منتشر کرده است می‌توان از *در طلب حقوقمان: آموزش حقوق زن در جوامع اسلامی*، *امن و سالم: رفع خشونت علیه زنان و دختران در جوامع مسلمان* و *در جست و جوی حق انتخاب: آموزه‌های رهبری برای زنان*، نام برد.

موجود در بارهٔ حقوق زنان در مورد حق طلاق، حضانت فرزند، چندهمسری و موارد دیگر ایجاد کرده بودند.

جزوه‌هایی در بارهٔ وضع حقوقی زنان به زبان ساده منتشر کردیم و نیز در بارهٔ تأثیر قانونگذاری در زندگی زنان به انتشار نوشته‌های محققانه دست زدیم. در همان حال، برای جلب حمایت لازم از تغییراتی که ضروری می‌شمردیم، به گفت‌وگو با تصمیم‌گیران سیاسی، نمایندگان پارلمان، خبرگان وزارت دادگستری و شماری از روحانیان پیشرو، پرداختیم. برای دستیابی به مناسب‌ترین زبان برای لوایحی که آماده می‌کردیم، با وکلای دادگستری، فقها و جامعه‌شناسان نیز به گفت‌وگو می‌نشستیم. با همهٔ زمینه‌چینی‌ها و همه گام‌های صادقانه‌ای که برای جلب و جذب افراد و گروه‌های نفوذ بر داشتیم، با مقاومت‌های جدی نسبت به فزایش حقوق زنان روبرو شدیم. تلاش‌هایمان اغلب به چانه‌زنی‌های پرسروصدا مینجامید. برای مثال، نمی‌توانستیم وزیر دادگستری را متقاعد کنیم به این که ماده قانونی مربوط به حق شوهر برای جلوگیری از اشتغال همسرش حذف شود. طبق این ماده حق شوهر بود، اگر ادعا می‌کرد اشتغال همسر با شئون و شرافت او در تعارض است، زن را از ادامهٔ اشتغال باز دارد. با این همه، در نهایت امر منتقدان پذیرفتند که برای زن نیز حق مشابهی در قانون منظور بشود، گرچه روشن بود که هیچ دادگاهی در آن زمان نمی‌توانست ادعای زنی را در این زمینه بپذیرد. با این همه، توانسته بودیم برای نخستین بار در تاریخ قانونگذاری ایران به حقی برای زنان اشاره می‌شد که بر پایهٔ آن بتواند شأن و شرافت قائم بر شخص خود را، مستقل از شأن و شرف مردان خانواده، تعریف و تعیین کند.

قانونی که سرانجام تصویب شد شامل پیروزی و شکست، هردو، برای زنان بود. بسیار کوشیدیم تا چندهمسری را غیرقانونی کنیم. امّا، پس از بحث‌های تند و طولانی به این نتیجه رسیدیم که چندهمسری قانونی باقی بماند مشروط بر این که این حق تنها به زن دوّم محدود شود آن هم با شرایط مشخصی، از جمله رضایت زن اوّل، که گرفتن زن دوّم را تقریباً غیرممکن می‌کرد. گرچه تلاش‌های ما برای آنکه موقعیت شوهر را در مقام ریاست خانواده تغییر دهیم به جایی نرسید، در عوض موفق شدیم سن ازدواج دختران را بالا ببریم. و نیز توانستیم حقوق برابر زن و مرد را در مورد طلاق و حضانت کودکان پس از مرگ پدر تثبیت کنیم.

هنگامی که یکی از همکارانم به من اطلاع داد که قانون حمایت خانواده از تصویب پارلمان گذشته است از خوشحالی در پوست نمی‌گنجیدم. زانو زدم. زمین را بوسیدم و شکر خدا به جا آوردم! ساعتی بعد در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کردم. در کنفرانس متوجه یک معضل شدم. قانون حمایت خانواده گرچه منافع بسیاری از زنان را تامین می‌کرد با این وصف از ایده‌آل زنان بسیار دور بود. دور از انتظار نبود که من در این کنفرانس بیشتر شبیه یک مقام رسمی وزارت دادگستری سخن گفتم تا یک کوشندهٔ فمینیست. استدلال‌هایی که می‌کردم برای خودم غریبه می‌آمد اگرچه احساس می‌کردم مواضعی که گرفته‌ام مسئولانه بوده است.

من کاملا بر این نکته آگاه بودم که اقدام به تصویب این قانون در کشوری با اکثریت مسلمان گامی تاریخی بوده است امّا نه کامل. اصلاح قانون خانواده شالوده‌ای بود برای آغاز مرحلهٔ بعدی پیکار برای دستیابی زنان به حقوق برابر با مردان. یک هفته پس از تصویب قانون حمایت خانواده ما توانستیم به کار تجدیدنظر دیگری در قانون حمایت خانواده بپردازیم تا زنان به آزادی‌ها و حقوق بیشتری دست یابند. در این میان، من آموختم که در عین ادامهٔ تلاش برای تأمین ایده‌آل از رسیدن به آنچه ممکن است غافل نباید ماند.»

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا ممکن است دو گروه از افرادی که اختلاف نظر دارند یا دو دیدگاه سیاسی که در تضاد با یکدیگر هستند، هر دو به مراعات اصول اخلاقی معتقد باشند؟
- شما چگونه اصول اخلاقی خود را انتخاب می‌کنید؟
- آیا توافق و سازش‌کاری اخلاقی است؟ در چه صورت اخلاقی نیست؟
- چگونه یک رهبر می‌تواند در گفت‌وگو به دستاوردی کمتر از حد ایده‌آل رضایت دهد بدون آنکه از حمایت طرفداران و نیروی محرکه جنبش محروم شود؟

۲.۲

تمرین: انجام کار به گونه‌های متفاوت

(وقت: ۲۰ حدود دقیقه)

از یک یا دو داوطلب در گروه دعوت کنید متن زیر را که داستانی است به قلم مری رابینسون،[۴] رئیس جمهور سابق ایرلند، و کمیسیونر عالی سابق حقوق بشر در سازمان ملل متحد، به صدای بلند بخواند.

« وقتی مرا به عنوان یکی از سه نامزد ریاست جمهوری برگزیدند، به عنوان یک زن جوان و بدون پیشینهٔ سیاسی «غریبه» شناخته می‌شدم و نه خودی. هدفم از شرکت در انتخابات این بود که ریاست جمهوری را به مردم بیشتر از پیش نزدیک و پاسخگو کنم. این یک مقام انتخابی است، و من احساس می‌کردم انتخاب شدن از سوی مردم به این معناست که رئیس جمهور تنها نماینده و سخنگوی آن‌هایی است که او را به این مقام رسانده‌اند.

زمانی کوتاه پس از آن که رئیس جمهور شدم، دعوت‌های متعددی از بسیاری گروه‌های جامعهٔ مدنی دریافت می‌کردم برای افتتاح مرکز فعالیت‌ها یا شرکت در جشن دهمین سالگرد تاسیس‌شان یا آشنا شدن با برخی از فعالیت‌هایشان. منشی دفتر من اغلب روی دعوت‌نامه‌ها می‌نوشت که: «این مراسم در حدی نیست که رئیس جمهور در آن حاضرشود.»

ولی احساس من این بود که پاسخ به این دعوت‌ها ضروری است! البته نمی‌توانستم در همهٔ مراسم شرکت کنم، ولی احساس کردم باید در برخی از این اجتماعات شرکت کنم تا نشان دهم که فعالیت

۴. مری رابینسون از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ کمیسار عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد بود و در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ ریاست جمهوری ایرلند را برعهده داشت. او عضو گروه «معمّران جهان،» رئیس افتخاری سازمان بین‌المللی آکسفام، رئیس کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، و رئیس سابق شورای رهبران زن جهان است. وی به دریافت جوایز گوناگون از کشورهای گوناگون جهان مفتخر بوده از جمله دریافت مدال آزادی از رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، باراک اوباما. مری رابینسون داری مقام استادی در دانشگاه پرتوریا در آفریقای جنوبی و ریاست دانشگاه دوبلین ایرلند است.

گروه‌ها و افراد اهمیت دارد. رهبران این مجامع همان‌ها بودند که ایرلند مدرن را تغییر دادند و مهم این که بسیاری از اعضایشان زن بودند.

در برخی فرصت‌های مناسب، من در سخنرانی‌هایم خدمات زنان را ارج می‌گزاردم، به ویژه زنانی که یاری‌دهندهٔ فعالیت‌های اجتماعی محیط خود بودند. کوششم این بود که جنبش زنان ایرلندی فراگیرتر شود تا همهٔ زنان احساس کنند توانمند شده‌اند. در حوزهٔ انتخابی‌ام از زبان برخی از زنان می‌شنیدم که می‌گفتند افسوس، من آدم مهمی نیستم، فقط خانه‌دارم. پرسشم از آن‌ها این بود که: "در حال حاضر به چه کارهایی مشغولی؟" می‌گفتند: "خب، این کار را می‌کنم و آن کار را." از همین گفت‌وشنودها به این نتیجه می‌رسیدم که زن خانه‌داری که احساس می‌کند مهم نیست، از رهبران فعال و متعهد محیط خویش است.

شاید، در دوران ریاست جمهوری‌ام هنگامی بیشتر از همیشه احساس غرور می‌کردم که در جمع زنان ایرلند شمالی حاضر می‌شدم، زنان پروتستان و کاتولیک هردو و زنان طبقهٔ کارگر. آمدنشان از بلفاست به دوبلین و بعد به محل اقامتم، کاری فوق‌العاده بود. با یکدیگر گفت‌وگوهای بسیار خوبی داشتیم و من توانستم به ارزش فوق‌العادهٔ کار آن‌ها در گذشتن از مرزهای مذهبی پی برم. زنانی پردل بودند و می‌دانستند چه عواملی برای ایجاد صلح گام به گام ضروری است.

بزرگ داشتن زنان و تلاشی که برای بهترکردن وضع جامعهٔ پیرامون خود می‌کردند برایم اهمیتی بسیار داشت. واقعا می‌خواستم زنانی که با آنها دیدار می‌کردم بدانند که بین آنها و من تفاوتی وجود ندارد زیرا هر دو می‌خواهیم جامعه خود را متحول کنیم. افزون براین، در این دیدارها من در بارهٔ قدرت و مقام درس‌های گرانبهایی آموختم. برای این زنان واقعاً بسیار مهم بود که من، یک زن، رئیس جمهورشان شده بودم، لباس و رفتارم رئیس جمهورانه بود. برایشان امتیاز بزرگی بود که با کسی که دارای بالاترین مقام دولتی است دیدار کنند. آموختم که وقتی از جمعی که به دیدنم آمده‌اند پذیرایی می‌کنم و یا به سفر می‌روم، این زنان می‌خواستند که مرا با همان شکوه و جلال ریاست جمهور و تشریفات خاصش ببینند، نه به صورت یک زن معمولی. در نتیجه، من نظرم راجع به این که رفتار یک رهبر چگونه باید باشد، تغییر کرد و توانستم با تشریفات رسمی به راحتی خو کنم؛ تشریفاتی که همگان آن را شایستهٔ مقام رئیس جمهور ایرلند می‌دانند. بنابراین، اگرچه توانستم طبیعت ریاست جمهوری و انتظارات مردم از رئیس جمهور ایرلند را در زمینه‌های گوناگون تغییر دهم، خود این مقام نیز مرا تغییر داد.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چگونه یک رهبر می‌تواند در گفت‌وگو به دستاوردی کمتر از حد ایده‌ال رضایت دهد بدون آنکه مردم چگونه نسبت به زنانی که قدرتمند شده‌اند واکنش نشان می‌دهند؟ زنان از رهبران زن چه انتظاراتی دارند؟
- رهبران زن چه نوع سلوک و رفتاری باید داشته باشند که از نظر شما ایده‌آل باشد؟
- این که "رفتار زن در مسند قدرت باید طبیعی باشد" چه معنایی دارد؟
- در بارهٔ تلاش مری رابینسون برای دیدار با زنان عادی و تجلیل‌اش از کارهای آنان در عرصهٔ اجتماعی چه نظری دارید؟
- آیا فکر می‌کنید یک زن رهبر موظّف است که از زنان حمایت کند و تلاش‌هایشان را ارج گذارد؟

۳.۲

تمرین: آیین رفتار

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

گروه را برای تمرین به سه تا چهار تیم تقسیم کنید. از هر تیم بخواهید یک شخصیت سیاسی را (مرد یا زن) که برای همه آشنا یاشد انتخاب کنند. هر تیم باید ظرف ۲۰ دقیقه متنی در بارهٔ آیین رفتار این رهبر سیاسی (محلی، ملی، بین‌المللی، در هر کشوری و در هر مقام دولتی) تهیه کند.

اول، هر تیم باید بالای یک ورقه کاغذ بزرگ جملهٔ زیر را بنویسد و جاهای خالی را پر کند:

من،--------------، به عنوان ------------، در رفتارم مجموعه‌ای از اصول و هنجارهای اخلاقی را به شرح زیر مراعات خواهم کرد: . . . . .

دوم، تیم‌ها باید در گفت‌وگو با یکدیگر مشخص کنند که شخصیت سیاسی که انتخاب کرده‌اند باید چه قواعد، اصول، و خط مشی‌هایی را رعایت کند، و این مشخصات را روی یک ورقه کاغذ بزرگ ثبت کنند.

مثال‌هایی در این مورد: من به مشاورانم، به همکارانم و به مردم دروغ نخواهم گفت؛ من به تهدید، آزار، تحقیر، یا تنبیه کسانی که با من در ملاء عام مخالفت می‌کنند دست نخواهم زد؛ من به کسی امتیاز خاص نخواهم داد، من از مقامم برای نفع شخصی بهره‌جویی نخواهم کرد. کارها و سیاست‌هایم نسبت به زنان تبعیض‌آمیز نخواهند بود.

در پایان وقت، از هر تیم نماینده‌ای برگزینید تا کسی را که به عنوان شخصیت سیاسی انتخاب کرده است به گروه معرفی کند، همراه با متن آیین و شیوهٔ رفتاری که از او انتظار می‌رود.

۴.۲

تمرین: تقسیم منابع

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

مطلب زیر را روی تخته سیاه بنویسید تا همهٔ شرکت‌کنندگان ببینند:

مبلغی پول در دسترس ماست برای خرید کامپیوتر مورد نیاز شاگردان سه مدرسه. شما عضو کمیتهٔ ویژه آموزشی هستید کهِ موظف به تعیین این سه مدرسه از میان ده مدرسهٔ نیازمند به کامپیوتر است.

گروه را به تیم‌های سه یا چهار نفره تقسیم کنید. هر تیم باید در بارهٔ شیوه‌های مناسب برای انتخاب سه مدرسه به بحث بپردازد. (در حدود ۲۰ دقیقه) برای این انتخاب چه ضوابطی را باید برگزید، سن، وضع مالی، محل مدرسه، جنسیت یا غیر آن؟ آیا قرعه کشیدن هم در این مورد منصفانه است؟ هر تیم باید پرسش‌هایی را که در این باره مطرح می‌شود، و گام‌هایی که برای برگزیدن مدرسه‌های مورد نظر باید انتخاب شود، یادداشت کند تا نمایندهٔ تیم آن‌ها را به آگاهی گروه برساند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- روش تصمیم‌گیری شما چیست؟
- چگونه مطمئن می‌شوید که تصمیم شما منصفانه است؟
- آیا مهم است که اهل محل بدانند بر اساس چه ضوابطی تصمیم گرفته‌اید؟ چرا آری و چرا نه؟
- چگونه اهل محل را از تصمیم‌تان آگاه می‌کنید؟
- چه کار خواهید کرد اگر اهل محل تصمیم شما را به چالش بکشند؟

جلسه ۳:

به عنوان یک کوشندهٔ سیاسی جایم کجاست؟

(وقت: حدود ۳ ساعت)

هدف‌های جلسه

- بررسی تفاوت بین نقش یک فعال سیاسی و یک سیاستگر- تفاوت بین فرد درون مدار قدرت و فرد بیرون از آن
- ارزیابی راهبردهای شخصی و سیاسی: دیپلوماسی بی سر و صدا یا رویارویی علنی از راه نوشتن مقاله، سخنرانی کردن، شرکت در یک کمپین، نامزد مقام انتخابی شدن و مانند آنها
- بررسی چگونگی حفظ تعادل بین تعهدات شخصی و مسئولیت‌های عمومی، حفظ توازن بین نیازهای خانوادگی و ضروریات حرفه‌ای، و، به طور کل، تصمیم‌گیری‌های دشوار و تحمل پیامدهایش

۱.۳

تمرین: عبور از خط قرمز

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

از یک داوطلب دعوت کنید تا داستان زیر را، که نوشتهٔ معصومه حسن[۵] وزیر سابق دولت پاکستان و کوشندهٔ حقوق زن است با صدای بلند بخواند:

«هنگامی که فعالیت‌های اجتماعی‌ام را در پاکستان شروع کردم، تعداد زنانی که در سطوح گوناگون این عرصه کار می‌کردند، بسیار اندک بود. در قانون اساسی و دیگر قوانین موانعی برای فعالیت اجتماعی

۵. معصومه حسن وزیرسابق دولت پاکستان، سفیر این کشور در اطریش و نمایندهٔ دائمی آن در مقر سازمان ملل متحد در سوئیس، در آژانس بین‌المللی هسته‌ای و در سازمان توسعهٔ صنعتی سازمان ملل متحد بوده است. وی ریاست گروه اجرایی کمیتهٔ جنسیت و توسعه و گروه ۷۷ در وین را برعهده داشته است. وی اکنون عضو هیئت حکّام بنیاد اورات، یکی از سازمان‌های همکار سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، است.

زنان به چشم نمی‌خورد. با این حال، خط قرمزی وجود داشت بین کادر نخبگانی که دارای مقام‌های اداری و دولتی بودند و جایی که من در آن فعالیت می‌کردم، یعنی مؤسسه ملی امور اداری در کراچی. این موسسه یکی از سازمان‌های آموزشی دولتی بود که در عین حال به انجام کارهای پژوهشی و مشاوره‌ای هم می‌پرداخت. حتی مردان همکار من نیز امیدی نداشتند که از این خط قرمز هرگز عبور کنند.

خانوادهٔ من از پیشگامان جنبش سوادآموزی زنان بودند و پدر و مادرم بین من و دو برادرم فرقی نمی‌گذاشتند. در آن زمان، گرفتن مدرک دکترا در رشتهٔ علوم سیاسی از دانشگاه کمبریج دستاوردی غیرعادی بود، به خصوص برای زنان. کیفیت پیشینهٔ آموزشی من قاعدتا باید هرنوع تفاوت رتبه را با مردان همکارم از بین می‌برد. با این حال، من مشمول همهٔ باورهای مردسالارانه و تبعیض‌آمیز در مورد اشتغال زنان بودم.

زندگی حرفه‌ای‌ام با پیچ‌وخم‌های زیادی همراه بود زیرا شوهرم در دورانی به دموکراسی معتقد و متعهد شده بود که یک نظام خشن دیکتاتوری بر کشور تسلط داشت. او بارها به حبس‌های طولانی محکوم شد و من و فرزندانم نیز در انزوا آماج آزار و تهدید قرار گرفته بودیم. در این دوران سخت، به بخش خدمات مدیریت در اسلام آباد منتقل شدم، اما هرگز در وفاداری‌ام نسبت به باورهای شوهرم و هر آنچه به خاطر دموکراسی انجام داده بود شک نکردم و همواره یقین داشتم که مبارزهٔ ما سرانجام روزهای بهتری را در پاکستان رقم خواهد زد.

پس از پایان دیکتاتوری فضای سیاسی تغییر کرد. من به مقامی بالاتر رسیدم و به مؤسسه‌ای که قبلا در کراچی در آن کار می‌کردم بازگشتم. نیز نخستین زن کارمندی بودم که به مدیریت امور آموزش، تحقیق و مشاورهٔ یک سازمان دولتی رسیده بود. به شدت مشغول کار شدم و برنامه‌هایی را طراحی کردم که بتوانند تصمیم‌گیران و کارمندان دولت را به مردم عادی نزدیک‌تر کنند. در این میان مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کردم به خاطر حمایتش از مسائل مورد علاقهٔ مردم، و جذب شماری روزافزون از زنان در برنامه‌هایش، شهرتی بسیار یافت.

نقطهٔ عطف زندگی من هنگامی بود که به عنوان سفیر نمایندهٔ پاکستان در سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در وین شدم. اندکی بعد به مقام منشی ریاست دفتر هیئت وزرا، که بالاترین مقام در نهادهای اداری دولت بود، رسیدم. خط قرمز شکسته شده بود.

با کسانی کار می‌کردم که اغلب مرد بودند. ولی آنچه آموختم این بود که موفقیت‌های من به زنان برای خدمت در نهادهای دولتی و اداری، و حتّی حرفه‌ها و مشاغل دیگر، امید و اعتماد به نفس می‌دهد. همکارانم بی‌دریغ از من حمایت می‌کردند و من هم برای دیداربا آنها وقت می‌گذاشتم و به آنها گوش می‌سپردم. با شنیدن این خبر که من رئیس دفتر کابینه شده‌ام، بسیاری از زنان به دفتر کارم می‌آمدند و مسائل خود را با من در میان می‌گذاشتند. ولی کمک به زنان به صورت فردی و جدا از هم نمی‌توانست پیشرفت درازمدت زنان را تأمین کند.

در همان ابتدای اشتغالم بود که متوجه اهمیتِ سیاسی توانمند شدن زنان به ویژه در زمینه‌های مورد علاقه و نیازشان شدم، مانند آموزش، حمل و نقل، آب، بهداشت و محیط زیست. از اینرو به حمایت سیاست‌ها و برنامه‌هایی پرداختم که گروه‌های گوناگون زنان ترویج می‌کردند. دولت به اجرای برخی از توصیه‌های کلیدی این گروه‌ها پرداخت مانند اختصاص دادن کرسی‌های بیشتر به زنان در شوراهای محلی و در مجالس قانونگذاری ایالتی و فدرال. با اجرای این سیاست‌ها چشم‌انداز سیاسی در کشورم

تغییر کرده است. ساختن پلی بین جامعه و دولت همواره به زنان کمک می‌کند تا بر زندگی خویش مسلط شوند.»

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- برخی از امتیازات کارکردن در نهادهای دولتی چیست؟ چه چیزهایی را بهتر و آسان‌تر می‌توانید به دست آورید؟
- امتیازهای کار کردن در نهادهای دولتی، از سویی، و در یک مقام انتخابی، از سوی دیگر، کدام‌اند؟ و انجام کدام یک از وظائف و فعالیت‌های یک کارمند دولت به نظر شما دشوارتر است؟
- آیا عیب است اگر کسی بین دو عرصهٔ کار دولتی و فعالیت‌های اجتماعی جا به جا شود؟ چرا نه و چرا آری؟ برای زنان این جا به جا شدن آسان‌تر است یا برای مردان؟
- آیا جاه‌طلبی زنان با جاه‌طلبی مردان تفاوت دارد؟ آیا جاه‌طلبی نوعی خودخواهی است؟ چرا آری و چرا نه؟
- آیا زنان لزوما باید به زنان رای بدهند/ یا از آن‌ها پشتیبانی کنند، تنها به این دلیل که زن هستند؟ شما به عنوان یک رأی‌دهنده چگونه در این باره تصمیم می‌گیرید؟

۲.۳

تمرین: چه خواهید کرد اگر. . .

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

این تمرین شرکت‌کنندگان را فرا می‌خواند تا در بارهٔ موقعیت‌های خاصی که ممکن است در آن قرار بگیرند و نیز در بارهٔ کاری که در واکنش به هر موقعیت خواهند کرد، بیندیشند. این تمرین را می‌شود دایره‌وار هم اجرا کرد.

نخست، کاری‌های زیر را روی تخته سیاه بنویسید و یا روی برگه‌هایی که پخش می‌کنید. (می‌توانید این کارها را کم و زیاد کنید):

- هیچ کاری نکنید
- ابراز همدردی و همدلی کنید
- گزارش‌های چاپ شده در روزنامه‌ها و یا دیگر رسانه‌ها را پی گیرید
- در یک دیدار خصوصی، به طور شفاهی از رهبران شکایت کنید.
- یک نامهٔ اعتراض‌آمیز برای درج در رسانه‌ها بنویسید
- یک نامهٔ خصوصی و اعتراض‌آمیز خطاب به یک سیاست‌گر یا تصمیم‌گیر علاقه‌مند بنویسید

- برای نوشتن یک نامۀ مشترک اعتراض‌آمیز، گروهی را سازماندهی کنید
- در یک گردهمآیی باز و عمومی شرکت کنید
- یک گردهمآیی را سازمان دهید و به راه اندازید
- در یک کمپین شرکت کنید
- یک کمپین سیاسی را رهبری کنید
- نامزد رسیدن به یک مقام سیاسی شوید

پرسش‌های زیر را با گروه در میان گذارید و از آنان بخواهید که از فهرست کارها کاری انتخاب کنند یا به سلیقۀ خود برگزینند. برای هر پرسش بکوشید تا شش پاسخ از هریک از اعضای گروه دریافت کنید تا شرکت‌کنندگان با طیف گسترده‌ای از کارهای احتمالی روبرو شده باشند. کارهایی را که شرکت‌کنندگان پیشنهاد می‌کنند به این فهرست بیفزائید.

- چه خواهید کرد اگر محل تشکیل جلسه سرد و سردتر می‌شد و پی بردید که پنجره‌های سالن را به خواهش شرکت‌کنندگان در جلسه باز کرده‌اند؟
- چه خواهید کرد اگر شوهرتان شغلش را در کارخانه‌ای که نزدیک به شماست از دست داده باشد؟
- چه خواهید کرد اگر همۀ کارگران کارخانه‌ای که در نزدیکی شماست بیکار شوند؟
- چه خواهید کرد اگر دوستان و همکارانتان کمپینی راه انداخته باشند در حمایت از یک نامزد شغل سیاسی که مورد حمایت شما نیز هست؟
- چه خواهید کرد اگر نامه‌ای را با شش تن دیگر امضا کرده و در آن از ناچیز بودن خدماتی انتقاد کرده‌اید که به قربانیان خشونت خانگی ارائه می‌شود، و آنگاه با خانوادۀ خودتان روبرو شده‌اید که شما را از دخالت در مسئله منع می‌کنند؟
- چه خواهید کرد اگر تعداد زیادی از رهبران محلی از شما بخواهند خود را نامزد احراز یک مقام محلی سیاسی کنید و به شما قول بدهند که از کمپین‌تان حمایت کنند؟

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا کارهای خصوصی و یا سیاسی‌ای هست که شما به راحتی بتوانید خود را به آن متعهد کنید؟ آیا، کارهایی هم هست که مایل نباشید بپذیرید؟ چرا؟
- خودتان را از نظر سیاسی چگونه شخصیتی می‌دانید؟ دوست دارید تبدیل به چه نوع شخصیت سیاسی شوید؟ چرا؟
- آیا ممکن است کسی جاه‌طلبی سیاسی داشته باشد و در عین حال خود را متعهد به اصول اخلاقی بداند؟ چرا آری و چرا نه؟
- آیا نفس خودداری از شرکت در هر نوع کار سیاسی خود عملی سیاسی است؟ اگر پاسخ مثبت است یک مثال بیاورید.

۳.۳

تمرین: تشویق و حمایت از رهبران زن

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید داستان زیر را در بارهٔ دافنه الو-ویلیامز و تحولش از یک شهروند آگاه به یک رهبر سیاسی بخواند.

دافنه اُلو- ویلیامز، پیش از آن که جنگ داخلی او و خانواده‌اش را چون پناهندگان از سیرالئون به غنا براند، به مدت دو دهه شخصیتی دانشگاهی بود. تجارب این زن در دریافت اعانه از انسان‌های نیک‌سرشت سبب شد علاقه‌اش به کارهای خیریه فزونی یابد. هنگامی که به سیرالئون بازگشت مراقبت را از کودکان یک پرورشگاه برعهده گرفت. چندی بعد «سازمان آفریقایی دل‌های مهربان» را برپا کرد که سازمانی محلی برای کمک‌رسانی به زنان و کودکان نیازمند یک روستای ساحلی بود. این سازمان بعدها با گسترش دامنهٔ فعالیت‌هایش به آموزش مهارت‌های شغلی به زنان پرداخت.

در سال ۲۰۰۵، دافنه به یک موسسهٔ رهبری زنان در کالابار نیجریه رفت که سازمان بین‌المللی آموزش زنان با همکاری سازمان شریکش در نیجریه، به نام «بائوباب» آن را برپا کرده بودند. تجربهٔ دافنه او را برانگیخت که به جنبش زنان بپیوندد. به گفتهٔ او آشنایی‌اش با موسسهٔ رهبری زنان در کالابار فصل تازه‌ای از رهبری را در زندگی او گشود زیرا پی برد که نباید تنها به داشتن چشم‌اندازی از چگونگی پیشرفت جامعه‌اش بسنده کند. دافنه احساس کرد که باید دست به کارهای جسورانه زند و به ویژه به این نتیجه رسید که زنان سیرالئون نیاز دارند در فعالیت‌های سیاسی بیشتری شرکت کنند. به شیوه‌های گوناگون خودش را نیز متقاعد کرد که برای ورود به عرصهٔ سیاسی کشورش تلاش کند.

در ظرف یک سال، دافنه به عنوان یکی از ناظران انتخابات در منطقهٔ غرب کشور برگزیده شد. این منطقه بزرگترین منطقه کشور بود و فری تاون، پایتخت سیرالئون، در آن قرارداشت. با خدمت در این مقام، وی توانست نقشی مثبت در گذار سیرالئون به سوی یک دولت مدرن و منتخب مردم ایفا کنند. مردان در هیئت نظارت اکثریت داشتند و این خود چالشی بزرگ برای دافنه بود. در عین حال وی در معرض انواع تبعیض جنسیتی و ارعاب و حتّی تهدید به مرگ قرار داشت. با این وصف، مصمم بود بکوشد تا اعتبار نتایج انتخابات مسلم شود. سرانجام انتخابات پایان یافت و مشروعیت آن از سوی رئیس هیئت نظّار تأئید شد. این انتخابات مرحلهٔ دشواری از زندگی دافنه اولو ویلیامز بود و در عین حال فرصتی ارزنده که بتواند نقش مهمی را در تعیین سرنوشت سیاسی سیرالئون ایفا کند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- به نظر شما چه عواملی می‌توانست الهام‌بخش دافنه برای شرکت در عرصهٔ سیاست بوده باشد؟
- زنان، به ویژه زنان شرکت‌کننده در کارگاه، چه نقشی می‌توانند در تشویق و حمایت از زنان برای فعال شدن‌شان در عرصهٔ سیاسی ایفا کنند؟

فعالیت دایره‌وار

از خود شروع کنید، و سپس از هریک از زنان دور دایره بخواهید که جملهٔ زیر را تمام کنند*:

«من می‌توانم از راه .... به زنان برای شرکت در امور دولتی و سیاسی کمک کنم.»

*مطمئنا پاسخ درست یا نادرستی نمی‌توان برای این پرسش پیدا کرد. زنان با نام‌نویسی و شرکت در انتخابات و رای دادن و فعالیت برای یکی از نامزدان انتخاباتی، می‌توانند زنان را برای شرکت در فعالیت‌های دولتی و سیاسی یاری رسانند و نیز با تعلیم و تربیت دختران توانا و پسران با انصاف. همهٔ این کارها و هزاران کار دیگر می‌تواند زنان را به یاری زنان دیگر آورند تا چهرهٔ جهان را تغییر دهند.

۴.۳

تمرین: انتخاب‌ها و تعهدها

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک یا دو داوطلب در گروه بخواهید داستان زندگی عصما خدر[۶] را که در پی می‌آید با صدای بلند بخواند. عصما خدر از اعضای سازمان زنان در موسسهٔ جهانی کشور اردن و وکیل مدافع کوشندگان حقوق بشر است.

«من بزرگترین دختر خانواده‌ام. همان طور که در اردن رسم است، روزی که ده ساله شدم پدرم را ابوعصما (پدر عصما) نامیدند و مادرم را امّ عصما (مادر عصما). سایر افراد خانواده پدر و مادرم را

۶. عصما خدر، وکیل دادگستری و کوشندهٔ حقوق بشر، هماهنگ کنندهٔ مؤسسهٔ همبستگی زنان در اردن، وزیر سابق کابینه، سخنگوی دولت اردن هاشمی و رئیس اتحادیهٔ زنان این کشور است. وی همچنین عضویت اتحادیهٔ وکلای دادگستری عرب، سازمان عربی حقوق بشر، و کمیتهٔ اجرایی کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان را برعهده دارد. او در طراحی و اجرای برنامهٔ سوادآموزی و کمک‌رسانی حقوقی به زنان اردنی نیز نقشی عمده داشته و پس از انتخاب شدن به مقام مشاورت دادگاه دائمی عربی در مسائل مربوط به خشونت علیه زنان، یکی از پیشگامان تصویب قوانین کیفری ناظر بر قتل‌های ناموسی بوده است.

چون پسر نداشتند سرزنش می‌کردند و از همین رو تصمیم گرفتند فرزند دیگری به دنیا بیاورند. ده ساله شده بودم که برادرم سمیر به دنیا آمد. پس از یک ساعت که از تولد او گذشت متوجه شدم که همه پدرم را ابوسمیر(پدرسمیر) و مادرم را امّ سمیر(مادر سمیر) صدا می‌زنند، گویی که من ناپدید شده بودم. گرچه بزرگترین فرزند پدر و مادرم بودم، از نظر همهٔ افراد خانواده سمیر، چون پسر بود، مهمترین فرزند پدر و مادرم شناخته می‌شد.

ابتدا من به راستی خشمگین و رنجیده شده بودم. ماه‌ها از انجام وظائفی که معمولا در خانواده‌های اردنی دختران به عهده دارند سرباز زدم و بجایش شروع کردم با پسرها بازی کردن- یعنی با پسربچه‌هایی که مردم آنها را مهمتر از دختربچه ها می‌دانند. با این همه، خوشبخت بودم. پدرم تحصیلکرده و فهمیده بود. می‌دانست که من چقدر از این بابت رنجیده‌ام و در نتیجه با من در این باره حرف می‌زد که چه اندازه به دخترانش اهمیت می‌دهد.

این تجربه اثرش را در من باقی گذاشت. باور پیدا کرده بودم که زنان و دختران نیازمند کسانی هستند که از آنان دفاع کنند. هر چه بزرگتر می‌شدم بیشتر به دفاع از حقوق دوستان دخترم می‌پرداختم که حس می‌کردم در حق آنها تبعیض روا می‌دارند. در نتیجه طبیعی بود که وکیل مدافع شوم و از حقوق زنان دفاع کنم .

وقتی دخترانم به دنیا آمدند به اندازه‌ای مشغول کار وکالت بودم که وقت کم می‌آوردم. دختر دومم در پنج سالگی به یکی از همسایه‌ها گفته بود: "من هرگز نمی‌خواهم وکیل مدافع شوم چون هیچ وقت مادرم را نمی‌بینم. بزرگ که شدم معلم می‌شوم تا بتوانم هر روز ظهر به خانه برگردم." با شنیدن غصه‌های دخترم احساس کردم به دو طرف کشیده می‌شوم. از سویی شیفتهٔ کارم بودم و، از سوی دیگر، احساس نگرانی می‌کردم که مادر خوبی نیستم. هنگامی که دخترم در سنین نوجوانی بود، روزی به طور اتفاقی با من که می‌خواستم در زندان با موکلم دیدار کنم همراه شد. از شرایط نامطلوب زندان به شدت ناراحت به نظر می‌رسید. می‌خواست بداند شب‌ها چگونه خوابم می‌برد اگر فکر کنم که ممکن است کسانی در زندان به سر می‌برند که گناهی مرتکب نشده‌اند. آن روز از من بسیار پرسید. زمانی که گفت تصمیم گرفته است درس حقوق بخواند و وکیل شود، از همه بیشتر من شگفت‌زده شدم. اگر به صدای قلبم گوش سپرده بودم، دست از وکالت می‌کشیدم. امروز، دخترم وکیل مدافع است و دلمشغول حقوق بشر. و من هم در نهایت به این نتیجه رسیده‌ام که بهترین حرفه را انتخاب کرده‌ام!

پرسش‌هایی برای بحث گروهی (۱)

- آیا در کشور ما زنان با همین چالش‌ها برای ایجاد تعادل بین زندگی حرفه‌ای و زندگی خانوادگی خود روبرو می‌شوند؟
- عوامل بازدارندهٔ زنان از مشارکت سیاسی کدام‌اند؟

روی تابلو دو ستون بکشید و از اعضای گروه بخواهید هر یک تعهدات و وظایف مرد را نسبت به خانواده روی یک ستون و تعهدات و وظایف زن را نسبت به خانواده هم روی ستون دیگر بنویسند:

تعهدات مردان در خانواده	تعهدات زنان در خانواده

پرسش‌هایی برای بحث گروهی (۲)

- کدام یک از آنچه در این دو فهرست نوشته شده است به هم شباهت دارد؟ کدام با هم متفاوت است؟
- از این تمرین چه یاد گرفتید؟
- تعهدات زنان در خانواده چگونه بر امکاناتشان در عرصهٔ مشارکت سیاسی تاثیر می‌گذارد؟

۵.۳

تمرین: نقش‌های گوناگون زن

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

نقش‌های متفاوتی را که زنان در جامعه ایفا می‌کنند نام ببرید، مانند مادر، کدبانو، پزشک، مهندس، راننده، حسابدار، وکیل دادگستری، کارگران خانگی، روضه‌خوان و دوزنده. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را روی تخته سیاه ثبت کنید. وقتی تعداد نقش‌ها به ۴۰ تا ۵۰ رسید، کار را متوقف کنید و بروید به مرحلهٔ بعدی.

گروه را دو به دو تقسیم کنید. از هر جفت بخواهید که:

- ده نقشی را که در نظر گروه برای زنان از همه مهمتراست تعیین کنند،
- ده نقش تعیین شده را به ترتیب اهمیت نمره دهند، ۱ برای مهمترین و ۱۰ برای کم‌اهمیت‌ترین.

اعضای گروه را دور هم جمع کنید و از نمایندهٔ هر جفت بخواهید فهرست‌ها را در جمع مطرح کنند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- این تمرین سخت بود یا آسان؟
- آیا شرکت‌کنندگان با بیشترین آن چه در فهرست آمده بود موافق بودند؟ آری یا نه؟
- آیا کسی قانع شد نظر شریکش را بپذیرد؟ توضیح دهید
- در کدام زمینه‌ها توافق بین شرکت‌کنندگان بیشتر بود و در کدامیک کمتر؟

۶.۳

تمرین: گذشته، حال، و آینده

(وقت: ۲۰ حدود دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید تا داستان زیر را بخواند. در این روایت تولکان اسماعیلوا[۷] داستان‌ها و رویدادهایی را شرح می‌دهد که سبب شده‌اند یک کوشندهٔ حقوق بشرشود.

«از همان زمان که به خاطر می‌آورم، من یک کوشندهٔ حقوق بشر بوده‌ام. حتی در آن هنگام که دختر بچه‌ای بیش نبودم فهمیدم در بخشی از جهانی که به آن تعلق دارم زنان شهروندانی درجهٔ دوم به شمار می‌آیند. قدرت در خانه و در جامعه در انحصار مردان است. در پارلمان کشور ما تا سال ۲۰۰۷ میلادی یک نمایندهٔ زن هم وجود نداشت و این در حالی بود که در قرقیزستان بسیاری از زنان استعداد رهبری دارند. قوانین ناظر بر اجرای انتخابات و بر نحوهٔ قانونگذاری در کنترل کسانی بود که در پی پول و قدرت بودند و عموما مرد.

مادر بزرگم داستان کودکانی را برایم می‌گفت که هنگام پناهجویی از گرسنگی و سرما مرده بودند. پدران و مادران این کودکان آنها را در ازای دریافت غذا می‌فروختند. بیشتر دختران را در این معامله‌ها قربانی می‌کردند زیرا پسران ارزش بیشتری داشتند. ولی این داستان‌های اندوه‌بار تنها به گذشته مربوط نیست. هم اکنون نیز، در همین دهه، پناهندگانی که، خسته از خشونت و ناامنی، از مکان‌هایی

---

۷. تولکان اسماعیلوا وکیل دادگستری حقوق بشر قرقیزستان و مدیر مرکز حقوق بشر و مبارزه با فساد، یکی از سازمان‌های همکار سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، است. وی در سال ۱۹۹۶ از بنیادگذاران مرکز سازمان‌های غیردولتی قرقیزستان بود؛ این مرکز نقشی کلیدی در توسعهٔ نهادهای غیردولتی در این کشور ایفا می کند. وی از بنیان‌گذاران و نخستین رئیس جبههٔ ائتلاف برای دموکراسی و جامعهٔ مدنی است. اسماعیلوا به خاطر خدماتش به توسعهٔ جامعهٔ مدنی و پیشبرد حقوق بشر به دریافت جوایز و تقدیرنامه‌های گوناگون نیز مفتخر شده.

چون اندیجان در قزاقستان و جمهوری چچن می‌گریزند یا "ناپدید" می‌شوند یا آماج حمله و خشونت قرار می‌گیرند.

در قزاقستان، ربودن زنان جوان هنوز برای مردانی که در جست‌وجوی همسراند کاری عادی به شمار می‌آید. «عروس‌ربایی» نه تنها برای مردان جوان در قزاقستان نادرست نیست، بلکه خانواده‌های زنان نیز با آن مخالفتی ندارند، به این بهانه که این کار قبیح رسم و سنتی کهن است. به این ترتیب، هر ساله صدها دختر جوان در قزاقستان قربانی آدم‌ربایی می‌شوند که اغلب با خشونت و مجروح شدن و گاه مرگ قربانیان همراه است. داستان‌های بسیار در بارهٔ زنانی وجود دارد که ربوده می‌شوند و دیگر هم نمی‌توانند به خانهٔ پدر و مادرشان بازگردند حتی اگر فرصت فرار پیدا کنند. زیرا اگر تنها یک شب هم بیرون از خانه بمانند ممکن است بکارتشان را از دست داده باشند و در نتیجه بر پایهٔ باوری کهن کالایی معیوب شمرده می‌شوند که شایستهٔ ازدواج با مرد دیگری نیست.

مادر بزرگ‌هایم همیشه ابراز امیدواری می‌کردند که زندگی‌ام با زندگی آنان تفاوت داشته باشد. دلشان می‌خواست روحیه‌ای قوی داشته باشم، خوب تحصیل کنم، و مستقل بمانم. از این می‌ترسیدند که من هم قربانی خشونت و دیگر رنج‌هایی شوم که خاص جوامع مردسالار است. آرزو داشتند که زندگی خوبی پیدا کنم - به این معنا که بتوانم شیوهٔ زندگی‌ام را خود برگزینم.

به یاری پدر و مادرم و شوهر روزنامه‌نگارم بود که توانستم مستقل بمانم و برای رسیدن به آرزوهایم که تغییر فرهنگ جامعه بود فعالیت کنم. تا یاد دارم کوشندهٔ حقوق بشر بوده‌ام و خواهم بود تا زنان به برابری حقوق و به شأن و احترامی که شایستهٔ آن‌هاست دست یابند. خوب می‌دانم که اگر پیکار با بی‌عدالتی‌هایی که در حق زنان کشورم می‌رود ادامه دهم، ناگزیر باید فعّالیت کنم، حرف بزنم، و از خطر کردن نهراسم.»

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- با شنیدن این داستان چه احساسی به شما دست داده است؟
- آیا رویدادهای زندگی گذشته بر شخصیت و ویژگی‌هایی که اکنون دارید اثر گذاشته است؟ آیا تعهداتی را پذیرفته‌اید که بتوانند جهان را برای نسل‌های بعدی تغییر دهند؟
- بیشتر در پی چه تغییری هستید؟

جلسه‌های کارگاه
بخش ۲
به سوی عمل:
گام‌های بعدی ما کدام‌اند؟

دست به کار سیاسی زدن نیازمند جرأت است. در زندگی شخصی و حتّی در فعالیت حرفه‌ای خود با تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری بر تصمیم‌های دیگران آشناایم. اما جهان سیاست می‌تواند برایمان ترسناک باشد و، در بسیاری از جوامع، مشارکت ما در تصمیم‌گیری را برنتابد. اِعمال فشار بر اهرم‌های قدرت – مانند انتقاد کردن از صاحبانش، پیوستن به یک کمپین و یا تلاش برای احراز یک مقام سیاسی، معمولاً کاری سیاسی شناخته می‌شود. کار سیاسی شما را در معرض کنجکاوی و خرده‌گیری قرار می‌دهد؛ نه تنها از سوی مخالفان، بلکه، بدتر از آن، از سوی نزدیکانتان و حتی کسانی که شما هرگز آنان را ندیده‌اید. وارد شدن به عرصه و خطرکردن، امّا، پشتوانهٔ شما در این عرصه است. با نخستین گامی که در عرصهٔ سیاسی برمی‌دارید تأثیر بر شرایطی گذاشته‌اید که در پی تغییرشان هستید.

این بخش از تمرین‌های یادگیری به این منظور طراحی شده است که به شرکت‌کنندگان یاری دهد تا گام سیاسی بعدی - و برای برخی گام سیاسی نخست- را بردارند. در آغاز، هریک از شرکت‌کنندگان موضوع سیاسی خاصی را که مایل‌اند مطرح شود مشخص می‌کنند. هفت جلسهٔ این بخش نمونه‌ها و تمرین‌هایی را مطرح می‌کند که متمرکز بر هدف‌های زیر است: جلب پشتیبانی برای رسیدن به یک هدف سیاسی، یافتن شیوه‌های تشریح هدف و سرانجام تعریف موفقیت در کار. تمرین‌ها برای آگاه کردن و الهام بخشیدن به شرکت‌کنندگان است، با این امیدواری که رهبری به عمل انجامد.

پیشنهادهایی برای تسهیل‌گری

این پیشنهادها را می‌توانید در صفحهٔ ۱۲ بخوانید. اشکالی ندارد اگر تاکنون شیوه‌های خود را برای تسهیل‌گری گزیده باشید. درهرحال، باید کاری کنید که شرکت‌کنندگان در تمرین‌ها فعالانه سهیم شوند.

اگر شیوه‌های خودتان را برای تسهیل‌گری یافته‌اید، ممکن است بخواهید یادداشت کنید که بر پایهٔ تجربه‌های شخصی شما کدام شیوه‌ها مفیدتر بوده است. این شیوه‌ها می‌تواند هم برای دیگر تسهیل‌گران سودمند باشد و هم برای طرّاحی دیگر برنامه‌ها و رهنمون‌های آموزشی.

از همه مهمتر، شما باید اطمینان حاصل کنید که هر شیوه و ابزاری که برگزیده‌اید مساعد برای تاکید و ترویج اصول و روح رهبری مشارکتی است یعنی برقراری ارتباط محترمانه، تشویق‌آمیز و بدون شائبهٔ مداخله‌گری.

نکتهٔ مهم دیگر این که، لذت ببرید از کاری که می‌کنید آن گونه که شرکت‌کنندگان نیز در شور و شوق شما شریک شوند.

جلسهٔ ۴:

تشخیص اولویت‌های سیاسی و طرّاحی پیام

(وقت: حدود ۴ ساعت)

هدف‌های جلسه

- مشخص کردن موضوع یا موضوع‌هایی که می‌خواهیم در بارهٔ آن‌ها کاری انجام دهیم
- بررسی ارتباط موضوع انتخاب شده با جنسیت
- طراحی یک پیام موثر برای موضوع انتخاب شده که از برابری جنسیتی پشتیبانی کند

جلسه را به گونه‌ای تشکیل دهید که بتوانید پیام زیر را در جایی که همه بتوانند آن را ببینند نصب کنید:

«اگر شما این جهان را به همین صورت که هست دوست ندارید، تغییرش دهید. این وظیفهٔ شماست، کافی است که گام به گام به پیش روید.»

- ***مارین رایت ادلمن***[۸]

---

۸. مارین ادلمن رایت عضو هیئت مدیرهٔ سازمان همبستگی و آموزش زنان و بنیادگذار و رئیس صندوق حمایت از کودکان است. او نخستین زن آمریکائی-آفریقائی است که به کانون وکلای دادگستری ایالت می سی سیپی راه یافته است. شرکت ادلمن رایت در جنبش حقوق بشر ایالات متحد آمریکا در میانهٔ دههٔ ۱۹۶۰، با انتخابش به ریاست دفتر صندوق حمایت حقوقی و آموزشی انجمن ملی پیشرفت سیاه پوستان آمریکائی، در شهر جکسون می سی سیپی آغاز شد. در سال ۱۹۶۸، خانم ادلمن وایت به مشاورت حقوقی راه پیمائی بزرگی انتخاب شد که به ابتکار مارتن لوتر کینگ در شهر واشنگتن برگزار شد.

۱.۴

تمرین: در ۲۰ سال آینده از این جهان چه می‌خواهم؟

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

فعالیت دایره‌وار

از شرکت‌کنندگان بخواهید به آرامی آن گونه که احساس راحتی می‌کنند بنشینند، چشم‌هایشان را ببندند، و نفسی عمیق بکشند. در چنین آرامشی، از شرکت‌کنندگان بپرسید در ۲۰ سال آینده از این جهان چه می‌خواهند. از آنها بخواهید در همان حال نشسته دقایقی در این باره تامل کنند و به آنها یاد آور شوید که نظرهایشان را در پاسخ به این پرسش باید با دیگران در میان گذارند.

پس از حدود دو دقیقه، از شرکت‌کنندگان بخواهید چشم‌هایشان را باز کنند. آنگاه خودتان این مرحله را شروع کنید و بگویید: «در ۲۰ سال آینده دوست دارم. . . .» سپس بین یک تا پنج تغییر مثبت را که مایلید در جامعه، در محله یا در خانوادهٔ شما روی دهد فهرست‌وار بنویسید.

فردی که کنار شما نشسته است باید کار شما را ادامه دهد و بگوید «و من دوست دارم ببینم که. . .» و سپس بین یک تا پنج تغییرمهم و مثبتی را که مایل است در جامعه، در محله و در خانواده‌اش روی دهد فهرست کند. به همین صورت کار را ادامه دهید و به نوبت یک یک شرکت‌کنندگان را که کنار یکدیگر نشسته‌اند دعوت کنید که پاسخ‌هایشان را با گروه در میان بگذارند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چه احساسی دارید؟ آیا آماده هستید وارد چنین بحثی شوید یا احساس می‌کنید که کار دشواری است؟
- کدام یک از تغییرها را شدنی می‌دانید؟ و کدام را غیرممکن؟
- می‌خواهید به کدام یک از موضوع‌ها بیشتر بپردازید؟ و کدام موضوع را دوست دارید نخست مطرح کنید؟

۲.٤

تمرین: چارچوب موضوع مورد نظر

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از شرکت‌کنندگان بخواهید تا در بارۀ موضوع‌ها و هدف‌های سیاسی مورد علاقه‌شان به بحث و جدل بپردازند. آنچه را هر شرکت‌کننده می‌گوید روی تختۀ سیاه بنویسید. برای این تمرین، مفید است که دو نفر را برای یادداشت‌برداری برگزینید، یکی برای نوشتن مطالب بر تختۀ سیاه و دیگری برای نوشتن همان مطالب بر روی کاغذ برای طرح و بحث در جلسه‌های دیگر کارگاه.

گروه را به سه تا چهار تیم تقسیم کنید. از هر تیم بخواهید پیش‌نویس یک جمله (و تنها یک جمله) را تهیه کند که حاوی یک هدف سیاسی مشترک بین همۀ اعضای گروه است؛ هدفی که همۀ اعضای گروه مایلند در طول دورۀ کارگاه مورد بحث قرار گیرد. ۲۰ دقیقه را به این کار اختصاص دهید. امّا برخی از تیم‌ها ممکن است احتیاج به وقت بیشتری داشته باشند.

مثال‌ها:

هدف ما این است که با نوشتن مقاله، ایجاد ائتلاف، و شرکت در مبارزۀ انتخاباتی به پشتیبانی از همۀ نامزدهای زنی برخیزیم که هدف سیاسی‌شان پیشبرد حقوق زنان است؛

ما می‌خواهیم لایحۀ پیشنهادی تازه در بارۀ افزایش حق مالکیت زنان بیوه در مجلس تصویب شود.

گروه را دوباره گرد هم آورید و از یک داوطلب در هر تیم بخواهید تا با صدای بلند هدف سیاسی تیم خود را بخواند. هدف‌ها را روی تابلوی سیاه بنویسد و از داوطلب دیگری دعوت کنید تا آن‌ها را روی برگ کاغذی ثبت کند تا بتوان در آینده از آن استفاده کرد.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- دلائل انتخاب هر یک از هدف‌های خاص سیاسی؟
- آیا بیشتر هدف‌های انتخاب شده مرتبط با موضوع زنان است؟
- آیا تحقق هدف‌ها به کل جامعه کمک می‌رساند؟ چه کسانی بهره‌مند می‌شوند؟ چه کسانی بهره نمی‌برند؟

۳.۴

تمرین: طراحی چارچوب موضوع مورد نظر(۱)

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

بین شرکت‌کنندگان ورقه‌های کاغذی را توزیع کنید که در آن‌ها اطلاعات زیر در بارهٔ دو تن از زنان نامزد انتخابات نوشته شده است.

فرض کنید که الف. الف. و ب. ب. دو نامزد عضویت در شورای محلی منطقهٔ زندگی شما هستند:

یکی از نامزدها، آرا آزاده (الف. الف.)، رئیس محبوب یک مدرسهٔ محلی است که نسبت به تأمین رفاه کودکان محل توجهی خاص دارد. او یک بیوهٔ ۶۲ ساله و بدون فرزند است. این دومین بار است که نامزد انتخاب شدن در شورای محلی شده. بار نخست، هشت سال پیش، وی با اکثریت قاطعی به حریف انتخاباتی‌اش باخت زیرا فاش شده بود که شوهرش قبل از مرگ، به جرم تهدید فروشنگان محلی که از شرکت‌اش بیمه نخریده بودند، در دادگاه محکوم به پرداخت جریمهٔ نقدی شده است. بیشتر ساکنان محل می‌دانستند که آزاده از این موضوع با خبرنیست. با این حال پیشینهٔ شوهر به او صدمه زد و در انتخابات بازنده شد.

نامزد دیگر به نام بیتا بهار (ب.ب.) چندان شهرتی در محل ندارد و تازه چهار سال است که درآن زندگی می‌کند. ۴۸ ساله است، و همسر یک جواهرفروش بازنشسته و ثروتمند که به دلائل بهداشتی به محل جدید نقل مکان کرده تا از زمستان‌های گرم و کم‌رطوبت بهره‌مند شود. این زن و شوهر با پسر و عروس و نوهٔ سه ماههٔ خود زندگی می‌کنند. پیش از آن که خانواده‌اش به محل تازه بیایند، بیتا در کارهای خیریه در شهر مجاور فعّال بود و با جمع‌آوری پول از دیگران و از جیب خودش به پرورشگاه‌ها و بیمارستان‌های کودکان و مدارس یاری می‌رساند.

در این محل، مهمترین موضوع مورد توجه مردم در حال حاضر گزارش تازه‌ای است که نشان می‌دهد کودکان و سالخوردگان به علت آشامیدن آب آلوده بیمار شده‌اند. به نظر می‌رسد که آلودگی آب محل ناشی از فضولات شیمیایی یک کارخانهٔ چرم‌سازی است که در ۱۵ کیلومتری بالای شهر به رودخانه می‌ریزد.

گروه را به دو تیم تقسیم کنید. نقش یک تیم پشتیبانی از الف.الف. است و نقش گروه دیگر حمایت از ب. ب. هواداران الف. الف. را در یک سوی اتاق و حامیان ب. ب. را در دیگر سوی آن جای دهید. هر تیم ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت دارد که، پس از بحث دربارهٔ نامزد مورد نظرش، پیش‌نویس نکات خاصی را که می‌تواند حمایت رأی‌دهندگان را به سوی وی آورد تهیه کند. سپس، از هریک از اعضای تیم الف. الف. بخواهید به نوبت نقش معرّف و مبلّغ خانه به خانه را برای کمک به نامزد مورد نظر خود ایفا کنند. از اعضای تیم ب.ب. نیز بخواهید که اجرا کنندهٔ همین نقش برای نامزد خود شوند. هریک از اعضای تیم الف. الف. در خانه‌ای را می‌زند و یک عضو تیم ب.ب. در را به روی او باز می‌کند. عضو تیم

الف.الف. برای صاحبخانه شرح می‌دهد که او الف.الف را حمایت می‌کند برای عضویت در شورای محلی. این عضو ۲ دقیقه وقت دارد تا:

- خودش را معرفی کند و اگر بخواهد توضیح دهد چه مدتی در آن محله زندگی کرده است. کمی از خانواده و کارش بگوید، یا از هر نکتهٔ دیگری که تصور می‌کند اهمیتی خاص دارد.
- شرح دهد که هدفش از مراجعه به آن خانه چیست.
- توضیح دهد که چرا از نامزد انتخاباتی مورد نظرش حمایت می‌کند- و نه از رقیب او.
- شرح دهد که از صاحبخانه چه نوع کاری می‌طلبد: رای دادن، پیوستن به کمپین، شرکت در تظاهرات، یا گرفتن اطلاعات بیشتر در بارهٔ نامزد مورد نظر.

این تمرین را با جابه جا کردن هواداران الف.الف. و ب.ب. تکرار کنید تا هرکس توانسته باشد برای نامزد مورد نظر خود کمپین کند. یک داوطلب باید مراقب باشد کسی بیش از دو دقیقه صحبت نکند. با این همه، این تمرین باید هم سودمند باشد و هم مفرِّح و لذت‌بخش. بنابراین طنز و اندکی پرحرفی هم در آن بی جا نیست.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا احساس می‌کنید بین کمپین انتخاباتی برای زنان و کمپین برای مردان تفاوتی وجود دارد؟ پاسخ شما چه مثبت باشد چه منفی، دلیل ارائه کنید.
- آیا از دلائل جنسیتی برای حمایت از نامزدهای زن استفاده شده است؟ (به عنوان نمونه چرا یک زن می‌تواند عضو کارآیی برای شورای محلی باشد). چرا آری و چرا نه؟ توضیح دهید.
- آیا این تمرین دشوار بود یا آسان؟ چرا؟
- با تماشای یک یک نقش‌های تبلیغی که ایفا شد، به نظرشما چه شیوه‌هایی کارسازتر بودند؟ و کدامیک نه چندان مفید؟

۴.۴

تمرین: طراحی چارچوب موضوع مورد نظر (۲)

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

تعیین هدف برای جلسهٔ ۴

مقصود از این تمرین تعیین یک موضوع، یا درصورت لزوم چند موضوع، است که اعضا آماده‌اند برای تأیید و ترویج‌شان به کارسیاسی دست زنند. موضوعی که آنها انتخاب می‌کنند در جلسه‌ها و گام‌های بعدی، به عنوان «هدف جلسهٔ ۴»، به بحث گذاشته می‌شود.

گروه را جفت جفت تقسیم کنید. از هر جفت بخواهید هدف‌های سیاسی را که در تمرین قبلی روی تختهٔ سیاه به عنوان «چارچوب‌دهی به موضوع مورد نظرمان(۱)»، نوشته شده مرور کنند.

هر عضو جفت سه تا چهار دقیقه وقت دارد تا یارش را به انتخاب موضوع، هدف، و نیت سیاسی‌ای قانع کند که در جلسه های آینده مورد بحث قرار گیرد. سپس، از هر دو عضو جفت‌ها بخواهید در مورد یکی از هدف‌ها به توافق رسند. اگر هر دو با یکدیگر بر سر یک هدف توافق کنند، باید دلائل انتخاب هدف را نیز تعیین کنند و با سایر اعضای گروه درمیان گذارند.

گروه را دوباره گرد هم آورید و از هر جفت بخواهید در بارهٔ موضوعی که برگزیده‌اند گزارشی ارائه کنند. از گروه بخواهید که در بارهٔ موضوع‌های مورد توافق به بحث پردازند و بکوشند تا بر سر یک موضوع سیاسی که در همهٔ جلسه‌های کارگاه مطرح خواهد شد به توافق رسند. اما اگر رسیدن به چنین توافقی برای گروه دشوار باشد، می‌توانند دو یا سه موضوع را انتخاب کنند. موضوع، یا موضوع‌های، مورد توافق در تمرین‌های بعدی کارگاه مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

جلسهٔ ۵:
طرّاحی نقشهٔ عرصهٔ سیاسی

(وقت: حدود ۴ ساعت)

هدف‌های جلسه

- ترسیم چالش‌ها و امکان‌ها برای کار سیاسی
- ترسیم هریک از حوزه‌های قدرت سیاسی، محلی، ملی، یا بین‌المللی، که می‌خواهیم در آن تاثیرگذار شویم
- بررسی گام‌هایی که برای ایجاد یک برنامهٔ سیاسی ضروری است

۱.۵

تمرین: در جست‌وجوی همبستگی

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

از یک یا دو داوطلب در گروه دعوت کنید گزارش خبری زیر را در بارهٔ کمپین تابعیت زنان عرب با صدای بلند بخوانند.

داشتن تابعیت حقی است برای من و خانواده‌ام

«شوهرم فلسطینی است و نمی‌تواند با من در بحرین زندگی کند. ما بیشتر وقت‌ها از هم جدا هستیم. عاشق شوهرم هستم، ولی هر دو تصمیم گرفته‌ایم فرزندی به دنیا نیاوریم؛ به دنیایی که در آن فرزندمان در معرض تبعیض قرار خواهد گرفت و از برابری حقوق بهره‌ای نخواهد داشت.» (*فاطمه، زن ۲۵ سالهٔ بحرینی که با یک مرد فلسطینی ازدواج کرده است*)

«خواهرم پیش از آن که بتواند تابعیتش را به خانواده‌اش بدهد درگذشت. امروز من به یاد او در این تظاهرات شرکت کرده‌ام.» (*خدیجه، زن ۵۸ سالهٔ مراکشی که با مردی غیرمراکشی ازدواج کرده است*)

«ما به یک کار سیاسی دست خواهیم زد. انتخابات پالمانی نزدیک است و در ماه ژوئن برگذار خواهد شد. ما از همه خواسته‌ایم به نامزدهایی که خود را به اصلاح قوانین تابعیت متعهد نکرده‌اند رأی ندهند.» (*ثریا ۳۲ ساله، زن لبنانی که با مردی مصری ازدواج کرده است*)

در بیشتر کشورهای جهان عرب، فقط پدر حق دارد تابعیت خود را به همسران و فرزندانش منتقل کند. قوانین ناظر بر تابعیت یکی از تبعیض‌آمیزترین قوانین در این کشورها است زیرا به صراحت مقرر کرده‌اند که مرد می‌تواند تابعیتش را منتقل کند امّا زن نمی‌تواند. قوانین تابعیت در کشورهای عرب نه تنها ناقض اصل برابری شهروندان است، اصلی که در بیشتر قوانین اساسی این کشورها تضمین شده، بلکه زنان را به شهروندان درجهٔ دو تبدیل کرده و آنان را از بسیاری از حقوقی که مردان از آن برخوردارند محروم ساخته است.

در سال ۲۰۰۲، کوشندگان حقوق زن در شش کشور عرب، الجزیره، بحرین، مصر، اردن، مراکش، و سوریه، به هم پیوستند و به چالش چنین تبعیض‌هایی پرداختند. هدف کمپین منطقه‌ای آنها تأمین برابری کامل حقوق زن و مرد، و اصلاح قانون تابعیت در تمام کشورهای عرب بود. آنان چنین اصلاحی را مطلقاً ضروری اعلام کردند زیرا قوانین تبعیض‌آمیز تابعیت ناقض حق بنیادی زنان به همان امکاناتی است که برای تأمین آموزش، درمان، و فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی اعضای خانواده در اختیار مردان قرار دارد.

اعضای فعّال این کمپین کار را با شنیدن و جمع‌آوری روایت‌های زنانی آغاز کردند که به همسری اتباع دیگر کشورها در آمده بودند. این روایت‌ها پیام کمپین را تقویت کرد، انتشارشان توجه عموم را به موضوع جلب کرد و کنجکاوی و علاقه رسانه‌ها را برانگیخت. گردهم‌آیی‌های عمومی، تحصن‌ها و تظاهرات نشسته، گواهی گواهان و بحث‌های مستقیم و علنی میان اعضای پارلمان، تصمیم‌گیران سیاسی و رسانه‌ها، همگی حاوی پیام‌هایی بس روشن در بارهٔ پیامدهای منفی این قوانین غیرعادلانه و ضرورت اصلاح آن‌ها بودند.

همبستگی زنان کشورهای عربی‌ی فعّال در این کمپین همچنان از عوامل مؤثر در موفقیت نهایی جنبش است. در سال ۲۰۰۴، مصر نخستین کشورعربی بود که به اصلاح قوانین تابعیت دست زد. به گفتهٔ میروات ابوتیج، از اعضای فعال بنیاد پیشرفت زنان در مصر،: «ما بی‌وقفه می‌کوشیم تا از اجرای قوانین اصلاح شده مطمئن شویم. ما از راه توسل به نهادهای قضایی موفق شده‌ایم حق زنانی را که با مردان فلسطینی ازدواج کرده‌اند به انتقال تابعیت خود به فرزندانشان تثبیت کنیم.» الجزیره در سال ۲۰۰۵ و سپس مراکش، در سال ۲۰۰۸، نیز به اصلاح قانون تابعیت خود پرداختند. در سال ۲۰۰۶، هماهنگ کنندهٔ محلی کمپین تابعیت، سازمان پژوهش و آموزش برای توسعه/ کار و سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان به ترویج یک کمپین بین‌المللی دست زدند.[۹] چندی پیش این کمپین به فیس‌بوک پیوست و اکنون بیش از ۲۴۰۰۰ عضو آن در یک حرکت دستجمعی خواهان اصلاح قوانین تابعیت در جوامع عرب شده‌اند.

کمپین «تابعیت حق من است و حق خانوادهٔ من» همچنان به ترویج و تبلیغ ضرورت رسیدن زنان به همهٔ حقوق ناشی از تابعیت ادامه می‌دهد و برای تحقق این خواست از همهٔ شیوه‌ها و ابزارهای مبتکرانه، از جمله تکنولوژی مدرن اطلاعاتی و ارتباطی، بهره می‌جوید. و نیز می‌کوشد که توان و مهارت زنان و مردانی را افزایش دهد که قربانیان قوانین تبعیض‌آمیز و نابرابراند. اگرچه هنوز بسیاری از کشورهای منطقه تن به اصلاحات در قوانین ناظر بر تابعیت نداده‌اند، اما کمپین تابعیت چنان پویا است و فشارش را بر تصمیم‌گیران این کشورها ادامه می‌دهد. افشای سیاست‌های تبعیض‌آمیز این دولت‌ها و درگیر کردن ده‌ها هزار تن زن و مرد در بحث راجع به چنین تبعیض‌هایی هردو از اهرم‌های این فشار است.

---

۹. ن. ک: http://apps.facebook.com/causes/view_causes/17486

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

پرسش‌هایی را که در زیر می‌آید با شرکت‌کنندگان در میان گذارید و از یک داوطلب بخواهید پاسخ‌ها را روی تخته سیاه بنویسد.

- کدامیک از مشکلات مربوط به حقوق زن باید در عرصهٔ عمومی جامعه و حتّی در عرصهٔ جهانی مطرح شود؟
- کدام نهاد، کمیسیون یا دادگاه بین‌المللی را می‌شناسید که یک مسئلهٔ داخلی را در سطح بین‌المللی مطرح و در بارهٔ آن داوری کند؟
- برای نهادهای قانونگذاری و رهبران سیاسی شما آنچه رهبران دیگر کشورها می‌کنند چقدر اهمیت دارد؟ آیا رهبران حکومت شما تحت تأثیر حکومت‌های دیگر قرار می‌گیرند؟ چرا آری و چرا نه؟ دلیل بیاورید.

از گروه بخواهید با یکدیگر در این باره گفت‌وگو کنند و بگویند نسبت به فعالیت‌های حقوق بشر زنان چه کشورهایی به صورت طبیعی احساس همدردی می‌کنند. نام این کشورها را روی تابلو ثبت کنید و همچنین از شرکت‌کنندگان بپرسید چرا هریک از آنها کشورهای خاصی را برگزیده‌اند. بررسی کنید که کدام امتیازات از راه ترویج، شبکه سازی، کمپین و متحدیابی بین‌المللی عاید می‌شود؟ پیامدهای منفی این گونه فعّالیت‌ها چیست؟ دو ستون روی تختهٔ سیاه بکشید و از شرکت‌کنندگان بخواهید تا نقاط مثبت و منفی کمپین در بارهٔ حقوق زن را در همکاری با جوامع دیگر روی این دو ستون بنویسند.

نقاط مثبت	نقاط منفی

۲.۵

تمرین: قدرت سیاسی در محلهٔ ما

(وقت: حدود ٦٠ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید متن زیر را که رابعه نصیری،[۱۰] یکی از رهبران حقوق زن در مراکش، نوشته است، بخواند.

«درسی که من از سال‌ها فعالیت سیاسی سازمانی گرفته‌ام این است که فرد یا گروه هنگامی که می‌خواهند تغییر ایجاد کنند باید نخست بینش روشنی از آن چه می‌خواهند داشته باشند. دوم باید برنامهٔ کوتاه‌مدت و بلندمدت کارشان را طرّاحی کنند. سوم، باید بتوانند به ائتلاف با دیگران بپردازند و توجه رسانه‌های خبری را نسبت به هدفشان جلب کنند. با چنین شیوه‌هایی است که می‌توان در یک کمپین سیاسی موفق شد.»

گروه را به سه تیم تقسیم کنید و از هریک بخواهید فهرستی تهیه کنند.

از تیم "الف" بپرسید تا پس ازمشورت با هم متنفّذترین گروه مردمی و نهاد دولتی در محل را نام ببرند. کلمهٔ «محل» را تعریف کنید تا محدودهٔ بررسی‌شان روشن شود.

از تیم "ب" بخواهید متنفّذترین گروه مردمی و نهاد دولتی را در استان نام ببرند. برای تیم کلمهٔ «استان» را تعریف کنید تا حدود بررسی‌شان روشن شود.

از تیم "پ" بپرسید متنفّذترین گروه مردمی و نهاد دولتی در کشور کدام‌اند.

متنفّذترین گروه مردمی و نهاد دولتی در محل	متنفّذترین گروه مردمی و نهاد دولتی در استان	متنفّذترین گروه مردمی و نهاد دولتی در کشور

پس از ده دقیقه، تیم‌ها را گرد هم آورید و از آن‌ها بخواهید که پاسخ‌هایشان را در سه ستونی که روی تخته سیاه کشیده شده است بنویسند.

از گروه بخواهید با توجه به هدف جلسهٔ ٤ بگویند نقش کدام اشخاص و نهادها برای کمپین مثبت است و نقش کدام یک از آن‌ها منفی. عوامل مثبت را در یک دایره و عوامل منفی را در دایره دیگری، با رنگ‌های مختلف، مشخص کنید. اعضای گروه، باید در بحث بایکدیگر مشخص کنند کدام اشخاص و

۱۰. رابعه نصیری از بنیان‌گذاران انجمن دموکراتیک زنان مراکش، یکی از همکاران سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، است و مدت‌ها کار هماهنگ‌کنندهٔ جامعهٔ ۹۵ مراکش را برعهده داشته. این جامعه شبکه‌ای است مرکب از انجمن‌های زنان پژوهندهٔ مراکش و تونس که متعهد به پیشبرد حقوق زنان و ادامهٔ پیکار برای اجرای کامل میثاق رفع همهٔ اَشکال تبعیض علیه زنان‌اند. نصیری مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگون در بارهٔ زنان عرب و فقر، زن در اسلام، توانمندسازی زنان، و راهبردهای ترویج حقوق زنان تألیف کرده و استاد دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه رباط مراکش است.

نهادهایی از هدف جلسهٔ ٤ هم اکنون حمایت می‌کنند و کدام اشخاص و نهادها را می‌توان قانع کرد که به تحقق این هدف یاری رسانند. نتایج این بحث را روی تابلو بنویسید.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- در کدام قالب سیاسی می‌خواهیم برای تحقق هدف یا هدف‌های جلسهٔ ٤ فعالیت کنیم؟ محلی، منطقه‌ای یا ملی؟
- چه کسانی را می‌خواهیم تحت تاثیر قرار دهیم؟
- به کدام نهاد یا نهادهای حکومتی نیاز داریم امتیاز دهیم، بپیوندیم، یا آن همراه خود کنیم؟
- آیا نهادهای حکومتی خاصی را می‌شناسید که در یک چهار چوب سیاسی معین بتوانیم با آنها کار کنیم و بر آنها تاثیر گذاریم؟ اگر پاسخ مثبت است، از آنها نام برید؟

۳.۵

تمرین : چرا باید کسی به من رای بدهد؟

(وقت: حدود ٦٠ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید داستان زیر را بخواند.

ماریا چنان به هیجان آمده بود که به سختی می‌توانست نفس بکشد. در کنار نامزدهای مرد و سالخورده‌ای با لباس‌های چروک خورده، زنی روی صحنه نشسته بود به نام کارلا هرناندز. ماه‌ها پیش، کارلا به کلیسای ماریا رفته بود و پس از معرفی خود از بسیاری از زنانی که به این کلیسا می‌رفتند خواسته بود تا به او رای دهند. ماریا به سرعت به او علاقه‌مند شده بود. کارلا زن خون‌گرم و خوش‌صحبتی بود و صداقت و صمیمیت از چهره‌اش می‌بارید. اگرچه ماریا و دیگران به کمپین کارلا پول رساندند و در حمایتش در سراسر شهر پوستر چسبانده بودند، امّا ماریا باور نمی‌کرد که کارلا به روی صحنه آمده و آماده آن است که به یک بحث سیاسی واقعی با مردانی بپردازد که برای احراز مقام شهردار وارد مبارزه شده‌اند.

سخن را نخست نامزدان مرد آغاز کردند و همان چیزهایی را گفتند که همیشه گفته بودند. هریک دیگری را متهم به فساد کرد قول آبادانی و رفاه داد داد و ادعا کرد که به شهر زیبایش عشق می‌ورزد. سرانجام، نوبت به کارلا رسید:

«من نوع تازه‌ای از نامزد سیاسی‌ام. من به راستی می‌توان تغییر بدهم هر آنچه در این شهر نیاز به تغییر دارد.» با شنیدن همین جمله چشمان نیمه‌بستهٔ حاضران به یکباره باز شد. کارلا به شرح تجربه‌های خود

و مقایسه‌اش با تجربهٔ دیگر نامزدها پرداخت. از فقر و تنگدستی غم‌انگیز در شهر سخن گفت و از ناتوانی شهردار وقت در اجرای وظایفش. در همین هنگام آثار ملال و خستگی دوباره در چهرهٔ حاضران پدیدار شد. مارتا دلش می‌خواست که کارلا از برنامه‌هایی که برای آینده دارد بگوید و این که چرا حاضران باید به او رای بدند. کارلا، امّا، سخنانش را با این به پایان رساند که چرا شهرش را چنین دوست دارد. ماریا به اطراف نگاهی انداخت و دید که بیشترین حاضران جلسه را ترک کرده‌اند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا حاضران توانستند بفهمند که کارلا برای آیندهٔ شهر چه برنامه‌هایی در سر دارد؟
- اگر او دربارهٔ هدف‌هایش، و در بارهٔ این که اگر انتخاب شود چه خواهد کرد، به روشنی

سخن می‌گفت چه امتیازاتی برایش داشت و چه مخاطراتی؟

- برنامهٔ سیاسی چیست؟ آیا کارلا چنین برنامه‌ای را ارائه داد؟

فعالیت دایره‌وار

تصور کنید وارد یک مسابقهٔ انتخاباتی برای رسیدن به یک مقام سیاسی شده‌اید. به عنوان تسهیل‌گر چه مقامی را در نظر می‌گرفتید که برای گروه‌تان جاذبه داشته باشد: عضویت در شورای شهر، در پارلمان محلی، در مجلس ملی، در اتحادیهٔ بازرگانی، رئیس جمهور، یا هر مقام دیگر. سپس به شرکت‌کنندگان بگویید که آنها دسته جمعی نامزد رسیدن به این مقام‌اند.

از خود شروع کنید و این جمله را به پایان برید: «اگر من انتخاب بشوم چنین خواهم کرد. . .» یک هدف و یا کاری خاص را نام ببرید. از یک یک شرکت‌کنندگان بخواهید که کار را ادامه دهند و برنامهٔ سیاسی خود را به عنوان نامزد یک مقام سیاسی ارائه کنند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا برنامهٔ سیاسی نامزد را دوست داشتید؟ چرا آری و چرا نه؟
- اگر واقعا نامزد یک شغل سیاسی می‌شدید، برنامهٔ سیاسی خود را چگونه تعیین می‌کردید؟
- آیا از هم اکنون می‌دانید چه برنامه‌ای را طراحی می‌کردید؟ و آیا علاقه داشتید که آن را برای دیگران بازگو کنید، از جمله برای خانواده، مشاورانتان، و هوادارانتان؟ چرا آری و چرا نه؟

به هریک از شرکت‌کنندگان قلم و کاغذی بدهید. از آنها بخواهید آن مقام سیاسی را که دوست دارند احراز کنند روی کاغذ بنویسند. اگر برخی بگویند که به هیچوجه دوست ندارند وارد حوزه‌های سیاسی بشوند از آنها بخواهید به عنوان تمرین یک مقام سیاسی را برگزینند. سپس از شرکت‌کنندگان بخواهید چهار اصل و یا هدف نامزدی خویش را بنویسند. پس از پنج تا ده دقیقه از داوطلبان بخواهید برنامه‌های سیاسی داده شده را با صدای بلند بخوانند. کار را ادامه دهید تا همه شرکت‌کنندگانی که مایل‌اند برنامهٔ خود را با دیگران در میان گذارند سخن گفته باشند.

۴.۵

تمرین: سهمیه چیست؟ چرا باید از آن استفاده کرد؟ و چرا نباید؟[۱۱]

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از داوطلبان بخواهید اطلاعات زیر در بارهٔ سهمیه، و مقاله‌ای را که به دنبال آن است بخوانند:

زنان در ورود به عرصهٔ سیاسی با چالش‌های منحصر به فردی روبرو می‌شوند. به عنوان نمونه، انتظارات سنّتی، بار مسئولیت سنگینی که باید برای حفظ خانواده به دوش بکشند، دسترسی اندک به مشاغل پردرآمد و به شبکه‌های اجتماعی قدرتمند، درصد بالای بی‌سوادی و نرخ بالای فقر در جمعیت زنان. برای جبران کندی پیشرفت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، برخی دولت‌ها سیستم سهمیه‌بندی را به عنوان یک وسیلهٔ راهبردی برای افزایش تعداد زنانی که به کرسی‌های قدرت سیاسی دست می‌یابند تعبیه کرده‌اند.

سهمیه‌بندی چیست؟

سهمیه یک هدف عددی است که حداقل و حداکثری را مشخص می‌کند. در عرصهٔ سیاسی، سهمیه‌بندی جنسیتی حداقلی را برای حضور زنان در این عرصه تعیین می‌کند. سهمیه‌بندی راه‌حلی است برای مشکل تاریخی پایین بودن تعداد زنان در عرصهٔ سیاسی. این مشکل ناشی از عوامل گوناگون است از جمله نگرش‌های سنّتی فرهنگی، اجتماعی و مذهبی.

۲۵ دسامبر ۲۰۰۹، سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان

زنان نیمه‌ای از جهان را در اختیار دارند، اما نه نیمه‌ای از پارلمان را

یک مثل چینی می‌گوید: «نیمه‌ای از جهان بر دوش زنان است» ولی زنان هنوز حتی نصف راه را برای برابری با مردان از حیث حضور در نهادهای ملی قانونگذاری نپیموده‌اند. در سال ۲۰۰۹، ۱۸٪ از قانونگـذاران در پارلمـــان‌ها زن بوده‌اند، چیــزی بیشتر از ۱۷.۷٪ در پایان سال ۲۰۰۶ و ۱۵.۷٪ در دسامبر ۲۰۰۴. این درجه از کندی روند پیشرفت باعث شده تا اندرز جانسون، دبیر کل اتحادیه بین‌المللی مجالس، پیش‌بینی کند که «ما تا پیش از سال ۲۰۵۰ نمی‌توانیم امیدوار باشیم که در این نرخ تغییر عمده‌ای ایجاد شود.»

---

۱۱. نگاه کنید به: پیوست ح.

بر اساس ادعای همین اتحادیه[۱۲]، در هشت کشور، زنان به‌کلی از حضور در نهاد قانونگذاری محروم مانده‌اند از جمله در عربستان سعودی، قطر، عمان، و جزائر پاسیفیک مانند میکرونزیا، نائورا، پالائو، جزایر سلیمان و توالو. در لبنان، ایران، مصر، بحرین، کویت، و یمن زنان فقط درحدود ٪۳، و یا کمتر، از نمایندگان پارلمان این کشورها هستند. در نیمی از کشورهای در حال توسعه شمار زنان در پارلمان به بالای سی درصد رسیده است، از جمله در بوروندی، کوستاریکا، کوبا، موزامبیک، آفریقای جنوبی، تانزانی و اوگاندا. رواندا، با ٪٥٦ نمایندهٔ زن در پارلمان، در بالای فهرست این کشورها قرار دارد و در رده‌ای پایین‌تر سوئد با ٪۴٦، آفریقای جنوبی با ٪۴۴، و کوبا با ٪۴۳ قرار گرفته‌اند. اگرچه سهمیه‌بندی همچنان بحث‌انگیز است، بسیاری از کارشناسان علوم سیاسی معتقدند که یشتر کشورها، با بیش از ٪۳ زن در پارلمان، همان کشورهایی هستند که نوعی سهمیه‌بندی را پذیرفته‌اند به استثنای فنلاند، دانمارک و کوبا.

به موازات بالا گرفتن بحث‌ها پیرامون سهمیه‌بندی، پیامد چنین برنامه‌ای در سطوح گوناگون نهادهای دولتی، از شوراهای محلی گرفته تا مجالس قانونگذاری، محسوس است. حضور ملموس زنان در رده‌های مهم تصمیم‌گیری سیاسی این پیام را به جوانان می‌رساند که زنان می‌توانند و باید در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری و قانونگذاری شرکت داشته باشند. با این همه، این پرسش سیاسی همچنان به به قوت خود باقی است که: انتخاب شدن به پارلمان به عنوان یک «زن سهمیه‌ای»ای چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

چند دقیقه‌ای را اختصاص دهید به بحثی کلی پیرامون سهمیه‌بندی، بر اساس پرسش‌های زیر:

- در کشور شما درصد زنان در پارلمان و در هیئت وزیران چیست؟
- آیا در دههٔ گذشته در این نسبت تغییری رخ داده است؟ آیا زنان بیشتری وارد میدان رقابت‌های انتخاباتی شده‌اند؟
- آیا در کشور شما سهمیه‌بندی جنسیتی در زمینهٔ توزیع مقام‌های سیاسی پذیرفته شده است اگر پاسخ مثبت است، پیامدهای این سهمیه‌بندی در مشارکت سیاسی زنان چه بوده است؟
- آیا هرگز در کشورتان رای داده‌اید؟ چرا آری و چرا نه؟

۱۲. ن. ک. www.ipu.org

۴.۵(ادامه)

تمرین سهمیه‌بندی

از داوطلبان بخواهید داستان زیر را که مربوط به لبنان است بخوانند:

در فوریه ۲۰۱۰، دولت لبنان تصویب کرد که، در انتخابات شهرداری محلی که برای ژوئن ۲۰۱۰ برنامه‌ریزی شده بود، سهمیه‌بندی به نفع زنان تا ۲۰٪ مراعات شود. حضور زنان در شوراهای محلی لبنان رویدادی تازه است (از زمان انتخابات محلی در سال ۲۰۰۴) و هرگز درصد حضور آنها در شوراها بیش از ۱٪ نبوده. در لبنان درصد حضور زنان در پارلمان هم چندان از این رقم بالاتر نبوده و در سه دههٔ اخیر از ۳٪ بالاتر نرفته است. در سه دههٔ اخیر، سازمان‌های زنان با گسترش تبلیغات خود در نهادهای دولتی کوشیده‌اند تا سهمیه‌بندی به نفع حضور زنان در شوراهای محلی و در پارلمان تصویب شود و برنامهٔ عمل کنفرانس پکن، که سهمیهٔ ۳۰ درصدی را برای زنان توصیه می‌کرد، به اجرا درآید.

در همان حال که اغلب سازمان‌های زنان گام‌های کوچک دولت لبنان را، برای تصویب و اجرای سهمیهٔ زنان را، جشن می‌گرفتند، نظر انتقادی زنی که در رسانه‌های محلی چاپ شده بود آن‌ها را تکان داد. فریده هاجر، یکی از چهره‌های سرشناس جنبش زنان بود که ریاست دائم‌العمر اتحادیه‌ای را برعهده داشت که به حمایت از زنان فقیر در نقاط دوردست لبنان برخاسته بود. وی در مقاله‌ای به انتقادی تند از قانون جدید پرداخت. به ادعای او «زنان مناطق روستایی و زنان محلات فقیرنشین برای ورود به عرصهٔ سیاست از آمادگی لازم بهره‌مند نیستند. سیستم سهمیه‌بندی با فشار آنها را به این عرصه می‌راند و حاصل آن شرکت عناصر بی‌صلاحیت در این عرصه است فقط به این دلیل که زن‌اند.»

به عقیدهٔ فریده هاجر« سیستم سهمیه‌بندی هم تصنعی است و هم غیردموکراتیک. زنان هنگامی وارد عرصهٔ سیاست خواهند شد که آمادگی داشته باشند. به چنین شگردهایی نیاز نیست.» کوتاه زمانی پس از انتشار این مقاله، چند تن از اعضای پارلمان که به مخالفت با سیستم سهمیه شهره بودند در نامه‌ای به مطبوعات محلی نوشتند که « آنها تمایلی ندارند که به چنین قانونی رأی دهند زیرا در میان زنان هم در این باره وحدت نظری وجود ندارد.»

فعالیت گروهی

پس از خواندن این داستان گروه را به دو تا سه تیم تقسیم کنید. از تیم‌ها بخواهید در بارهٔ پرسش‌های زیر به بحث بپردازند:

- در بارهٔ مخالفت فریده با سهمیه‌بندی به نفع زنان چه فکر می‌کنید؟
- آیا به نظر شما نبود وحدت نظر در سازمان‌های زنان در مشارکت سیاسی زنان اثر خواهد گذاشت؟ فکر می‌کنید که در لبنان در این مورد چه اتفاق خواهد افتاد؟

- نظر و موضع شما نسسبت به سهمیه‌بندی چیست؟ آیا فکر می‌کنید سهمیه‌بندی مفید خواهد بود اگر تا هنگام تأمین برابری جنسیتی به عنوان یک راه حل موقتی از آن استفاده شود؟
- آیا هرگز در کشورتان رای داده‌اید؟ چرا آری و چرا نه؟

۵.۵

تمرین: وقتی که حمایتی وجود ندارد ....

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید این داستان را که در ترکیه روی داده است با صدای بلند بخواند:

گلسر اسیم در سال ۱۹۳۹ به دنیا آمد. او یک موسسهٔ تعاونی را در استانبول به نام تومورچوک بنا نهاده که هدفش یاری دادن به کودکان معلول و خانواده‌های آنها است. وی در اواسط دههٔ ۱۹۸۰ در کنفرانسی که به مناسبت روز جهانی زن، در بارهٔ زنان و مشارکت سیاسی آنان به همت یک حزب سیاسی که او عضوش بود برگزار می‌شد، شرکت کرد. این کنفرانس پیش‌درآمد انتخابات محلی بود که قرار بود بزودی برگزار شود.

زنان عضو حزب به مردان عضو با احتیاط و اضطراب می‌نگریستند. از نظر زنان، مردان عضوحزب همواره رأی آنان را از آن خود می‌دانستند. گلسر احساس شادمانی می‌کرد از این که زنان به این واقعیت آگاهی یافته‌اند که نبردشان را لزوما مردان نباید به عهده گیرند. با تکیه بر این آگاهی بود که گلسر تصمیم گرفت در انتخابات شورای محلی نامزد شود. او، نگران در بارهٔ وضع محیط، به شدت احساس مسئولیت می‌کرد. به ضرورت پیکار برای تأمین حقوق و منزلت زنان و برابری آنان با مردان نیز پی برده بود و خود را آمادهٔ شرکت در این پیکار می‌دید.

با علنی شدن نامزدی گلسر، زنانی که از مردان عضو حزب شکایت داشتند به دیدارش شتافتند. یکی از این زنان به نام عایشه کوشید که او را از این تصمیم منصرف کند و نیز به او گفت اگر نامزدی‌اش را پس بگیرد او حزب را قانع می‌کند تا به همسر گلسر یک پست مهم اداری در حزب بدهد. عایشه افزود که در هر حال کسی به گلسر رای نخواهد داد. این گفت‌وشنود گلسر را بیش از پیش متقاعد کرد که باید در انتخابات حتما شرکت کند، و رای این که به او رای دهند یا ندهند. او به یاد می‌آورد که مبارزهٔ انتخاباتی پرهیجان‌ترین روزهای زندگی‌اش بوده است. از میان یازده نامزد دو تن زن بودند. گلسر انتخابات را با ۱۵٪ تفاوت رای باخت ولی از پا ننشست بر این عقیده پابرجا ماند که زنان باید هرچه بیشتر وارد عرصهٔ سیاسی شوند. او هم اکنون نیز، به عنوان یک عضو فعال تعاونی تومورچوک، همچنان به فعالیت‌اش برای ترغیب زنان به مشارکت در عرصهٔ سیاسی ادامه می‌دهد.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا به نظر شما گلسر باید از نامزدی‌اش منصرف نمی‌شد حتی هنگامی که پی برد از حمایت حزب خودش هم برخوردار نخواهد بود؟
- گلسر با پافشاری در ادامهٔ نامزدی‌اش در پی ثابت کردن چه نکته‌ای بود؟
- به نظر شما چرا عایشه و زنان دیگری که عضو حزب بودند می‌خواستند او را از نامزدی منصرف کنند؟
- بر اساس تجربه‌ای که دارید، آیا زنان به زنان رای می‌دهند؟
- موضع احزاب سیاسی در کشور شما نسبت به مشارکت زنان در انتخابات چیست؟
- به نظر می‌رسد تجربه‌های گلسر بر توانایی و انگیزهٔ او افزوده است. گرچه در انتخابات پیروز نشده ولی بسیاری به او رأی داده‌اند. به نظر شما گلسر از این تجربه چه آموخته است؟

جلسهٔ ۶:
تمرکز بر هواداران وفادار

(وقت جلسه: حدود ۴ ساعت)

هدف‌های جلسه:

- تعیین راهبردهای لازم برای ایجاد پایگاهی از پشتیبانان وفادار
- بررسی خطرها و مزایای بی‌توجهی به خواست‌های پشتیبانان
- جلب کمک مالی از پشتیبانان وفادار

۶.۱

تمرین: یک میلیون پشتیبان

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

یک یا دو داوطلب برگزینید تا نوشتهٔ زیر در بارهٔ کمپین یک میلیون امضا را در ایران با صدای بلند بخوانند.[۱۳]

کمپین یک میلیون امضا در ۲۷ مارس ۲۰۰۶ در ایران به طور رسمی آغاز شد. شرکت‌کنندگان در این کمپین می‌کوشند یک میلیون نفر را قانع به امضای طوماری برانگیزند که از مجلس شورای اسلامی می‌خواهد در قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان تجدید نظرکند. یکی از مهمترین هدف‌های کمپین این است که شهروندان، به ویژه زنان را، از پی‌آمدهای منفی این قوانین تبعیض‌آمیز بر زندگی زنان، و نیز بر کل جامعه، آگاه کنند. آن‌هایی که با چنین خواستی موافق‌اند طومار را امضا می‌کنند. و آن‌هایی که مایلند نقش فعال‌تری در کمپین ایفا کنند به گروه‌های محلی کمپین بپیوندند.

این کمپین از آموزش چهره به چهره برای بالا بردن آگاهی مردم در بارهٔ قوانین کشور بهره می‌جوید. فعالان کمپین پس از گذراندن یک دورهٔ آموزش حقوقی و آشنا شدن با شیوهٔ ترویج چهره به چهره، به جمع‌آوری امضا از همشهریان‌شان می‌پردازند. تا کنون در حدود هزار نفر در این زمینه

۱۳. برگرفته از: **One Million Signatures Campaign for Equality: The Inside Story**

نیز نگاه کنید به: **http://www.sign4change.info/english**

آموزش دیده‌اند و بی‌شمار بوده‌اند کسانی که به متن طومار در پایگاه اینترنتی سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان (www.learningpartnership.org) دست یافته‌اند و یا آن را از دوستانشان گرفته و به جمع‌آوری امضا پرداخته‌اند.

بنیانگزاران کمپین یک میلیون امضا از رویدادهای دوران ۳۰ سالهٔ پس از انقلاب ایران، و ستیزه‌های ایدئولوژیک دههٔ پیش از انقلاب، بسیار آموخته‌اند. از همین رو، آن‌ها مصمم شدند با کنار گذاشتن اختلاف‌های ایدئولوژیک بر خواست‌های مشخصی تمرکز کنند که بتواند زنان را با هر تعلق سیاسی و نظام فکری جذب کند. توافق کامل در بارهٔ همهٔ مسائل ضروری نیست. توافق می‌تواند بر سر تغییرات و اصلاحات تدریجی در زمینه‌های مشخص به دست آید.

رهیافت موضوعی به فمینیسم نه تنها موفق به جلب هواداران بی‌شمار به کمپین شد، بلکه در پیدایش ائتلاف میان گروه‌های مختلف زنان تأثیری به سزا داشت. همین ائتلاف بود که در سال ۱۳۸۷ توانست مانع تصویب قانون جدید حمایت خانواده در مجلس شورای اسلامی شود؛ قانونی که تبعیض‌های گوناگون را علیه زنان تثبیت می‌کرد.

همزمان با انتخابات رئیس جمهور در سال ۱۳۸۸، کوشندگان حقوق زن تصمیم گرفتند با بهره‌جویی از امکاناتی که مبارزهٔ انتخاباتی نامزدها ایجاد کرده بود در راهپیمایی‌ها و گردهمآیی‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی شرکت کنند و ضمن برقراری ارتباط با شبکه‌های گوناگون، شبکهٔ ارتباطی خود را نیز گسترش دهند. در همین مرحله بود که شش سازمان و ۷۰۰ تن از شخصیت‌های فعّال در جنبش زنان فهرستی از خواست‌های خود را به چهار نامزد ریاست جمهوری ارائه کنند. چنین فعالیت‌هایی بسیاری از زنانی را که از ابتدا شرکت در انتخابات را تحریم کرده بودند برانگیخت تا وارد صحنه شوند؛ همان زنانی که از دخالت مستقیم نهادهای دولتی در گزیدن نامزدها شکایت داشتند.

بسیج گسترده زنان که در جریان کمپین علیه قوانین تبعیض‌آمیز، که با بهره‌جویی از شیوه‌هایی چون آگاهی‌رسانی خانه به خانه، نمایش‌های خیابانی، داد و ستد پیام‌های اینترنتی آغاز شد به تدریج قوّت گرفت و اعتباری سیاسی یافت. با نشر و پخش مطالبات زنان، میرحسین موسوی و مهدی کرّوبی، دو نامزدی که از صافی نهادهای گوناگون دولتی گذشته بودند، به تجدیدنظر در مواضع پیشین خود در بارهٔ حقوق زنان و برابری جنسیتی پرداختند و متعهد شدند که از الحاق ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) پشتیبانی کنند. این سند بین‌المللی را شورای نگهبان جمهوری اسلامی متباین با احکام اسلام شناخته است.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا کمپین‌های آگاهی‌رسانی اخیرا در کشور شما به راه افتاده‌اند؟ آیا کمپینی برای تأمین بهداشت عمومی وجود دارد برای حفظ محیط زیست چطور؟ برای یاری‌رسانی به مردمان مصیبت‌زده چطور؟ چگونه می‌توان به اخبار مربوط به این کمپین‌ها دسترسی پیدا کرد؟
- آیا هیچ کمپینی برای تأمین خواست‌های حقوقی (تلاش برای تغییر، اصلاح یا جلوگیری از تصویب یک قانون) در شما این احساس را برانگیخته که ممکن است در زندگی‌تان تاثیری مثبت بگذارد؟ چگونه به معنای قانون و ظرفیت تغییر آن آگاه شدید؟

- آیا هرگز در برنامه‌ای برای جلب و بسیج هواداران هدف خود شرکت داشته‌اید؟ می‌خواستید چه پیامی را به مخاطبانتان برسانید؟ برای آموزش دادن و آگاه کردن مخاطبانتان چه کارهایی کرده‌اید؟ راهبردی که کمپین برگزیده بود مناسب به نظر می‌رسید؟
- در بارۀ راهبردی که کمپین برگزید چه فکر می‌کنید؟ نقاط مثبت آن چه بود؟ و نقاط منفی‌اش؟ آیا می‌توان این راهبرد را بهتر کرد؟ با توجه به مشخصات فرهنگی و سیاسی محیط زندگی‌تان، آیا رهیافتی که کمپین برگزید کارآترین بود؟

۲.۶

تمرین: چه کسی اهمیت می‌دهد؟ (۱)

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

با گروه اطلاعات زیر را، در بارۀ کمپین برابری بدون قید و شرط، در میان گذارید:

کمپین برابری بدون قید و شرط

کمپین برابری بدون قید و شرط در منطقۀ خاورمیانه و آفریقای شمالی آغاز شده و هدفش قانع کردن دولت‌ها به پذیرفتن و تصویب کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض‌آمیز بر ضد زنان، و اجرای کامل و فوری آن است.

فعالیت دایره‌وار

روی کارت خود بنویسید:

- مادری بیکار با سه پسر
- مردی که مدیر بانک است
- مردی که نزدیک یک کارخانۀ اسلحه‌سازی زندگی می‌کند
- پدر سه پسر که همسرش زن خانه‌دار است
- مردی که نگهبان باغ وحش است
- زنی که مهماندار هواپیماست
- دختر نوجوانی که تقاضای ورود به دانشگاه کرده است
- پزشک مرد
- معلم زن

- مادر بیوهٔ دو دختر
- مادر بزرگی که شوهرش بیمار است
- مردی که گویندهٔ اخبار ورزشی است
- زنی که صاحب یک بقالی کوچک است
- زنی که وکیل مدافع حقوق زنان است
- زنی که عضو مجلس است
- زنی که رفتگر خیابان‌هاست
- مردی که رفتگر خیابان‌هاست
- زنی که صاحب سالن آرایش است
- زن ازدواج نکرده و بی فرزندی که هر روز به یک نیایشگاه مذهبی می‌رود
- پدری بیکاری که چهار فرزند و همسرش در یک دکهٔ کوچک غذا می‌فروشند
- مردی که پیشوای مذهبی است
- مردی که کشاورز است
- زنی که یک پناهگاه قربانیان خشونت خانگی را اداره می‌کند

به هریک از شرکت‌کنندگان کارتی بدهید. سپس کارت خودتان را به شرکت‌کننده‌ای که سمت راست شما نشسته نشان بدهید. او باید برای شما توضیح دهد که چرا شخص شما (آن گونه که خود را در کارت معرفی کرده‌اید) باید از کمپین برابری بی‌قید و شرط حمایت کنید.

هنگامی که کار وی تمام شد باید کارتش را به فردی که دست راستش نشسته است نشان دهد. این فرد هم باید فرد کنار خود را متقاعد کند به حمایت از کمپین. این تمرین را در دایره‌ای تکرار کنید و تمرین را ادامه بدهید تا همهٔ کسانی که دایره‌ای نشسته‌اند فرصت اظهارنظر را نسبت به ضرورت مشارکت در کمپین داشته باشند، با توجه به منافع و دیدگاه فرد کنار دست.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چه کسانی از همه بیشتر برای شرکت در تمرین مقاومت می‌کردند؟ قانع کردن چه کسانی برای حمایت کردن از کمپین دشوارتر بود؟ چرا؟
- چه کسانی به سهولت پذیرای حمایت از کمپین بودند؟ چرا؟
- آیا کسانی بودند که شما برای متعهد کردن آنها به حمایت از کمپین مشکل داشتید و با این وصف احساس می‌کردید که باید نگرانی خود را با آنها در میان بگذارید؟ اگر پاسخ آری است، فکر می‌کنید چه چیزهای دیگری باید به آن‌ها گفت که ممکن است آن‌ها را قانع کند؟

۳.۶

تمرین : چه کسی اهمیت می‌دهد؟ (۲)

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

سه ستون با عنوان‌های زیر روی تابلو درست کنید. از گروه بپرسید در گفت‌وگو با یکدیگر تعیین کنند چه نوع مردمی ممکن است کانون اصلی هواداران کمپین برابری بی‌قید و شرط را تشکیل دهند. عوامل چون جنسیت، سن، اشتغال، طبقهٔ اجتماعی، سطح تحصیلات، مذهب، منافع، وضعیت خانوادگی، و غیره را در نظر گیرید.

کسانی که این کمپین در زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و طبیعتاً با ما هم‌نظراند:	کسانی که این کمپین مستقیما در آن‌ها تأثیری ندارد امّا به آن بی‌علاقه هم نیستند اگر به خوبی از آن آگاه باشند	کسانی که با این کمپین به هیچ روی موافق نیستند و حتی ممکن است به مخالفت با کارهای ما برخیزند.

۴.۶

تمرین: پوسترهای چشم‌گیر

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید داستان زیر را بخواند.

نادیا العلاوی در یک سازمان مددرسانی به زنان بسیار فعال بود. این سازمان که مرکز آموزش‌های حرفه‌ای (ماح) نام داشت زنان با تجربه‌ای را استخدام می‌کرد که بتوانند به زنان بیوه، زنان روستایی و نیازمند اصول اولیهٔ منشی‌گری و کتابداری را آموزش دهند. خانم العلاوی به موفقیت‌های این مرکز، در آموزش دادن به زنان نیازمند و یافتن شغل‌های پردرآمد برایشان، افتخار می‌کرد. نیز احساس می‌کرد که این مرکز الگوی بی‌همتایی است برای یاری‌رسانی «زنان به زنان» و می‌تواند مدل کارآیی باشد در حرفه‌های گوناگون و برای هدف‌های دیگر.

در میان هدف‌های خانم العلاوی یکی هم این بود که از شبکهٔ ارتباطی این مرکز برای حمایت از زنانی که وارد میدان رقابت‌های سیاسی و شرکت در انتخابات می‌شوند یاری رساند. از این رو، هنگامی که پی برد شرکتش در کمپین انتخاباتی منجر به لغو جواز کار مرکز(ماح) می‌شود یکّه خورد و به شدّت خشمگین شد. از آن دردناک‌تر این بود که این ممنوعیت تنها شامل سازمان‌های زنان می‌شود. خانم العلاوی هرگز در مدارک ثبت مرکز اخطاری در بارهٔ این ممنوعیت ندیده بود و تردید داشت که دیگر سازمان‌های خیریهٔ زنان هم از چنین ممنوعیتی آگاه بوده باشند. از همین رو برای مقابله با این محدودیت العلاوی عین جملات مربوط به این ممنوعیت متجاوزانه را بر روی یک صفحه کوچک چاپی در قطع ۱۸x ۱۲سانتیمتر چاپ و تکثیر کرد. سپس این اطلاعیه را مخفیانه بر در و دیوار توالت‌های زنانه در فروشگاه‌ها و محل کار سازمان‌های بزرگ زنان چسباند.

در آغاز این اطلاعیه را به سرعت از در و دیوارها می‌کندند. امّا، هنگامی که ماجرا در یک نشریهٔ مهم افشا شد، دیگران آگهی را کپی کردند و هرجا که می‌توانستند چسباندند. دیری نپایید که متن این آگهی در شهرهای بزرگ و در بسیاری از مناطق روستایی نیز در توالت‌های عمومی دیده می‌شد. به تدریج این اطلاعیه در اماکنی که محل تردد زن و مرد هردو بود- در اتاقک‌های تلفن عمومی، در محل چسباندن آگهی‌های محلی، و حتی بر دیوارهای مجلس به چشم می‌خورد. شرمسار از افشای ماهیت این قانون تبعیض‌آمیز، مجلس شبانه و بی‌سر و صدا این قانون را لغو کرد. گرچه پارلمان از اعلام این عقب‌نشینی خودداری کرد، ظرف چند روز رسانه‌ها داستان تغییر شبانهٔ قانون را تمام و کمال انتشار دادند .

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا در کشور شما سازمان‌های غیردولتی از فعالیت‌های سیاسی به موجب قانون منع شده‌اند؟ نقاط مثبت و منفی فعالیت‌های سیاسی این گونه سازمان‌ها کدام‌اند؟ آیا در کشور شما برای فعالیت سازمان‌های زنان محدودیت‌هایی چه قانونی و چه غیررسمی، وجود دارد؟
- آیا به نظر شما کار مخفیانهٔ نادیا العلاوی راهبردی هوشمندانه و تفکرانگیز بود و یا صرفاً کاری نسنجیده که در نهایت امر سبب مخدوش شدن هدف بزرگتر زنان شد که ثابت کردن توانایی آنان در برپا کردن تظاهرات شقّاف سیاسی شد؟
- مزایای کار العلاوی، یعنی چسباندن اطلاعیه‌ای به دیوار به قصد آگاه کردن مردم در بارهٔ رفتار مجلس، چه بود؟ این کار بالقوه به چه مشکلاتی می‌توانست بینجامد؟ در بارهٔ تأثیر، هزینه و امکان تکثیر و اهمیت خبری و بخت چنین اطلاعیه‌هایی بحث و بررسی کنید؟
- به نظر شما چه عاملی دیگران را به تکثیر و توزیع چنین اعلامیه‌ای برانگیخت؟
- نقش رسانه‌ها در پیروزی نهایی این کار چقدر اهمیت داشت؟ آیا این اطلاعیه می‌توانست بدون همکاری رسانه‌های مطبوعاتی در افکار عمومی تأثیر گذارد و مجلس را وادار به تغییر عقیده کند؟

۵.۶

تمرین: طرّاحی شعارها و چشمگیر

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید پاراگراف‌های زیر را در بارهٔ راهبردهای مناسب برای جلب توده‌های مردم را بخواند.

برای تبلیغ هدف‌های کمپین شما ده‌ها مکان مناسب وجود دارد، و هریک می‌تواند فرصتی باشد برای آگاه‌سازی مردم به ضرورت ورودشان به صحنهٔ عمل. پیام‌های رادیو و تلویزیونی گرچه مخاطبان بسیار می‌رسند، هزینه‌ای هنگفت دارند. اگر در مورد محل چسباندن آگهی‌ها و شعارهای خود ابتکار به خرج دهید و از سپر وسائل نقلیه، برچسب و پرچم بهره بجوئید می‌توانید به رساندن پیام‌تان به مردم امیدوار باشید. فراموش نکنید که می‌توانید اطلاعیه را پست کنید از راه فاکس، نامهٔ الکترونیکی، پایگاه اینترنتی به مخاطبان برسانید و یا آن را بر در و دیوار اماکن عمومی بچسبانید. اگر بتوانید کاسبان را راضی کنید، پنجره و ویترین‌های دکان‌هایشان از مناسب‌ترین جاها برای چسباندن آگهی است.

برای جالب کردن آگهی‌های تبلیغاتی خود بهتر است شعارها یا عبارات چشم‌گیری بیابید که بتوان از آن‌ها بارها بهره برد. برای مثال، در تمرین پیشین (پوسترهای چشمگیر) نادیا العلاوی اصول تبعیض‌آمیز یک قانون غیرعادلانه را در صدها آگهی در سراسر شهر و حومه‌هایش پخش می‌کند. این

راهبرد هم توجه همگان را به هدفی که داشت جلب می‌کرد و هم به افشای هرچه بیشتر ماهیت غیرعادلانهٔ برخی قوانین می‌پرداخت.

بسیار مهم است که شعارتان به آسانی فهمیده و شناخته شود و کوتاه، به یادماندنی، سازگار با هدف‌های اصلی شما و مستند به واقعیات باشد. برای مثال، گروهی که از افزایش تعداد زنان در قوه قضاییه هواداری می‌کند می‌تواند تصویری از ترازو را به عنوان نماد هدفش برگزیند زیرا معمولاً معرّف عدالت و برابری در برابر قانون است. این هدف می‌تواند در این شعار خلاصه شود «برشمار قضات زن بیفزائید که انصاف این است!»[۱۴]

گروه را به سه تا چهار تیم تقسیم کنید. از هر تیم بخواهید دستکم یک شعار برای هریک از کمپین‌های زیر برگزینند:

- **حامیان** فاتن خدیجه امیدوارند که او در انتخابات مجلس برنده شود. در این صورت او نهمین نمایندهٔ زن مجلس خواهد بود که جمعا ۱۱۴عضو دارد. دکتر خدیجه، پیش از آن که بازنشسته شود پزشکی سرشناس در اعصاب بود. او دهٔ اخیر زندگی‌اش را وقف دفاع از حقوق زن و تأمین برابری زن و مرد در نهادهای قضایی کرده است.
- **دانشجویان** می‌خواهند توجه همگان را به این واقعیت جلب کنند که دختران دانشجو در دانشگاه‌ها آماج تعرّض و آزار مردانی هستند که معتقدند دانشگاه جای زنان نیست. در نهایت امردانشجویان خواستار آن‌اند که مسئولان اداری دانشگاه کیفر دانشجویان مردی را که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند افزایش دهند.
- **پزشکان متخصص کودکان** می‌خواهند مادران را آگاه کنند که اگر کودک از پستان مادر تغذیه کند، تندرستی مادر و کودک بهتر تامین می‌شود.
- **سازمان‌های زنان** می‌خواهند با ارسال طوماری مجلس را قانع کنند که در قانون انتخابات جدید سهمیهٔ نمایندگان زن را در مجلس ٪۲۰ کنند.

وقتی تیم‌ها شعارها را آماده کردند گروه را دور هم جمع کنید و از اعضای تیم‌ها بخواهید شعارها را با گروه در میان گذارند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- برخی از راه‌های استفاده از شعارها کدام است؟ کجاها شعارهای سیاسی دیده‌اید؟
- اگر اگهی چاپی برای کمپین طراحی کرده‌اید و می‌خواهید از کمپین‌های حامیان، دانشجویان، و پزشکان اطفال و سازمان‌های زنان حمایت کنید، آگهی‌ها را در کدام مکان‌ها توزیع می‌کنید؟ چگونه می‌توانید از راه‌های دیگری آگهی‌ها را توزیع کنید؟
- چطور می‌توانید از تکنولوژی اطلاعاتی برای پخش هرچه گسترده‌تر پیام کمپین سیاسی خود؟ فاکس؟ ایمیل؟ وب‌سایت؟ فیس‌بوک؟ یا سایر امکانات؟

---

۱۴. برای آگاهی از نکات بیشتر در بارهٔ پخش پیام‌های چشمگیر نگاه کنید به: پیوست ت.

۶.۶

تمرین: در پی هواداران بیشر باشیم یا عقب‌نشینی کنیم؟

(وقت: در حدود ۳۰ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید روایت زیر را بخواند؛ روایت در بارۀ زنی است که نمی‌توانسته به آسانی تصمیم بگیرد چگونه پیام گروهش در بارۀ ضرورت مبارزه با خشونت خانگی بر ضد زنان را به حداکثر مخاطبانش برساند:

شب پیش با گروه اجرایی کمپین پایان بخشیدن به خشونت‌های خانگی ملاقات کردم. در بیشتر جلسه های ماهیانۀ آنها حاضر می‌شوم، ولی در همۀ جلسه‌های‌شان شرکت نکرده‌ام. به راستی باور کرده‌ام که می‌شود برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی قوانین بهتری را از تصویب گذراند و در دادگاه‌ها حکم عادلانه‌ای در مورد این گونه جرائم به دست آورد.

در دیدار دیشب، یکی از زنان حاضر اصرار ورزید که برای جذب هواداران بیشتر باید تلاش خود را صرف گسترش هدف‌ها و برنامه‌های سیاسی کنیم. به نظر او یکی از راه‌های رسیدن به این هدف می‌تواند تلاش برای افزایش مالیات بر نوشابه‌های الکلی باشد زیرا وی اعتقادی راسخ داشت که بین مصرف نوشابه‌های الکلی و خشونت‌های خانگی و به‌خصوص خشونت نسبت به کودکان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بر این اساس وی به این نتیجه رسیده بود که ما باید به گروه‌های مخالف با مصرف الکل بپیوندیم تا آن‌ها هم از برنامه‌های ما برای گسترش حقوق زنان پشتیبانی کنند.

زن دیگری از حاضران به موضوع از زاویۀ دیگری پرداخت و گفت گروه‌های هوادار ممنوعیت مصرف نوشابه‌های الکلی اغلب مخالف برابری حقوق زن و مرد در خانواده‌اند. بسیاری از آنها همان‌هایی هستند که معتقدند حق پدر است که بتواند انضباط خانواده را، حتّی با توسل به خشونت، نگه دارد. از ما خواسته شد که برای گنجاندن منع مصرف مشروبات الکلی در میان خواست‌های خود رأی دهیم. من چون نمی‌دانستم چه گونه رأی بدهم از دادن رای پرهیز کردم.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- اگر شما نویسندۀ متن بالا بودید، پیش از گنجاندن مسئلۀ مشروبات الکلی در فهرست مطالبات خود به چه داده‌ها و آگاهی‌هایی نیاز داشتید؟ و چگونه تصمیم می‌گرفتید؟
- آیا به نظر شما این کار اخلاقی است که به گروهی بپیوندید که معمولاً با خواست‌های اصلی شما مخالف است فقط به این دلیل که این همراهی به تصویب قانون مورد علاقۀ شما کمک می‌کند؟
- آیا می‌توانید چند نمونه بیاورید از مواردی که نیروهای سیاسی مخالف در مورد برخی از هدف‌ها کنار هم قرار می‌گیرند؟ نمونه‌ها را نام ببرید.
- آیا در مواردی بوده است که ما با پشیبانی از یک نامزد انتخاباتی یا دفاع از تصویب قانون خاصی، از مواضع سیاسی خود عقب‌نشینی کرده باشیم؟ اگر پاسخ مثبت است مثال بزنید.

- در تصمیم‌گیری برای «سرپیچی از قانون» یا بی‌اعتنایی به باورهای سنّتی، و یا سازش در بارهٔ موضوعی خاص، انسان چه عواملی را باید در نظر گیرد؟

۷.۶

تمرین: نبردهای‌مان را انتخاب کنیم

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید نوشتهٔ زیر را، در تعریف راهبرد ویژه‌ای که بتواند مانع عقب‌نشینی در مورد حقوق زنان در قانون اساسی تازهٔ برزیل شود، بخواند. این شرح را ژاکلین پیتانگی،[۱۵] **رئیس سابق شورای ملی حقوق زنان، نوشته است.**

«در سال ۱۹۸۵، شورای ملی حقوق زنان در برزیل تاسیس شد. این شورا در متن حرکت به سوی دموکراسی در برزیل قرار داشت. در سال ۱۹۸٦، انتخابات کنگره صورت گرفت. وظیفهٔ اصلی نمایندگان تازه انتخاب شده تدوین قانون اساسی تازه‌ای برای برزیل بود.

نخستین کمپین و شعار مهم شورا این بود: "یک قانون اساسی ارزنده آن است که شامل حقوق زنان باشد!" ما این شعار را روی پوسترها و تابلوهای بزرگ تبلیغاتی، در پایتخت‌های ایالت‌های گوناگون برزیل نوشتیم. به راه‌پیمایی پرداختیم و یک گردهمآیی سراسری ترتیب دادیم که در آن نمایندگان همهٔ ایالت‌ها و گروه‌های گوناگون جنبش زنان شرکت کنند. محصول این گردهمآیی بیانیه‌ای مهم بود با عنوان «نامهٔ زنان برزیل به کنگرهٔ قانون اساسی.» خواست‌های تصریح شده در این نامه عبارت بود از حقوق زن، حقوق خانواده، حقوق کارگران، بیمه‌های اجتماعی، ممنوعیت خشونت علیه زنان، و حمایت از زنان روستایی و کارگران خانگی. ما از انواع راهبردها برای آگاه ساختن افکار عمومی و اِعمال فشار بر کنگره بهره جستیم تا آن‌ها را به پشتیبانی از حقوق زنان برانگیزیم. ما در پی‌گیری از این هدف از تابلوهای تبلیغاتی، از رادیو و تلویزیون، از کنفرانس‌ها، از راه‌پیمایی‌ها و شیوه‌های ترغیب تک تک نمایندگان کنگره بهره گرفتیم.

---

۱۵. ژاکلین پتنگی، رئیس هیئت مدیرهٔ سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان، جامعه شناس و سیاست پژوه برزیلی و بنیان‌گذار و رئیس سازمان شریک غیردولتی ما در ریو دو ژنیرو است. وی در مقام ریاست شورای ملی حقوق زنان (۱۹۸۹-۱۹۸٦) به طرّاحی و اجرای برنامه‌های ویژهٔ اصلاح وضع زنان برزیلی پرداخت. پتنگی عضو هیئت دبیران شماری از نشریه‌های بهداشتی و نیز مؤلف مقاله‌های گوناگون است و در همکاری با پژوهشگران دیگر به انتشار ۴ کتاب موفق شده است. منتشر کرده با همکاری و کتاب‌های گوناگون است. افزون براین، وی به دریافت بالاترین مدال وزارت خارجهٔ برزیل موفق شده.

هنگامی که نوبت تأمین حقوق زن در تولید مثل رسید با چالش‌های کلان روبرو شدیم. جناح محافظه‌کار کنگره بسیار نیرومند بود و کلیسای کاتولیک پیوسته رهبران سیاسی را در فشار قرار می‌داد تا سقط جنین را در هر شرایط و اوضاع و احوالی-- از جمله بارداری ناشی از تجاوز به عنف و خطر مرگ مادر در صورت ادامهٔ بارداری-- جنایت بشمرند. کشیش‌های کاتولیک نیز در سراسر کشور پیوسته در بارهٔ ضرورت حریم سقط جنین موعظه می‌کردند. در مقابله با چنین مواضعی زنان نیز به جمع‌آوری امضا علیه آرای کلیسای کاتولیک پرداختند تا بتوانند با گردآوری ۲۷۵۰۰۰ امضا پیشنهاد مجاز کردن سقط جنین را به یک همه‌پرسی عمومی واگذارند. به تشخیص شورای ملی حقوق زنان، جمع‌آوری امضا حربهٔ کارسازی برای مقابله با نیروهای محافظه‌کار نبود. سرانجام تصمیم گرفتیم که حق زن به سقط جنین را یکسره از حیطهٔ صلاحیت قانون اساسی خارج کنیم. با کوشش تبلیغاتی گسترده و با حمایت جنبش زنان شورا این موضوع از دستور کار شورا حذف شد.

"در زمان فعالیت این کمپین، به تجربه با این احساس ترس آشنا شدم که مخالفت با شورا و اهدافش سخت جدی است. اما، این اقعیت که تعهدم به جنبش زنان -- به جنبشی که از آن آمده‌ام و به آن هم باز می‌گردم—و نیز این که به خاطر تأمین آینده‌ام به آن نپیوسته‌ام، به من قدرت و جرات بخشید که پیکارم را ادامه دهم. وقتی به دوران چهار ساله‌ای که رئیس شورا بودم می‌اندیشم پی می‌برم که دوران فعالیت‌های سیاسی استثنائی، رشد نهال دموکراسی و زایش قانون اساسی تازه بود. دورانی که برایم شادی ژرف و احساس دستیابی به هدف به ارمغان آورد.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- در بارهٔ راهبرد شورای ملی حقوق زن چه فکر می‌کنید؟ توانایی‌هایش در چه بود؟
- شورا پیامش را چگونه به مخاطبانش می‌رساند؟ چگونه کنگره را زیر فشار می‌گذاشت؟
- جمع‌آوری امضا چگونه به کمپین شورا کمک کرد؟
- انتخاب راه میانه بین جمع‌آوری امضا و بلوک محافظه‌کار چگونه شورا را در رسیدن به هدف یاری کرد؟

۸.۶

تمرین: بالابردن امید، افزایش کمک‌های مالی

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

داوطلبی را برگزینید تا شرح زیر را در بارهٔ برنامه‌ریزی یک نامزد انتخابات برای جمع‌آوری کمک‌های مالی بخواند.

ساراالوزیر هنگام رفتن از مقر حزب به خانه غرق در شادی بود. دقایقی پیش او به عنوان نامزد حزب برای شرکت در انتخابات استاندار ایالت برگزیده شده بود. او و هوادارانش سخت برای

نامزدیش تلاش تبلیغ کرده بودند. سرانجام، در ساعت ۱۱:۰۷ دقیقه شب هیئت رهبری حزب ناگهانی او را به اتفاق آرا به فهرست نامزدهای حزب افزود. وی به رهبری حزب اطمینان خاطر داده بود که می‌تواند برای توفیق مبارزهٔ انتخاباتی‌اش در حد کافی امکانات مالی فراهم کند.

سارا از روز بعد به نوشتن برنامهٔ جمع‌آوری پول مشغول شد. این برنامه شامل راه‌ها و برنامه‌های گوناگون بود از جمله تماس گرفتن با هواداران ثروتمند و درخواست بی‌پردهٔ کمک مالی از آنها، حراج اشیاء اهدا شده، فروش شیرینی خانگی، قرعه‌کشی برای جوایز گوناگون، ماشین‌شویی و صنایع دستی، و برگزاری یک مجلس ضیافت با دریافت پول ورودی از شرکت‌کنندگان. مهم این بود که بهترین هدایا و اشیاء در حراج و قرعه‌کشی ارائه شود. یکی از دوست نزدیک او مهارتی داشت در قانع کردن صاحبان رستوران، سینما و فروشگاه‌ها به اهدا کردن رایگان خدمات یا کالاهایشان. افزون بر این، سارا تصمیم گرفت با نوشتن نامه‌ای به همه آشنایانش از آنها برای پشتیبانی از مبارزهٔ انتخاباتی‌اش درخواست کمک مالی کند. برخی از این تقاضانامه‌ها را می‌توانست با ایمیل بفرستد که طبیعتا هزینه‌ای نداشت. او نام هوادارانی را که احتمال داشت او را برای انجام برنامهٔ جمع‌آوری پول یاری کنند، یادداشت کرد. سپس به‌تدریج با تک تک آنان برای دریافت کمک تماس گرفت.

فعالیت گروهی

روی تخته سیاه فعالیت‌های زیر را برای جمع‌آوری پول بنویسید:

- تقاضای مستقیم برای حمایت مالی
- فرستادن نامه
- برگزاری ضیافت شام
- حراج
- قرعه کشی
- فروش کالا و خدمات

به گروه بگویید تصور کنند که قرار است برای جمع‌آوری کمک مالی به سارا کمک شود. فضای کارگاه را به شش قسمت تقسیم کنید و هر قسمت را به یکی از فعالیت‌های بالا برای جمع‌آوری کمک مالی اختصاص دهید.

از شرکت‌کنندگان بخواهید که به بخش مورد علاقهٔ خود برای کمک به سارا بروند. هر یک از تیم‌ها، چه کوچک و چه بزرگ، باید برنامه‌ای برای جمع‌آوری کمک مالی طراحی کند. هر تیم باید یکی از اعضایش را برای یادداشت‌برداری و ارائه گزارش به همگان انتخاب کند. پس از حدود ۱۵ دقیقه، دوباره همه اعضا گروه را گردهم آورید و از نماینده هر تیم بخواهید که گزارش خود را در مورد فعالیت‌های طراحی شده برای جمع‌آوری کمک مالی به سارا ارائه کند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چرا جمع‌آوری کمک مالی اهمیت دارد؟
- آیا شما تا به حال به یک نامزد انتخاباتی یا یک کمپین حزبی کمک مالی کرده‌اید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است از شما چگونه برای ارائه کمک تقاضا شد؟
- در چه نوع فعالیت جمع‌آوری پول در گذشته شرکت داشته‌اید؟
- چه نوع فعالیت برای جمع‌آوری پول به نظر شما ساده‌تر یا راحت‌تر می‌آید؟ چرا؟ کدام یک به نظرتان سخت‌تر می‌آید؟
- آیا پیش از آن که از دیگران برای حمایت مالی کمپین‌تان تقاضای کمک کنید، باید یک بودجهٔ دقیق برای این کار داشته باشید؟ چرا آری و چرا نه؟
- آیا امروز در جلسه کارگاه ایده جدیدی برای جمع‌آوری کمک مالی شنیدید که قبلا به آن فکر نکرده بودید؟

جلسهٔ ۷

شبکه‌سازی و ائتلاف‌آفرینی

(وقت جلسه: حدود ۴ ساعت)

هدف‌های جلسه

- پی بردن به مزایای راهبرد پیوستن به یک ائتلاف و یا ایجاد ائتلاف برای پافشاری بر تغییرات سیاسی
- ارزیابی هزینه‌ها و سودهای همکاری با گروه‌های دیگر
- بررسی این نکته که کدام سیاست یا رفتاری بین اعضای یک ائتلاف می‌تواند بخت موفقیت آن را بیشتر کند.

۱.۷

تمرین: دوست‌یابی در مکان‌های جدید

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

یک داوطلب را انتخاب کنید تا نوشتهٔ زیر را بخواند. این نوشته در بارهٔ فعالیت‌های رابعه نصیری برای تصویب اصلاح قانون خانواده است، و نیز دربارهٔ گام‌هایی که او و دیگر طرفداران اصلاحات در این کمپین برداشتند تا با حوزه‌های انتخاباتی دیگر ارتباط برقرار کنند.

برای رابعه نصیری، تغییر هم ضروری است و هم شدنی[۱۶]

در اکتبر ۲۰۰۳، رابعه نصیری شب را با دوستانش در بیروت می‌گذراند که یک تلفن فوری از رباط به او شد. «کجایی؟ به اخبار گوش نمی‌دادی؟ درست شد! کار انجام شد! شاه اصلاح قانون خانواده را اعلام کرد! ما پیروز شدیم! ما پیروز شدیم!» این دوست او مینا بود که از رباط به او زنگ زده بود.

رابعه مبهوت شده بود. او برای اصلاح قانون خانواده مراکش از سال ۱۹۸۵؛ یعنی از زمانی که همراه با چند تن دیگر «موسسه دموکراسی زنان مراکش» را تاسیس کرد، فعالیت می‌کرد. از رشته تاریخ

---

۱۶. نگاه کنید به فشردهٔ زندگی‌نامهٔ رابعهٔ نصیری، ص ۵۴.

و جغرافی فارغ‌التحصیل شده بود و در دانشگاه در این رشته‌ها تدریس می‌کرد ولی دغدغهٔ اصلی‌اش تلاش برای تأمین حقوق زنان مراکش بود.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییرات بسیار جزئی در قانون خانواده ایجاد شد و این امید را در دل‌ها نشاند که ممکن است روزی حقوق زنان بهتر تأمین شود. نصیری می‌گوید که: «ما همه می‌دانستیم که این تغییر اولیه، هرقدر هم ناچیز، اهمیتی ویژه دارد. . . زیرا هر تغییری به این معنا است که همه امور تغییر پذیراند. قانون خانواده دیگر قانون مقدس نیست. ما موفق شدیم که «تقدس» این قانون را به پرسش کشیم. امّا برای توفیق نهایی راهی سخت در پیش داریم.»

رابعه و همکارانش خستگی‌ناپذیر کار کردند، به تصمیم‌گیران فشار آوردند، مبارزه کردند و زنان را برای ورود به عرصهٔ عمل بسیج کردند. تحصّن، گردهمآیی و تظاهرات در برابر نهادهای دولتی نمونهٔ کارهایی بود که در سال‌های بعد انجام شد. «ما باید ثابت می‌کردیم که قانون خانوادهٔ کنونی تا چه حد به حقوق زنان بی‌اعتنا است و اجرایش چگونه زنان را آزار می‌دهد و به آنان آسیب می‌رساند. ما موضوع‌هایی را که غیرقابل پیش کشیدن و بحث کردن بود مانند خشونت علیه زنان، تجاوز به آنان، کودک آزاری و مزاحمت‌های جنسی در محیط کار را آشکارا پیش کشیدیم و افکارعمومی را آگاه کردیم. زنان از سخن گفتن در بارهٔ سختی‌هایی که می‌کشند دیگر ابائی نداشتند. رسانه‌های اطلاعاتی نیز به تدریج به شرح و نشر مشکلات زنان بیشتر از پیش پرداختند.» لزوم تغییر قانون خانواده موضوع بحث عمومی در خیابان‌ها، در روزنامه‌ها و در درون خانه‌ها شد.

در پایان سال ۱۹۸۸، رابعه نصیری جلسه‌ای با حضور کوشندگان سازمان‌های گوناگون زنان ترتیب داد. در این جلسه زنان «شبکه ملّی ارتباطات برای حمایت از اجرای برنامهٔ ملی عمل برای جذب زنان به مشارکت در برنامه‌های توسعه مراکش» را بنا نهادند. به گفتهٔ رابعه: «ما آموختیم که چگونه باید با هم کار کنیم و اختلاف‌هایمان را کنار گذاریم. اگر خواهان تغییریم باید خود را مسئول متحد کردن جنبش زنان بدانیم.» دولت مراکش پیشنهاد کرد که «شبکهٔ ملی ارتباطات» پیش‌نویس برنامه را تهیه کند. با همکاری رابعه، بخش‌های مختلف وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای زنان در سراسر مراکش در این راه همکاری کردند.

رابعه می‌گوید که: «سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ دوران بسیار حساسی بود. با همکاری دستجمعی در روز ۱۲ مارس ۲۰۰۰ در رباط راهنمایی کردیم. زنان به خیابان‌ها ریختند و برای خواستشان که برابری با مردان بود شعار دادند. ما تقاضای تغییر در اوضاع و احترام به حقوق زنان را طرح کردیم. این حرکت ما چنان قوی بود که نیروهای محافظه‌کار مذهبی را نگران ساخت. آنها هم به موازات ما تظاهراتی بزرگ در کازابلانکا به راه انداختند. زنانی که در آن شرکت داشتند خواستار حفظ نابرابری‌های موجود بودند.»

این واکنش ما را برانگیخت که کارهای دستجمعی خویش را گسترده‌تر کنیم. رابعه در این باره می‌گوید: «ما متوجه اهمیت کار با یکدیگر و همکاری با گروه‌های اجتماعی مختلف شدیم. ما از فقها، دانشگاهیان، سیاستگزاران، حقوقدانان، نهادهای حقوق بشر و نهادهای حقوق زنان در منطقه و در سراسر دنیا دعوت به همراهی کردیم. به تفحص در متون دینی و سنّت‌های فرهنگی پرداختیم، و خود را با تجربه‌های دیگران در کار اصلاح قوانین کهنه آشنا کردیم. ما به تهیه پیشنهادهای سنجیده و مستدل در بارهٔ اصلاح قانون خانواده در مراکش پرداختیم. هرگز فرصتی را برای تشریح خواسته‌هایمان از دست ندادیم در همان حال که خود را مجهز به داده‌ها، ارقام و آمار و استدلال‌های غیرقابل انکار می‌کردیم. مهمتر از همه، پیامی روشن فرستادیم مبنی بر این که فعالیت‌های ما تا زمانی که قانون حمایت خانواده در مراکش تغییر نکند، ادامه خواهد داشت.»

وقتی که در اکتبر ۲۰۰۳ قانون حمایت خانواده در مراکش تغییر کرد، به گفتهٔ نصیری «یک لحظه فراموش نشدنی بود. . . . من برای فرارسیدن این لحظه بیش از ۲۰ سال صبر کرده بودم....ما

پیروز شدیم. ما این کار را انجام دادیم. ولی این پیکار به پایان نرسیده است. ما باید در کنار زنان حضور داشته باشیم تا به آنها بیاموزیم که چگونه از این قانون تازه بهره برند. ما باید همواره ناظر و مراقب اجرا و تفسیر این قانون باشیم.»

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- ائتلاف‌سازی چگونه به تصویب قانون جدید حمایت خانواده انجامید؟
- چه نمونه‌های دیگری از ائتلاف می‌توانید ارائه کنید؟
- شما چه تجربه‌هایی از شرکت در یک ائتلاف دارید، چه خوب و چه بد؟
- برخی از مزایای ائتلاف را بیان کنید؟ نقاط ضعف ائتلاف در چیست؟

۲.۷

تمرین: کار در قالب ائتلاف

(وقت: ۳۰ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید توضیحات زیر را در بارهٔ «شبکه بین‌المللی زنان برای دموکراسی» بخواند. این شبکه به یاری «سازمان بین‌المللی مشارکت و آموزش زنان» در سال ۲۰۰۵ پایه‌ریزی شد.

«سازمان بین‌المللی مشارکت و آموزش زنان» در ایجاد شبکه بین‌المللی دموکراسی زنان در سومین اجلاس جنبش جهانی برای دموکراسی در سال ۲۰۰۴ نقشی کلیدی داشت. در این نشست شرکت‌کنندگان در بارهٔ عملی بودن ایجاد یک شبکه ارتباطی بین زنان برای حمایت از مشارکت آنان در کارهای مرتبط با دموکراسی، به گفت‌وگو پرداختند. تمرکز اصلی گفت‌وگوها بر شناسایی نهادهای محلی و بین‌المللی موجود و ارتباط دادن آنها به یکدیگر برای حمایت از فعالیت‌های یکدیگر، و نیز برای مبادلهٔ آرا و عقاید در بارهٔ هدف‌ها و منابع مورد نظر بود. شرکت‌کنندگان نگرانی‌های خود را از این بیان کردند که تنها شمار اندکی از زنان در جنبش‌های دموکراسی‌خواهی فعالانه شرکت دارند.

در سپتامبر ۲۰۰۵، سازمان بین‌المللی مشارکت و آموزش زنان دفتر مرکزی شبکه بین‌المللی دموکراسی زنان را ایجاد کرد[۱۷] تا زنان بتوانند به یاری آن در گفتمان دموکراسی شرکت کنند و به پی‌گیری هدف‌های شبکه بپردازند. به این ترتیب، سازمان‌های محلی زنان و کوشندگان زن می‌توانستند فعالیت‌های شبکه را در سطح محلی و ملی هماهنگ کنند. امروز، این شبکه فراهم کنندهٔ امکانات لازم برای ایجاد همبستگی بین زنان و سازمان‌های زنانی است که برای تحقق دموکراسی کار می‌کنند. این شبکه، با ایجاد یک مرکز منابع و فضایی برای تبادل دانش‌ها و آگاهی‌ها، فعالیت زنان در راه کسب تجربه در پیشبرد نهادهای دموکراتیک در سطح محلی، ملی و بین‌المللی، مورد حمایت قرار می‌دهد.

۱۷. برای آگاهی‌های بیشتر در این باره ن. ک. به: http://www.learningpartnership.org/iwdn

هدف‌های شبکه بین‌المللی دموکراسی زنان عبارت‌اند از:

- تبادل تجربه‌ها، سهیم شدن در تمرین‌ها و آموزش دادن به دیگران در راه رسیدن به دموکراسی؛
- تلاش برای به راه انداختن کمپین‌های ترویجی و کمک به چنین کمپین‌هایی که از سوی اعضای شبکه در سطح‌های محلی، ملی و بین‌المللی به وجود آمده‌اند؛ ایجاد همبستگی و حمایت از افراد و نهادهای فعّال در جنبش دموکراسی‌خواهی؛
- ایجاد و افزایش ارتباط میان گروه‌های مختلف بین‌المللی از جمله گروه‌های فعال در پیشبرد حقوق زنان، حقوق بشر، صلح و مسائل مربوط به محیط زیست؛
- ایجاد یک مرکز اطلاعاتی اینترنتی برای ارائهٔ اطلاعات و دانش‌های لازم در زمینه مهمترین کارهای شبکه.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- شما در بارهٔ شبکه بین‌المللی دموکراسی زنان چه فکر می‌کنید؟
- چه مزایای راهبردی و سازمانی در ایجاد چنین شبکه‌هایی وجود دارد؟ جنبه‌های زیان‌بار یا بی‌فایدهٔ این شبکه‌ها چیست؟
- پیش از آن که وقت و منابع خود یا اعضای گروه‌تان را متعهد سازید چه پرسش‌هایی را با هماهنگ‌کنندگان شبکه مطرح می‌کنید؟
- شما به گروه و یا سازمان خود چه خواهید برای آن که آنها را به مشارکت در این شبکه قانع کنید؟

۳.۷

تمرین: جنبش جوانان

(وقت: ۲۰ دقیقه)

یک یا دو داوطلب را انتخاب کنید تا داستان زیر را بخوانند.

لینا ریواس و همکارانش در اتحادیه زنان بیش از دو ساعت در جلسهٔ بحثی بودند که در بارهٔ راهبردهای نوین برای جذب زنان جوان در فعالیت‌های مربوط به پیشرفت حقوق زنان تشکیل شده بود. هنگامی که این زنان به اطراف اتاق نگاه کردند متوجه شدند که جوان‌ترین آنها زنی ٤١ ساله است. لبخندی تلخ بر رخسارشان نشست زیرا بیشترشان در دهه ٥٠ سالگی خود بودند. از خود پرسیدند که اشتباهشان، هنگامی‌که اهمیت ادامهٔ مبارزه برای تحقق حقوق زن را به جوانان یادآوری می‌کرده‌اند، کجا روی داده است؟

به نظر می‌آید که زنان جوان در این باوراند که حقوق شان خود به خود و پیوسته در حال پیشرفت و افزایش است. آنها متوجه این واقعیت نیستند که زنان نسل قبل، مانند زنان عضو اتحادیه زنان در دهه‌های گذشته چه سخت کوشیده‌اند تا به حداقلی از آزادی‌ها و حقوق خویش برسند. اشتباه در این بوده است که در جلسه‌ها بنشینند و وقتشان را صرف شکایت از زنان جوانی کنند که قدر خدمات و فداکاری‌های نسل پیشین را نمی‌دانند. اتحادیه زنان باید توجهش را معطوف به آینده می‌کرد.

به اعتقاد لینا باید بیشتر از پیش کوشید تا آن چه می‌کنند برای زنان جوان مفهوم و ارزنده باشد. وی پرسید: «بیشتر زنان جوان امروزی به چه مسائلی اهمیت می‌دهند؟» چند تن از زنان حاضر در جلسه زمزمه کردند: «موزیک؟ لباس؟ پیامک؟» یکی پرسید « پس، به دانشگاه رفتن و یافتن مرد مناسب برای ازدواج چه؟" یکی دیگر گفت: «خانه ماندن و مادری کردن یا انتخاب شغل و کار در اجتماع؟» پیشنهاد زن دیگری این بود: «شاید ما باید زنان جوان را به یکی از جلسه‌های کارگاه دعوت کنیم تا ما را به مسائل مورد نظرشان آگاه‌تر کنند.» نفر بعدی افزود: «و شاید بد نباشد که در همان جلسه ما هم در بارهٔ اتحادیه زنان و پیشینهٔ کارهای خودمان سخن بگوییم.» و اضافه کرد که: «ولی من تصور می‌کنم ما نباید اسم کارگاه بر روی آن جلسه بگذاریم. حاضرم قول دهم که مثلا دختر من امکان ندارد به کارگاهی بیاید که توسط زنان مسن‌تر اداره می‌شود. چطور است که اتحادیه زنان از یک چهره شاخص دعوت کند که کارهای ما را تأیید کند، یا حتی به اتحادیهٔ ما بپیوندد، منظورم کسی است که بین زنان جوان محبوبیت دارد. کسی که در کارهای خیریه فعال است و مساله زنان امروز برایش اهمیت دارد؟»

«این ایده خوبی است البته اگر ما چنین کسی را پیدا کنیم. ولی بگذارید بر مساله زنان جوان و اینکه اتحادیه برایشان چه می‌تواند بکند متمرکز بمانیم.»

«من تصور نمی‌کنم این که خواهرزاده‌های من از یک سازمان زنان چه انتظاری دارند با آنچه که ما در طول سال‌های سال برایش مبارزه کرده‌ایم، ارتباط زیادی داشته باشد.»

«این حرف به نظر من درست نیست. مسئلهٔ آزار جنسی، موانعی که سدّ راه پیشرفت زنان در محیط کاراند، اصلاح قوانین مربوط به مالکیت برای تأمین حقوق زنان .... همه مسائلی است که امروزه همانقدر مطرح است که ۲۰ سال پیش یا قدیم‌تر از آن مطرح بوده است.»

لینا دستش را بلند کرد: «خانم‌ها، ما بر سر این مسئله ساعت‌ها بحث کرده‌ایم. آیا می‌توانیم بر سر این نکته توافق داشته باشیم که باید زنان جوان بیشتری را جذب جنبش کنیم؟ و برای موفق شدن در این راه باید بفهمیم امروز چه مسائلی برایشان مهم است؟ و بنابراین باید اتحادیه را از راه دعوت شخصیت‌های محبوب در جامعه به همکاری، و برگزاری برنامه‌های موزیکال و یا برنامه‌های جالب دیگر جوان‌پسندتر کنیم ؟"

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا فکر می‌کنید اعضای اتحادیهٔ زنان در مورد راه‌های جذب بیشتر زنان جوان واقع‌بین هستند؟ چرا آری و چرا نه؟
- اگر شما در جلسهٔ اتحادیهٔ زنان بودید چه پیشنهادی ارائه می‌دادید؟
- فرض کنیم که تعدادی از زنان جوان در جلسه بعدی ما شرکت کنند. به نظر شما از حضور این زنان جوان اتحادیه چگونه می‌تواند به بهترین وجه بهره‌برداری کند؟ اتحادیه زنان چگونه می‌تواند برای جلب توجه عمومی به برنامه‌هایش از رسانه‌ها استفاده کند؟
- چقدر اهمیت دارد که با زنان جوان در مورد برنامه‌هایی که برای آنان جذاب است مشاوره شود؟

۴.۷

تمرین: **ائتلاف خودمان**

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید توضیح زیر را در مورد همکاری با نهادهای دیگر[۱۸] بخواند:

مشارکت با دیگران، همکاری، ایجاد شبکه ارتباطی، اتحاد و ائتلاف

مشارکت، همکاری، ایجاد شبکه ارتباطی، اتحاد و ائتلاف همگی راه‌هایی هستند که سازمان‌ها و افراد با سهیم شدن در منابع و آگاهی‌های یکدیگر برای دستیابی به اهدافشان استفاده می‌کنند. شما می‌توانید با بهره‌جویی از منابع و خدمات سازمان‌های دیگر بر میزان تأثیر و نفوذ خود بیفزایید. در مقابل، دیگران نیز از تخصص‌ها و خدمات شما بهره‌مند می‌شوند.

البته در همکاری‌های متقابل ضعف‌هایی هم وجود دارد. از مهمترین این ضعف‌ها کند شدن روند تصمیم‌گیری و در برخی موارد حتی ناتوانی در عرصهٔ عمل است. هر سازمانی روند تصمیم‌گیری خاص خودش را دارد. بنابراین، هرقدر شمار سازمان‌هایی که در تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند بیشتر باشند، از مراحل بیشتری برای رسیدن به توافق باید گذشت و احتمال بیشتری برای بروز اختلاف وجود خواهد داشت. ضعف دیگر میزان وقت و انرژی و منابعی است که باید در راه ایجاد ارتباط بین سازمان‌های عضو ائتلاف صرف شود تا هم نیازهای هریک از آن‌ها برآورده گردد و هم گام‌های بعدی به درستی برداشته شود.

در گام بعدی، **هدف جلسهٔ ۴** را روی تخته سیاه بنویسید و از گروه بخواهید در بارهٔ سازمان‌های زیر به گفت‌وگو و اظهار نظر بپردازند:

۱) سازمان‌ها، آژانس‌ها، حزب‌های سیاسی، رسانه‌ها و گروه‌های دیگری که هم اکنون برای تحقق این هدف فعالیت می‌کنند؛	۲) سازمان‌ها، آژانس‌ها، حزب‌های سیاسی، رسانه‌ها و گروه‌های دیگری که برای تحقق این هدف تلاش نمی‌کنند ولی به آن بی‌علاقه نیستند؛	۳) سازمان‌ها، آژانس‌ها، حزب‌های سیاسی، رسانه‌ها و گروه‌های دیگری که مخالف این هدف‌اند.

۱۸. برای آگاهی‌های بیشتر در بارهٔ ائتلاف‌سازی نگاه کنید به پیوست ث.

از شرکت‌کنندگان بخواهید پنج (یا بیشتر، اگر لازم است) سازمانی را که مایل‌اند با آنها همکاری کنند نام برند. دور هر یک از نام‌ها را خط بکشید.

شرکت‌کنندگان را به گروه‌های دو نفره تقسیم کنید و از هر گروه دو نفره بخواهید که یک یا دو سازمانی را که دور نامشان خط کشیده شده است مورد بحث قرار دهد. مطمئن شوید که همه سازمان‌هایی که دور آنها خط کشیده شده مورد بحث قرار می‌گیرند. از هر گروه دو نفره بخواهید روی یک برگ کاغذ در بارهٔ پرسش‌های زیر نظرشان را یادداشت کنند:

- چه مزایایی از کار با این سازمان به دست خواهند آورد؟
- چه اختلاف‌ها، مشکلات و یا پیچیدگی‌های بالقوه‌ای ممکن است ایجاد شود؟

شرکت‌کنندگان را دوباره گرد هم آورید و از هر گروه دونفره بخواهید که یافته‌هایشان را به جمع گزارش دهند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- فهرست سازمان‌ها، آژانس‌ها، احزاب سیاسی، رسانه‌ها و دیگر گروه‌هایی که هم اکنون برای تحقق هدف جلسهٔ ٤ تلاش می‌کنند تا چه حد متنوع است؟ آیا همه آنها نهادهای زنان‌اند؟
- آیا برای رسیدن به هدف جلسهٔ ٤ ائتلاف موثرتر است یا کار مستقل؟
- چه موانعی در راه همکاری دستجمعی سازمانی وجود دارد؟ آیا این موانع رفع شدنی است؟
- آیا هریک از سازمان‌های شریک واقعاً مشتاق همکاری و کار ائتلافی با دیگران‌اند یا بیشتر در فکر نیل به شهرت و دیگر مزایای شخصی از رهگذر فعالیت‌های ائتلافی‌اند؟
- آیا هر کدام از اعضای جبههٔ ائتلافی باید مورد تأیید همهٔ شرکت‌کنندگان در ائتلاف قرار گیرد؟
- اتحاد با نماینده‌های رسانه‌ها از جمله روزنامه‌ها، رادیوها، تلویزیون‌ها و غیره چقدر اهمیت دارد؟ چرا؟
- چقدر اهمیت دارد که سازمان‌های دیگری که برای گسترش عدالت اجتماعی تلاش می‌کنند در این ائتلاف شرکت داد؟

با هم یک بار دیگر فهرست روی تخته سیاه را بررسی کنید. از گروه بپرسید که آیا سازمانی هست که باید به این فهرست افزود یا از آن خارج کرد. چرا آری و چرا نه؟

جلسهٔ ۸:

پیام‌رسانی: شیوه‌های فردی ارتباط آفرینی

(وقت: حدود ۳ ساعت)

هدف‌های جلسه:

- بررسی تفاوت‌های بینش رهبران زن در مقایسه با رهبران مرد
- آشنا شدن با روش‌های شفاهی و غیرشفاهی پیام‌رسانی
- بحث در بارهٔ نگرانی‌های‌مان در مورد «رفتارهای سیاسی چرکین» و نیز در بارهٔ واکنش‌مان به دشمنی‌های عریان و رفتارهای زن‌ستیزانه در عرصه‌های عمومی و سیاسی

۱.۸

تمرین: آیا رهبری کارآ جنسیت می‌شناسد؟

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

از داوطلبان بخواهید قطعه زیر را از مصاحبه گِوین اِسلِر با رئیس جمهور شیلی، میشل بشلت، در برنامهٔ «سخنان بی‌پرده» (Hard Talk) بی بی سی (۷ اوریل ۲۰۰۸) بخوانند:

اِسلر: آیا داوری در بارهٔ رهبران زن در عرصهٔ سیاست با داوری در مورد رهبران مرد مبانی متفاوتی دارد؟

رئیس جمهور بشلت: من با این نظر موافقم. به عنوان نمونه، کسی تازگی به من گفت که روزنامه‌های شیلی در بارهٔ سفرم به انگلستان اظهار نظر می‌کنند. این اظهار نظرها بیشتر در بارهٔ این است که دیروز در دیدار با ملکه چه لباسی پوشیده‌ام و یا رنگ لباسم چه بوده است. اینگونه مسائل هیچگاه در بحث راجع به رهبری مردان مطرح نمی‌شود. اظهار نظر در بارهٔ رهبران مرد بیشتر معطوف به این است که آیا آنان هوشمنداند. . . آیا خوب سخنرانی می‌کنند و آیا برنامه‌هایی که پیشنهاد می‌کنند مطلوب‌اند و آیا ما با آنها موافقیم یا مخالف....

یادم هست در زمان رئیس جمهور ریکاردو لاگوس، زمانی که او، به عنوان مثال، هنگام طرح مسئلهٔ حقوق بشر یا رویدادی دردناک متأثر می‌شد و این تأثرچشمانش را پر آب می‌کرد، همه می‌گفتند «وای،چه مرد حسّاس و پراحساسی است.» اگر همان اتفاق برای من رخ دهد، آنها در رسانه‌ها خواهند گفت: «او نتوانست خودش را کنترل کند. احساساتش زود بر او چیره می‌شوند.» همیشه همین طور است. اگر یک رهبر مرد تصمیم دشواری بگیرد می‌گویند شخصیتش قوی است. اگر یک رهبر زن همان تصمیم را بگیرد، رسانه‌ها خواهند گفت «مشاوران قانعش کردند....»

زمان لازم است و تغییرات فرهنگی و ذهنی تا زنان مستعد و توانا، که اغلب هم نادیده می‌مانند، بتوانند از فرصت‌هایی که زندگی در دسترشان قرار می‌دهد برای رسیدن به هدف مطلوبشان بهره جویند و بشوند آن که می‌خواهند بشوند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

از گروه بخواهید در بارهٔ ویژگی‌های یک رهبر قوی با یکدیگر گفت‌وگو کنند و آن‌ها را روی تخته سیاه بنویسند.

- آیا این ویژگی‌ها در برخی موارد برای زنان خصوصیتی منفی شمرده می‌شود؟
- آیا این ویژگی‌ها در برخی موارد برای مردان خصوصیتی منفی به شمار می‌آید؟

۲.۸

تمرین: تردیدها و مشکلاتم با رهبری کردن چیست؟

(وقت: حدود ۲۰ دقیقه)

گروه‌ها را به دسته‌های دو نفره تقسیم کنید. از هر شرکت‌کننده بخواهید که یکی از تجربیات گذشته‌اش یا تلاش دایمی‌اش (مثلا در محیط خانه یا محل کار) را برای حفظ تعادل بین ویژگی‌های زنانه‌اش، زنانه رفتار کردنش و به اصطلاح «زن خوب» بودنش، از سویی، و مهارت‌هایی مثل سازمان‌دهی کارآ، مدیریت و رهبری، از سوی دیگر، را برای شریک دیگرش بازگوید. هر کس بیشتر از ۵ دقیقه نباید صحبت کند. پس از پایان وقت اعلام کنید که نوبت نفر دوم از گروه است که در مورد تجربه خود سخن بگوید. پس از آنکه شرکت‌کنندگان همگی باز گرد هم جمع شدند از هرکس داوطلب می‌شود بخواهید تا مشاهدات و آموخته‌های خود را با دیگران در میان گذارد.

۳.۸

تمرین: شما چه راهنمایی ارائه می‌کردید؟

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید نظر سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان را نسبت به گزارش‌های رسانه‌ها در بارهٔ وزیر امور خارجه امریکا، سناتور هیلاری کلینتون، با صدای بلند بخواند.

فوریه ۲۰۰۹ – سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان

آیا به راستی این همان چیزی است که در بارهٔ هیلاری کلینتون می‌خواهید بدانید؟

سال گذشته روزنامهٔ *واشنگتن پست* در گزارشی نوشت که "در برنامهٔ بعدازظهر چهارشنبه سی-اس پِن ۲ تصویری از یک چاک سینه به نمایش درآمد که متعلق به سناتور هیلاری کلینتون بود." خوانندگان روزنامه متوجه شدند که این نامزد مقام ریاست جمهوری آمریکا بر روی پیراهن مشکی خود، کتی سرخ رنگ پوشیده بود که یقه گلابی‌اش بر پایین سینه‌اش قرار داشت و به شکل ظریفی « یقه هفت» می‌نمود. واشنگتن پست برای آن گروه از خوانندگانی که ممکن بود احساس نگرانی کنند اطمینان داد که "حدّی غیرمتعارف از چاک سینه به نمایش گذاشته نشده بود."

تنها چند ماه پس از آن، *ای بی سی نیوز* شتاب‌زده اعلام کرد که «سناتور نیویورک در کافه‌ای در شهر پورت اسموت در گفت‌وگو با جمعی از زنان هنگام پاسخ به این پرسش که با همهٔ مسئولیت‌هایی که بر دوش دارد چگونه همواره خود را سر حال و خوش رو نگاه می‌دارد، بغض کرد.» بغض کرد؟ آیا بهتر نبود گزارشگر بگوند اشک ریخت، گریه کرد یا نه – حتی بهتر از آن- مشت به سینه کوبید و پیراهنش را پاره کرد؟

پاسخ کلینتون این بود که «این کار آسان نیست، و چنانچه من با همه وجود اعتقاد نداشتم که این کار درست است، هیچ گاه قادر به انجام آن نبودم. من در این کشور مزایای بسیار نصیبم شده است. نمی‌خواهم که شاهد پس‌رفتنمان باشم.»

این داستان در خبرگزاری *ای بی سی نیوز* هم بازتاب یافت. گزارشگر این کانال تلویزیونی پس از آوردن شواهد دیگری به توضیح لحظاتی پرداخت که خانم کلینتون با چشمانی اشک‌آلود احساساتی شد، به وضوح برآشفت و بدتر از همه. . . . صدایش را بلند کرد.

وی گفت:« ایجاد تحول به سخنرانی نیست... بلکه به سخت کار کردن است.» رسانه‌ها، امّا، با دقت بسیار تصریح کردند که کلینتون «با صدایی کمی بلندتر» افزود: «من خواهان تغییرام، ولی تا کنون بسیار هم تغییر داده‌ام . . . من به پشتوانهٔ تعهد به تغییر دادن امور نامزد ریاست جمهوری نشده‌ام.. . . ما نیازی به برانگیختن مردم با امیدهای کاذب در باره آنچه در آینده می‌توانیم انجام دهیم نداریم.» امّا گزارشگر با رها کردن تیر نهایی می‌گوید کلینتون باز صدایش را بالا برد تا بگوید «به عقیدهٔ من انتخاب اولین رئیس جمهور زن به خودی خود تغییری است بسیار بزرگ.»

گویا همه این صداها گزارشگر را وا می‌دارد که بیفزاید «کلینتون در مراحل اخیر مبارزهٔ انتخاباتی‌اش یا بسیار هیجان‌زده و احساساتی به نظر می‌رسید یا بسیار ضعیف.»

واقعا؟ خیلی احساساتی؟

رابین گیوهان، در توصیف لباس مشکی کلینتون، با مارک دانا کارن، هرقدر هم ناسازگار با شأن یک سناتور، دست کم تصویری قوی از او ارائه می‌کند. «در عکسی که از هیلاری کلینتون گرفته شده است وی لباس شب سیاهی با مارک دنا کارن بر تن دارد که شانه‌هایش را نپوشانده است. این لباس یکی از طرح‌های یقه‌باز کارن است که در جایی گفته الهامش در این طرح از این باور سرچشمه گرفته که شانه‌های زن در هر سنّی که باشد همواره جذاب و هوس‌انگیز باقی می‌ماند.»

اکنون که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکاست، شاید رسانه‌ها به موضوع‌هایی مهمتر از جزئیات لباس‌هایش بپردازند. هرچه باشد، حل و فصل مسائل پرتنش دنیا هم مد روز است!

فعالیت دایره‌وار

از هر شرکت‌کننده بخواهید که:

- هیلاری را راهنمایی کند که چگونه سخن بگوید و حرکات بدنش را با سخنانش موزون کند، چه لباسی بپوشد، و یا چگونه محتوای پیامش را ارائه دهد.
- توضیح دهد که چرا چنین مشورتی داده است و چرا این گونه راهنمایی‌ها برای هر رهبر سیاسی زنی باید مهم شمرده شود.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا به نظر شما رهبران سیاسی زن می‌توانند صادقانه رفتار کنند، راست بگویند، خشمگین باشند و یا احساساتی شوند؟ چرا آری و چرا نه؟ رهبران مرد چطور؟

- آیا احساساتی شدن، داشتن تمایلات جنسی، یا خشن بودن، ویژگی‌های قابل قبولی برای یک رهبر زن است؟ چرا آری و چرا نه؟ آیا نمایش چنین ویژگی‌هایی در معرض عام پذیرفتنی است؟ چرا آری و چرا نه؟

- در رفتارتان در عرصهٔ اجتماعی بین چه ویژگی‌هایی مایلید تعادل برقرار کنید؟ برای دستیابی به چه ویژگی‌های رهبری تلاش می‌کنید؟

۴.۸

تمرین: عرصهٔ خصوصی بسان عرصهٔ سیاسی

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

از یک یا چند داوطلب بخواهید این داستان را با صدای بلند بخوانند.

میرا گوپتا بیش از چهار سال مدیر کارگاه‌های کمپین بهداشت خوب (سی جی اچ) بوده است. او و همکارانش در بارهٔ رعایت نظافت و فوائدش برای تندرستی برای کودکان و بزرگسالان سخنرانی می‌کنند. افزون بر اداره کردن کارگاه‌ها، میرا مسئولیت آموزش دیگر مدیران کارگاه‌ها را نیز بر عهده دارد. در بسیاری از سفرهای کاری‌اش، تعدادی کارآموز جوان یا کارآموزان رهبری او را همراهی می‌کنند.

هفتهٔ قبل از برگزاری هر کارگاه، میرا معمولا در مورد شهر یا روستایی که قرار است کارگاه را در آن برگزار کنند تحقیقاتی انجام می‌دهد تا هرچه بیشتر در مورد مردم محل و گذشتهٔ آنها به آگاهی‌های هرچه بیشتر دست یابد. او معمولا از همراهانش می‌خواهد تا در بارهٔ سن احتمالی، سطح سواد، پیشینهٔ مذهبی و ترکیب جنسیتی شرکت‌کنندگان در کارگاه پرس و جو کنند. چند روز قبل از آغاز برنامه، میرا و همراهانش در بارهٔ این که برای برگزاری کارگاه به چه لوازمی‌نیاز دارند، چه تمرین‌هایی را پیشنهاد خواهند کرد، چگونه جلسه‌های تمرین را اداره کنند و حتی اینکه چه بپوشند، دستجمعی تصمیم می‌گیرند.

یکبار از میرا و یکی از کارآموزها خواسته شد که در یک کارخانه لباس‌دوزی در یک منطقه روستایی، کارگاهی به راه اندازند. کارگران آن کارخانه همگی زن بودند و شمار بسیاری از آنها بی‌سواد و اغلب از خانواده‌هایی بسیار سنتی می‌آمدند. این اولین تجربه برگزاری کارگاه برای آن کارآموز بود و به همین دلیل هم بسیار هیجان‌زده شده بود و هم نگران. پیشنهاد میرا به کارآموز این بود که متواضعانه و محافظه‌کارانه لباسش را برگزیند. او همچنین در مورد گذشتهٔ خانواده‌های ساکن این منطقه و تعلق و ارتباط دیرینه آن‌ها با صنعت نسّاجی توضیح داد.

هنگامی که این دو به محل کارخانه رسیدند، کارآموز خیالش راحت شد زیرا پی برد انتخابش در مورد پوشیدن لباس مشکی بلند، درست بوده و این لباس با آنچه که کارگران به تن داشتند همخوان می‌نمود. میرا با زبانی ساده و روشن دلیل حضورشان در آنجا و موضوع‌هایی را که در کارگاه مطرح خواهند کرد برای حاضران در جلسه توضیح داد. او در بسیاری از کارگاه‌هایش، معمولاً نوشته‌ای را در بارهٔ اهداف و برنامه‌های کارگاه‌ها بین حاضران پخش می‌کند ولی این بار چنین نکرد زیرا اغلب شرکت‌کنندگان توان خواندن نداشتند. وی توضیح داد که هیچ کس مجبور به شرکت در این کارگاه نیست و در عین حال گرم و صمیمانه از همگی دعوت کرد که در کارگاه حاضر شوند.

پس از این که شرکت‌کنندگان دایره‌وار نشستند، میرا کارآموز را معرفی کرد و سپس از کارگران خواست تا خودشان را یک به یک معرفی کنند. او همچنین توضیح داد که این کارآموز در حال گذراندن دوره آموزشی است تا بتواند روزی مدیریت کارگاه‌ها را به عهده گیرد و سپس همه حضار را تشویق کرد

که امکان اداره کردن کارگاه‌های مشابه را در نظر گیرند. و اضافه کرد که شخصا آمادگی دارد تا آموزش هرکدام از شرکت‌کنندگان را که به مدیریت کارگاه علاقه‌منداند به عهده گیرد و سپس زنان شرکت‌کننده را از راه تماس گرفتن با خود آگاه کرد. پس از آن میرا و کارآموز کارگاه را آغاز کردند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چرا میرا قبل از برگزاری کارگاه‌هایش می‌کوشید با پیشینهٔ مخاطبانش هرچه بیشتر آشنا شود؟
- آیا شما هیچ پیشنهاد و یا راهنمایی دیگری برای کارآموز دارید؟ اگر دارید پیشنهادتان چیست؟
- به نظر شما فواید کوتاه‌مدت و بلندمدت این که از شرکت‌کنندگان کارگاه خواسته شود تا، اگر بخواهند، دوره‌های آموزشی برگزاری کارگاه را بگذرانند، چیست؟
- شما کدام یک از گام‌هایی را که میرا برمی‌دارد، مراحلی را که طی می‌کند و یا کارهایی که انجام می‌دهد تا یک کارگاه برگزار شود، بیش از همه تحسین می‌کنید؟ چرا؟
- میرا از چه راه‌هایی زنان جوان را تشویق می‌کند تا برای رهبری جامعهٔ محلی خود را آماده کنند؟
- اگر شما مدیریت یکی از این کارگاه‌ها را به عهده داشتید آیا کار دیگری اضافه بر آنچه میرا انجام می‌دهد، انجام می‌دادید؟

۵.۸

تمرین: وقتی همه چیز واقعا «چرکین» می‌شود، چه کار می‌توانیم بکنیم؟

(وقت: حدود ۳۰ دقیقه)

از یکی از داوطلبان بخواهید داستان زیر را با صدای بلند بخواند.

پس از این که رسانه‌های بین‌المللی فاش کردند که شهردار، در یادداشت محرمانه‌ای به همهٔ دوایر شهرداری، استخدام و یا انتصاب متقاضیان زن را منع کرده است، در یک تصمیم اداری ناگهانی، زینا شریف، همسر یکی از سرمایه‌گذاران در مستغلات شهری به عضویت در کمیسیون برنامه‌ریزی‌های شهری منصوب شد. این خبر در داخل و خارج کشور بازتاب فراوانی یافت بیشتر از این رو که در بارهٔ شرکت شهردار در کنفرانس‌های بین‌المللی حقوق بشر تبلیغ بسیار شده بود. با همه شایعه‌ها در بارهٔ انتصاب زینا، وی مصمم بود که وظایفش را در کمیسیون به بهترین نحو انجام دهد.

از نخستین روز کار، زینا پی برده بود که نبردی دشوار در پیش دارد. پیشنهاد همسرش این بود که به هیچ وجه در جلسات کمیسیون شرکت نکند. او با برخی از اعضای کمیسیون روابط سیاسی داشت و به همین دلیل احساس می‌کرد که بهترین روش برای زینا این است که هیچ کاری در این سمت انجام ندهد. امّا، در همین اوان بر سر گسترش یک محلهٔ فقیرنشین در کنار پارک مرکزی شهر، طوفانی در گرفته بود. هزاران تن از مردم بی‌خانمان به‌تدریج در این محله آلونک‌هایشان را بنا کرده بودند. دلیل تراکم بالای جمعیت در این محله وجود نهر آبی در کنارش بود. از آب این نهر زاغه‌نشینان برای نیازهای

روزانهٔ خود استفاده می‌کردند. زینا به خوبی می‌دانست که صدها تن کودک بی‌پناه، زنان تن‌فروش، مأموران نظافت شهر و گداهای خیابانی در این محله زندگی می‌کنند و اگر شهرداری آن را ویران کند جایی برای رفتن نخواهند داشت. او از این می‌ترسید که بسیاری از آنها نیز در خیابان‌ها جان خود را از دست دهند.

زینا کوشید که مشکل را با دیگر اعضای کمیسیون در میان گذارد امّا کسی به او اعتنایی نکرد. حتی در جلسه رسمی کمیسیون با این که دستش را تمام مدت بالا نگاه داشته بود تا اجازه صحبت بگیرد، رئیس جلسه هرگز چنین اجازه‌ای به او نداد. قرار شد جلسه دیگر به بحث در بارهٔ محلهٔ فقیرنشینان اختصاص داده شود. رئیس جلسه اعلام کرد که ساعت ۲ بعدازظهر روز بعد جلسه برای رای‌گیری نهایی تشکیل خواهد شد.

در طول بیست و چهار ساعت بعد، زینا وقتش را صرف تماس با همهٔ کسانی کرد که فکر می‌کرد ممکن است نسبت به این مساله بی‌علاقه نباشند. وی حتی صاحب یک مرکز خرید را، برای امضای طوماری که برای متوقف ساختن تخریب محله تهیه شده بود، از سر میز مهمانی شام بیرون کشید. در ظرف ٢٤ ساعت زینا طوماری با امضای ۹ نفر از سرمایه‌داران داشت. او مدارک را به دقت برای ارائه به اعضای کمیسیون آماده کرد و چند دقیقه نیز زودتر در محل حاضر شد تا مطمئن باشد در جای مناسبی برای نشستن پیدا خواهد کرد.

هنگام ورود به جلسه، زینا با تعجب متوجه شد که اعضای دیگر کمیسیون زودتر از وی آمده‌اند. رئیس جلسه به او لبخندی زد و گفت «خانم شریف، بالاخره رسیدید. خوب، رأی‌گیری حدود نیم ساعت پیش تمام شد. خیلی متاسفم که نتوانستیم سخنان شما در حمایت از زنان تن‌فروش و کودکان کثیف را بشنویم.» زینا مبهوت شده بود. رئیس جلسه فقط لبخند زد، و دیگران خندیدند و آنگاه همگی به سرعت اتاق را ترک کردند. وقتی که در پشت سر آنها بسته شد، زینا شنید که یکی از آنها با نیشخند با صدای بلند گفت: «ساعت دو بعدازظهر. عجب زن احمقی است.»

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- در بارهٔ این داستان چه فکر می‌کنید؟ آیا باور می‌کنید که ممکن است چنین اتفاقی در عالم واقع رخ دهد؟

- آیا زینا می‌توانست به نحو دیگری برنامه بریزد تا بتواند اعضای کمیسیون را به پیشنهادش علاقه‌مند کند؟

- وقتی متوجه شد که عمداً او را از ساعت تشکیل جلسه بی‌خبر گذاشته‌اند چه واکنشی باید از خود نشان می‌داد؟

- آیا برای زینا توصیه‌ای دارید؟ اگر شما در موقعیت او بودید چه می‌کردید؟

- اگر شما همکار زینا بودید، چگونه می‌توانستید به او کمک کنید تا موفق‌تر باشد؟ زنان و مردان دیگر برای حمایت از زنانی که در عرصهٔ سیاسی فعالیت می‌کنند، چه نقش‌هایی می‌توانند بازی کنند؟

جلسه ۹:
گفت‌وگو/ مصالحه/ هدف‌های مصالحه‌ناپذیر
(وقت: حدود ۳ ساعت)

هدف‌های جلسه:

- تأکید بر این نکته که شما می‌توانید از مذاکره به عنوان ابزاری برای نزدیک‌تر شدن به هدف‌تان بهره جویید
- بررسی حقایق و افسانه‌ها در بارهٔ ارزش «مصالحه» در عرصهٔ سیاست
- چگونه می‌توان ضابطه‌ای برای تشخیص هدف‌های مصالحه‌ناپذیر تعیین کرد

۱.۹

تمرین: یافتن گزینه‌های نو
(وقت: ۳۰ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید داستان زیر را که کیم کمپبل روایت کرده است بخواند؛[۱۹] در این داستان رئیس جمهور و وزیر دادگستری سابق کانادا از تجربه‌اش در بارهٔ مذاکره بر سر قانون جدید اسلحه سخن می‌گوید.

«زمانی که وزیر دادگستری بودم مشاور ارشدم در یکی از روزهایی که بر سر تصمیم‌گیری مشکل داشتم، به من گفت: تو نباید از گزینه‌هایی که پیش رو داری خوشحال باشی. از او پرسیدم چرا چنین حرفی می‌زند. پاسخش این بود: "برای این که تو معمولا وزیر قاطع هستی. بنابراین اگر امروز تصمیم‌گیری برایت مشکل است باید به این دلیل باشد که از گزینه‌های پیش رو داری راضی نیستی."

« تقریبا یک ماه پیش از تنفیذ شدنم به عنوان وزیر دادگستری جدید، مردی به نام مارک لپاین، با یک اسلحه نیمه‌اتوماتیک وارد مدرسه پلی‌تکنیک در مونترال شد و ۱۴ دانشجو و استاد زن را هدف گلوله قرارداد. واکنش نخستین مردم به این واقعهٔ شوک‌آور این بود که ما نیازمند قوانین جدّی‌تری برای کنترل بیشتر اسلحه‌ایم.»

«رویارویی با این واقعه برایم هم بسیار پیچیده بود و هم بسیار غم‌انگیز. من اولین زن فمینیستی بودم که در رأس وزارت دادگستری قرار داشت. هنگامی‌که لپاین دانشجویان و استادان را آماج گلوله

---

۱۹. در سال ۱۹۹۳خانم کیم کمبل به عنوان هفدهمین نخستین نخست وزیر کانادا و نخستین نخست وزیر زن این کشور برگزیده شد. وی پیش از این تاریخ مسئولیت وزارتخانه ها و نهادهای مهم دیگری را نیز به عهده گرفته بود از جمله وزارت امور سرخ پوستان و توسعهٔ شمال کانادا، وزارت دادگستری، وزارت دفاع ملی، وزارت امور بازنشستگان ارتش و دادستانی کل کشور. وی سپس به تدریس در دانشگاه هاروارد (مدرسهٔ عالی کندی) پرداخت و به ریاست شورای رهبران زن جهان برگزیده شد و مدتی نیز ریاست باشگاه مادرید را برعهده داشت. امروز، وی در هیئت مدیره و کمیته های مشورتی شماری از سازمان‌های بین‌المللی از جمله گروه جهانی بحران، بنیاد دموکراسی عرب خدمت می کند و ریاست کمیتهٔ برنامه‌ریزی جنبش جهانی دموکراسی را برعهده دارد.

کرده بوده فریاد می‌زده است که "شما همگی فمنیستید." وی خودش را نیز همانجا کشت. شما می‌توانید تصور کنید که من چه احساسی داشتم.»

«گرچه این گونه رویدادها برای دست زدن به تغییرات فوری بی‌فایده نیست، امّا، فضای مناسبی برای طرّاحی سنجیده‌ترین سیاست ایجاد نمی‌کند. هنگامی‌که بحران یا واقعهٔ تکان‌دهنده‌ای روی می‌دهد مردم اغلب خواستار واکنش سریع و متناسب تصمیم‌گیران سیاسی نسبت به رویدادهای تکان دهنده‌اند. امّا، واقعیت این است که این گونه واکنش‌ها و تصمیم‌ها به پیدایش دنیای امن‌تری نمی‌انجامد و خطر این جاست که در نهایت امر سرمایه‌های مادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای را هدر دهید بی آن که تغییر مطلوبی ایجاد شود.»

« در این میان، آن چه آموختم این است که قبل از هر چیز باید به عمق افکارتان پی ببرید و آنگاه تصمیم بگیرید که آیا از گزینه‌هایی که فرا رو دارید خوشحالید یا نه. قدرت واقعی از آن کسی است که مسئله یا پرسشی را طراحی می‌کند و در قالبی خاص قرار می‌دهد. گاه دیگران مسائل را برای ما در چنان قالبی مطرح می‌کنند که به ما امکان تعیین گزینهٔ دلخواهمان را نمی‌دهد.»

«من در واقع احساس کردم که برایم بسیار مهم است نظر دیگران را در بارهٔ پیش‌نویس قانون جدید کنترل اسلحه بدانم پیش از ان که به نظری قاطع رسیده باشند. نظرها بسیار متفاوت بود. به همین دلیل، به تشکیل یک هیئت مشورتی کنترل اسلحه برای بررسی مسئله پرداختم. این هیئت افراد گوناگون با دیدهای گوناگون بود از جمله کارشناسان اسلحه، شکارچیان، یک روان‌پزشک که دغدغهٔ خاطرش کاهش خشونت در مناطق شهری بود، دادستانی که بیشتر به پی‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان می‌پرداخت، و حتی خانمی که در رشتهٔ تیراندازی با هفت تیر در المپیک مدال طلا گرفته بود.»

«نظرم این بود که در بارهٔ این موضوع آرای متفاوتی وجود دارد. علاوه بر شور و گفت‌وگو با همکارانم با برخی از نمایندگان مجلس هم به مشاوره پرداختم. در همان حال که به عنوان وزیر دادگستری باید تلاشم را معطوف به تأمین امنیت بیشری برای مردم کانادا می‌کردم، آرای گوناگون را هم محترم می‌شمردم و این روش من برای مردم بسیار غیرعادی می‌نمود. به این شیوهٔ تصمیم‌گیری عادت نداشتند.»

«در این میان متوجه شدم گزینه‌های که در آغاز به به من پیشنهاد شده بود تنها حول این پرسش دور می‌زد که "آیا لایحه جدید اسلحه جدّی است یا ملایم." ولی من می‌خواستم مسیر دیگری را پیش بگیرم و از فرایندی دموکراتیک برای حل مسئله بهره جویم. نتیجه این که سرانجام لایحه پیشنهادی‌ام با اکثریتی قابل ملاحظه به تصویب مجلس رسید.»

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- چرا به تصویب رساندن یک قانون اسلحه جدید در مورد محدود کردن دسترسی به سلاح‌های گرم برای خانم کمپبل تا این حد پیچیدگی‌های سیاسی داشت؟
- چه چیزی را در مورد روندی که او برای تصمیم‌گیری‌اش اتخاذ کرده بود، می‌پسندید؟ آیا کار دیگری بود که احتمالا شما به نحو دیگری یا اضافه بر آنچه او کرده بود، انجام می‌دادید؟
- آیا تا به حال خود را در چنین موقعیت سختی حس کرده‌اید که باید تصمیم بسیار مهمی را بگیرید ولی انتخاب‌های موجود را نمی‌پسندید؟
- آیا در بارهٔ احتمال مشاوره با افراد دیگر تفحص می‌کردید؟ با چه کسانی؟
- دخالت دادن افراد زیادی در روند تصمیم‌گیری چه زیان‌هایی ممکن است داشته باشد؟ چه فوایدی ممکن است از این کار به دست آورید؟

۲.۹

تمرین: تصمیم‌های دشوار
(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک یا دو داوطلب بخواهید داستان زیر را بخوانند.

تاتیانا نظیروا، مدیر اجرایی «کمپین منابع حقوقی زنان، قرار بود یک ضیافت و یک گردش دور شهر برای بیست و چهار زن قاضی بین‌المللی که روز بعد وارد شهر می‌شدند، ترتیب دهد. از آنجا که خطوط تلفن دفتر کار قطع شده بود، او نمی‌توانست از تلفن، فاکس و یا ایمیل برای اجرای برنامه استفاده کند. وقتی که برق نیز به طور ناگهانی قطع شد، تاتیانا اصلا متعجب نشد. مغازهٔ تعمیرات کفشی که در طبقه پایین قرار داشت، هنوز برق و احتمالا یک خط سالم تلفن داشت که در مواقع اضطراری می‌توانست از آن استفاده کند. بدون داشتن برق، تاتیانا نمی‌توانست به پرونده‌های کامپیوترش، که حاوی نام بیست و چهار قاضی، زمان رسیدن آنها و محل اقامتشان در شهر بود دسترسی پیدا کند. امّا، وی نسخه‌ای را از برنامهٔ پذیرایی از قضات در اختیار داشت و می‌توانست در یک مغازهٔ ویژهٔ فتوکپی آن را برای دادن به مهمانان تکثیر کند. مشکل هزینهٔ بالای این کار بود.

هدف کمپین منابع حقوقی زنان از اجرای این برنامه این بود که حقوقدانان محلی و بین‌المللی با رویهٔ قضایی دادگاه‌های کشورش آگاه شوند و نیز در بارهٔ مسئلهٔ تجاوز به حقوق بشر و نحوهٔ حمایت نظام قضائی کشورش از این حقوق. در طی سال‌های قبل، تاتیانا برنامه‌های متعددی برای بازدید غیررسمی قضات، وکلا و کوشندگان حقوق بشر از سراسر دنیا، ترتیب داده بود.

امّا، اخیراً دولت سازمان‌هایی را که مظنون به داشتن ارتباط با عوامل خرابکار بیگانه بودند سخت زیر فشار قرار داده بود. تاتیانا فکر می‌کرد که این قضات نمی‌توانند «خرابکار» باشند زیرا همگی حقوقدانانی مبرّز و موفق بودند و سفرشان تنها به قصد سیاحت و گردش بود. امّا، مقامات دولتی یا به این واقعیت پی نبرده بودند و یا برایشان اهمیتی نداشت. تاتیانا تقریبا مطمئن بود که چرا خطوط تلفن و برق دفتر قطع شده بود و شک داشت که در طول دیدار قضات برق و تلفن دوباره وصل شود.

هنگامی که تاتیانا با اوراق و پوشه‌هایش عازم رفتن به مغازهٔ فتوکپی بود صدای کفاش را شنید که او را صدا می‌کند. مردی با کت و شلوار آبی تیره در طبقهٔ پایین در انتظارش بود. مرد کار ویزیتش را به تاتیانا داد و گفت از دفتر وزیر دادگستری آمده است و افزود که وزیر دادگستری از ورود قضات زن به دعوت دفتر کمپین آگاه شده و مشتاق است به هر طریقی که مناسب باشد به کمپین در پذیرایی از مهمانان یاری رساند. در واقع، به گفتهٔ مرد معاون اول وزیر نیز مایل است که برای تماشای شهر و بازدید از دادگاه‌ها یک اتوبوس دولتی را در اختیار هیئت قضات قرار دهد و در طول اقامتشان میزبان آنان برای ناهار و شام باشد.

تاتیانا از لطف مرد به صمیمیت سپاسگزاری کرد و گفت که اعضای هیات مدیره کمپین در همان روز جلسه خواهند داشت و او حتما پیشنهاد دست‌ودل‌بازانه وزیر را به آگاهی‌شان خواهد رساند و نتیجه را تا بعدازظهر به او خواهد گفت. او اشاره‌ای به قطع بودن خطوط تلفن و برق دفتر نکرد و فرض را بر این گذاشت که آن مرد از این موضوع حتما باخبر است.

دو ساعت بعد تاتیانا همراه با اعضای هیات مدیره کمپین در حالی که صندلی‌هایشان را برای استفاده از نورآفتاب نزدیک پنجره کشیده بودند، دور هم جمع شدند. تاتیانا آنها را از آنچه روی داده بود آگاه کرد. اگر پیشنهاد وزیر را می‌پذیرفتند، احتمالا برق و خطوط تلفن شان وصل می‌شد، کارهای مربوط به گردش دور شهر هیئت سر و سامان می‌گرفت و هزینهٔ نهار و شام ٢٤ قاضی نیز از خزانهٔ دولت پرداخت می‌شد. با وضعیت موجود، مسئولان کمپین، محروم از برق و تلفن، با مسئولیت‌های دشواری روبرو بودند، از جمله فراهم آوردن وسایل حمل و نقل میهمانان، تدارک اتاق و سالن کنفرانس برای دو

روز و نیم، برگزاری ضیافت شام و سرانجام پاسخ دادن به تقاضاهای مختلف حرفه‌ای و شخصی گروهی بزرگ از زنان برجسته.

از سوی دیگر، تاتیانا به شدّت نگران نقشهٔ دولت برای کنترل برنامه‌ها و فعالیت‌های کمپین بود. گردش در شهر و توضیحات معاون اول وزیر در بارهٔ نظام قضایی کشور یکسره نامتوازن می‌بود و در آن به هیچ یک از واقعیات موجود مانند فساد، داوری‌های تبعیض‌آمیز و مغرضانه و بی‌عدالتی‌های حاکم بر نظام قضایی اشاره‌ای نمی‌شد. افزون براین، با چنین برنامه‌ای زنان قاضی می‌توانستند تنها با شماری اندک از سازمان‌های غیردولتی آشنا شوند حتّی اگر چنین فرصتی به آنها داده می‌شد. بخت گفت‌وگوی آنان با کوشندگان محلی حقوق بشر نیز بسیار ناچیز می‌نمود. در واقع اگر برنامهٔ پیشنهادی معاون وزیر پذیرفته می‌شد چه بسا مهمانان با این باور به وطنشان باز می‌گشتند که دولت میزبانی سخاوتمند است و نظام قضایی نظامی‌عادلانه. باوری از این بیگانه‌تر با واقعیات متصور نبود.

فعالیت گروهی

از شرکت‌کنندگان در کارگاه بخواهید به تیم‌های دونفره تقسیم شوند. از هر تیم بخواهید که اعضایش نقش هیأت مدیره کمپین را بازی کنند و تصمیم بگیرند که قدم بعدی کمپین چه باید باشد. برخی مواردی که هنگام تصمیم‌گیری باید مد نظر داشته باشند عبارت‌اند از:

- مسئولیت شما در برابر قضات مهمان در چنین سفری چیست؟
- برای پیشبرد و تحقق هدف‌های کمپین چه وظیفه‌ای دارید؟
- چگونه تاتیانا را راهنمایی می‌کنید؟
- آیا می‌توانید با دولت وارد گفت‌وگو شوید؟ آیا چنین کاری اخلاقی است؟
- زیان‌های چنین کاری چیست و سودش در کجا؟

هنگامی که شرکت‌کنندگان دوباره به گروه بازگشتند از نماینده هر تیم بخواهید تا در مورد برنامه تیم و منطق انتخاب این شیوهٔ کار توضیح دهد.

۳.۹

تمرین: یافتن نقاط مشترک

(زمان: حدود ۹۰ دقیقه)

این یک تمرین نمایشی است. از یک داوطلب بخواهید نمایش نامهٔ زیر را بخواند.

نمایندگان یک گروه مبارز با فقر جهانی که به تقریب در ٤٠ کشور دنیا مشغول فعّالیت‌اند برای یک نشست سه روزه در مقر سازمان ملل در ژنو جمع خواهند شد تا در بارهٔ پیامدهای روند جهان‌روایی بر فقیرترین جوامع جهان به گفت‌وگو پردازند. به نظر می‌رسید پیش‌نویس برنامهٔ عملی که از سوی این گروه ارائه شده است نسبت به نقاط ضعف ویژهٔ کشورهای فقیر و به شدّت وامدار یکسره بی‌اعتناست. افزون براین، پیش‌نویس این گروه به پیامدهای جهان‌روایی برای وضع زنان نیز توجهی نکرده است. وظایف

رئیس این نشست، مونیکا گین، نگهداشتن زمان جلسات بر طبق برنامه، خارج نشدن از موضوع مورد بحث و همچنین تلاش برای کارآیی نشست‌ها بود. همچنین یک ائتلاف بین‌المللی از زنان اقتصاددان به نام «تحقیقات ما را به حساب آورید، به شرکت در این جلسات اظهار علاقه کرده بود. این گروه ائتلافی مایل بود که به نمایندگان گروه مبارزان با فقر جهانی دسترسی پیدا کند تا یافته‌هایشان در مورد افزایش سریع تعداد زنانی به آن‌ها ارائه کند که در بسیاری از کشورهای دنیا قادر به سیر کردن خود و خانواده‌شان نیستند. مدیریت این گروه ائتلافی با آیلانا بنگه بود.

برای انجام بخش اول تمرین، گروه را به دو تیم تقسیم کنید. «گروه مبارزان با فقر جهانی» و «گروه ائتلافی.» مشخصات و پیشینه هر دو گروه در برگ‌های زیر آمده است. این برگ‌ها باید به تعداد افراد هر تیم کپی تکثیر و بین آن‌ها پخش شود. **اعضای هر تیم فقط می‌تواند برگه اطلاعاتی مربوط به تیم خود را بخواند.**

برگهٔ مشخصات مبارزان با فقر جهانی

گروه مبارزان با فقر جهانی در سال ۲۰۰۰ از سوی کشورهایی که می‌خواستند برای طراحی برنامه‌های لازم برای کاهش فقر در جهان یک مرکز مشورتی چند ملیتی ایجاد کنند، به وجود آمد. اعضای این گروه ترکیبی است از ثروتمندترین و فقیرترین جوامع جهان. به جز چند استثناء، اعضای این گروه به یافتن راه حل و ترویج راهبردهای جهانی برای مبارزه با فقر، عمیقا متعهداند. از زمان شروع به کار این گروه، در بارهٔ ۲۵ کشور دنیا گزارش‌های ویژه تهیه شده است.

گروه مبارزان با فقر جهانی برای گردهمآیی در ژنو دو هدف اصلی در نظر گرفته است:

هدف اول: برای تهیه یک فهرست کوتاه از سه یا چهار کشور که باید در بارهٔ آن‌ها گزارشی در طول ۱۲ ماه بعدی تهیه شود. معیارهای گزیدن این کشورها رنگی سیاسی دارد. کشورهای گزیده شده باید گزارشی تهیه کنند که هم تجزیه و تحلیل پیامدهای جهان‌روایی را به جدّ گرفته باشد و هم قابل قبول برای دولت‌های متبوعشان.

هدف دوم: پاسخ دادن به انتقاد وارده به گروه مبارزان با فقر برای نادیده گرفتن مشکلات محلی مردم در سراسر دنیا. تا کنون، تحلیل‌های این گروه در بارهٔ علت‌های فقر بیشتر معطوف به مسئولیت دولت‌ها و ویژگی‌های کلّی فرهنگ سنتی جوامع بوده است. چند گروه فعّال حقوق بشر محلی ادعا می‌کنند که گروه مبارزان با فقر آن‌ها را مسئول گسترش فقر می‌شمرند. گروه مبارزان با فقر در عین حال که به تحلیل‌های خود نسبت به فقر جهانی وفادار است برای بررسی اختلاف‌های میان سازمان‌های حقوق بشر محلی نیز آمادگی دارد.

مونیکا گین رئیس هوشمند و فعّال گروه مبارزان با فقر است که بیش از سی سال تجربه فعالیت حقوق بشری و راهبری نهادهای غیردولتی دارد. او تبعهٔ یکی از کشورهای شرقی آفریقاست که در زمینهٔ تأمین حقوق بشر کارنامه‌ای مختلط دارد. انتصاب او به سمت ریاست گروه مبارزان با فقر را می‌توان نشان علاقه‌مندی دولت متبوعش به حمایت از حقوق فقیرترین شهروندان کشورش شمرد.

یکی از اعضای گروه مبارزان با فقر از مونیکا خواسته بود با آیلانا بنگه، رئیس گروه ائتلافی دیدار کند. اعضای این گروه ائتلافی اقتصاددانان و حامیان آنان در برگزاری تظاهرات

اعتراضی و کسب پوشش خبری بسیار موفق بودند. اعضای گروه مبارزان با فقر نسبت به مسائلی که مورد علاقهٔ گروه ائتلافی است آگاه‌اند. امّا، در عین حال معتقدند که مساله فقر ارتباطی با مسائل جنسیتی ندارد و انتقادهای گروه ائتلافی را نسبت به راه و روش خود بر نمی‌تابند. مونیکا آیلانا را هرگز ندیده ولی می‌داند که او یکی از فعالان حقوق بشر و مورد احترام مردم کشورش، پاسیفیکا، است. چهار سال پیش، گروه مبارزان با فقر گزارشی در مورد فقر در پاسیفیکا منتشر کرده بود که با انتقادهای بسیار شدید از طرف برخی از گروه‌های فعال محلی مواجه شد زیرا به خطا احساس کرده بودند این گزارش سنّت‌های محلی این کشور را عامل اصلی عمر کوتاه، تغذیهٔ ناسالم و درصد بالای بیماری چاقی ساکنان این جزیره دانسته است.

اهداف مونیکا در نشست بین دو گروه:

- بیابد که آیا گروه ائتلافی برنامه‌ای برای برگزاری تظاهرات اعتراضی دارد یا نه و اگر چنین برنامه‌ای دارد تلاش کند تا آیلانا حاضر به لغو چنین برنامه‌ای شود.
- آیلانا را قانع کند که گزارش گروه ائتلافی به طور کامل در نشست گروه مبارزان با فقر مورد توجه قرار خواهد گرفت و نیازی به ارائه مستقیم گزارش به گروه نیست و امکانی نیز برای اخلال در نشست وجود نخواهد داشت.
- به آیلانا ثابت کند که گروه مبارزان با فقر همواره زنان را از قربانیان اصلی فقر و پی‌آمدهای آن دانسته است.
- ایجاد مشارکتی غیررسمی بین این دو گروه تا اعضای گروه مبارزان با فقر در مورد مشکلات اقتصادی زنان کشورهایی که مورد بررسی‌شان است، با گروه ائتلافی اقتصاددانان مشورت کنند.

برگه اطلاعات گروه ائتلافی

اعضای این گروه همگی کارشناسان مسائل اقتصادی به شمار می‌روند. از ۴۶۷ عضو ۳۲ درصد از کشورهای در حال توسعه‌اند. تقریباً هر چهار سال یک بار این گروه به یک بررسی پژوهشی در بارهٔ علل فقر زنان می‌پردازد. در بررسی‌های گذشته، این گروه به مسئلهٔ دسترسی زنان به آب تصفیه شده و شست‌وشو، به خدمات بهداشتی مربوط به بیماری‌های زنان و زایمان و بیماری ایدز پرداخته بودند. این گروه سه ماه پیش آخرین گزارشش را در بارهٔ روند جهانی شدن منتشر کرد. این گزارش توجه گستردهٔ رسانه‌های خبری را جلب کرد و نیز مورد توجه دولت‌هایی قرار گرفت که از برخی مطالب آن برای تأئید و اثبات مواضع‌شان در مورد بازرگانی بازرگانی بین‌المللی و کمک‌های خارجی بهره می‌جستند.

تعدادی از اعضای گروه ائتلافی به ژنو آمده‌اند تا توجه بیشتری نسبت به گزارش‌شان جلب کنند و به گروه مبارزان با فقر برای تصویب یک قطعنامه که آنان را متعهد به بررسی مسائل زنان کند فشار آورند. آیلانا بنگه، رئیس این گروه، عضو هیات مدیره نهادی است که خود را وقف بهینه کردن وضع سلامتی مردم بومی پاسیفیکا کرده. وی شخصا احساس می‌کند که گزارش گروه مبارزان با فقر در بارهٔ دلائل وضع بومیان این جزیره و کوتاهی دولت در فراهم آوردن

امکانات بهداشتی و درمانی مناسب برای آنان منصفانه است.

یکی از دوستان آیلانا در گروه مبارزان با فقر دیدار او با مونیکا گین را ترتیب داده است. این دیدار را آیلانا با بی‌میلی پذیرفته زیرا برنامهٔ تظاهرات گسترده در ساختمانی مجاور محل تشکیل جلسهٔ گروه مبارزان با فقر از پیش تنظیم شده است و حداقل دو رسانهٔ خبری این تظاهرات را منعکس خواهند کرد. هدف‌های آیلانا از موافقت با این دیدار به شرح زیر است:

تضمین حداقل دو ساعت وقت برای اعضای گروهش تا بتوانند یافته‌های خود را در بارهٔ پیامدهای مشخص و نامطلوب جهانی شدن را بر وضع زنان ارائه کنند.

جلب موافقت مونیکا با ارائهٔ قطعنامه‌ای که گروه مبارزان با فقر را متعهد کند در پژوهش‌ها و گزارش‌هایشان به مسئلهٔ زنان بیش از پیش توجه خواهند کرد.

ایجاد مشارکت رسمی بین دو گروه تا اعضای گروه مبارزان با فقر بتوانند در مورد مسائل اقتصادی کشورهای مورد بررسی از رایزنی گروه ائتلافی بهره‌مند شوند.

اعضای هر تیم ۲۰ تا ۲۵ دقیقه وقت دارند تا برگه اطلاعات مربوط را بخوانند و در مورد گزینه‌های پیش رو، تاکتیک‌ها و همچنین موارد غیرقابل مذاکره با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند. موارد غیرقابل مذاکره هدف‌های غیرقابل تغییر و مصالحه است.

در بخش دوم تمرین، شرکت‌کنندگان را به گروه‌های دونفره تقسیم کنید به شکلی که در هر گروه یک نفر از گروه ائتلافی و نفر دیگر از گروه مبارزان با فقر باشد تا یکی نقش مونیکا گین و دیگری نقش آیلانا بنگه را بازی کند. این دو باید به بررسی گزینه‌های موجود بپردازند و برای رسیدن به یک توافق دوجانبه به بحث و گفت‌وگو بنشینند. برای این کار، هر گروه دونفره باید حدود ۲۰ دقیقه وقت داشته باشد. در پایان وقت، شرکت‌کنندگان دوباره گرد هم می‌آیند تا در بارهٔ آنچه در گروه‌های دونفره گذشته است و نیز در بارهٔ مصالحه‌هایی که روی داده بحث کنند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- مهمترین موانع بر سر راه گروه مبارزان با فقر چه بود؟
- بر سر راه گروه ائتلافی چه موانعی وجود داشت؟
- آیا هیچ کدام از گروه‌های دونفره به مصالحهٔ مطلوب دست یافتند؟ اگر پاسخ مثبت است ماهیت مصالحه چه بود؟
- آیا هیچ کدام از گروه‌های دو نفره به این نتیجه رسیده بودند که اصولا هیچ راهی برای حل اختلاف‌ها وجود ندارد؟ چرا؟
- این تمرین سخت بود یا آسان؟ توضیح دهید.

۴.۹

تمرین: مبارزه برای هدف‌های مهم، امّا تا کی؟

(وقت: حدود ٦٠ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید داستان زیر را بخواند:

در سال ۲۰۰۷، انتخابات عمومی(فرمانداران ایالت‌ها) در نیجریه برگزار شد. گزارش‌های متفاوتی از تقلب در انتخابات و شمارش آرا در طول انتخابات در ایالت‌های مختلف به ویژه در جنوب غربی نیجریه ارائه شد.

احزاب رقیب از نتیجه انتخابات شکایت کردند و در دادگاه برنده شدند. دادگاه نتیجه انتخابات را باطل اعلام کرد و دستور داد که انتخابات تجدید شود. انتخابات جدید در آوریل ۲۰۰۹ برگزار شد. فعالان حقوق بشر این انتخابات را نظارت می‌کردند. رسانه‌ها گزارش‌هایی از اِعمال خشونت و ارعاب نسبت به ناظران و مواردی را از بی‌نظمی در برگزاری مجدد انتخابات ارائه دادند.

ناظر دولت در انتخابات ایالت مورد بررسی زنی به نام تامی موته سی بود. با توجه به آگاهی‌اش از مخدوش بودن انتخابات، وی مایل نبود نتیجه را که به نفع حزب حاکم تمام شده بود اعلام کند. به ادعای او «ادامهٔ جریان انتخابات، با توجه به خلاف‌ها و تقلب‌هایی که در آن صورت گرفته با اعتقادات مذهبی ما سازگار نیست.» در نتیجه، که این روند را ادامه دهیم." منظور او تقلب و دستکاری غلط در انتخابات بود.

موته سی به جای شرکت در یک جریان متقلبانه از کار نظارت انتخابات کناره کشید امّا دولت فدرال درخواست استعفایش را نپذیرفت. موته سی سرانجام وادار شد به هیئت نظّار بازگردد و نتایجی را که در ابتدا از تایید آن سرباز زده بود مورد تایید قرار دهد.

نامزد انتخاباتی حزب مخالف دولت که به سبب تقلب در رأی گیری و شمارش آراء بازنده شناخته شد به نتایج انتخابات اعتراض کرد. همسرش، که یکی از کوشندگان فعال فمنیست کشور بود، در اعلامیه‌ای بسیاری از شخصیت‌ها از جمله تامی موته سی و نقشی که با تجدید نظر در داوری‌اش ایفا کرده بود به باد انتقاد گرفت.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- به نظر می‌رسد که موته سی رأی‌اش را با میل تغییر داد. شما در مورد کار او چگونه داوری می‌کنید؟
- به نظر می‌رسد که بسیاری موته سی را در این جریان سرزنش کردند و حتّی متهم به همدستی در ارتکاب جرم دانستند. آیا چنین ماجرایی به مشارکت سیاسی زنان آسیب می‌رساند؟
- به نظر شما آیا موته سی به عنوان زنی که شاغل یک مقام سیاسی بود بیشتر از دیگران از تهدیدها می‌هراسید و عقب‌نشینی می‌کرد؟
- زن فمنیست پیشروی که همسر نامزد حزب مخالف دولت بود در یک پیام همبستگی اعلام کرد که «قلبش یک بار دیگر برای زنی خونین شده که در فرایند پرپیچ‌وخم دموکراسی مهرهٔ منفعلی در دست دیگران بوده است. آیا فکر می‌کنید زنان در عرصهٔ سیاست بیشتر از مردان آماج انتقاد و موشکافی‌اند؟

جلسهٔ ۱۰:
ارزیابی میزان موفقیت/ ادامهٔ راه بر پایهٔ تجربه
(وقت: حدود ٤ ساعت)

هدف‌های جلسه:

- بررسی مزایای ارزیابی پیوستهٔ برنامه‌ها، تاکتیک‌ها و پیشرفت‌های کمپین
- بحث و گفت‌وگو در بارهٔ راهبردهایی که می‌تواند شما و نامزدهایتان را به وعده‌های داده شده در دوران کمپین متعهد نگه دارد
- چگونه از تجربه‌های گذشته می‌توان درس گرفت و به عنوان رهبر فهرستی از بهترین شیوه‌ها و راهبردهای رهبری تهیه کرد

۱.۱۰

تمرین: چگونه خواهیم فهمید موفق شده‌ایم؟
(وقت: حدود ٦٠ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید روایت زیر را با صدای بلند بخواند:

اوشا پاتل وارد اتاق شد و در صندلی بالای میز بلند کنفرانس نشست. تمام بیست عضو ائتلافی و مسئولان کمپین با دست زدن او را مورد تشویق قرار دادند.

«ممنون که امروز به من پیوستید،» اوشا آغاز کرد، «برای به راه انداختن کمپین ملی‌مان برای سوادآموزی به دختران. همانطور که می‌دانید بیشتر از ۵۰ درصد دختران این کشور بی‌سوادند. هدف این کمپین افزودن آگاهی عمومی در بارهٔ این مسئله، جمع‌آوری کمک مالی برای سرمایه‌گذاری در راه‌حل آن و افزایش انتظارات جامعه از آنچه می‌توانیم به دست آوریم. اگر مردم واقعا باور نداشته باشند که زنان می‌توانند بیشتر از پیش دستاورد داشته باشند، این ائتلاف نمی‌تواند با عمل و یا به سخن شرایط کنونی را تغییر دهد. برای همین منظور، من می‌خواهم بدانم آیا همگی در اینجا باور دارند، واقعا باور دارند، که ما می‌توانیم بی‌سوادی دختران را یکسره ریشه کن کنیم.»

اوشا برای اطمینان از تاثیر کلامش مکث کرد و نگاهش را دور میز چرخاند. زنی که سمت راست وی نشسته بود دستش را بلند کرد. «بله گیتا،» اوشا با تبسم او را دعوت به سخن گفتن کرد.

- گیتا پرسید: «آیا ما باید یک ضرب‌الاجل تعیین کنیم؟ مثلا در ده سال؟ ظرف ده سال ما بی‌سوادی دختران را در سراسر کشور از بین خواهیم برد؟»

«حتماً. ما می‌توانیم زمان لازم را برای تحقق هدف به میان آوریم. ولی من ضروری نمی‌بینم که خود را در قفس زمان زندانی کنیم. حالا اگر بی‌سوادی ظرف ده سال ریشه کن نشد چه؟ آیا شکست خورده‌ایم؟ موفقیت ما در رسیدن به هدف است هر وقت که باشد.»

ـ گیتا، امّا، ادامه داد: «آیا نباید هدف‌های مشخص و عینی نیز داشته باشیم؟ محک‌هایی برای سنجش آنچه کرده‌ایم، برای تعیین کارآیی کمپین و شیوه‌های تبلیغ هدفمان، سرمایه‌گذاری‌هایمان در مدارس، و نحوه‌ای که از وقت و دیگر منابع‌مان بهره گرفته‌ایم؟»
ـ «قطعا همین طور است گیتا، ولی کار ما اکنون این است که با کسانی که آمادهٔ کمک مالی به کمپین هستند گفت‌وگو کنیم، آگاهی‌های دیگران را در بارهٔ هدف‌هایمان افزایش دهیم. شما فقط باید به کاری که می‌کنید ایمان داشته باشید. ما همه به شدّت به تحقق هدفمان متعهدیم و تا جایی که می‌دانم همگی باور داریم که می‌توانیم بلای بی‌سوادی دختران را ریشه کن کنیم. من این را به یقین می‌دانم."

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا شما با اوشا موافقید که «آنها وقتی نتیجه را ببینند می‌دانند موفق شده‌اند؟» چرا آری و چرا نه؟
- گیتا سعی داشت چه کاری انجام دهد؟ آیا پیشنهادهایش مفید بود؟
- آیا محک‌ها و رهنشانه‌هایی که پیشنهاد می‌کرد می‌توانست برای موفقیت سازمانش مفید باشد؟ چرا آری و چرا نه؟
- چه محک‌هایی را شما می‌توانید به فهرست او اضافه کنید؟

شرکت‌کنندگان را به تیم‌های پنج یا شش نفره تقسیم کنید. از هر تیم بخواهید یک تقویم ده ساله برای ائتلاف اوشا و گیتا طراحی کنند. از اعضای هر تیم بخواهید که پیش‌نویس برنامهٔ زمان‌بندی ده ساله و پنج تا پانزده محک برای کمپین سوادآموزی را فهرست‌وار روی یک برگ کاغذ بنویسند. وظیفهٔ هر تیم است که تعیین کند چه منابعی در اختیار دارد و آنگاه اهداف و محک‌های خود را بر آن مبنا تعریف کنند.
پس از ۲۰ دقیقه از تیم‌ها بخواهید دوباره به هم بپیوندند. هر تیم باید برنامه زمان‌بندی ده ساله همراه با اهداف و محک‌هایش را برای سنجش میزان موفقیت ارائه کند.

۲.۱۰

تمرین: تعیین ره‌نشانه‌هایمان

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

روی تخته سیاه هدف‌های جلسه را بنویسید.

تعیین ره‌نشانه‌ها به شما کمک می‌کند که دریابید تا چه حد به هدف‌هایتان نزدیک شده‌اید. برای مثال، اگرهدف‌تان این است که دولت خود را قانع کنید که الحاق به میثاق رفع کامل تبعیض از زنان را در برنامه‌اش قرار دهد، ره‌نشانه‌هایتان می‌تواند از این قرار باشد: ۱- شرکت در جلسه با مقامات محلی برای ارائهٔ اطلاعات لازم در بارهٔ کنوانسیون. ۲- برگزاری نشست‌هایی در بارهٔ همین موضوع در مدارس و دانشگاه‌های منطقه . ۳- تشویق رسانه‌های محلی به پخش برنامه در همین باره. ۴- سنجش میزان آگاهی عمومی در بارهٔ ماهیت این کنوانسیون و پیامدهای اجرای آن بر زندگی زنان کشور. ۵- تهیهٔ طوماری در بارهٔ ضرورت پیوستن به کنوانسیون که حداقل ۴۰۰۰ نفر آن را امضا کنند.

از گروه بخواهید که در مورد ره‌نشانه‌های تعیین شده به بحث و گفت‌وگو پردازند و حداقل پنج تا ده نمونه را نام ببرند. گروه در پی دستیابی به چه هدف‌هایی است؟

گروه را به تیم‌های سه یا چهار نفره تقسیم کنید. برای هر تیم چند هدف را از اهداف نوشته شده روی تخته معین کنید. از اعضای هر تیم بخواهید که در مورد دو تا چهار ره‌نشانه برای سنجش میزان موفقیت در راه تحقق هریک از هدف‌های برگزیده شده بحث کنند.

تیم‌ها را گرد هم آورید تا در مورد ره‌نشانه‌هایی که برگزیده‌اند به گروه گزارش دهند. از یک داوطلب بخواهید این ره‌نشانه‌ها را روی تخته سیاه بنویسد.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا ره‌نشانه‌های انتخاب شده به شما توان بیشتری می‌بخشند؟ آیا به شما این احساس را می‌دهند که می‌توانید راهی را که برای نیل به هدف‌هایتان مناسب است برگزینید؟ چرا آری و چرا نه؟
- کدام یک از ره‌نشانه‌ها را بیشتر از همه دوست دارید؟ کدام یک از آنها به نظر شما برای سنجش میزان موفقیت شما در راه دستیابی به هدف‌ها موثرتر است؟
- کدام یک از ره‌نشانه‌ها را کمتر از بقیه دوست دارید؟ چرا؟
- اگر به فهرست اهداف دوباره نگاه کنید، آیا فکر می‌کنید بتوان آن را به ترتیب اولویت از بیشتر به کم‌تر رده‌بندی کرد؟ آیا همهٔ هدف‌ها اولویتی واحد دارند؟
- کدام یک از اهداف سریع‌تر از بقیه قابل دسترسی است؟ تحقق چه هدف‌هایی وابسته به تحقق هدف‌های دیگر است؟

۳.۱۰

تمرین: آبیاری بذرهایی که کاشته‌اید
(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

از یک داوطلب بخواهید روایت زیر را بخواند:

نسرین روزنامه را باز کرد و طبق معمول به جست‌وجوی اخبار مربوط به نامزد مورد علاقه‌اش در انتخابات مجلس ملی مشغول شد. استرید هجینیان از نامزدهای انتخاباتی مورد علاقهٔ زنان و طبقات فرودست بود زیرا همواره قول می‌داد خواهد کوشید که وضع مدارس بهتر و دسترسی دختران و داوطلبان تنگدست به مراکز آموزش اصلاح امکان‌پذیرتر شود. از وقتی که استرید در انتخابات برنده شده بود، اثری از او در جایی به چشم نمی‌خورد. حدود هشت ماه از زمانی که با رای مردم به مجلس راه یافته بود می‌گذشت و از آن زمان به بعد هیچ حرفی در بارهٔ او حداقل در رسانه‌ها و یا در بارهٔ این که آیا برای حل مشکلات آموزشی زنان و داوطلبان بی‌بضاعت کاری کرده است یا نه و یا اصولا آیا در مورد هیچ مساله سیاسی دیگری فعالیت دارد یا نه، به گوش کسی نرسیده بود. نسرین، امّا، خوشبینانه امیدوار بود که شاید استرید سخت مشغول تلاش پشت پرده و دور از انظار عمومی‌است.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- اگر هیچ خبری در بارهٔ فعالیت‌های خانم استرید هجینیان در رسانه‌ها وجود ندارد، آیا این بدان معناست که او در مجلس برای تحقق قول‌های انتخاباتی‌اش فعالیتی نمی‌کند؟ چه توجیه دیگری می‌تواند برای نبودن خبر از او در رسانه‌ها وجود داشته باشد؟
- آیا شما هیچ وقت از نامزدی پشتیانی کرده‌اید و اندکی بعد به تردید افتاده باشید که آیا واقعاً به انجام وعده‌هایش پایبند است یا نه؟
- آیا می‌توانید در تماس با یک مقام سیاسی بپرسید که آیا وکیلی که انتخاب کرده‌اید برای اجرای وعده‌هایش کاری خاص کرده است یا نه؟
- آیا خود را هنوز متعهد به پشتیبانی کردن از چنین وکیلی می‌دانید؟ چرا آری و چرا نه؟
- چه کار می‌توانید بکنید که مطمئن شوید نامزدها پس از انتخاب شدن به وعده‌های خود متعهد خواهند ماند؟ آیا فکر می‌کنید نامزدهای انتخاب شده برای انجام وعده‌هایشان به حمایت فعّالانهٔ شما نیاز دارند؟

گروه را به تیم‌های سه یا چهار نفره تقسیم کنید. از اعضای هر تیم بخواهید که فرض کنند از نامزدی استرید حمایت می‌کرده‌اند. از آنها بخواهید بیانیه‌ای در بارهٔ پنج تا ده راهبرد، فعالیت یا وعده‌ای که می‌تواند نشان ادامهٔ حمایت آنان از استرید باشد تهیه کنند. (اگر واقعاً نامزدی در صحنه وجود دارد که تیم از او حمایت می‌کند، می‌توانند بیانیه را در بارهٔ او بنویسند.)

از اعضای تیم‌ها بخواهید به این موضوع نیز فکر کنند که آیا به آگاهی‌های بیشتری در بارهٔ نحوهٔ کار مجلس و یا استرید نیاز دارند؟ چگونه می‌توانند این اطلاعات را به دست آورند؟ چه می‌توانند بکنند اگر متوجه شوند که برخی از اعضای مجلس کارهای استرید را خنثی می‌کنند؟ هنگامی‌که کار تهیهٔ بیانیه پایان یافت تیم‌ها را گرد هم آورید و از یک داوطلب از هر تیمی بخواهید بیانیهٔ تیم‌اش را بخواند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- تِم اصلی راهبردهایی که بیش از یک تیم برگزیده چه بود؟
- آیا شخصا هیچ یک از گام‌هایی را که در بیانیه‌ها آمده است، در پشتیبانی از یک نامزد مقام سیاسی، برداشته‌اید؟
- فکر می‌کنید در آینده برای پشتیبانی از زنانی که داوطلب رسیدن به مقام سیاسی‌اند چه گام‌هایی می‌توانید بردارید؟

۴.۱۰

تمرین: ما در این کارگاه از زنان چه آموختیم؟

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

نام خود و هر یک از شرکت‌کنندگان را روی یک برگه کاغذ بنویسید، آن را از وسط تا کنید و در یک کاسه بیندازید. هریک از اعضای گروه، از جمله بخواهید نامی را از درون کاسه درآورد (خودتان هم چنین کنید) (اگر کسی نام خودش را از کاسه درآورد از او بخواهید برگه نام را با برگهٔ شخص دیگری عوض کند.)

مطمئن شوید که همه یک برگ کاغذ، خودکار یا مداد دارند. از هرکس بخواهید بالای برگ کاغذ نام کسی را که در روی برگه آمده است بنویسد، و دو سه نکتهٔ مهمی که در دوران کارگاه در بارهٔ رهبری، سازمان‌دهی سیاسی، زنی قدرتمند شدن، و یا در بارهٔ هر مسئلهٔ دیگری، از او آموخته است شرح دهد. پنج تا ده دقیقه برای این کار وقت بگذارید.

اعضای گروه را دو باره گرد هم آورید و از هرکس بخواهید نام کسی که برگزیده و آنچه از او آموخته است بخواند. این تمرین می‌تواند لذت‌بخش باشد. پس به اعضای گروه فرصت دهید در بارهٔ یکدیگر سخن گویند.

ابزار ارزیابی کارگاه: از جلسه‌های کارگاه چه آموختیم؟

(وقت: حدود ۴۵ دقیقه)

مفید است اگر در طول این بحث یادداشت بردارید، زیرا چه بسا نظرهای شرکت‌کنندگان به شما در کار تسهیل‌گری کارگاه‌های دیگر یاری رساند.

گروه را به تیم‌های سه یا چهار نفره تقسیم کنید. از اعضای هر تیم بخواهید در مورد چهار پرسش زیر به بحث و گفت‌وگو بنشینند و پاسخ‌هایشان را روی یک صفحه کاغذ یادداشت کنند. (این کار به وقتی در حدود ۲۰ نیاز دارد) :

۱- در این کارگاه به چه آگاهی‌هایی دست یافتید که از ابتدا در طلبش بودید؟

۲- احساس می‌کنید به کدام یک از هدف‌هایتان دست نیافتید ولی دست یافتن‌شان ممکن بود اگر فرصت بیشتری می‌داشتید؟

۳- کدام تمرین، گفت‌وگو یا تجربه‌ای بیش از همه برای شما در ده جلسهٔ گذشته الهام‌بخش یا فرح‌انگیز بوده است؟

٤- چه پیشنهادهایی برای اصلاح و مفیدتر کردن این کارگاه‌ها می‌توانید ارائه کنید؟

از اعضای گروه بخواهید که دوباره به هم بپیوندند و از هر تیم بخواهید گزارش خود را با دیگران در میان گذارند.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

از این کارگاه‌ها چه درس‌های ویژه‌ای آموختید و چه ایده‌هایی شنیدید که بخواهید از آن‌ها در زندگی شخصی و یا حرفه‌ای خود بهره جویید؟ بر مبنای آنچه در این جلسات آموختید چگونه رفتار، انتظارات و یا گزینه‌هایتان را در آینده تغییر خواهید داد؟

گام بعدی گروه در راه دستیابی به هدف **بخش چهار** چیست؟

ارزیابی کارگاه

با گذاشتن علامت روی شمارهٔ مناسب در برابر موضوع‌های آمده در جدول زیر، جلسات یادگیری مشارکت سیاسی و کار تسهیل‌گران کارگاه‌تان را ارزیابی کنید. از پاسخ‌های داده شده در این برگ برای اصلاح و کارآتر کردن برنامهٔ کارگاه‌های آینده بهره‌جویی خواهد شد.

۵=عالی، ۴= خوب، ۳=رضایت‌بخش، ۲= نیازمند اصلاح، ۱= بسیار ضعیف

این برگ‌ها بدون نام خواهند بود مگر آن که خود مایل باشید نام‌تان را در آن بنویسید.

جلسات

۱. شرکت در کارگاه مرا توانا به اندیشیدن در بارهٔ مسائلی کرد که با آن‌ها در زندگی روزانه روبروییم.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۲. شرکت در کارگاه اکراه مرا به اظهار نظر در جمع به تدریج کاهش داد.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۳. شرکت در جلسات بر توانایی‌ام به گوش فرا دادن به دیگران افزود.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۴. شرکت جلسات کارگاه مرا به برقرار کردن ارتباط مفید با دیگران توانا کرد.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۵. شرکتم در جلسات کارگاه بر اعتماد به نفسم افزود.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
٦. شرکت در جلسات کارگاه مرا برانگیخت تا در بارهٔ بینش‌ام نسبت به آیندهٔ جامعه‌ام بیندیشم.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۷.شرکت درجلسات کارگاه مرا به کار گروهی برای حل مشکلات خانوادگی/ اجتماعی آگاه ساخت.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۸. شرکت در جلسات کارگاه مرا به ارزش و ضرورت کار گروهی آشنا کرد.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۹. شرکت در جلسات کارگاه مرا توانا به ایجاد شبکه‌ای از دوستان و همکارانی کرد که می‌توانم به راحتی با آنان در بارهٔ زندگی شخصی و حرفه‌ای‌ام گفت‌وگو کنم و در عین حال به تلاش برای بهینه کردن جامعه‌ام ادامه دهم.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۱۰. شرکت در جلسات کارگاه به اشتیاقم به یادگیری در بارهٔ مشارکت سیاسی و شیوه‌های توانا کردن زنان افزود.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۱۱. تعامل با دیگر شرکت‌کنندگان مرا به اهمیت شرکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی آشنا کرد.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۱۲. بررسی تجربه‌های زنان در جوامع دیگر شیوهٔ ارزنده‌ای برای آشنا شدنم با امکانات و محدودیت‌های مشارکت سیاسی بود.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥

۱۳. شرکت در تمرین‌ها راه مفیدی برای پی بردن به فرصت‌ها و چالش‌های شرکت در پیکارهای سیاسی بود	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۱۴. معتقد شده‌ام که شرکت در این کارگاه برای زنان و مردان، هر دو، سودمند است.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥
۱۵. من به خویشان، دوستان و همکارانم توصیه خواهم کرد که در کارگاه شرکت کنند.	۱ ۲ ۳ ٤ ٥

لطف کنید و پایین این صفحه و، اگر نیاز داشتید، پشت آن در بارهٔ تجربه‌های خوب و بدتان در این کارگاه بنویسید. چگونه می‌توانیم این کارگاه را برای شما و هم محله‌های شما کارآتر کنیم؟ اگر مایل باشید می‌توانید مختصری در بارهٔ زنانی بنویسید که می‌دانید در پیکارهای سیاسی شرکت کرده‌اند و نیز می‌توانید پیشنهادهایتان را در بارهٔ تمرین‌های یادگیری، ایده‌هایی که دارید و یا هر موضوع دیگری بنویسید.

نظرها و پیشنهادها

....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....

ارزیابی تسهیل‌گر

- تسهیل‌گر جلسه‌ها را با سرعتی معقول به پایان بُرد؛ سرعتی که مرا ملول و خسته نکند و در عین حال به او فرصت دهد که اهمیت و ارزش روایت‌ها و تمرین‌های یادگیری را بر ما روشن کند.	۵ ۴ ۳ ۲ ۱
- تسهیل‌گر فضایی آفریده بود که بتوانم در بارۀ نگرانی‌ها و مشکلات حرفه‌ای و شخصی‌ام به راحتی سخن گویم.	۵ ۴ ۳ ۲ ۱
- تسهیل‌گر آماده بود که تجربه‌های زندگی‌اش را با شرکت‌کنندگان در میان گذارد تا مایه‌ای برای بحث و گفت‌وگو باشد.	۵ ۴ ۳ ۲ ۱
- تسهیل‌گر شرکت‌کنندگان را توانا به شناختن چالش‌ها و فرصت‌های نهفته در مشارکت سیاسی کرد	۵ ۴ ۳ ۲ ۱
- تسهیل‌گر شرکت‌کنندگان را تشویق می‌کرد که پیشنهادهایشان را در بارۀ مسائل مورد بحث مطرح کنند و نیز جلسات را به گونه‌ای اداره می‌کرد که پاسخگوی نیاز و خواست شرکت‌کنندگان باشد	۵ ۴ ۳ ۲ ۱

در پایین این صفحه و در پشت آن نظرتان را در بارۀ جنبه‌های مطلوب و یا نامطلوب شیوۀ کار تسهیل‌گر بنویسید. چه پیشنهادهایی به نظرتان می‌رسد که ممکن است تسهیل‌گر را یاری دهد تا کارگاه‌های آینده را برای شرکت‌کنندگان سودمندتر و متناسب‌تر با خواست‌هایشان کند. از نوشتن چنین پیشنهادهایی دریغ نکنید.

نظرها و پیشنهادها

....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....

پیوست‌ها

الف: تمرین‌های اضافی

ب: چگونه گزارش مطبوعاتی تهیه کنیم

پ: رهنمون‌هایی برای تنظیم کمپین‌های اخلاقی

ت: رهنمون‌هایی برای بسیج/ پیام‌رسانی

ث: رهنمون‌های شبکه‌سازی و ائتلاف‌آفرینی

ج: فهرست برخی از واژگان مشارکت سیاسی

چ: منابع اینترنتی ویژۀ مشارکت زنان در امور سیاسی

ح: سهمیه‌بندی: رهیافتی برای برابری جنسیتی

خ: ***ایمان و آزادی***

د: قراردادهای بین‌المللی و مشارکت سیاسی زنان

ذ: انتشارات سازمان مشارکت و آموزش زنان

پیوست الف
تمرین‌های بیشتر

تمرین: بهره‌جویی از رادیو

از یک داوطلب بخواهید داستان زیر را بخواند:

ایستگاه رادیویی محافظه‌کار «امواج بهاراتیا» به سرعت در حال از دست دادن شنوندگانش بود و در نتیجه شرکت‌های کمک‌کننده به رادیو و صاحبان آگهی‌های تبلیغاتی آگهی‌هایشان را پس گرفتند و به دنبال دریافت غرامت بودند. اعضای هیأت مدیره «موج بهاراتیا» روبرو با دو گزینه، مصالحه یا بستن رادیو، تصمیم گرفتند برنامه‌های گوش‌خراش و جنجال آفرینی را که قبلاً برنمی تابیدند از رادیو پخش کنند.
نخستین گام به سوی پخش چنین برنامه‌هایی انجام یک مصاحبهٔ رادیویی با دانشجوی زنی بود که در بزرگترین دانشگاه شهر تحصیل می‌کرد و عضو سازمان «زنان فعال» بود. رادیو به سرعت به تبلیغی گسترده در بارهٔ مصاحبه دست زد، زنان را آماج حملات شدید و موهن قرار داد و به تمسخر دانشجوی جوان پرداخت. از این پس بود که بر شنوندگان این رادیو به‌تدریج افزوده شد.

در این تاریخ، هینا دیلاوار دانشجوی سال دوم رشته میکروبیولوژی بود و علاقه داشت به تدریس در دانشگاه بپردازد. تدریس در دانشگاه این امکان را برای او فراهم می‌کرد که تحقیقاتش را دنبال کند و در جریان تازه‌ترین تحقیقات میکروبیولوژی قرار گیرد. مشکل به عقیده وی شمار اندک استادهای زن در زمینه علوم پایه بود. استاد زن سرشناسی هم در رشتهٔ میکروبیولوژی وجود نداشت، با این که بسیاری از زنان در زمینه علوم پایه مشغول تحصیل بودند.

خانم دیلاوار و تنی چند از همکلاسی هایش به قصد کمک به حل مسئلهٔ کمبود استادهای زن در علوم پایه و شکستن دیوارهایی که مانع پیشرفت زنان در بسیاری از رشته‌های تحصیلی می شد، گروه «زنان فعال» را تشکیل دادند. اعضای این گروه به بررسی راهبردهایی پرداختند که بتواند دانشجویان را از ژرفای تبعیض‌ها و راه‌های مقابله با آن آگاه کند و در نهایت سدهایی را که در برابر پیشرفت نامشروط زنان در بازار کار بشکند. در همین اوان رادیو بهاراتیا خواستار انجام یک مصاحبه رادیویی با رهبر گروه شد. گرچه گروه رسماً رهبری نداشت، همهٔ اعضای گروه به اتفاق هینا دیلاوار را بهترین نمایندهٔ خود برای رساندن پیامشان به شنوندگان رادیو پذیرفتند.

در روزهای پیش از تاریخ مصاحبه این واقعیت آشکار شده بود که هدف «موج بهاراتیا» از انجام چنین مصاحبه‌ای تحقیر و تمسخر زنان است. در نتیجه اعضای گروه در بارهٔ صرف نظر کردن از مصاحبه به گفت‌وگو پرداختند. نظر دیلاوار این بود که این مصاحبه ارزش تبلیغاتی و آگاهی‌رسانی‌اش بیشتر از آن است که شرکت نکردن در آن مصلحت باشد.
در روز مصاحبه، هینا دیلاوار در اتوبوسی که وی را به محل رادیو می‌برد فرصت داشت که فهرست هدف‌ها و برنامه‌های گروه را مرور کند. به سبب تراکم ترافیک وی اندکی دیرتر از وقت به محل مصاحبه رسید. مجری برنامه بلافاصله پس از ورود او در میکروفون گفت: «خب شنوندگان عزیز،

دوشیزه هینا دیلاوار بالاخره رسیدند. می‌خواهم مصاحبه‌ام را با این پرسش از ایشان شروع کنم: شما که نمی‌توانید به موقع سر یک مصاحبه حاضر شوید چطور انتظار ترقی کردن در مشاغل تخصصی را دارید؟»

دیلاوار که از این سوال یکه خورده بود پس از درنگ کوتاهی شروع به پاسخ دادن کرد. پرسش بعدی مجری برنامه نیز به همین حد بی‌ادبانه بود و مصاحبه را به مسیری کاملا متفاوت از آن‌چه دیلاوار در نظر داشت کشاند. اعضای گروه «زنان فعال» که در حال گوش دادن به این مصاحبه از رادیو بودند، بی‌صبرانه انتظار می‌کشیدند که همکارشان مصاحبه را به مسیر مورد نظر آنها هدایت کند. پرسش سوم در بارهٔ این بود که آیا هیچ‌یک از اعضای گروه «زنان فعال» ازدواج کرده است یا خیر. با ادامهٔ مصاحبه، دیلاوار عصبانی‌تر می‌شد و صدایش بالاتر می‌رفت. پس از ده دقیقه که در آن مجری همچنان به طرح پرسش‌های بی‌ارتباط با هدف‌ها و برنامه‌های «زنان فعال» پرداخت مصاحبه پایان گرفت.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- آیا گروه «زنان فعال» با شرکت در این مصاحبه به اهدافی که در نظر داشت رسید؟ چرا آری و چرا نه؟
- آیا هینا دیلاوار و همکارانش می‌توانستند کار دیگری کنند تا وی بهتر برای این مصاحبه آماده شود؟
- آیا راه دیگری برای پاسخ دادن به پرسش‌های نامربوط مجری برنامه وجود داشت تا بتواند مسیر مصاحبه را به سمت مورد نظر گروه هدایت کند؟

فعالیت گروهی

در داستان «بهره‌جویی از رادیو»، هینا دیلاوار پیش از مصاحبه، برخی از هدف‌ها و برنامه‌های گروه را مرور کرده بود. با این همه، هنگام مصاحبه و در موقعیت‌های تشویش‌زا، حتّی برخی از سخنوران ورزیده نیز از ارائهٔ پاسخ‌های جالب و قانع‌کننده ناتوان می‌شوند. اگر دیلاوار مطالبی برای صحبت کردن آماده کرده بود به احتمال قوی می‌توانست مصاحبه را در جهت مورد نظر گروه هدایت کند.

- اگر شما یکی از اعضای گروه «زنان فعال» بودید و برای پیشرفت زنان در مشاغل گوناگون دانشگاهی و اداری تلاش می‌کردید مایل بودید چه نظرها، واقعیت‌ها و نکته‌هایی را در یک مصاحبهٔ رادیویی مطرح کنید؟
- در تیم‌های چهار تا پنج نفره، سه تا هفت نکته در زمینه تبعیض نسبت به زنان در محیط کار را که به نظر شما برای آگاه ساختن شنوندگان رادیویی لازم است مطرح کنید از جمله این که چرا چنین تبعیض‌هایی نارواست و برای رفعش چه می‌توان کرد؟
- نکاتی را که مایلید نمایندهٔ تیم در مصاحبه مطرح کند به گونهٔ فشرده و روشن یادداشت کنید تا سخنگوی جمع بتواند آن را به آسانی بخواند و از آن ها برای یادآوری بهره برد.
- یکی از اعضای تیم را به عنوان سخنگوی‌تان انتخاب کنید تا خلاصهٔ نکات یادداشت شده را به گروه گزارش دهد.

تمرین: «هدی قریشی را انتخاب کنید!»

از داوطلبی بخواهید داستان زیر را برای گروه بخواند.

هدی قریشی، نامزد نمایندگی مجلس، تصمیم داشت از شرکت در انتخابات صرف نظر کند. پنج روز پیش از گرفتن این تصمیم، برادرش که در خارج از کشور زندگی می‌کرد به جرم رانندگی در حال مستی دستگیر شده بود. توجه برنامه‌های خبری، شایعه‌سازان گوناگون و حتی روزنامهٔ معتبر شهر همه به این رویداد جلب شده بود. خانم قریشی احساس می‌کرد شرکتش در یک گردهمآیی انتخاباتی او را در محاصرهٔ خبرنگارانی قرار خواهد داد که مایل به شنیدن حرفی از او جز ماجرای دستگیری برادرش نبودند و بنابراین چنین کاری جز اتلاف وقت و مخدوش شدن اعتبارش حاصلی نداشت. اشتباه برادرش برای او و دیگر اعضای خانواده رویدادی بس دردناک بود. حس می‌کرد هنگامی‌که این رویداد چنین توجه عمومی را جلب کرده نمی‌تواند آن چنان که باید بر مسائل مهمی که قصد داشت در زمینه سیاست به میان آورد تمرکز کند.

با این همه، نظر دستیارانش را پذیرفت و در اجتماعی که برایش ترتیب داده شده بود شرکت کرد و با کت و دامنی صورتی رنگ و چهره‌ای متبسم و مصمم پشت میز سخنرانی رفت. حدود ۳۰۰ نفر در این برنامه شرکت داشتند و مشتاقانه منتظر شنیدن سخنانش بودند. وی در حدود ۲۰ دقیقه در بارهٔ ضرورت بازنگری و اصلاح قوانین در جهت بهینه شدن وضع زنان و مردان عادی سخن گفت. انتظارش این بود که تأکیدش بر ضرورت بهبود وضع مردم شنوندگان را آمادهٔ رأی دادن به او کند. پایان یافتن سخنانش، امّا، با سکوت جمعیت روبرو شد. این سکوت با صدای بلند یکی از حاضران شکست: « امّا شما چه اصلاحاتی را به مجلس پیشنهاد خواهید کرد؟ چه لایحه‌ای را می‌خواهید به تصویب برسانید؟

در پاسخ خانم قریشی به سرعت گفت: «تصور می‌کنم در مورد اصلاحاتِ پیشنهادی‌ام به روشنی سخن گفته‌ام.» سپس به خبرنگار زنی که دستش به نشانه پرسیدن بالا برده بود اشاره کرد. پرسش این بود: «ممکن است اطلاعات دقیق‌تری در بارهٔ اصلاحات مورد نظرتان بدهید؟» خانم قریشی این بار هم به سرعت پاسخ داد: «البته که می‌توانم. قبلا هم در این باره توضیح داده‌ام.» وی سپس با ندیده گرفتن چند خبرنگار مرد که منتظر پرسیدن سوال بودند به خبرنگار زن دیگری اشاره کرد تا سؤالش را بپرسد. وی پرسید: «بودجهٔ لازم برای فعالیت‌های انتخاباتی‌تان را از چه منابعی تأمین می‌کنید؟ چه کسی هوادار اصلاحات پیشنهادی شما است؟

این پرسش اندکی پیچیده بود. گرچه بودجه لازم برای ادامهٔ کمپین «هدی قریشی را انتخاب کنید» به شیوه‌های قانونی جمع‌آوری و گزارش شده بود، اما بخشی بزرگ از این بودجه را کسانی تأمین کرده بودند که پیش از اعلام نامزدی وی، به شدّت هوادار تصویب قوانینی بودند که مرتکبان قتل‌های ناموسی را به شدّت کیفر می‌داد. پس از آن که قریشی هنگام اعلام نامزدی‌اش تأکید کرد که برای افزایش مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی تلاش خواهد کرد، سازمانی به نام «جمعیت مؤتلفه برای پایان دادن به قتل‌های ناموسی»، همهٔ دارایی‌اش را به حساب کمپین انتخاباتی وی منتقل کرد. اکنون، قریشی نمی‌توانست پاسخی به این سئوال دهد بدون آن که وارد جزئیات قوانین مربوط به جمع‌آوری کمک‌های مالی به کمپین انتخاباتی شود. افزون براین، هر نوع پاسخی به این پرسش می‌توانست او را به خاطر هواداری از اهداف «جمعیت مؤتلفه» در معرض اتهام به فمینیست بودن قرار دهد. وی سرانجام ناچار شد بدون نگاه کردن به فردی که این پرسش را مطرح کرده بود، پاسخی مبهم داد: «همهٔ بودجه کمپین من از منابع قانونی که هوادار اصلاحات در مجلس‌اند تأمین شده است. پرسش دیگری نیست؟»

خبرنگاران که صبرشان به پایان رسیده بود با صدای بلند به طرح پرسش‌های شخصی و گستاخانه پرداختند. صدای بلند یک خبرنگار مرد از فراز همهمهٔ جمعیت شنیده می‌شد که می‌پرسید: «دادگاه

برادرتان چه زمانی تشکل می‌شود؟ آیا از داشتن چنین برادری شرمنده نیستید؟»

گرچه خانم قریشی انتظار شنیدن پرسش‌هایی در بارهٔ برادرش را داشت امّا این پرسش وی را به شدّت تکان داد. او از یک سو از زندانی شدن برادرش در غربت سخت اندوهگین بود و، از سوی دیگر، از این که همان برادر سبب شده بود که به چنین مخمصه‌ای گرفتار شود سخت خشمگین. پس از این که گلویش را صاف کرد گفت: «در واقع، دستگیری وی برای من و خانواده‌ام بسیار دردناک بوده است. همهٔ ما از اتفاقی که افتاده بسیار متأسفیم و برای وی دعا می‌کنیم. ولی آن‌چه برای برادرم اتفاق افتاده، مسأله‌ای است شخصی و خانوادگی و به صلاحیت من برای احراز سِمت نمایندگی مجلس ربطی ندارد. بیشتر از این هم مایل نیستم در بارهٔ برادرم حرفی بزنم.»

در پایان سخنانش، ابتدا صدای کف زدن‌های پراکنده بلند شد و به سرعت همهٔ حاضران در جلسه را دربر گرفت و با صدای بلند کسی که فریاد زد: «به هدی قریشی رأی بدهید!» تشویق‌ها و کف زدن‌ها هم بالا گرفت.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

- برخی از خطاهایی که خانم قریشی مرتکب شد چه بود؟ به نظر شما سخنان و پاسخ‌هایش به پرسش‌ها وی را چگونه به حاضران شناساند؟
- خانم قریشی چه کاری را می‌توانست به گونه بهتری انجام دهد؟
- اگر شما جای خانم قریشی بودید، در مورد پرسش مربوط منابع مالی کمپین، چگونه پاسخ می‌دادید؟
- کدام سخن یا کار وی موفقیت‌آمیز بود؟
- به نظر شما چرا حاضران پاسخ وی را به پرسش مربوط به برادرش پسندیدند؟ فکر می‌کنید این پاسخ خوبی بود؟ چرا؟
- آیا مردم حق دارند از جزئیات برنامه سیاسی یک نامزد انتخابات آگاه شوند؟ در بارهٔ منابع مالی برای تأمین هزینه‌های کمپین چطور؟ در بارهٔ خطا یا جرمی که برادرش به آن متهم شده چطور؟
- به نظر شما، چه در بارهٔ چه پرسش‌ها و مسائلی یک نامزد سیاسی باید به روشنی و شفافیت کامل سخن گوید؟

پیوست ب
چگونه گزارش مطبوعاتی تهیه کنیم؟
نمونه‌ها و تمرین‌ها

نوشتن یک گزارش مطبوعاتی مؤثر

گزارش مطبوعاتی، خلاصه نوشتاری رویدادها، اعلامیه‌ها، دستاوردها، یا موقعیت‌هایی هستند که به مطبوعات (شامل روزنامه‌ها، مجله‌ها، برنامه‌های خبری تلویزیون، و رادیو، و نیز منابع خبری اینترنت) فرستاده می‌شوند. هدف گزارش مطبوعاتی، جلب نظر عموم افراد جامعه است. گزارش‌های مطبوعاتی، از بهترین وسیله‌ها برای اطلاع‌رسانی به مطبوعات در زمینه فعالیت‌های کمپین و دیگر رویدادهایی است که ارزش خبری دارند. قالب یک گزارش مطبوعاتی، به گردانندگان رسانه‌ها، برنامه‌گذاران رادیو، تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیونی، و سایر متخصصان رسانه‌ها یاری می‌دهد تا به سرعت دریابند که آیا مطلبی خاص ارزش خبری دارد یا خیر. آگاهی از چگونگی نوشتن یک گزارش مطبوعاتی کارا و این‌که چگونه و کجا باید آن را پخش کرد به شما کمک می‌کند پوشش خبری‌ای دریافت کنید که مورد توجه صدها، هزاران، و گاه میلیون‌ها مخاطب قرار گیرد.

بهترین گزارش‌های مطبوعاتی، در قالب خبر نوشته می‌شوند. این گزارش‌ها چندان طولانی نیستند و در عین حال آکنده از داده‌ها و خبرهایی‌اند که خواننده را ترغیب به خواندن بیشتر می‌کند. گرچه تفاوت بین ارزش‌های فرهنگی، برنامه‌ها، و هدف‌ها رسانه‌ها مشهود است، با بهره‌جویی از قواعد و شیوه‌هایی ساده می‌توان احتمال تبدیل شدن یک گزارش مطبوعاتی را به یک خبر رسانه‌ای افزایش داد.

- پیدا کنید که رسانه مورد نظر شما مایل است گزارش‌ها را در چه زمانی و به چه روشی دریافت کند. می‌توانید از راه نامهٔ الکترونیکی یا تلفن از ویراستار یا مدیر برنامه‌های رادیویی، اطلاعات لازم را در این زمینه به‌دست آورید. البته معمولا در سازمان‌های خبری گسترده‌تر، ایستگاه‌های تلویزیونی، یا برنامه‌های پرطرفدار رادیو، دسترسی به مدیر برنامه معمولا کار آسانی نیست. در این صورت می‌توانید با مراجعه به وب‌سایت این سازمان‌ها، به آگاهی‌هایی که می‌خواهید دست پیدا کنید.
- گزارش مطبوعاتی خود را در قالب و شیوه‌ای بنویسید که همه جزئیات در خور چاپ را در برگیرد آن گونه که بدون ویراستاری دوباره قابل انتشار. هرچه کار روزنامه‌نگار را کمتر کنید، احتمال انتشار داستان شما بالاتر می‌رود. البته اغلب ناشران و ویراستاران برنامه‌های رادیو و تلویزیون زبان گزارش شما را قبل از انتشار اندکی تغییر می‌دهند، در حدّ پس و پیش کردن چند کلمه یا افزودن یک نقل قول.
- گزارش مطبوعاتی را طولانی نکنید. حداکثر طول گزارش باید یک یا دو صفحه باشد. اگر یک سازمان خبری علاقه داشته باشد که این خبر را در حد گسترده‌تری پوشش دهد، احتمالاً خود مسئول خبر سازمان دست به تحقیق و جمع‌آوری مطالب بیشتر در بارهٔ گزارش رسیده خواهد پرداخت. برعکس، اگر گزارش مطبوعاتی دریافت شده خیلی طولانی باشد، سردبیر برنامه وقتی برای خواندن آن نخواهد داشت.

- گزارش مطبوعاتی را به شکلی تهیه کنید که تمام مطالب مهم و خبرساز در اولین پاراگراف گنجانده شوند. در صورتی که سردبیر بخواهد گزارش را کوتاه کند، معمولا از انتهای گزارش شروع می‌کند. افزون براین، برای جلب توجه سردبیر به گزارش همه مطالب قابل توجه را در ابتدای گزارش قرار دهید. اگر ویراستار به مطلب بخش نخست گزارش علاقه‌مند شود به خواندن ادامه می‌دهد. در غیر این صورت وی احتمالا پیش از رسیدن به مطلب اصلی مورد نظر شما، گزارش را دور خواهد انداخت.
- گزارش را در قالب فرم‌های متداول بنویسید (به بخش «اصول مهم در طرّاحی فرم نوشتن گزارش مطبوعاتی» رجوع کنید). البته، فرم گزارش‌های مطبوعاتی نباید همواره یکسان باشد، اما بهره‌جویی از یک فرمول متداول، خواندن گزارش را برای سردبیر یا ویراستار آسان‌تر می‌کند. یکی دو روز پس از فرستادن گزارش مطبوعاتی، با تماس گرفتن با سردبیر یا شخص دیگری که مسئول خواندن و ارزیابی گزارش‌های خبری است، از رسیدن گزارش خود مطمئن شوید و پیشنهاد کنید در صورت لزوم می‌توانید اطلاعات بیشتری در بارهٔ مطالب گزارش برایش بفرستید.

پرسش‌هایی برای بحث گروهی

۱. در گذشته چه برنامه‌هایی برگزار کرده‌اید که می‌توانست از پوشش خبری بهتر بهره‌مند شود؟
۲. ترجیح می‌دهید کدام یک از رسانه‌های محلی، ملّی، یا بین‌المللی برنامه‌ها، نوشته‌ها، و هشدارهای شما پوشش خبری دهد؟
۳. آیا هیچ ایستگاه تلویزیونی، رادیویی، روزنامه یا مجله‌ای می‌شناسید که به سازمان یا کمپین شما علاقه‌مند باشد؟ اگر می‌شناسید آنها را نام ببرید و توضیح دهید.
۴. آیا هیچ رسانه‌ای سراغ دارید که به فعالیت‌های سازمان یا کمپین شما علاقه‌مند نباشد؟ چرا؟

بررسی نمونه‌های گزارش مطبوعاتی: نمونهٔ نخست

هدیهٔ کارساز

گروه «زنان توانمند» دولت را تحت فشار قرار داده بود تا مالیات سنگینی را که بر برخی از کالاهای بهداشتی زنان، از جمله داروهای مانع بارداری، بسته بود لغو کند. مالیاتِ تامپون‌ها و نوارهای بهداشتی برابر ۱۰٪ بهای فروش این کالاها بود و مساوی بیشترین مالیات، که به کالاهای لوکس مانند عطر و سیگارهای وارداتی تعلق می‌گرفت. نامه‌های این گروه و دیدارهایش با سیاستگران در مورد این بی‌عدالتی بی‌پاسخ مانده بود. اعضای گروه بارها در دیدار با خبرنگاران و مدیران رسانه‌ها تبعیض مالیاتی را نسبت به زنان با آمار و مدارک قانع کننده مطرح کرده بودند امّا هیچ یک از آنان نیز علاقه‌ای به پرداختن به این موضوع از خود نشان نداده بودند.
این بار گروه «زنان توانمند» با گزیدن راه متفاوتی تصمیم گرفت یک دستگاه کامپیوتر همراه با خط ارتباطی به یک مقام دولتی هدیه کند. گیرندهٔ هدیه پس از آشنا شدن با دنیای اینترنت و مزایای آن روزانه با هزاران پیام الکترونیکی از سراسر دنیا روبرو شد که از مالیات‌های تبعیض‌آمیز شکایت داشتند. گروه گزارشی در بارهٔ کامپیوتر اهدایی و سیل پیام‌های الکترونیکی دریافت شده

تهیه و منتشر کرد. این گزارش توجه چند رسانه محلی و حتی بین‌المللی را به خود جلب کرد. هدف اصلی این گزارش پخش یک پیام سیاسی در بارهٔ داستان تبعیض و هدیه بود.

گروه «زنان توانمند»
نشانی. . . .
برای انتشار فوری
رابط: آنا ایمبانگا جونز
تلفن دفتر. . . .
نشانی ایمیل . . . .

کامپیوتر اهدا شده به رئیس ادارهٔ نظارت بر مالیات‌ها و پیام‌های الکترونیکی ناخوشآیند

۱۸ نوامبر ۲۰۰۳- سِنِه اندِری، رئیس کمیسیون نظارت بر مالیات‌ها، از شادی در پوست نمی‌گنجید هنگامی‌که شنید سازمان غیردولتی «زنان توانمند» قصد دارد یک کامپیوتر همراه با خط ارتباطی به دفترش اهدا کند. دیری نگذشت که متوجه شد نشانی‌ی پیام الکترونیکی که در اختیار وی قرار گرفته با نشانی بسیاری از سازمان‌های فعال در زمینه حقوق زنان در سراسر دنیا یکی است. به این ترتیب، درعرض تنها چند روز آقای ندری هزاران پیام الکترونیکی از سراسر دنیا دریافت کرد با این درخواست که: «مالیات را از داروی‌های مانع بارداری زنان بردارید.» خانم وانگاری اِندِربا، مؤسس و رئیس «زنان توانمند»، در بارهٔ اهدای کامپیوتر گفت: «ما می‌خواستیم در بارهٔ این که این کامپیوتر را به چه اداره‌ای بفرستیم راهبردی بیندیشیم. می‌خواستیم این هدیه کمکی به تحقق اهداف زنان باشد و دولت را در ادارهٔ امور کشور کاربآتر سازد. اهدا یک کامپیوتر به تنهایی کافی نبود. بهتر کردن وضع زنان نیاز به برقراری ارتباط با جوامع محلی و جامعهٔ جهانی دارد. به همین دلیل ما هزینهٔ سرویس پیام‌رسانی را نیز تقبل کردیم.»

به این ترتیب، «زنان توانمند» با پشتیبانی سایر سازمان‌های فعال در امور زنان در سراسر دنیا، موفق شد بر آگاهی جامعه جهانی در بارهٔ تبعیض جنسیتی اِعمال شده در نظام مالیاتی مصرف کنندگان بیفزاید. با پولی که برای مقابله با این بی‌عدالتی مالیاتی به دست آورده شده بود «زنان توانمند» موفق به خرید کامپیوتر و هدیه کردن آن به ادارهٔ نظارت بر مالیات‌ها شوند.

به یاری کامپیوتری که در اختیار رئیس ادارهٔ نظارت بر مالیات‌ها، سِنِه اِندِری، کمیسیونر عالی سین ندری قرار گرفت، کمپین «زنان مختار» وارد مرحله اصلی فعالیت خود شد. پشتیبانان محلی و بین‌المللی این کمپین، سیل پیام‌های الکترونیکی خود را به ادارهٔ نظارت بر مالیات‌ها فرستادند تا اعتراضشان را به تبعیض جنسیتی مالیات‌ها به آگاهی مقام‌های مسئول برسانند. «زنان توانمند» از پشتیبانانش خواست که یک نسخه از پیام‌های اعتراضی خود را به نشانی دفتر گروه بفرستند. بنابر آخرین شمارش، شمار پیام‌های دریافت شده در این باره تا تاریخ ۱۱ نوامبر به ۱۸۰۸رسیده بوده است.

خانم اِندِربا در این باره می‌گوید: «ما از نتیجه فعالیت‌های کمپین تا کنون راضی بوده‌ایم. زنان نقشی در انتخاب ساختار بیولوژی بدنشان ندارند و بنابراین داروها و وسائل تأمین تندرستی زنان را کالاهای لوکس نمی‌توان نامید. تصور می‌کنم اکنون آقای اِندِری و سایر همکاران‌شان در ادارهٔ نظارت بر مالیات‌ها به روشنی دریافته باشند.»

اگر شما هم مایلید پیامی‌الکترونیکی به آقای اِندِری بفرستید و یا در بارهٔ گروه «زنان توانمند» به آگاهی‌های بیشتری دست یابید می‌توانید از راه تلفن یا اینترنت با دفترهای گروه تماس بگیرید.

###

برای بحث و گفت‌وگوی بیشتر

۱. به نظر شما چرا گروه «زنان توانمند» برای پخش خبر بستن مالیات غیرمنصفانه بر کالاهای مورد نیاز زنان با مشکلات بسیار روبرو شد؟

۲. فکر می‌کنید گروه «زنان توانمند» به چه روش دیگری در ارائهٔ گزارش خبری‌اش می‌توانست خبرنگاران و مدیران رسانه‌ها را به پخش خبر این بی‌عدالتی برانگیزد؟

۳. گروه «زنان توانمند» تصمیم گرفت نشانی اینترنتی رئیس ادارهٔ نظارت بر مالیات را در گزارش مطبوعاتی خود نیاورد. اگر آن را می‌آورد چه پیامدهایی ممکن بود در پی داشته باشد؟ آیا شما با این تصمیم موافقید؟ چرا آری و چرا نه؟

بررسی نمونه‌های گزارش مطبوعاتی: نمونهٔ دوم

دعوت به خدمت

هواداران پیشرفت زنان انتظار داشتند برای اولین بار در تاریخ کشورشان، شاهد منصوب شدن یک زن به وزارت دادگستری شوند. به تازگی، وزرای کابینه نام یک حقوقدان ممتاز، «عایشه بنته اِنچیک،» را به زبان می‌آودند. شایعهٔ رایج این بود که دولت در پی فردی برای سمت وزارت دادگستری است که بتواند اعتبار نظام قضایی کشور را - که در سال‌های اخیر به علت صدور ادعانامه علیه چهار قاضی عالی‌رتبهٔ متهم به ارتکاب اختلاس- خدشه‌دار شده بود احیا کند. «مرکز پژوهش‌های حقوق زن»، گرچه در زمینه‌های سیاسی فعال نبود، از نامزدی خانم آنچیک نه تنها به شدّت حمایت کرد بلکه به جلب حمایت دیگران هم پرداخت. از جمله، برای جلب توجه شماری هرچه بیشتر از مردم به شایستگی و توانایی‌های شخصی وی، مرکز تصمیم گرفت، طیّ مراسمی که هر ساله برای تقدیر از زنان موفق برگزار می‌کند، برای تقدیر از او به خاطر دستاوردها و خدمات ارزنده‌اش لوح ویژه‌ای به او اهدا کند. هدف جلب توجه رسانه‌های خبری به این برنامه و پخش گزارش‌هایی در بارهٔ آن بود. برخی از اعضای مرکز نیز که شبکه‌های ارتباطی گسترده‌ای داشتند، موفق شدند رضایت خوانندهٔ مشهور، هری بلافونته، را برای حضور در این برنامه و دادن لوح تقدیر به خانم آنچیک جلب کنند. این خواننده نیز، برای شرکت در برنامه‌هایی که در آن زمان «صندوق بین‌المللی سازمان ملل متحد برای یاری به کودکان نیازمند» برگزار می‌کرد، در شهر بود.

مرکز پژوهش‌های حقوق زن
شمارهٔ تلفن و آدرس الکترونیکی . . .
رابط: ویولت محمد

هری بلافانته لوح تقدیر سال را به یک زن حقوق دان موفق تقدیم می‌کند

زنان سرشناس در عرصه‌های گوناگون در چهاردهم آوریل در ضیافت «مرکز پژوهش‌های حقوق زن» گردهم می‌آیند تا موفقیت‌هایشان را جشن بگیرند.

چه کسانی از موفقیت زنان می‌هراسند؟ بدون شک هری بلافونته، خوانندهٔ نامدار، در میان آنها نیست. شنبه آینده هری بلافانته در ضیافت «مرکز پژوهش‌های حقوق زن» در هتل ماریوت شرکت خواهد کرد. در بین مدعوین، نام زنانی چون فاطمه پوان، شارلوت لی‌تن، حوا سلیمان، و سمانتا ابراهیم به چشم می‌خورد. لوح ویژه موفقیت در رشتهٔ حقوق به عایشه بنته اِنچیک، که همهٔ هم میهنانش از توانایی و تبحّر او در امور قضایی بهره برده‌اند، تقدیم خواهد شد.

«مرکز پژوهش‌های حقوق زن» هرسال از بهترین و درخشان‌ترین زنان فعال در حوزه‌های علمی و پژوهشی، بازرگانی، پزشکی، و حقوق تقدیر می‌کند. آقای بلافانته که برای شرکت در برنامه‌های «صندوق بین‌المللی سازمان ملل متحد برای یاری به کودکان نیازمند» در کشورهای آسیایی در شهر ما است می‌گوید: «کشور شما، بسان کشوری پیشگام در تأمین حقوق زنان در آستانهٔ ورود به قرن ۲۱ قرار گرفته است. برایم مایهٔ افتخار است که بتوانم با برخی از موفق‌ترین زنان شما آشنا شوم.»

لوح تقدیر امسال را آقای بلافانته به عایشه بنته اِنچیک تقدیم خواهد کرد. توانایی‌های خانم اِنچیک و ژرفا دانش وی در رشتهٔ قضا و حقوق بر کسی پوشیده نیست. وی ۱۸ سال است که با سِمت دادستان ارشد در دفتر دادستان کل کشور خدمت کرده. پیش از آن نیز سابقه فعالیت وی در بانک جهانی، او را به یک چهره شناخته شده بین‌المللی تبدیل کرده و حسن شهرتش را به فراسوی مرزهای کشور ما برده است.

ضیافت در ساعت شش بعد از ظهر آغاز می‌شود. شرکت خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌های خبری در این ضیافت مایهٔ خوشوقتی مرکز خواهد بود. برای دریافت کارت ورود ویژهٔ خبرنگاران لطفا سیندی چو، (شمارهٔ تلفن . . .) را آگاه کنید.

«مرکز پژوهش‌های حقوق زن» در سال ۱۹۸۸ توسط پژوهشگران سرشناس رشتهٔ حقوق زنان تشکیل شد تا به بررسی عوامل مؤثر در تبعیض علیه زنان و راه‌های مبارزه با آن بپردازد. اهداف این مرکز، عبارت است از شناختن موانع پیشرفت زنان و تلاش برای ایجاد تغییرات حقوقی، اقتصادی، و آموزشی که به برابری زنان و مردان و در نهایت امر بهینه شدن زندگی همهٔ اعضای جامعه خواهد انجامید.

###

برای بحث و گفت‌وگوی بیشتر

۱. چه اطلاعاتی در گزارش مطبوعاتی «مرکز پژوهش‌های حقوق زن» وجود دارد که احتمال توجه رسانه‌ها را به آن بیشتر می‌کند؟
۲. چرا نقل گفته‌ای از هری بلافانته به جلب توجه رسانه‌های خبری کمک می‌کند؟ به نظر شما گفتهٔ آقای بلافانته در بالا بردن توجه عموم به «مرکز پژوهش‌های حقوق زن» مهم و سودمند بوده است؟ چرا آری و چرا نه؟
۳. اگر شما مسئولیت نوشتن گزارش مطبوعاتی «مرکز پژوهش‌های حقوق زن» را برعهده داشتید، آیا مایل بودی نکته‌ای به آن بیفزایید یا از آن یا حذف کنید؟ اگر پاسختان مثبت است، چه نکته‌ای؟

نوبت شماست
پیش از آن که نوشتن گزارش مطبوعاتی خود را آغاز کنید، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. کدام یک از رسانه‌ها و سازمان‌ها و چه اشخاصی نسخه‌ای از گزارش مطبوعاتی شما را خواهند دید؟

۲. چه نکاتی در گزارش مطبوعاتی شما برای مخاطبانش جالب توجه خواهد بود؟ «قلاب» گزارش شما در کجاست؟ (قلاب ماهیگری را در نظر بیاورید که ماهیگیر، برای به دام انداختن ماهی، طعمه‌ای به آن آویزان می‌کند.)
به عنوان مثال، گرچه هدف اصلی اعضای «مرکز پژوهش‌های حقوق زن زنان» جلب توجه عموم به صلاحیت و توانایی‌های عایشه بنته اِنچکیک برای وزارت دادگستری بود، گمان می‌بردند که رسانه‌ها به نوشتن و پخش خبر در بارهٔ هری بلافانته مشتاق‌تر باشند تا در بارهٔ نامزد وزارت دادگستری. از همین رو بود که آنها در عنوان گزارش و هم‌چنین در اولین پاراگراف متن، از بلافانته، بسان قلاب ماهیگیری، نام برده‌اند.

۳. چه داده‌هایی در داستان شما دارای بیشترین اهمیت‌اند؟
به یاد داشته باشید که گزارش مطبوعاتی باید فشرده باشد و در یک یا حداکثر دو برگ بگنجد. تنها در موارد بسیار نادر می‌توان گزارش مطبوعاتی را در سه صفحه هم تهیه کرد. به عنوان نمونه، هنگامی‌که داستان پیچیده است، یا فهرستی از نام‌ها یا جزئیات دیگری باید در آن آورده شود که بتوان ماجرا را به درستی و جذابیت لازم روایت کرد. اگر گزارش از سه برگ بیشتر شود احتمال جلب توجه سردبیر و انتشار داستان شما کاهش خواهد یافت.

۴. چه سازمان یا فردی، تهیه کنندهٔ گزارش مطبوعاتی است؟
پاسخ به این پرسش به نظر ساده می‌آید اما هنگامی‌که بیش از یک فرد یا سازمان در تهیه و فرستادن گزارش دخالت دارند، قضیه کمی پیچیده می‌شود. مهم این است که توجه خود را به هدف گزارش متمرکز کنید. هدف، برانگیختن توجه جامعه است. سازمان یا فردی که نامش در بالای گزارش ذکر می‌شود، باید نامی باشد که برای رسانه‌ها اعتبار و کشش داشته باشد. معمولا نام سازمان یا فردی که در بالای گزارش آمده است باید برای خبرنگاران رسانه‌ها نامی معتبر و شناخته باشد تا حداکثر توجه آنان را به خود جلب کند. در غیر این صورت خبرنگار باید برای شناختن فرد یا سازمان کمتر شناخته شده به تحقیق و صرف وقت در بارهٔ آن‌ها بپردازد.

۵. چه زمانی سردبیر ممکن است خبری در بارهٔ گزارش مطبوعاتی شما منتشر کند؟
گزارش‌های مطبوعاتی معمولاً «برای انتشار فوری» تهیه می‌شوند، به این معنی که داده‌هایی که در آنها آمده برای انتشار در رسانه‌ها است. البته در برخی موارد، گزارشی که می‌فرستید، هنوز آماده برای انتشار نیست. به عنوان نمونه، ممکن است خواسته باشید رسانه‌ها را از برگزاری مراسمی برای اعطای یک جایزه با خبر کنید بدون این‌که بخواهید نام دریافت کننده را قبل از تاریخ برگزاری مراسم علنی کنید. در چنین صورتی بالای گزارش خود این عبارت را بیاورید: «**برای انتشار در تاریخ . . . یا ساعت . . . .**»

۶. خبرنگاران برای اطلاعات بیشتر یا انجام مصاحبه، باید با چه کسی تماس بگیرند؟
فردی را انتخاب کنید که توانایی بازگو کردن داستان را به صورت کامل و جذّاب داشته باشد. چنین فردی نیز باید بتواند به پرسش‌های خبرنگاران به تفصیل پاسخ دهد، گفته‌هایش قابل نقل

در رسانه‌ها باشد و در صورت لزوم بتواند امکان دیدارها و مصاحبه‌های بیشتری را هم فراهم کند. مهم آن است که داده‌های آمده در گزارش در بارهٔ فرد رابط (شامل تلفن و نشانی الکترونیکی)، امکان ارتباط سریع و آسان با وی را فراهم کند. اگر خبرنگاری مایل به انتشار داستان گزارش شما باشد امّا نتواند به سرعت و سهولت با رابط ارتباط برقرار کند، ممکن است تصمیم بگیرد به خبر و داستان دیگری بپردازد.

۷. یک عنوان جالب توجه چه خصوصیاتی باید داشته باشد؟ آیا یک عنوان فرعی احتمال انتشار گزارش شما را بیشتر خواهد کرد؟

مهم است که عنوان اصلی گزارش مطبوعاتی، توجه خواننده را به خود جلب کند. یک سردبیر آزموده معمولا تنها با یک نگاه به عنوان یک گزارش مطبوعاتی درمی‌یابد که آیا ارزش انتشار دارد یا خیر. البته گاه پیش می‌آید که خبرنگار یا سردبیر در بارهٔ ارزش انتشار گزارشی خطا کنند امّا به خطایشان پی نخواهند برد زیرا نمی‌توانند برای داوری متن کامل گزارش‌های مطبوعاتی که به دست‌شان می‌رسد وقت صرف کنند. به عنوان نمونه گروه «زنان توانمند» ابتدا موفق نشد توجه مطبوعات را نسبت به ناعادلانه بودن مالیات بر کالاهای بهداشتی زنان جلب کند و روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های خبری تمایلی به ارائهٔ این خبر نداشتند. این گروه هنگامی توانست کنجکاوی خبرنگاران را به غیرمنصفانه بودن مالیات برانگیزد که آن را همراه با خبر اهدای کامپیوتر به ادارهٔ کنترل مالیات‌ها بیان کرد.

هنگامی که عنوان اصلی گزارش مطبوعاتی گیرا ولی تهی از داده‌های لازم است، یک عنوان فرعی می‌تواند اطلاعات بیشتر در اختیار خواننده قرار دهد. به عنوان نمونه «مرکز پژوهش‌های حقوق زن» در عنوان اصلی از هری بلافانته نام برده و در عنوان فرعی از برنامه‌ای که قرار است برگزار شود، از هدف برنامه و کسانی که آن را برگزار می‌کنند.

۸. اضافه کردن چه نقل قول‌هایی گزارش را جذّاب‌تر و به نظر مهم‌تر می‌کنند؟

از دیگران نقل قول کردن راه مناسبی است برای تعریف از گزارش بی‌آن که از قلم نویسندهٔ گزارش باشد. به عنوان نمونه، به جای این‌که مستقیماً بنویسید که جزوه جدید سازمان شما در بارهٔ طلاق بسیار جالب و سودمند است از کسی نقل قول کنید که به تازگی از همسرش جدا شده و جزوهٔ شما را خوانده است. جیل مورنا زن تازه جدا شده از همسر می‌گوید: «خواندن این جزوه هم بسیار آسان بود و هم برایم در گذشتن از مراحل حقوقی طلاقم ضروری.»

اگر نتوانستید فرد شناخته شده‌ای در جامعه را برای نقل قول پیدا کنید می‌توانید از یکی از اعضای سازمان‌تان نقل قول کنید.

برای بحث و گفت‌وگوی بیشتر

۱. یکی از رویدادهای اخیر یا موضوع روز را برای شرح دادن در یک گزارش مطبوعاتی برگزینید.

۲. هشت نکته‌ای را که در بخش «نوبت شما» آمده است برای انتخاب موضوع یک گزارش مطبوعاتی انتخاب و در گروه به بحث گذارید. از یک داوطلب بخواهید که روی یک برگ بزرگ کاغذ مطالب مورد بحث را یادداشت کند.

رهنمون‌هایی در بارهٔ ساختار گزارش مطبوعاتی

- نام و نشانی سازمان فرستنده گزارش را در گوشه سمت چپ بالای کاغذ یادداشت کنید.
- یک خط فاصله بگذارید، سپس بنویسید: «برای انتشار فوری» یا «برای انتشار در (تاریخ).»
- نام فرد رابط و راه‌های ارتباط با او را در سمت راست بالای صفحه بنویسید. این اطلاعات باید در همان خط یا بالاتر از عبارت «برای انتشار فوری» قرار گیرد.
- عنوان گزارش مطبوعاتی باید در وسط سطر با حروف بزرگ و زیرخط نوشته شود.
- در صورت استفاده از عنوان فرعی، آن را با یک خط فاصله از عنوان اصلی جدا کنید. عنوان فرعی را با حروف بزرگ و کوچک، و فونت مورب (ایتالیک) تایپ کنید.
- اولین پاراگراف گزارش باید با نام شهر، و تاریخ انتشار بیانیه (و نه تاریخ پست کردن آن) آغاز شود.
- فاصلهٔ سطرهای گزارش مطبوعاتی باید در آن حد باشد که خواندن را آسان کند. بین پاراگراف‌ها هم یک خط فاصله باشد بهتر است.
- در پایان گزارش، برای نشان دادن این که مطلب به پایان رسیده است از این علامت استفاده کنید: # # #. این علامت به ویژه هنگام فرستادن بیانیهٔ مطبوعاتی توسط فاکس به گیرنده کمک می‌کند بداند چه زمانی مطلب را به طور کامل دریافت کرده است.

پیوست پ
رهنمون‌هایی برای تنظیم کمپین‌های اخلاقی

برگ رهنمون‌ها

یک رهبر پای بند اصول، می‌کوشد تا روش‌هایی که برای رسیدن به اهدافش انتخاب می‌کند با خود آن اهداف سازگارباشند.[۲۰] چنین رهبری در مبارزهٔ انتخاباتی‌اش نیز همین گونه تصمیم خواهد گرفت. یکی از راه‌های پایه‌ریزی یک مبارزهٔ انتخاباتی اصولی مشخص کردن ارزش‌های کلیدی این مبارزه است.

هدف مبارزهٔ شما چه اصلاح یک قانون، پشتیبانی از یک نامزد مقام سیاسی، یا آگاه کردن یک جامعه نسبت به موضوعی خاص باشد، احتمالا در ورای چنین هدف‌های مشخص و ساده‌ای هدف‌های پیچیده‌تر و کلّی‌تری قرار دارند. به عنوان نمونه، هدف بلندمدت یک کمپین برای انتخاب زنان به نمایندگی در شورای محلی، این بود که این شورا هرچه بیشترنمایندهٔ مردم محل باشد، شورایی عادلانه‌تر، مسئول‌تر، و پاسخگوتر.

انصاف، معرّف خواست مردم بودن و پاسخگویی، از جمله مهمترین معیارها برای ارزیابی هر کمپین است. شما و سایر برگزارکنندگان کمپین، مسئول انتخاب برنامه‌های و اهدافی هستید که با ارزش‌های اخلاقی خود شما سازگارباشند. این مسئولیت با سازماندهی و تعیین راهبردهای کمپین شروع می‌شود و به رفتار هریک از اعضای کمپین امتداد پیدا می‌کند.

هنگام تعیین اصول حاکم بر کمپین، یکی از روش‌های مفید این است که در قالب تعادل بین حقوق و تکالیف فردی خود بیندیشید. به عنوان مثال، شما حق دارید که رفتار رهبر گروه را مورد پرسش قرار دهید، ولی همچنین مسئولید که اجرای برنامه‌ها را بدون دلیل موجه به تأخیر نیندازید. به همین ترتیب، اعضای یک کمپین همبستگی، از این حق برخوردارند که دیدگاه‌های خود را در مورد این که همبستگی چگونه می‌تواند به اهداف خود برسد بیان کنند، اما همچنین باید خواست سایر اعضا را نیز در نظر گیرند.

---

۲۰. برای بحثی دقیق در بارهٔ رهبری اخلاقی ن. ک به: مهناز افخمی، *سنگ‌بناهای رهبری: رهبری چونان آموزش دستجمعی، در طلب حقوق‌مان: رهنمون آموزش رهبری برای زنان*، نشر سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان، ۲۰۰۱.

کمپین‌های اصولی- از کجا باید شروع کرد؟

سیاست‌ها و فعالیت‌های سازمانی	رفتار شخصی
برابری‌خواه	سهیم کردن دیگران
پاسخگو بودن	گوش فرادادن
دموکراتیک	جامع بودن
جامع بودن	احترام‌آمیز
مدارامحور	مداراجو
شفافیت	ارتباط جو
مشارکتی	توانمندکردن
الگو بودن	نمونه شدن
پاسخگویی	مسئولیت‌پذیری
قدرشناسی	قدردانی و تشکر

- کمپین‌های متکی به اصول اخلاقی از اعتبار و بخت موفقیت بیشتری برخوردارند زیرا به رأی‌دهندگان امکان می‌دهند که در ایجاد شرایط لازم برای تغییر شرکت فعّال داشته باشند.
- تأثیر رفتار و شیوهٔ کار اعضای کمپین بر افراد جامعه، بیشتر از تأثیر پیام کمپین بر آن‌ها خواهد بود. بنابراین، مهم است که هر فردی که نمایندهٔ کمپین شناخته می‌شود، رفتاری مسئولانه داشته باشد، با دیگران به ادب، صمیمیت و احترام رفتار کند، و آگاه به مسائل باشد. بسیاری از هواداران بالقوّه یک کمپین، بر اساس خصوصیات و رفتار اعضایش در بارهٔ آن داوری می‌کنند. افزون بر این، رفتار و گفتاری که بر اساس والاترین اصول اخلاقی باشد در کارآیی و ادامهٔ کمپین نقش به سزا ایفا می‌کند.
- شالودهٔ یک کمپین اصولی و اخلاقی اتباطات درست و مؤثر بین سازمان‌دهندگان آن، از یک سو، و بین سازمان‌دهندگان و رأی‌دهندگان بالقوه، از سوی دیگر، است چنین ارتباطی هنگامی برقرار می‌شود که از هر رابطه احتماعی بهره‌برداری شود. تماس‌های تلفنی، فاکس‌ها، پیام‌های الکترونیکی، نامه نویسی، اعلان‌ها و تبلیغات دیواری و تلویزیونی، مصاحبه‌ها، نشست‌ها، گردهمآیی‌ها و گفت‌وگوی مستقیم با رأی‌دهندگان بالقوّه، همه شیوه‌های ارتباط یابی موثری هستند که می‌توانند برگزاری یک کمپین اصولی و کارآ را تسهیل کنند. شبکهٔ ارتباطی گسترده انعطا فـ‌پذیری، پاسخگویی، و شفافیت کمپین می‌افزاید و آن را به مخاطبان بسیار می‌رساند و آن‌ها را به واکنش و ارائهٔ پیشنهادهایشان به شما ترغیب می‌کند.

نوبت شماست

روی یک تخته سیاه یا برگ کاغذ دو ستون عمودی رسم کنید. یکی از آنها را «حقوق»، و دیگری را «وظایف» بنامید. در بحثی گروهی یا انفرادی، در بارهٔ حقوقی که، به نظر شما، باید رهبران، سازماندهندگان، و اعضای یک کمپین از آنها برخوردار باشند، گفت‌وگو کنید. این حقوق را در ستون اول بنویسید؛ حقوقی که می‌تواند دامنه گسترده‌ای را شامل شود، از حقوق بشر (به عنوان نمونه، حقّ آزادی بیان) گرفته تا جزئیات و شیوهٔ کار (مانند حق کمک کننده به دانستن این‌که کمک مالی‌اش به چه مصرفی می‌رسد). سپس در ستون دوم، مسئولیت‌هایی را که به عقیده شما رهبران سازماندهندگان و اعضای یک کمپین به عهده دارند، یا در واقع، تعهدات اخلاقی هر عضو فعّال کمپین را، بنویسید.

حقوق	وظایف

پیوست ت
رهنمون‌هایی برای بسیج / پیام‌رسانی

برگ رهنمون‌ها

مؤثرترین وسیلهٔ بسیج مخاطبان پیام آموزش دادن و توانمند کردن آن‌هاست، چه در تلاش برای تغییر قانون خاصی باشید، از یک نامزد مقام سیاسی پشتیبانی کنید، یا بخواهید در بارهٔ موضوعی خاص به مردم هشدار دهید. در هر حال، وظیفه شما، آگاه ساختن مردم در بارهٔ مسائلی است که به آنها مربوط می‌شود. آگاهی‌رسانی هنگامی به نتیجه می‌رسد که شما مطالب مورد نظر را آماده و راهبردهای‌تان را ارائه کرده باشید. شما می‌توانید پیام‌ها و پیشنهادهایتان را از راه تلفن، فاکس، پیام‌های الکترونیکی، نامه‌نویسی، اعلان‌ها و تبلیغات دیواری و مصاحبه‌های رادیویی یا تلویزیونی، نشست‌ها، گردهمآیی‌ها و گفت‌وگوی مستقیم با رأی‌دهندگان بالقوه، نوشتن مقاله در نشریه‌ها، نامه به ویراستار روزنامه‌ها و مجله‌ها، به مخاطبان خویش برسانید. حتی امضا کردن شکواییه‌ها، تشویق مردم به ثبت‌نام برای رأی دادن و فرستادن درخواست کمک مالی هم می‌توانند وسیله‌های کارآیی برای آگاه کردن رأی‌دهندگان بالقوه شما باشند.

آماده شدن، پیام دادن و قانع ساختن

سخنرانی، نوشتن مقاله، نامه به ویراستار، فرستادن نامه به رأی‌دهندگان بالقوّه، پیام‌های الکترونیکی	**نیازمند است به:**	استدلال‌های جالب توجه و مفهوم، مستند به داده‌ها و دلائل معتبر و همراه با مثال‌ها و شواهد واقعی
کمپین تلفنی یا خانه به خانه، مصاحبه و مناظره و گفت‌وگوهای رادیویی	**نیازمند است به:**	تهیه نکات مهم، داده‌های برگزیده برای رساندن پیام مناسب برای هر گروه از مخاطبان
شعارهای مناسب برای گردهمآیی‌ها، پوسترها، برچسب برای سپر خودروها، پیراهن‌های تبلیغاتی	**نیازمند است به:**	شعارهای جذّاب، داده‌های به یاد ماندنی نمادها، تصویرها و رنگ‌های آشنا

- فعال‌ترین و متعهدترین اعضای یک کمپین، کسانی هستند که با مشکلات مطرح شده به خوبی آشنایند و می‌دانند برای حل‌شان چه گام‌هایی باید برداشته شود.
- پیام آموزشی شما باید از دو بخش تشکیل شده باشد: (۱) تعریف جامع و روشن از مسئله (۲) راه‌حل شفاف و فشرده.

نوبت شماست

نکات عمدۀ هر موضوع

نکات عمدۀ هر موضوع ابزاری کارآ برای شناساندن و تشریح هدف‌های کمپین و چگونگی تحقق آنهاست. این نکات می‌توانند ابعاد یک سخنرانی را ترسیم کنند، به شما یاری دهند که در حین مصاحبه از موضوع اصلی منحرف نشوید، و نیز می‌توانند به شما در پاسخ دادن به پرسش‌های قابل پیش‌بینی کمک کنند که در گفت‌وگو با مخاطبان ممکن است مطرح شوند.

این نکات، که اغلب به شکل جمله‌ها یا پاراگراف‌های کوتاه نوشته می‌شوند، باید به آسانی قابل مرور باشند و بتوانند هنگامی‌که مشغول گفت‌وگو با کسی هستید شما را یاری دهند تا مطالب مهم و مناسب را به یاد آورید. در واقع برای تهیه فهرستی از نکات عمدۀ تنها لازم است دو اصل زیر را رعایت کنید.

- نکات عمده شامل آگاهی‌های مفید و قانع‌کننده‌ای است که بتواند محتوای اصلی پیام را فراتر از سخنان کلی و اولیه روشن کند. به عنوان نمونه، اگر شما کمپینی برای پشتیبانی از نامزدی هلن پاتوا برای یک مقام سیاسی راه انداخته‌اید و به مخاطبانتان می‌گویید «به هلن پاتوا رأی بدهید،» نکتۀ عمده‌ای در بارۀ او و برنامه‌اش نگفته‌اید. نکات عمده در بارۀ نامزدی وی مواضع او در زمینۀ تدوین یا اصلاح قوانین است و یا تخصصش در مسائل اقتصادی و یا افراد سرشناسی که از نامزدی او هواداری کرده‌اند.
- گرچه محدودیتی در بارۀ تعداد نکات عمده وجود ندارد اما فهرستی که از آن‌ها تهیه کرده‌اید باید آنقدر منظم و روشن باشد که بتوانید به آن‌ها به آسانی و سرعت دسترسی پیدا کنید. به عنوان مثال، اگر برخی واژه‌های کلیدی فهرستی که برگزیده‌اید بزرگ‌تر از معمول یا رنگی باشند می‌توانند مطالب اصلی را که می‌خواهید در سخنانتان مطرح کنید به یادتان بیاورند. البته نکات عمده ممکن است از یک صفحه هم بسیار بیشتر باشند. در واقع، فهرست نکات عمده برای استفادۀ برخی از سخنگویان رسمی‌یک حزب یا مقام دولتی گاه به چندین صفحه هم می‌رسد. برای این که بهتر و سریع‌تر بتوان از چنین فهرست‌های طولانی استفاده کرد نکات عمده را می‌توان نامگذاری و بر اساس اولویت موضوع‌ها تقسیم‌بندی و به دقت علامت‌گذاری کرد.

آماده شدن برای آگاهی دادن

هدف‌تان هرچه باشد، چه سخنرانی، چه مصاحبه، چه ارتباط یابی و پیام‌رسانی خانه به خانه، بسیج مؤثر مخاطبان نیازمند آموزش دادن مؤثر است. برای این که آموزش موثر باشد باید از پیش آماده شد. گهگاه شما برای ارائۀ پیام و تشریح موضع‌تان و یا آنچه می‌خواهید دیگران انجام دهند، و دلائلش، فرصتی بیشتر از یک دقیقه ندارید.

شعارها و عبارات چشمگیر

برای تبلیغ و ترویج کمپینی که آغاز کرده‌اید ممکن است ده‌ها مکان در دسترس‌تان باشد. در هریک از این مکان‌ها شما فرصت دارید به گروه‌های مختلف در بارۀ این که به چه فعّالیتی باید دست زنند آموزش دهید. آگهی‌های رادیو و تلویزیونی هم ممکن است مخاطبان زیادی داشته باشند، ولی تأمین هزینۀ آنها ممکن است از عهده کمپین برنیاید. اما اگر در مورد مکان نصب

اعلامیه‌ها، برچسب‌ها، نشانه‌ها، و پرچم‌ها، خلاقیت به خرج دهید، پیام شما به مخاطبان بسیار خواهد رسید. اعلامیه‌ها را می‌توان با پست، فاکس، پیام الکترونیکی، به مخاطبان رساند یا بر روی وب‌سایت‌ها، دیوارها و پنجره‌های اماکن عمومی، نصب کرد. اگر بتوانید با فروشندگان مغازه‌ها صحبت و آنها را ترغیب کنید که آگهی و نشانه‌های کمپین را پشت ویترین فروشگاه خود قرار دهند، پیام‌تان به چشم مخاطبان بسیار خواهد رسید.
برای گیرا کردن اعلامیه‌ها و دیگر پیام‌های کمپین می‌توان از شعارها، نمادها و عبارت‌های چشمگیر و جذّاب بارها و بارها بهره گرفت. مهم آن است که شعار و نماد قابل فهم، به یاد ماندنی، باورکردنی و کوتاه باشد و تم اصلی پیام را به بیننده و یا خواننده برساند. به عنوان نمونه، گروهی که طرفدار افزایش زنان در نظام قضایی کشور است، ممکن است برای نماد خود، از یک ترازوی کفه‌ای استفاده کنند که نشانه‌ای از برابری و عدالت است. شعار این گروه هم می‌تواند چنین خواستی باشد: «بگذارید زنان هم بر کرسی قضاوت بشینند! این عین انصاف است.»



بگذارید زنان هم بر کرسی قضاوت بنشینند!

این عین انصاف است

پیوست ث
رهنمون‌های شبکه‌سازی و ائتلاف‌آفرینی

برگ رهنمون‌ها
ائتلاف حاصلِ همکاری و همبستگی مجموعه‌ای از احزاب یا سازمان‌هاست که با هم برای رسیدن به هدف یا هدف‌هایی مشترک تلاش می‌کنند. در ائتلاف است که منابع، نیروها، شمار اعضا و اعتبار اعضای آن افزایش می‌یابد. حتی سازمان‌هایی که برای دستیابی به منابع مالی دسترسی به بودجه خاص یا جلب توجه رسانه‌ها با هم رقابت دارند، یا سازمان‌هایی که به ایدئولوژی‌های متفاوت تعلّق دارند، گاه برای رسیدن به هدف مشخصی با یکدیگر متحد می‌شوند. البته، گاه هزینهٔ رسیدن به چنین اتحاد و ائتلافی بیشتر از سود حاصل از آن است. ممکن است به دلایل گوناگون دیگری نیز امکان تشریک مساعی رسمی میان گروه‌های گوناگون وجود نداشته باشد. حتّی در چنین مواردی نیز سازمان‌ها می‌توانند در قالب شبکه‌های غیررسمی برای بهره‌جویی از منابع مالی و انسانی، برای تحقق هدفی خاص، با یکدیگر همکاری کنند.

همکاری با سازمان‌ها و گروه‌هایی که دارای هدف‌های مشترک‌اند نخستین گام در راه ایجاد شبکه‌ای ارتباطی برای تأمین منابع لازم برای آغاز و ادامهٔ یک کمپین است. این سازمان‌ها معمولا خود با سازمان و فعالیت‌های شما آشنایی دارند. در بهترین شرایط، شما از تلاش‌های سازمان‌های مشابه تقدیر می‌کنید و آن‌ها نیز کوشش‌های شما را می‌ستایند.

بسته به این‌که شما از چه برنامه‌ها یا نامزدهای انتخاباتی پشتیبانی می‌کنید، ممکن است گروه‌هایی (اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های دانشجویی، نهادهای مدنی، و مانند آن‌ها) وجود داشته باشند که بتوانید با آنها یک اتحاد استراتژیک برقرار کنید، حتی اگر در شرایط دیگر با هم اشتراک نظر و هدفی نداشته باشید. معمولا قوی‌ترین و، از لحاظ سیاسی، کارآمدترین ائتلاف‌ها آن‌هایی هستند که ورای تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، جنسیتی، و سیاسی پدیدار می‌شوند.

علاوه بر این، ممکن است برخی از صاحبان پیشه، نهادهای اجتماعی، و محفل‌های مذهبی، و یا افراد غیروابسته که نخواهند و یا نتوانند رسماً به یک جبههٔ ائتلافی بپیوندند آمادهٔ «حمایت بی‌سر و صدا» از کمپین شما باشند. این گونه پشتیبانان می‌توانند به شما با ارایهٔ امکانات فنّی مانند بلندگو، دستگاه‌های صوتی و تصویری و یا فراهم کردن مکان‌های مناسب برای تشکیل جلسات یا تهیه مواد لازم برای تهیه و پخش اعلامیه یا کمک به تأمین بودجه لازم شما را یاری دهند.

یکی دیگر از راه‌های توانمند کردن کمپین جلب نظر مساعد سیاستگران سرشناس و مدیران و سردبیران متنفّذ رسانه‌های خبری است. نظر مساعد و موافق این گونه افراد اگر هم سود آنی در بر نداشته باشد ممکن است دیگران را به پشتیبانی از کمپین شما برانگیزد. شبکه ارتباطی شما ممکن است تنها و مهم‌ترین وسیلهٔ انتشار و پخش سخنان و پیام‌های شما باشد. هنگامی‌که ائتلاف یا همبستگی شما با دیگر سازمان‌ها سودمند واقع شود، اعتبار، بهره‌وری، و مسئولیت‌پذیری کمپین شما هم افزایش می‌یابد. توجه به رهنمون‌های کلیدی زیر ائتلاف شما را مؤثرتر و راه پیشبردش را هموارتر خواهد کرد.

- برای تصمیم‌گیری و انجام داد و ستدهای مالی از فرآیندهای دموکراتیک و شفاف بهره‌جویی کنید. کار رهبری را در قالب احترام به دیگران، مداراجویی، سخاوتمندی، و مهربانی، به پیش

برید. با همکاران خود در ائتلاف پیوسته گفت‌وگو کنید و نسبت به نیازها و انتظاراتشان انعطاف‌پذیر باشید.

- به طور منظم، جلساتی با حضور نمایندگان همه اعضای ائتلاف همبستگی برگزار کنید. این گونه گردهمآیی‌ها دو سود دارند. نخست آن که همهٔ اعضای ائتلاف از جریان کارها و فعالیت‌ها آگاه می‌شوند و در آن شرکت می‌کنند و دوّم آن که کمپین شما به آگاهی‌ها و منابع تازه دست می‌یابد.
- تلاش گروه‌های شرکت کننده در ائتلاف را، که به قصد برقراری تعادلی بین نیازهای گروهی و هدف‌های ائتلاف صورت می‌گیرد، محترم شمرید. به فرآیندهای تصمیم‌گیری داخل هر سازمان نیز احترام گذارید و هرچه بیشتر خود را با آن سازگار سازید.
- هرگاه امکانی فراهم شد برخی کارها را به اعضای ائتلاف واگذار کنید تا از بار مسئولیت واحد مرکزی هماهنگی کاسته شود. به این ترتیب، علاقهٔ اعضای ائتلاف به فرجام کارها افزایش می‌یابد و ائئلاف در مجموع توانمندتر می‌شود.
- در تشریح مسئولیت‌های هریک از اعضای اتلاف دقیق و صریح باشید تا از بدفهمی‌ها و مشکلاتی که ممکن است در آینده پدیدار شود ایمن مانید.
- در ایجاد یک ائتلاف هرگز نمی‌توان به اندازهٔ کافی از تلاش‌ها و یاری‌های شرکت کنندگان در ائتلاف قدردانی کرد. خدماتی را که اینان -- در زمینه‌های مالی، تخصصی و زمانی-- به پیشبرد کمپین می‌کنند از یاد نبرید و در هر فرصتی از آنان قدردانی و سپاسگزاری کنید تا دیگران نیز برای تحقق هدف‌های ائتلاف به شوق آیند. هر تشویقی روحیهٔ شرکت‌کنندگان در ائتلاف را قوی‌تر از پیش می‌کند و الهام‌بخش آن‌ها برای مشارکت بیشتر در کارها می‌شود.

نوبت شماست

همبستگی‌ها، مشارکت‌ها، شبکه‌ها، اتحادها، و پیوستگی‌ها، همگی روابطی هستند که سازمان‌ها یا افراد به یاری‌اش به تقسیم اطلاعات و منابع می‌پردازند. شما هم می‌توانید، با وام دادن خدمات یا تخصص‌های سازمانتان، به نوبه خویش با بهره‌جویی از منابع و خدمات سازمان‌های شریک بازده خود را افزایش دهید. افزون بر گستردن روابطتان با افرادی که در زمینه کاری با شما مشابهت دارند، ایجاد شبکه‌ای از نمایندگان مجلس، خبرنگاران، سرمایه‌داران خیّر، دانشگاهیان، طراحان و متخصصان کامپیوتر، ممکن است فهرستی ارزنده از مشاوران، برنامه‌ریزان، و دیگر افراد علاقه‌مند به همکاری با سازمان‌تان در دسترس شما قرار گیرد.

البته در مشارکت کاستی‌هایی نیز پدیدار می‌شود. شایع‌ترین آن، کند شدن فرایند تصمیم‌گیری است. از آنجا که هر سازمانی فرآیندهای تصمیم‌گیری خاص خود را دارد، با افزایش تعداد سازمان‌های شرکت کننده در این فرایند، شمار مراحلی که باید برای عملی کردن یک هدف طی شود، به گونه‌ای که همه در مورد آن توافق داشته باشند، بیشتر خواهد شد. عامل بازدارندهٔ مهم‌تر، مقدار وقت، انرژی، و منابعی است که باید وقف برقراری ارتباط با اعضای ائتلاف شود تا همگی در بارهٔ نیازهای ائتلاف و گام‌های بعدی آن آگاهی داشته باشند.

پیش از گام برداشتن در راه ایجاد یک ائتلاف، پرسش‌های زیر را در نظر گیرید:

- موضوع مورد اشتراک و علاقهٔ اعضای ائتلاف چیست؟
- آیا تلاش مشترک سازمان‌های شرکت کننده در ائتلاف برای رسیدن به هدف مؤثرتر از تلاشی خواهد بود که هر یک جداگانه به آن دست زنند؟

- موانع اصلی بر سر راه سازمان‌هایی که به همکاری با یکدیگر هدفی را پیگیری می‌کنند چیست؟ آیا می‌توان بر این موانع چیره شد؟
- آیا همهٔ سازمان‌های شرکت‌کننده یکسان به مشارکت در تلاش برای تحقق هدف مشترک متعهدند و یا برخی از آن‌ها تنها علاقه‌مند به کسب شهرت با بهره‌جویی از فعالیت‌های ائتلاف‌اند؟
- آیا شرکت هر سازمان در ائتلاف با استقبال دیگر شرکت‌کنندگان روبرو می‌شود؟

گام‌های لازم برای دسترسی به ائتلاف

یک یا چند آژانس متخصص در سازمان‌دهی برگزینید. وظایف آژانس تسهیل فعالیت‌های همبستگی از راه ترتیب دادن جلسات، اطمینان یافتن از انجام شدن مسئولیت‌های محول شده، و ارزیابی پیشرفتِ اعضای ائتلاف در راه رسیدن به هدف و آگاه کردنشان از این ارزیابی است.

تصویری کلی از بینش مشترک بین اعضای ائتلاف ترسیم کنید و آن را همراه با هدف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت ائتلاف بنویسید. اعضای ائتلاف چگونه می‌توانند بدانند که به اهدافشان دست یافته‌اند؟

در مورد سهم پرداخت بودجهٔ ائتلاف و راهبردهای جمع‌آوری منابع مالی تصمیم بگیرید.

مسئولیت‌هایی به هر عضو شرکت کننده در ائتلاف محول کنید همراه با تصریح مدت زمانی که انتظار می‌رود مسئولیت در آن انجام شود.

در مورد تاریخ تشکیل جلسات اعضای ائتلاف و فاصلهٔ بین آن‌ها تصمیم بگیرید.

در مورد شیوه‌های ارزیابی کارآیی ائتلاف گفت‌وگو کنید. مطمئن شوید که اعضای ائتلاف به ضرورت انعطاف‌پذیر بودن نسبت به نیازهای متغییر ائتلاف معتقدند.

ملاک‌های دعوت اعضای جدید را به شرکت در ائتلاف مشخص کنید.

به خاطر داشته باشید که هرچه بیشتر از همه به خاطر تلاش‌هایشان در راه تحقق هدف‌های ائتلاف سپاسگزاری کنید!

پیوست ج
فهرست برخی از واژگان مشارکت سیاسی

اصطلاحات سیاسی

نظام مقتدرانه: نظام سیاسی که در آن رهبران کشور مطیع خواست و ارادهٔ مردم نیستند. در چنین نظامی شهروندان، محروم از آزادی اندیشه و حرکت سیاسی، مجبور به تبعیت از بالاترین مقام‌های سیاسی کشورند.

بیانیهٔ برنامه عمل پکن: چهارمین کنفرانس جهانی زنان: «تلاش برای برابری، توسعه، و آزادی» در سال ۱۹۹۵ در شهر پکن چین برگزار شد. دولت‌های ۱۸۹ کشور، و بیش از ۵۰۰۰ نماینده از ۲۱۰۰ سازمان غیردولتی از سراسر دنیا در این اجتماع تاریخی شرکت کردند. موضوع‌های اصلی کنفرانس عبارت بود از: پیشرفت و توانمند کردن زنان در ارتباط با حقوق انسانی آنها، زنان و فقر، زنان و تصمیم‌گیری، فرزند دختر، و خشونت علیه زنان. سند نهایی که به تصویب کلیه دولت‌های شرکت کننده رسید «بیانیهٔ برنامه عمل پکن» نامیده شد. این اعلامیه دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی را به برداشتن گام‌های مشخص در راه پیشرفت حقوق زنان و دختران فرامی‌خواند.

ائتلاف: پیوند بین دو یا چند سازمان، حزب سیاسی، فرد و مانند آن برای تحقق هدف یا هدف‌های مشترک، برنامه عمل، یا یک کمپین سیاسی با هم متحد شده‌اند.
اجماع: توافق عمومی بین اعضای یک گروه یا جامعه که هر یک دارای حق تصمیم‌گیری مستقل‌اند. رسیدن به اجماع نیازمند عنایت به نظر یک یک شرکت‌کنندگان دارد. تصمیم نهایی نیز باید به گونه‌ای نسبی برای همگی پذیرفتنی باشد.

قانون متعارف: در حقوق بین‌الملل، قانون متعارف آن بخش از حقوق ملت‌هاست که ناشی از تداوم فعالیت‌های بهنجار و پذیرفته شده در روابط بین آن‌ها باشد.

بیانیه و برنامه عمل: به «بیانیه برنامهٔ عمل پکن» رجوع کنید.

دموکراسی: نظام سیاسی که در آن مردم صاحب منحصر به فرد حق حاکمیت‌اند و از این حق مستقیم یا غیرمستقیم، با انتخاب نمایدگانشان در انتخابات آزاد و ادواری، بهره می‌برند.

تصمیم‌گیری دموکراتیک: روش تصمیم‌گیری و یا شیوهٔ حکومت‌رانی است که در آن شرکت‌کنندگان به گونه‌ای منصفانه در تصمیم‌هایی که بر زندگی آنها، یا شیوه‌های حل مشکلاتشان، اثر می‌گذارد شرکت می‌کنند.

فرمانروایی خودکامه: نظامی که در آن فرد یا گروهی اراده و خواست خود را مستبدانه بر جامعه

تحمیل می‌کنند و هیچ اصل، قانون اساسی، یا نیروی اجتماعی و سیاسی دیگری نمی‌تواند آن را محدود کند.

دیپلوماسی: انواع ارتباط رسمی و یا غیررسمی که به دولت‌ها و یا نهادهای سیاسی بین‌المللی امکان می‌دهد هدف‌هایشان را از راه گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز تأمین کنند.

قانون خانواده: قانونی که حقوق و تکالیف اعضای خانواده را مشخص می‌کند به ویژه در زمینه‌هایی چون ازدواج، طلاق، وراثت، مالکیت، حضانت فرزند، و فرزندخواندگی. مقررات این قانون در سایر حقوق اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی افراد جامعه نیز تأثیرگذار است. در بیشتر کشورهایی که شهروندان مسلمان اکثریت دارند قانون خانواده قانونی است که بر اساس تفسیرهای نهادهای حکومتی از احکام و سنن اسلامی تدوین شده است.

فمینیسم :یک عقیده، مکتب، و جنبش اجتماعی که مروّج برابری سیاسی، حقوقی، اقتصادی، و اجتماعی بین زنان و مردان است.

حقوق بشر :حقوق و آزادی‌های اساسی که متعلق به همهٔ افراد بشر است. این حقوق، نه مزیّت‌های اعطا شده بلکه معرّف بخشی از ویژگی‌های فرد انسان است، صرف‌نظر از مکان زندگی، عقاید، و فرهنگِ وی. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی فرد انسان را تعریف و تدوین کرده است.

ایدئولوژی: مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌هایی که جامعه و نقش دولت در امور اجتماعی را تعریف می‌کند و عامل مؤثر در رفتار فردی و در جنبش‌ها، نهادها، طبقات، یا گروه‌های اجتماعی است.

حقوق بین‌الملل: مجموعهٔ قراردادها، قواعد، سنّت‌ها، و هنجارهای حاکم بر روابط بین دولت‌ها با یکدیگر.

قانون حقوق بشر بین‌المللی: مجموعهٔ هنجارها، قوانین، و رسومِ ناظر بر تأمین حقوق بشر در سطح ملِی و بین‌المللی است. این مجموعه شامل قراردادها، قوانین، و هنجارهای ملّی و بین‌المللی، و نیز همهٔ رویه‌های متعارفی است که برای تأمین حقوق بشر در جهان به رسمیت شناخته شده‌اند. قانون حقوق بشر، به روش‌های مختلف به اجرا گذاشته می‌شود؛ از جمله معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، قانون اساسی ملی هر کشور، و نیز آموزه‌های مذهبی و فرهنگی که آزادی و شأن و حقوق برابر همهٔ افراد بشر را ورای جنسیت، نژاد، عقیده، ملیت، یا سایر مشخصات آن‌ها به رسمیت می‌شناسند.

نظام پدرسالار: یک نظام اجتماعی که در آن، پدر، رئیس و سرپرست خانواده است، و مردان حق آمریت بر زنان و کودکان دارند.

چندگونه‌گرایی:
الف) نظریه‌ای که بر اساس آن هر موضوعی پذیرای تعریف و تفسیرهای گوناگون است.

ب) یک نظام اجتماعی که در آن اعضای گروه‌های گوناگون قومی، نژادی، مذهبی، یا اجتماعی، ضمن حفظ هویت فردی خویش در پیشرفت جامعهٔ مشترک خود سهیم‌اند.

تبلیغات: آراء، داده‌ها و ادعاهای قانع کننده و یا پراکندن آن‌ها برای تأثیرگذاری بر عقاید مخاطبین در بارهٔ شخص یا موضوعی خاص.

حقوق محور: هر ابتکار، برنامه، یا فرآیندِی که ریشه در هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی دارد و هدف عمده‌اش پیشبرد حقوق بشر و حمایت از آن است.

دین‌سالاری: حکومتی که در آن قدرت سیاسی در انحصار رهبران مذهبی است که خود را برگزیدهٔ یک منبع الهی می‌شمرند و جامعه را بر پایهٔ قوانین و رسوم مذهبی خود اداره می‌کنند.

حکومت تمامیت‌خواه: حکومتی که، با توسل به یک ایدئولوژی، تصمیم‌گیری در همهٔ جنبه‌های زندگی خصوصی یا اجتماعی جامعه را در انحصار خود قرار داده است.

نظام استبدادی: نظام خودکامه، سرکوبگر و قانون‌گریزی که در آن قدرت سیاسی در انحصار یک فرد یا گروه کوچکی از افراد جامعه قرار گرفته است.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر: در سال ۱۹۴۸، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر را در قالب اعلامیه‌ای تدوین و تصویب کردند. این اعلامیه، که بر مبنای ارزش‌های انسان‌محور ادیان و فلسفه‌های گوناگون طرّاحی شده، برای تمام ملل دنیا لازم‌الاجراست. مقدمهٔ این اعلامیه و اصول مشروح در آن الگویی برای قوانین اساسی بسیاری از جوامع جهان بوده است.

خشونت علیه زنان: هر عمل خشونت‌آمیزی که بر مبنای جنس صورت گرفته، و به آسیب یا زیان فیزیکی، جنسی، یا ذهنی زنان و یا دختران منجر شود. از جمله: اِعمال خشونت توسط همسر یا عضوی دیگر از خانواده، آسیب وارد شده به زنان یا دختران در نتیجه درگیری خشونت‌آمیز، و تهاجم و تجاوز توسط مبارزان دشمن.

سهمیه‌بندی برای زنان: شیوه‌ای برای افزایش درصد زنان در مقام‌های بالای سیاسی. بر پایهٔ این شیوه باید در صد مشخصی از مقام‌های نهادهای گوناگون سیاسی در اختیار زنان قرار گیرد. از جمله، فهرست نامزدان انتخابات، هیئت دولت، مجلس قانونگذاری.

پیوست چ
منابع اینترنتی ویژهٔ مشارکت زنان در امور سیاسی

وب‌سایت‌های مفید برای دسترسی به اطلاعات و منابع یاری دهنده:

انجمن نمایندگان مجلس اروپا در حمایت از آفریقا (AWEPA)
این انجمن که با مجالس کشورهای آفریقایی همکاری دارد، مروّج پیدایش مجالس قانونگذاری دموکراتیک است و نیز گفت‌وگوی بین مجالس کشورهای دو قاره را تسهیل می‌کند.
http://www.awepa.org

کمپین حمایت از حکومت صالح (CGG)
سازمانی است غیردولتی و به ثبت رسیده برای ترویج حکومت صالح، آزادی، دموکراسی، و برابری جنسیتی در سیرالئون. http://www.slcgg.org

مرکز آموزشی و پژوهشی زنان عرب (CAWTAR)
نهاد منطقه‌ای و مستقلی که، از راه تحقیق، آموزش، ایجاد شبکه‌های ارتباطی، به ترویج برابری جنسیتی در جهان عرب می‌پردازد. http://www.cawtar.org

مرکز زنان سیاسی آسیا-اقیانوس آرام (CAPWIP)
سازمانی غیرانتفاعی و غیردولتی است که برای گسترش مشارکت برابر زنان در سیاست و تصمیم‌گیری فعالیت می‌کند. http://www.capwip.org

باشگاه مادرید
سازمانی است مستقل برای کمک به تقویت دموکراسی در جهان با بهره‌جویی از تجربه‌ها و منابع غنی اعضای باشگاه که شامل ۷۰ تن از رؤسای سابق کشورهای دموکراتیک است.
http://www.clubmadrid.org

نشریه «زنان را انتخاب کنید»
یک رسانهٔ اینترنتی در ایالات متحده آمریکاست و شامل رهنمون‌ها، رویدادها، و منابع مناسبی برای زنانی است که نامزد انتخاب شدن به مقام‌های سیاسی شده‌اند. نامزدهای انتخابات می‌توانند تجربه و آگاهی خود را از راه این رسانه در دسترس دیگران قرار دهند.
http://www.electwomen.com

شبکهٔ بین‌المللی آگاهی‌های سیاسی برای زنان
پایگاه اینترنتی برای برآوردن نیازهای انتخاب شدگان، نامزدها، رهبران و اعضای احزاب

سیاسی، پژوهشگران، دانشجویان، و سایر کوشندگان سیاسی علاقمند به گسترش حقوق زنان در عرصهٔ سیاست. http://www.iknowpolitics.org

مؤسسهٔ دموکراسی و انتخابات (IDEA)
یک مؤسسهٔ بین‌المللی که هدفش آگاه‌سازی بنیانگذاران دموکراسی، و طراحی و بررسی برنامه‌های توسعه و پشتیبانی از اصلاحات دموکراتیک است. http://www.idea.int

اتحادیه بین‌المجالس
سازمانی بین‌المللی متشکل از نمایندگان مجالس کشورهای مستقل که کانون گفت‌وگو بین مجلس‌های قانونگذاری در کشورهای گوناگون جهان است و برای تأمین صلح و همکاری بین‌المللی در سراسر جهان فعالیت می‌کند. پایگاه اینترنتی این سازمان منابع سودمندی در دسترس علاقه‌مندان گذاشته است. http://www.ipu.org/iss-e/women.htm

سازمان ارتباط تلفنی
سازمانی است متشکل از افراد، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌هایی که برای ارتباط و مراوده‌های خود از تلفن دستی استفاده می‌کنند. تعهد اصلی این سازمان کمک به افزایش نفوذ سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان است. با رسیدن شمار تلفن‌های دستی در جهان به حدود ۳.۵ بیلیون، موقعیت بی‌سابقه‌ای برای اعضای این سازمان فراهم شده است. http://mobileactive.org

گروه مواطییناث
به معنی زنان شهروند. این وب‌سایت به زبان عربی طراحی شده و از سازمان‌های وابسته به مؤسسهٔ بین‌المللی خواهری/اردن است. این گروه به فراهم آوردن داده‌ها، آگاهی‌ها، و منابع در زمینهٔ مشارکت سیاسی و احتماعی زنان به ویژه در خاورمیانه و آفریقای جنوبی می‌پردازد.
http://www.mowatinat.org/articles/index.php

موسسه ملی دموکراتیک (NDI)
سازمانی است غیرانتفاعی و مستقل، که برای تقویت و حمایت از نهادهای دموکراتیک در سراسر دنیا، از راه مشارکت اجتماعی شهروندان و دولت‌های فراگیر و مسئولیت‌پذیر فعالیت می‌کند.
http://www.ndi.org

سازمان اینترنتی زنان سیاسی
این سازمان تبلور بینش رهبران زن آفریقایی است که به قصد یافتن راه‌های مبتکرانه برای ایجاد شبکه‌ای مرکب از زنان شرق آسیا برپا شده است؛ زنانی که در عرصهٔ سیاست، حکومت، تصمیم‌گیری و رهبری کارآ نقش دارند. http://www.onlinewomeninpolitics.org

برنامهٔ حکومت کردن در جهان عربی (POGAR)
یکی از برنامه‌های توسعهٔ سازمان ملل است به قصد کمک به تلاش مقامات سیاسی، جامه مدنی، و بخش خصوصی کشورهای عربی در راه بهینه کردن نحوهٔ حکومت. http://www.pogar.org

شهرهای متحد و حکومت‌های محلی
این پایگاه اینترنتی منبع مناسبی است برای دسترسی به آگاهی‌های گونگون در بارهٔ خودمختاری محلی، رهبران سیاسی محلی، همبستگی بین‌المللی و تبادل تجربه‌ها.
http://www.cities-localgovernments.org

مشارکت سیاسی زنان در الجزیره، تونس، و مراکش
این طرح با همکاری مؤسسهٔ بین‌المللی آموزش برای پیشرفت زنان و مرکز آموزشی و پژوهشی زنان عرب ایجاد شده است تا موقعیت زنان کشورهای الجزیره، تونس، و مراکش را در سمت‌های رهبری، مشارکت سیاسی، و تصمیم‌گیری تقویت کند.
http://www.un-instraw.org/en/ggpp/maghreb-project/maghreb-project-2.html

شاخص‌های ارزیابی دولت‌های جهان (WGI)
این شاخص‌ها، که با کمک پژوهشگران بانک جهانی طراحی شده‌اند، نشان می‌دهند که بسیاری از دولت‌های کشورهای در حال توسعه به دستاوردهای مهمی در زمینه کنترل فساد دست یافته‌اند و نیز نشان می‌دهند که کارنامهٔ برخی از این دولت‌ها، در زمینهٔ ایفای مسئولیت‌هایشان، با کارنامهٔ دولت‌های ثروتمند برابری می‌کند. در این وب‌سایت شاخص‌های مربوط به هر کشور نیز در جدولی آمده است. http://info.worldbank.org/governance/wgi

جنبش جهانی برای دموکراسی (WMD)
شبکه‌ای جهانی متشکل از کوشندگان، برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیران سیاسی و پژوهشگرانی است که به پشتیبانی از جنبش‌های دموکراسی محور می‌پردازد. http://www.wmd.org

رهنمون‌های جهانی برای زنان رهبر
پایگاهی اینترنتی شامل آمار و اخبار به‌روز در بارهٔ نقش رهبری زنان در گذشته و حال.
http://www.guide2womenleaders.com

پیوست ح
سهمیه‌بندی: رهیافتی برای برابری جنسیتی

سهمیه زنان در سیاست

دِلفین تورز
CRTD-A
سازمان گسترش تحقیقات و آموزش در بارهٔ توسعه
بیروت- دسامبر ۲۰۰۹

مشارکت زنان در سیاست، که با حضورشان در مجلس‌های قانونگذاری عینیت می‌یابد، یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های میزان توسعه سیاسی و دموکراتیک هر جامعه است. در سال ۲۰۰۹، در سراسر جهان به طور میانگین تنها ۱۸.۶٪ از کرسی مجالس قانونگذاری به زنان اختصاص داشت، در دورانی که زنان نیمی‌از جمعیت جهان‌اند. برابری بین زنان و مردان، از نظر قدرت اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی در کشورهایی که زنان در این عرصه‌ها حضوری کمرنگ یا به کلِی بی‌رنگ داشته‌اند، بر پایهٔ هیچ آماری تأیید نشده است. در تاریخ بشر، زنان از فعالیت در سیاست و عرصه اجتماع برکنار داشته شده‌اند و اکنون باید حق خود را برای مشارکت در عرصهٔ اجتماعی و طرّاحی راهبردها مطالبه کنند تا بتوانند در عرصهٔ سیاست و تصمیم‌گیری فعّالانه مشارکت کنند.

درصد اعضای زن در مجلس‌های ۲۲ کشور دنیا از ٪۳۰ بیشتر و در ۱۷ کشور از ٪۳ بیشتر نیست. میانگین‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که در این زمینه کشورهای اسکاندیناوی جایی ویژه یافته و موفق شده‌اند این نسبت را به ٪۴۲.۵ افزایش دهند. زنان کشورهای عربی، امّا، در پایین‌ترین رده قرار گرفته و تنها ٪۹ از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص داده‌اند. این نوشته به ویژه برای بررسی چگونگی حضور زنان در سیاست و در اهمیت اجرای سهمیه‌بندی زنان برای کسب تعادل مناسب‌تر و برقراری دموکراسی واقعی انجام شده است.

هدف این پژوهش نخست تعریف مفهوم سهمیه‌بندی و تعیین جایگاه آن درعرف بین‌الملل است. دوم ارائهٔ فرضیه‌هایی است در بارهٔ تأثیر سهمیه‌بندی به عنوان یکی از شیوه‌های تأمین برابری جنسیتی در عرصهٔ سیاسی. سوّم، نتیجه‌گیری است، با تکیه بر انواع گام‌هایی که در مناطق گوناگون دنیا برای افزایش شمار زنان در صحنه سیاست برداشته شده.

۱. تعریف سهمیه‌بندی

الف) **سهمیه‌بندی چیست؟**

تعریف

سهمیه، یک طیف عددی است برای نمودن حداقل و حداکثر دستیابی به هدفی خاص. در عرصهٔ سیاسی، سهمیه‌های جنسیتی حدّاقلی را برای حضور زنان در نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی تعیین می‌کنند. به سخن دیگر، توسل به سهمیه راه‌حلی است برای مشکل تاریخی حضور کمرنگ زنان در عرصه سیاست به علل گوناگون سنتی، اجتماعی-فرهنگی، مذهبی و مانند آن.

بنابراین هدف از سهمیه‌بندی برای زنان تأمین حداقل نسبت زنان به مردان در نهادهای انتخابی، انتصابی و نامزدی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی است. بهره‌جویی از این شیوه به افزایش شمار نمایندگان زن در عرصهٔ سیاسی می‌انجامد و حضور دست‌کم ۲۰، ۳۰، یا ۴۰ درصد عضو زن در فهرست نامزدهای حزبی یا مجلس قانونگذاری تضمین و گامی‌به سوی هدف نهایی که برابری جنسیتی برداشته می‌شود. برای شرکت حداقل زنان در عرصه‌های گوناگون شیوه‌های گوناگون سهمیه‌بندی وجود دارد. ماهیتِ نهاد، نظام انتخاباتی محلی یا مِلی و اجباری یا اختیاری بودن سهمیه‌بندی تعیین‌کنندهٔ مناسب‌ترین شیوهٔ سهمیه‌بندی است.

نوع‌شناسی سهمیه‌بندی

بسته به نظام سیاسی و انتخاباتی کشور، واقعیت‌های اجتماعی- فرهنگی جامعه و میزان آگاهی سیاسی شهروندان، از سهمیه‌بندی‌های متفاوت بهره‌جویی می‌شود. به طور کلی، دو نوع سیستم اصلی سهمیه‌بندی وجود دارد: سهمیه‌بندی دولتی که اجباری است و در انتخابات عمومی به کار برده می‌شود و سهمیه‌بندی داوطلبانه که احزاب سیاسی آزادانه بر می‌گزینند.

سهمیه‌بندی اجباری

در این سهمیه‌بندی، دولت حاکم نوعی را برمی‌گزیند که سازگار با نهادهای سیاسی کشور باشد و بتواند برابری جنسیتی را در بهترین شرایط تأمین کند. سهمیه‌بندی ممکن است در قوانین حاکم بر کشور تعیین شوند، از جمله با گنجاندن اصل یا تبصرهٔ تازه‌ای در قانون اساسی یا با تصویب یک لایحهٔ قانونی در مجلس. بهره‌جویی از سهمیه‌بندی اجباری در کشورهای امریکای لاتین بسیار متداول است. امتیاز سهمیه‌بندی اجباری این است که همهٔ احزاب سیاسی کشور موظف به تبعیت از آن‌اند و هر تخلفی در این مورد به تحریم‌های قانونی منجر خواهد شد. کشورها از این نوع سهمیه‌بندی در سطوح گوناگون محلی، استانی، ملی، یا فدرال بهره می‌جویند و بسته به نوع نظام سیاسی یا انتخاباتی خود، کمابیش به موفقیت‌هایی دست می‌یابند.

سهمیه‌بندی‌های داوطلبانه

این نوع سهمیه‌بندی‌ها را یک یا چند حزب سیاسی آزادانه برمی‌گزینند و در آیین‌نامه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود از سهمیه‌بندی خاصی بهره می‌جویند. انگیزهٔ احزاب سیاسی برای برداشتن گام‌های کارآ در مسیر افزایش حقوق و میزان مشارکت زنان در عرصهٔ سیاست دلایل گوناگون دارد از الزامات صرفاً ایدئولوژیک گرفته تا ملاحظات و روابط شخصی و سیاسی در رده‌های رهبری. اشتیاق به جذب زنان رأی‌دهنده، وجدان سیاسی، علاقه به وجود مجلسی که نمایندهٔ

راستین همهٔ شهروندان کشور باشد، و سرانجام اعتقاد به ضرورت برابری جنسیتی که شرط لازم پیدایش موکراسی واقعی است، همگی از جمله این دلایل‌اند. برخلاف سهمیه‌بندی‌های اجباری، متابعت نکردن از سهمیه‌بندی‌های اختیاری به کیفر خاصی منجر نخواهد شد. با این همه، نارضایتی‌های درون حزبی و سرخوردگی رأی دهندگان زن متابعت نکردن را از سهمیه‌بندی دشوار می‌کنند.

واقعیت آن است که سهمیه‌بندی اجباری و داوطلبانه با یکدیگر مباینتی ندارند و می‌توانند همزمان مورد بهره‌جویی قرار گیرند. در واقع، بهره‌جویی از هردو نوع سهمیه‌بندی برابری جنسیتی را آسان‌تر و سریع‌تر تأمین خواهد کرد. چه اجباری و چه داوطلبانه، سهمیه‌بندی می‌تواند دائمی یا موقتی باشد و در نتیجه به پیامدهای متفاوت بینجامد. برخی از کشورها یا احزاب سیاسی از سهمیه‌بندی، همانند داروی درمانی، تنها در مدت زمان مشخصی بهره می‌جویند. هنگامی‌که حضور زنان در عرصهٔ سیاسی به نسبت معینی رسید و موانع از سر راه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری برداشته شد، ضرورت سهمیه‌بندی منتفی می‌شود. با این همه، نظام سهمیه‌بندی را نباید بی‌فرجام کنار گذاشت. در بنگلادش، هنگامی‌که سهمیه بندی کنار گذاشته شده بود، شمار زنان نماینده در انتخابات سال ۲۰۰۲ از ٪۱۰ به ٪۲ کاهش یافت. این واقعیت نشان اهمیت پی بردن به زمان لازم برای تحقق هدف نهایی سهمیه‌بندی است. از همین رو، سومین بخش این نوشته به بررسی سرنوشت سهمیه‌بندی در مصر اختصاص دارد و این که پایان دادن زودرس به سهمیه‌بندی چه پیامدهایی برای میزان مشارکت زنان در عرصهٔ سیاسی خواهد داشت.

شکل سهمیه‌بندی‌ها نیز ممکن است متفاوت باشند بسته به این که در فهرست داوطلبان، یا نامزدان مقامی یا کرسی‌های مجلس به کار برده شوند، یا در ترکیبی از هر سه مورد. برخی از کشورها از جمله آرژانتین و بلژیک، از هر دو نوع سهمیه‌بندی بهره می‌جویند تا هم از حضور حداقل زنان اطمینان داشته باشند و هم از رزرو بودن شمار مشخصی از مقام‌ها و کرسی‌ها برای زنان، در همهٔ دوایر دولتی و در همه انتخابات. به کار بردن چنین روشی مانع از فروافتادن زنان به انتهای فهرست نامزدها، و در نتیجه کم شدن بخت‌شان برای پیروزی در انتخابات، می‌شود.

در منطق دموکراسی برابری‌محور نیز بهره‌جویی از سهمیه‌بندی عادی (غیرجنسیتی) برای پاسداری از حقوق زنان و مردان، هردو، و پیشگیری از حضور کمرنگ هر کدام، لازم به نظر می‌رسد. برای رسیدن به این هدف باید حداقلی برای حضور هر یک از دو جنس تعیین کرد تا هر یک از حداقل سهمیه مثلا ٪۴۰ برخوردارباشند و از حداکثر ٪۶۰ نیز بالاتر نروند. چنین سهمیه‌بندی‌ای، کاملا منصفانه است زیرا حدود یکسانی برای حضور زنان و مردان تعیین و نمایندگی واقعی و مؤثری را تضمین می‌کند. بنا به تعریف، سهمیه بندی ۵۰-۵۰، برابری‌گرا است و از این مزیت نیز برخوردار است که حضور زنان و مردان، هردو، را محدود می‌کند. کاری که از عهدهٔ سهمیه‌بندی سادهٔ حداقلی و حداکثری برنمی‌آید. البته پرسشی که در این جا به نظر می‌رسد این است که آیا در چنین صورتی الزامات دموکراسی در نظر گرفته می‌شود؟

ملاک‌های حقوقی برای جبران پیامدهای تبعیض نسبت به اقلیت‌ها به طور کلی، و برای سهمیه‌بندی به خصوص، با تکیه بر اسناد حقوق بین‌الملل وضع شده‌اند. این گونه اسناد که طبیعتی منطقه‌ای و یا جهانی دارند به شرح زیراند.

ب) سهمیه‌بندی و حقوق بین‌الملل

نخستین سند بین‌المللی که به عنوان بستری برای تعریف سهمیه‌بندی قرار گرفته اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۷۶) است زیرا هردو بر برابری انسان‌ها و بهره‌مند شدنشان از حقوق یکسان به صراحت تأکید کرده‌اند. با این حال،

استفاده از صفت «جهانی» اندکی مبهم به نظر می‌رسد زیرا در این دو سند (به زبان انگلیسی) تنها ضمایر مردانه به کار برده شده است. یکی از فمینیست‌های مشهور، ماریا دِرزمه، در این باره می‌گوید: «چه فراگیراست این سند که نیمی‌از انسان‌ها را از یاد برده باشد!» ضرورت تدوین و تصویب میثاق‌های دیگری که منحصراً معطوف به تأمین و پاسداری از حقوق زنان باشد، برای جبران همین کاستی بود.

«میثاق محو همهٔ اَشکال تبعیض علیه زنان» در سال ۱۹۷۹ و پروتکل اختیاری الحاق شده به آن کاستی را جبران کرد. این میثاق اصل برابری جنسیتی را بازمی‌نگرد و معنایی جامع از آن، به ویژه در حوزهٔ سیاست، به آن می‌دهد. به این ترتیب، این میثاق، خواهان برابری کامل زن و مرد در حق رأی دادن و شرکت در انتخابات است. مواد ۳ و ۷ این میثاق تصریح می‌کند که دولت‌های عضو میثاق با تدوین قوانین لازم، از جمله قانون اساسی، به محو همهٔ اشکال تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی جامعه» اقدام خواهند کرد. با این همه، کوتاهیِ این میثاق در تعیین ابزارهای رسیدن به این هدف، و فراهم کردن مکانیسم‌های قانونی که کشورها را ملزم به انجام این تکلیف کند، از کارآیی آن کاسته است. افزون بر این، این میثاق اشاره‌ای به ضرورت برابری جنسیتی هم نکرده است.

یک صد و هشتاد و پنج دولت، یا به عبارتی بیشتر از ٪۹۰ از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، به این میثاق پیوسته و در نتیجه آن را به پیمانی بین‌المللی تبدیل کرده‌اند. البته، هنوز باید اهمیت شمار پیوستگان به این میثاق را با توجه به کیفیت اجرای مواد آن در کشورهای گوناگون تعدیل کرد. واقعیت آن است که تحفّظات برخی از کشورها که به تازگی به این میثاق پیوسته‌اند، از کارآیی آن کاسته است. این کشورها عبارت‌اند از الجزیره (سال ۱۹۹۶)، بحرین (سال ۲۰۰۲)، کویت (سال ۱۹۹۴)، لبنان (سال ۱۹۹۷) و پاکستان و عربستان سعودی (سال ۲۰۰۰). همچنین، برخی از دولت‌ها تنها بخش‌هایی از میثاق را در قوانین خود به رسمیت شناخته‌اند و با توسل به احکام مذهبی و سنن فرهنگی به حفظ برخی از قوانین تبعیض‌آمیز خود پافشاری می‌کنند. به این ترتیب، تصویب این قوانین عملاً به نتایج مورد نظر نرسیده است. در واقع، می‌توان گفت که این دولت‌ها از انگیزه سیاسی لازم برای تأمین و تضمین برابری جنسیتی محروم‌اند. انگشت شمارند کشورهای جدیدی که میثاق را بدون قائل شدن محدودیتی امضا کرده باشند. آفریقای جنوبی و موزامبیک باید در شمار این گونه دولت‌ها دانست. باید توجه کرد که در غیاب اصول الزامی و اِعمال تحریم برای کشورهای تخطی کننده از این میثاق، تنها بخشی از میثاق به اجرا گذاشته خواهد شد. بنابراین، ضروری است که سازمان‌های بین‌المللی در جهان، و جوامع مدنی در درون کشورها، با وارد آوردن فشار بر دولت‌های اهمال‌گر و متخطی، فوریت اجرای تعهدات بین‌المللی را که پذیرفته‌اند به آنها یادآوری کنند.

در سال ۱۹۹۵، چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن به تعریف و تشریح «دسترسی برابر» به ساختارهای قدرت و بدنه‌های تصمیم‌گیری برای زنان و مردان پرداخت. اعلامیه نهایی این کنفرانس که به اتفاق تصویب شد، ۱۸۹ کشور شرکت‌کننده را فرا می‌خواند تا گام‌های لازم را برای تأمین و تحقق «برنامهٔ ملی عمل» بردارند، به ویژه با توجه به اهمیت برابری جنسیتی. بر اساس اعلامیهٔ پکن، دولت‌های حاضر در کنفرانس موظّف‌اند، گامی‌هایی بردارند که شمار زنان شرکت‌کننده را در عرصهٔ سیاسی به گونه‌ای قابل توجه افزایش دهد. به این ترتیب، اهمیت و ضرورت سهمیه‌بندی برای نخستین بار در یک سند بین‌المللی از سوی اکثریت قاطع دولت‌های جهان تأئید شد. بر اساس توصیهٔ اعلامیهٔ پکن چنین گام‌هایی باید حداقل حضور زنان را در ٪۳۳ از نهادهای تصمیم‌گیری و حوزه‌های قدرت سیاسی تضمین کند. افزون بر این، اعلامیهٔ نهایی

کنفرانس پکن، با اشاره به خواست‌های سازمان‌های غیردولتی در جهان، ضرورت تأمین برابری کامل زنان و مردان را در عرصهٔ سیاست کشورهای گوناگون تأیید می‌کند.

این یادآوری ضروری است که اعلامیه‌های سازمان‌های گوناگون منطقه‌ای در بارهٔ حقوق بشر نیز اهمیت تأمین سه اصل عمدهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر: «آزادی، برابری و برادری» (ماده ۱) را تأیید کرده‌اند، از جمله: مواد ۲ و ۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به نام «اعلامیه اسلامی جهانی حقوق بشر» (۱۹۸۱)، مواد ۱ و ۱۹ «اعلامیهٔ قاهره در بارهٔ حقوق بشر در اسلام» «۱۹۹۰»، ماده ۲ «منشور حقوق بشر در جوامع عرب» (۱۹۹۴) و نیز «پروتُکُل الحاقی منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان در بارهٔ حقوق زنان» (۲۰۰۳) که در مجمع رؤسای دولت‌ها و حکومت‌ها، در ماپوتو، به تصویب رسید. این اعلامیه‌ها همچنین به اهمیت، و نه ضرورت مطلق، رفع تبعیض اشاره می‌کنند. ماده ۹ پروتکل ماپوتو کشورهای عضو را موظف به تأمین برابری جنسیتی در عرصهٔ سیاسی از راه از راه‌های مثبت و قانونی می‌کند امّا از پیامدهای خودداری کشورهای عضو از ایفای این وظیفه سخنی به میان نمی‌آورد.

در سپتامبر سال ۲۰۰۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه‌ای، که به مناسبت آغاز هزارهٔ سوم میلادی، «اعلامیهٔ هزاره» نام گرفت، بر هشت هدف توسعه در جوامع بشری تأکید کرد. هدف سوم این اعلامیه تأیید برابری جنسیتی در حوزه‌های آموزش و اشتغال و توانمند کردن زنان است به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی. این اعلامیه سال ۲۰۱۵ را به عنوان سال رسیدن به این اهداف شناخته است. ۱۹۱ عضو سازمان ملل متحد این اعلامیه و هدف‌های آن را پذیرفته‌اند.

۲. نظری چند در بارهٔ سهمیه‌بندی

الف) مناظرهٔ ایدئولوژیک

خواست برابری جنسیتی که در اواخر قرن نوزدهم در کشورهای غربی گسترش یافت به مناظره‌های ایدئولوژیک میان جنبش‌های فمینیستی، روشنفکری، فلسفی، و ادبی انجامید. به تازگی، موافقان و مخالفان سهمیه‌بندی برای مشارکت زنان در سراسر جهان، استدلال‌های حقوقی و فلسفی را در قالب تازه‌ای ارائه کرده‌اند. این مناظره‌ها حول محور دو مفهوم متفاوت، امّا غیرمتباین، «جهان‌محوری بودن بشر» و «گونه‌گونی فرهنگ جوامع بشری» صورت گرفته است.

۱. یگانگی/ چندگانگی

الیزابت بَدینتر، فیلسوف فرانسوی دههٔ ۱۹۶۰ و از مجذوب شدگان به تئوری فمینیستی سیمون دوبوار در ***جنس دوم*** بود. وی، در عین حال، همراه با برخی از همکاران زنش، از مخالفان سهیمه‌بندی برای زنان در عرصهٔ سیاسی نیز به شمار می‌رفت. این مخالفت بر اساس نظریهٔ برابرخواهی جمهوریت بنا شده که مبلّغ فطرت جهانی بشریت است. در دید بَدینتر و مبلّغان این نظریه ویژگی عام و جهانی بشر جنسیتی است بنابراین ضرورتی نیست که با به کاربردن شیوه‌هایی خاص زنان را بر مردان ارجحیت بخشید. به اعتقاد وی، این کار نه تنها باعث دگرگونی‌های سودمند یا تسریع چنین دگرگونی‌های نمی‌شود بلکه، به عکس، خطر عقب‌ماندن و تضعیف زنان را بیشتر می‌کند و در دراز مدّت شایستگی‌های آنان را مورد پرسش قرار می‌دهد

زیرا این گمان برده می‌شود که ارتقاء زنان به مقام‌های خاصی تنها به خاطر زن بودن آنان است و نه صلاحیت‌شان.

مهم‌تر از همه، امتیاز بخشیدن به زنان در زمینه‌های خاص رشد آنان را به همان زمینه‌ها محدود می‌کند. با اشاره به مخالفت محافظه‌کاران آمریکا با اعطای چنین امتیازهایی به اقلیت‌های نژادی و مذهبی، الیزابت بدینتر در مورد این جداکردن‌ها هشدار می‌دهد که نظام سهمیه‌بندی و اعطای امتیازات خاص ممکن است موجب افزایش تدریجی کانون‌های مجزای فقر و تبعیض در جامعه شود. به اعتقاد وی، به رسمیت شناختن تبعیض به آن قوّت و اعتبار خواهد بخشید.

در پاسخ به این استدلال، نویسندگان برابری‌خواهی مانند سیلویان آگاچینسکی مدعی‌اند که چنین بیمی بی‌اساس است زیرا تفاوت طبیعی بین دو جنسیت، نه شامل طبقه‌ای خاص می‌شود و نه اقلیتی خاص. به سخن دیگر، زنان، همانند مردان ممکن است در جامعه به نژاد، مذهب، یا طبقه اجتماعی خاصی تعلق داشته باشند امّا همه باهم به طبقه یا اقلیتی خاص تعلق ندارند. در حقیقت، دوگانگی جنسیتی یک پدیدهٔ جهانی و تغییرناپذیر است. امّا، همین دوگانگی و حضور همزمان زن و مرد در جهان است که به پیدایش نسل بشر انجامیده. زن‌ها نه تنها در گروهی جدا قرار نگرفته‌اند بلکه همانند مردان عنصر تجزیه‌ناپذیر بشریت‌اند. بنابراین برای تعریف کردن مفهوم انسان که موضوع قانون است، باید کار و مسئولیت مشترک زن و مرد، هردو، را در نظر گرفت که همانا به رسمیت شناختن برابری حقوق هردو است، برابری‌ای که به سبب تفاوت‌های بین دو جنسیت قدر و اعتباری بیشتر یافته. به تعبیر دیگر، این «دوگانگی برابر» مبنای حق حاکمیت ملی و دموکراتیک است. چنین حاکیتی در جامعه بدون برابری حقوق زن و مرد تحقق‌ناپذیر خواهد ماند.

نظریهٔ تفاوت بین زن و مرد خود دلیلی است برای توجیح سهمیه‌بندی و در نهایت امر غنی شدن نهادهای سیاسی است آن هم از راه بهره‌جویی از تجربه، فرهنگ، و حسّاسیتی که حضور و شرکت زنان در این نهادها پدید می‌آورد. پاسخ مخالفان سهمیه‌بندی می‌دهند که این تفاوت‌گرایی تنها ناشی از یک ساده‌انگاری است که در عمل جامعه را به اقلیت‌های گوناگون تقسیم خواهد کرد. اما، پی یر روزانوالن، تاریخ‌شناس و استاد «کلژ دوفرانس،» در *دموکراسی ناتمام* خود می‌گوید: «زنان امریکایی یک نسل پیش از زنان فرانسه به حق رأی دست یافتند و این مهم، از راه تأکید بر توانایی‌های منحصر به فرد زنان امکان‌پذیرگردید. با این دگرگونی بود که کارآیی تفاوت‌های جنسیتی نشان داده شد.» سرانجام، نویسندگانی که هوادار سهمیه‌بندی‌اند، به تناقض‌گویی مدافعان برابرخواهی جمهوریت اشاره می‌کنند که در همان حال که از حضور کمرنگ زنان در عرصه‌های اجتماعی خشمگین‌اند، انسان بر ایشان مقوله‌ای انتزاعی است.

۲. انتقادات بر سهمیه‌بندی

سهمیه‌بندی، بر پایهٔ پژوهش‌های نسبتاً درستی که در بارهٔ پیامدهایشان انجام شده، اغلب آماج انتقادهای گوناگون قرار گرفته است. به عنوان نمونه، یکی از این انتقادها بی‌فایده بودن سهمیه‌بندی است و این که نه تنها مشارکت زنان در سیاست را تأمین نمی‌کند بلکه در عمل نتیجه‌ای معکوس دارد. بر پایهٔ این انتقادها زنانی که از راه سهمیه‌بندی به مقام‌های سیاسی انتخاب یا منصوب می‌شوند ممکن است از دانش و تجربهٔ لازم برای انجام مسئولیت‌های خویش بهره‌مند نباشند و یا تنها با توصیه یا اِعمال نفوذ خانواده، همسر، یا اعضای محل زیست خویش به مقام سیاسی «دست می‌یابند» و در نتیجه از ارادهٔ سیاسی واقعی برخوردار نیستند. به این ترتیب، این گونه زنان در حوزه‌ها و ناحیه‌های پرمسئله به مقام‌های بالا انتخاب یا منصوب می‌شوند تا این فرض قوّت گیرد که زنان نمی‌توانند در مقام مسئولیت و تصمیم گیری سیاسی به توفیقی دست یابند. از سوی دیگر

ممکن است این گونه زنان به مقام‌های بی‌اهمیت و یا صرفاً مرتبط با زندگی خانوادگی و اجتماعی شهروندان منصوب شوند. چنین رویدادها و پدیده‌هایی می‌توانند به دلسردی زنان بینجامند و در نتیجه از سهمیه‌بندی پیامدی مثبت به دست نخواهد آمد. در چنین مواردی سهمیه‌بندی به زیان زنانی است که قربانی تبعیض شده‌اند. به سخن دیگر، در این موارد سهمیه‌بندی نه تنها کارآ نیست بلکه ضایع‌کنندهٔ منافع زنان است. بنابراین ضروری است که پیامدهای منفی این گونه سهمیه‌بندی‌ها را با مقید کردن آن‌ها به شرایط و مقدمات ویژه خنثی کرد.

ب) تلاش برای رسیدن به همرایی: سهمیه‌بندی مشروط

از دیدگاه فلسفی، شاید بتوان نظام سهمیه‌بندی را مغایر با اصول دموکراسی دانست زیرا به تعبیری به نوعی دموکراسی تصنعی می‌انجامد در حالی که هدف نهایی ایجاد یک دموکراسی واقعی است. از نظر حقوقی و سیاسی نیز می‌توان ادعا کرد که استفاده از سهمیه‌بندی در واقع اعتراف به این است که برابری جنسیتی و دموکراسی در جامعه حاکم نیست. بر پایهٔ این استدلال نظام سهمیه‌بندی در حکم ابزاری است برای گسترش نوعی دموکراسی ناقص و شکننده که بر اصل برابری جنسیتی استوار است. از دیدگاه اجتماعی، نقش‌هایی که زن و مرد ایفا می‌کنند باید دگرگون شوند. این باور رایج سنّتی که تنها تجربه‌ها و فعالیت‌های مردان دارای ارزش است باید مورد بازبینی قرار گیرد و بر ضرورت شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی تأکید شود. البته دستیابی به این مهم به ویژه در جوامع مردسالار دشوار خواهد بود. بنابراین مهم است نشان داده شود که هدف، نه راندن مردان از عرصهٔ قدرت و تصمیم‌گیری که تدوین قوانینی است که تقسیم قدرت را بین تمام شهروندان یک جامعه دموکراتیک تضمین کند.

رهیافت درست برای تحقق این هدف چیست؟ آیا باید برای تأمین مشارکت گسترده زنان، به شیوه‌هایی چون سهمیه‌بندی توسل جست حتی اگر با اصول دموکراسی کاملاً سازگار نباشند یا باید به دموکراسی، به مفهوم اخص آن، اجازه داد که به تدریج جامعه را به تحقق این هدف نزدیک‌تر کند. در دورانی دراز، که ممکن است دست‌کم چند نسل را در برگیرد، نتیجهٔ هر دو رهیافت مشابه خواهد بود. در واقع، هیچ راه‌حلّ ایده‌آلی وجود ندارد ولی می‌توان پیشنهادهایی ارائه داد که هر دو رهیافت را در نظر می‌گیرند.

تصمیم به استفاده از رهیافت سهمیه‌بندی باید در پی بررسی‌های دقیق اوضاع و احوال حاکم بر هر جامعه گرفته شود، ازجمله بررسی نهادهای سیاسی، قانون اساسی، قوانین انتخاباتی ایالتی، فدرال، و محلی. بر اساس چنین بررسی‌هایی است که می‌توان مطمئن شد چه نوع سهمیه‌بندی، در کدام سطح، در چه نوع انتخابات و رأی‌گیری‌هایی و برای چه مدتی مناسب خواهد بود.

به اعتباری می‌توان گفت هدف این بررسی‌ها شناختن ماهیت ساختارهای سیاسی، حقوق و آزادی‌های شهروندان، نظام انتخاباتی، ساختار احزاب سیاسی و اعتقادات فرهنگی جامعه در بارهٔ برابری زن و مرد است. چنین رهیافتی به هر جامعه اجازه می‌دهد از آن گونه سهمیه‌بندی بهره‌جویی کند که بهترین راه‌حل برای دشواری‌های موجود در راه مشارکت بیشتر زنان در عرصهٔ سیاسی باشد. بهره‌جویی از رهیافت‌های کارآ میزان مناسب برابری جنسیتی و آگاهی‌های سیاسی جامعه را به آن سطح از توسعهٔ سیاسی و دموکراتیک برمی‌کشد که ادامهٔ حضور زنان را در نهادهای سیاسی تضمین کند. هنگامی‌که جامعه به چنین حدّی از رشد و آگاهی سیاسی و دموکراتیک رسید نیازی به دامهٔ سهمیه‌بندی نخواهد بود. بهره‌جویی از این ابزار، همچون استفادهٔ یک بیمار از عصا، کاری استثنایی و کوتاه‌مدت برای اصلاح وضعی نابهنجار است.

نظام انتخاباتی هر کشوری تعیین کنندهٔ قوانین و قواعد ناظر بر تثبیت و تداوم اصول

دموکراتیک در آن کشور است. بر پایهٔ همین قوانین و قواعد مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون، یا بیشتر و پررنگ‌تر می‌شود یا، به عکس، رنگ می‌بازد. بنابراین، بررسی دقیق تأثیر نظام‌های انتخاباتی بر میزان مشارکت زنان در سیاست کاری ضروری است. گرچه ملاک مشخصی برای تعیین سهمیه‌بندی مناسب نظام انتخاباتی و رأی‌گیری وجود ندارد، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که سهمیه‌بندی هنگامی‌به بهترین نتیجه می‌رسد که یک نظام انتخاباتی چند مرحله‌ای از آن بهره جوید. (موسسهٔ آموزش و تحقیقات بین‌المللی برای پیشرفت زنان وابسته به سازمان ملل (UN-INSTRAW) در حال حاضر مشغول طراحی الگویی است که بتوان از آن برای تجزیه و تحلیل نظام‌های انتخاباتی از دیدگاه جنسیتی و نیز برای ارزیابی تأثیر هر نظام انتخاباتی بر مشارکت زنان در سیاست بهره جست.)

هدف نظام انتخابات درصدی تعیین تعداد کرسی‌ها بر پایهٔ میزان آراء داده شده است تا نامزدانی که - به عضویت مجلس ملی یا شوراهای شهرها – انتخاب می‌شوند معرّف عقاید همهٔ رأی‌دهندگان باشند و نه اکثریت آنان. در این نظام، هر حزب سیاسی، فهرستی از نامزدهای انتخاباتی خود را ارائه می‌دهد و به تناسب درصد آرائی که به فهرست نامزدهایش داده شده است به کرسی‌های مجلس قانونگذاری یا شورای شهر دست می‌یابد. این نظام انتخاباتی منصفانه‌ترین و دموکراتیک‌ترین نظام‌هاست. بنا به گفته برخی از مفسّران چون موهولونگو مالومالو، و فِگالی، این شیوهٔ انتخاب در بیشتر کشورهای دموکراتیک غربی رایج است (٪ ۶۴) و نیز در آمریکای لاتین و در برخی از کشورهای آفریقایی ٪۲۶.۴.

رأی‌گیری یک مرحله‌ای کهن‌ترین و نیز ساده‌ترین روش رأی‌گیری است. در این رأی‌گیری کرسی‌ها نصیب نامزدهایی می‌شود که اکثریت مطلق یا نسبی مجموع رأی‌های داده شده را به دست آورند. در چنین نظام انتخاباتی نامزدان احزاب کوچک بخت چندانی برای موفقیت ندارند و مجلس زادهٔ چنین انتخاباتی نیز نمی‌تواند نماینده و معرّف واقعی کل رأی‌دهندگان باشد. بهره‌جویی از سهمیه‌بندی در این نظام‌ها نیز تأثیر چندانی برای افزایش درصد نمایندگان زن ندارد.

پ) نمونه‌هایی از مصادیق بهره‌جویی از سهمیه‌بندی

از دیدگاه کمّی، آماری که از سوی برخی نهادهای بین‌المللی، از جمله اتحادیهٔ بین‌المجالس و طرح سهمیه‌بندی، جمع‌آوری شده حاکی از آن است که بهره‌جویی از سهمیه‌بندی در افزایش شمار زنان در عرصهٔ سیاسی و به ویژه در خدمات دولتی نقشی قابل ملاحظه داشته است. حضور ملموس زنان در نهادهای عمدهٔ دولتی را نیز باید نشانه‌ای از حرکت به سوی مدرنیته شمرد. هنوز روشن نیست که این جنبش پیشگامانه تا کی ادامه خواهد یافت. مشارکت زنان در عرصهٔ سیاسی هرچه بیشتر شود از تازگی و کشش جنبش نیز کاسته خواهد شد. در عوض، و در درازمدت، زنان راه‌های تازه‌ای برای بهره‌جویی از قدرت سیاسی خواهند یافت. بر پایهٔ گزارش «زنان سازمان ملل متحد» دو نسل طول خواهد کشید تا در کشورهای در حال توسعه شمار زنان در عرصهٔ سیاسی به ۴۰ درصد کل شرکت کنندگان در این عرصه رسد. این گزارش معرّف کندی پیشرفت زنان در راه برابری با مردان در عرصهٔ سیاست است. به پیش‌بینی «زنان سازمان ملل متحد» تا سال ۲۰۱۵ تنها در چند کشور حضور زنان در مجالس قانونگذاری به ٪۳۰ کل نمایندگان، که حد بهینه باشد، خواهد رسید. در کشورهای در حال توسعه، امّا، ۴۰ سال طول خواهد کشید تا برابری زن و مرد در عرصهٔ سیاسی تحقق یابد. در سپتامبر ۲۰۰۹، شمار نمایندگان زن در مجالس قانونگذاری کشورهای جهان اندکی بیشتر از ٪ ۱۸ کل نمایندگان بوده است. در همین سال، تنها هفت زن در مقام ریاست دولت کشورهای خود قرار داشته‌اند. در کشورهایی که از هیچ نوع

سهمیه‌بندی بهره‌جویی نکرده‌اند حضور زنان در عرصه‌های سیاسی بسیار کندتر از کشورهایی است که از نوعی سهمیه‌بندی استفاده می‌کرده‌اند.

علاوه بر این، باید آثار سهمیه‌بندی را نه تنها از جنبه کمّی، بلکه از بُعد کیفی هم در نظر گرفت. در این زمینه، امّا، آمار قابل توجهی در دسترس نیست. بررسی اثرات محدود کننده سهمیه‌بندی نیز جالب به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه اثر «سقف شیشه‌ای یا دیده نشدنی» است که دسترسی زنان به مقام‌های بالای سیاسی را به سقف ٪۳۰ محدود می‌کند. به سخن دیگر، با گذاشتن چنین سقفی، حضور زنان در عرصه‌های بالای تصمیم‌گیری سیاسی از این حد بیشتر ممکن نخواهد بود. برای حل این مشکل، برخی از کشورها به سهمیه‌بندی مردان و زنان، هردو، روی آورده‌اند. این نوع سهمیه‌بندی که زنان اجازه دسترسی را به همهٔ مقام‌ها دارند برابری آن‌ها با مردان، در نهایت امر، ممکن خواهد شد. این سهمیه‌بندی است که کشور سوئد از آن استفاده می‌کند و بر این اصل استوار است که: «یکی از هر دو کاندیدا باید زن باشد». این اصل به هر یک از دو جنس اجازه می‌دهد تا نزدیک به ٪۵۰ از مقام‌های بالای تصمیم‌گیری را از آن خود کنند بی‌آن‌که در نظر عموم مردم سهمیه‌بندی محدود کننده‌ای جلوه کند.

باید اضافه کرد که گرچه سهمیه‌بندی راه‌حلّی ریاضی است تمام موانع موجود در راه دستیابی زنان به برابری سیاسی را نمی‌تواند از میان بردارد. بنابراین، برای ایجاد تغییر پایدار در جامعه، سهمیه‌بندی باید با دو نوع حرکت دیگر همراه باشد: نخست، جامعه مدنی باید به گونه‌ای رشد کند که بتواند زنان را به مشارکت سیاسی برابر با مردان یاری رساند. دوّم، زنان نیز باید دامنهٔ فعالیت‌های سیاسی خویش را گسترش دهند. چنین فعالیت‌هایی می‌تواند به اَشکال مختلف باشد از قبیل تصدّی یک پُست سیاسی، اعلام مواضع و نظرهای سیاسی، درخواست زنان متعلق به احزاب سیاسی برای اِعمال سهمیه‌بندی در گزینش‌ها و انتخابات درون حزبی، خودداری از حمایت از سیاستگرانی که به برابری زن و مرد اهمیتی نمی‌دهند، بیرون رفتن از احزاب و سازمان‌هایی که اصل مساوات برابری زن و مرد را به اجرا نمی‌گذارند، و نیز ایجاد حزب‌های سیاسی که اصل برابری همهٔ اعضا سنگ بنایشان باشد. زنان باید درعمل ارادهٔ سیاسی خویش را ثابت کنند و در این راه نخستین گام می‌تواند خودداری از رأی دادن به نامزدان احزابی باشد که به اصل برابری جنسیتی احترام نمی‌گذارند. مثال کشورهای اسکاندیناوی، که موفق شده‌اند با بهره‌جویی بسیار اندک از شیوهٔ سهمیه‌بندی برابری جنسیتی را تأمین کنند، دالّ بر اهمیت بسیج کردن جامعهٔ مدنی و تقویت ارادهٔ سیاسی زنان در راه پیشرفت‌شان به سوی مشارکت همه جانبه در عرصهٔ سیاسی است.

با توجه به تجربیات مثبتی که برخی از احزاب سیاسی در راه رسیدن به برابری جنسیتی داشته‌اند، می‌توان از برخی فعالیت‌هایی یاد کرد که در این زمینه در کشورهای گوناگون جهان روی داده است از جمله: ایجاد شاخهٔ زنان در احزاب سیاسی، ارائه کمک‌های آموزشی و مالی به نامزدهای زن برای برگزار کردن کمپین‌های موفق؛ ایجاد فضاهایی که زنان بتوانند با بهره‌جویی از آن‌ها به اِعمال فشار سیاسی و تبادل آراء در بارهٔ مسائل سیاسی بپردازند؛ زمان‌بندی جلسات به گونه‌ای که برای زنان امکان شرکت در آنها وجود داشته باشد؛ ایجاد هیئتی برای تجزیه و تحلیل ایدئولوژی، برنامه‌کار، و آیین‌نامه‌های حزب، و اطمینان از سازگاری آن‌ها با اصل برابری جنسیتی؛ نهادینه کردن خطّ مشی‌های مربوط به برابری اعضای حزب؛ و ارزیابی ماهیت دموکراتیک فرآیندهای داخل حزب برای گزینش نامزدهای حزب در عرصهٔ سیاست.

۳. کارنامۀ سهمیه‌بندی در برخی از کشورهای جهان: برابری از راه سهمیه‌بندی و یا بدون آن

الف) جهان عرب

همانگونه که حِبا ناصر عضو «زنان سازمان ملل متحد» در گزارش کنفرانس مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب که در دسامبر ۲۰۰۹ در بیروت برگزار شد، تأکید کرده، مشارکت زنان جوامع عرب در امور سیاسی در کمترین حدّ مشارکت زنان در جهان است و در میانگین این مشارکت تجلی می‌یابد که داشتن تنها ٪۹ کرسی‌های مجالس‌های قانونگذاری در این جوامع باشد. بنابر گزارش «برنامۀ توسعۀ سازمان ملل متحد» در بارۀ توسعه انسانی سال ۲۰۰۶، حضور کمرنگ زنان در عرصۀ سیاسی جوامع عرب به عنوان دلیل اصلی برای عقب‌ماندگی رشد و گسترش در این کشورها عنوان شده است. در سال ۲۰۰۹، شمار کرسی‌های مجالس کشورهای عربی (لیبی، عمان، لبنان، الجزیره، مصر، مراکش، یمن، و جزایر کامرو) که به زنان اختصاص داشت، هنوز به ٪۱۰ هم نمی‌رسید. در کشورهای قطر، عربستان سعودی، کویت، فلسطین، و سومالی، هنوز هیچ زنی به نمایندگی مجلس، یا شورای عالی تصمیم‌گیری نرسیده است. حِبا ناصر این وضع را ناشی از عوامل گوناگون می‌داند از جمله فرهنگ مردسالارانه و گاه قومی و نیز فرقه‌گرایی مذهبی که بر برخی از جوامع عرب حاکم است. مجموع این عوامل نه تنها حق انحصاری گزینش نامزدهای انتخاباتی را در اختیار رؤسای قبایل قرار داده بلکه کلیشه‌ها و اعتقادات سنّتی را در مورد نقش زنان عرب نیز همچنان در اذهان عمومی‌زنده نگه داشته است. به این ترتیب در بسیاری از جوامع عرب نقش زن هنوز به زندگی خانگی و تربیت فرزندان محدود مانده است و مشارکت زنان در عرصۀ سیاسی از رسیدن به مقام‌های میانی در نهادهای دولتی و تصمیم‌گیری تجاوز نمی‌کند.

تصویب میثاق محو انواع تبعیض علیه زنان از سوی ۱۹ دولت عرب نشان تعهدی است که آنها نسبت به پذیرفتن حقوق و برابری زنان احساس می‌کنند. با این همه، بسیاری از این دولت‌ها تأمین این حقوق و آزادی‌ها را چنان مشروط کرده‌اند که در عمل میثاق به سندی بی‌مایه و معنا تبدیل شده است. در این میان، لیبی، تونس، و مراکش، پروتکل اختیاری میثاق را تصویب کرده‌اند.

با این همه، باید به پدیده‌ها و تحولاتی نیز توجه کرد که نشان گرایش سیاسی برخی از دولت‌های عرب به برکشیدن جامعه به مرحله‌ای است که در آن نقش بارزتری برای زنان پذیرفته می‌شود. برخی از این پدیده‌ها و تحولات عبارت‌اند از:

- پیدایش «فمینیسم دولتی» از راه ایجاد کمیسیون‌های ملی زنان. این کمیسیون‌ها در بسیاری از کشورهای عرب برای توانمند کردن زنان تشکیل شده است. می‌توان از مصر در سال ۲۰۰۰، و بحرین (شورای عالی زنان بحرین) در سال ۲۰۰۱، به عنوان مثال‌هایی در این زمینه نام برد. انتقادی که بر فمینیسم دولتی وارد می‌شود ناشی از ساختار تصنّعی آن است که تنها نمایی از یک جامعۀ مدرن ارائه می‌دهد بی آن‌که در آن تعهدی جدی نسبت به تأمین حقوق زنان وجود داشته باشد. کاستی دیگر این نوع فمینیسم گرایش آن به محدودکردن و جهت بخشیدن به پیشرفت زنان است. با این همه، نمی‌توان انکار کرد که سوای انگیزه‌های واقعی دولت‌ها، زنان از وجود چنین سازمان‌هایی بهره می‌برند؛
- حضور فعالانه بعضی کشورهای عربی در کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بارۀ جنسیت و راه‌های افزایش نقش زنان؛

- پذیرفتن حقّ رأی همگانی در بیشتر کشورهای عربی؛
- بهره‌جویی از سهمیه‌بندی (الجزیره، جیبوتی، مراکش، اردن، تونس، سودان، فلسطین، مصر، موریتانی، و عراق)؛
- توفیق در کار صلاح قوانین در برخی از کشورها، حذف قوانین تبعیض‌آمیزعلیه زنان و جایگزین کردن آنها با قوانین مساعد به تأمین برابری جنسیتی.

برای کارآتر کردن این گونه کارها و گام‌ها ضروری است که آگاهی‌های مربوط به حقوق زنان در یک کمپین آگاهی‌رسانی محلی و ملی منتشر شود تا زنان به انواع آزادی‌ها و حقوقشان آشنا شوند و، سوای هر تعلق طبقاتی، بکوشند تا از آن‌ها بهره‌مند شوند.

افزون بر برداشتن این گونه گام‌های مثبت، در برخی از کشورهای عرب (مصر، عراق، اردن، لبنان، فلسطین، و سوریه) به ابتکاراتی دست زده‌اند که مشارکت سیاسی زنان را افزایش دهد و تثبیت کند. از جمله سازمان‌دهی سرویس‌های رفت و آمد زنان به نقاط رأی‌گیری، همکاری با سازمان‌های زنان، و رهبران مرد، برای افزایش سطح آگاهی زنان در بارهٔ حق رأی دادن، دسترسی بیشتر به دانش‌ها و تخصص‌ها، ارتباط دادن زنان جامعه با نمایندگان زن مجلس یا نمایندگان مردی که به حمایت از حقوق زنان می‌پردازند تا با قواعد و شیوه‌های جاری در عرصهٔ سیاست آشنا شوند.

به عنوان نمونه، به وضع سهمیه‌بندی در کشورهای مراکش، بحرین، اردن، مصر، و لبنان می‌پردازیم.

مراکش

در مراکش، اصل برابری جنسیتی در قانون اساسی سال ۱۹۶۲ به رسمیت شناخته شده است. با این وجود و علیرغم این‌که دولت میثاق محو تبعیض را در سال ۱۹۹۳ و پروتکل اختیاری را در سال ۲۰۰۶ امضا و تصویب کرده است، حضور زنان در عرصهٔ سیاسی در سال ۲۰۰۹، هنوز از ٪۱۰.۵، که میانگین کشورهای عرب است، بالاتر نرفته بود.

با این همه، پس از رسیدن محمد ششم به پادشاهی در سال ۱۹۹۹، دولت مراکش همواره در عمل بر تعهد سیاسی‌اش نسبت به گسترش برابری جنسیتی و شایسته‌سالاری وفادار مانده است. به اعتقاد هـ. علیمی مچیچی، استاد علوم سیاسی در دانشکده حقوق کازابلانکا، آغاز گفت‌وگو در بارهٔ اصل برابری جنسیتی در عرصهٔ سیاست به پیامدهای مثبتی انجامیده است. نخست تأکید بر نقشی که روابط اجتماعی و خانودگی سنّتی در تثبیت نابرابری‌های جنسیتی داشته‌اند. دو دیگر، نمایان شدن تفاوت‌ها بین دیدگاه‌های نوگرا (مدرنیست) و اسلامگرا. و سرانجام، آشکار شدن وضع مبهم نقش زنان در جامعه مراکش.

رهیافت مبتکرانهٔ دولت مراکش در زمینه‌های یادشده، بخشی است از یک برنامهٔ جامع ملّی برای استقرار دموکراسی، مدرنیزه کردن نظام اقتصادی کشور، و توسعهٔ نیروی انسانی که خود منجر به اجرای سهمیه‌بندی ۱۲ درصدی برای زنان در انتخابات محلی سال ۲۰۰۲ شد. این تحولات برای زنان مراکش، گامی به پیش است و نیز بدون شک نشان علاقه‌ای روزافزون به حضور هرچه بیشتر آن در نهادهای سیاسی کشور. علاقه دولت به پیشبرد وضع زنان هنگامی آشکارتر شد که دولت تحفظاتی را که هنگام الحاق مراکش به میثاق محو انواع تبعیض در نظر گرفته بود لغو کرد. افزون براین، دولت مراکش در سال ۲۰۰۴، به بازنگری در قوانین خانواده

(مدوّنه)، و در سال ۲۰۰۷، به اصلاح قانون تابعیت پرداخت. در سال ۲۰۰۵ نیز دولت مراکش برای جلوگیری از خشونت علیه زنان به اجرای راهبردی سراسری در کشور پرداخت، و در سال ۲۰۰۶، راهبرد دیگری نیز برای گسترش برابری جنسیتی از راه گنجاندن مسائل جنسیتی در سیاست‌های عمومی و برنامه‌های توسعه عرضه کرد و به این ترتیب تمایلش را ورود زنان به بخش عمومی شد تأیید کرد.

الن روسییون، و فاطمه زهرا زریویی، نویسندگان کتاب *زن بودن در مصر، مراکش، و اردن*، معتقدند هنگامی‌که فمینست‌های مراکشی برای نخستین بار فعالیت‌های خود را آغاز کردند تلاش‌هایشان محدود و محلی بود و به موفقیت‌های اندکی انجامید زیرا از نخبگان و سرآمدان جامعه و در پی دستیابی به موقعیت‌های سیاسی و رسیدن به قدرت بودند، و نه بهتر کردن شرایط زندگی زنان طبقهٔ کارگر. با این همه، این جنبش‌ها در سراسر جامعه مراکش تحرکی تازه یافته‌اند. انجمن دموکراسی زنان مراکش نیز در این زمینه نقش موثری بازی کرده است. این سازمان در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد و از راه برگزاری سمینار، کنفرانس، و مناظره به گسترش و تثبیت فرهنگ برابری جنسیتی تلاش می‌کند. این انجمن در همکاری با جنبش حقوق زنان به انتشار بحث‌ها و گفت‌وگویی‌هایی دست زد که در بارهٔ حضور زنان در مجلس درگرفته بود. درعین حال، تمرکز انجمن بر خواست‌های مشخص و کمیت‌پذیر به پذیرفتن شیوهٔ سهمیه‌بندی در انتخابات انجامید.

انجمن هم‌چنین با فعالیت در سطح حقوقی و سیاسی در پی اجرای اصول مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی است تا در نهایت امر بین شمار کل زنان کشور از سویی و شمار نامزدان زن احزاب و زنانی که به مقام‌های مهم دولتی دست یافته‌اند، از سوی دیگر، توازنی برقرار شود. همراه با شبکه‌ها و انجمن‌های گوناگون زنان، انجمن دموکراسی شانه به شانه با احزاب سیاسی نیز همکاری می‌کند و به حمایت از گام‌ها و برنامه‌هایی می‌پردازد که به زنان امکان رسیدن به مقام‌های بالای حزبی دهند.

سرانجام، افزایش قابل توجه در تعداد زنان در عرصه‌های سیاسی این کشور، نباید به کمرنگ شدن تلاش سیاست‌گرانی بینجامد که از تطبیق دادن هرچه بیشتر قوانین کشور با اصول میثاق‌های بین‌المللی پشتیبانی می‌کنند. تلاش‌های جامعه مراکش نیز در راه گسترش آموزش مدرن نباید سست شود زیرا چنین آموزشی هم به سود زنانی است که در آستانهٔ ورود به عرصه سیاسی‌اند و هم جامعه را به سوی برقراری دموکراسی برابری محود بر می‌کشد.

بحرین

همان گونه که اشاره شد، مشارکت زنان خاورمیانه در سیاست یکسان نیست. در بحرین، دولت با ایجاد شورای عالی زنان در سال ۲۰۰۱، و نیز با پذیرش مشروط میثاق رفع انواع تبعیض در سال ۲۰۰۲، گامی‌به پیش برداشت، هرچند مشروط کردن میثاق، برای سازگار شدنش با ارزش‌ها و احکام اسلامی، از قوت آن می‌کاست. با همهٔ این محدودیت‌ها، تصویب میثاق خود موفقیتی برای زنان بحرین به شمار آمد. در سال ۲۰۰۲، زنان به حق رأی دادن دست یافتند و سرانجام در سال بعد توانستند در انتخابات عمومی شرکت کنند. این پیروزی بزرگی بود برای کوشندگان حقوق زنان و در واقع انقلابی بود به سود زنان. با این همه، در غیبت نظام سهمیه‌بندی یا امتیازات خاص برای زنان، زنان بحرین تنها ٪۲.۵ از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص داده‌اند.

کمپین «برابری نامشروط» در نوامبر ۲۰۰۸ به راه افتاد و کنفرانس‌هایی در بارهٔ جایگاه زنان در جامعه برگزار شد. قطعا این تحولات معرّف پیشرفت ملموس حقوق زنان در بحرین باید به شمار آید. امّا، موفقیت‌ها همچنان اندک‌اند به ویژه با در نظر گرفتن این که هنوز حتّی قانون

خانوادهٔ واحدی در این کشور وجود ندارد. تا تأمین کامل حقوق زنان در بحرین راه درازی در پیش است.

اردن

خانواده سلطنتی اردن، تمایلش را برای مدرن شدن جامعه و تشویق و تقویت مشارکت زنان در سیاست، آشکارا نشان داده است. زنان اردن از سال ۱۹۷۴ به حق رأی دادن دست یافته‌اند و میثاق رفع تبعیض از زنان در سال ۱۹۹۳به گونه‌ای مشروط پذیرفته شد. در حال حاضر زنان اردن ۶.۳۶٪ از کرسی‌های مجلس این کشور را اشغال کرده‌اند که، در مقایسه با وضع دیگر جوامع عرب، درصد قابل توجهی به شمار می‌آید. این مشارکت حاصل بهره‌جویی از نظام سهمیه‌بندی از سال ۲۰۰۳ به بعد است. هیئت ملی زنان اردن که در سال ۱۹۹۳ ایجاد شده، برای ارائهٔ برنامه‌های مساعد به حقوق زنان گام‌های مؤثری برداشته است. مسئولیت طراحی یک راهبرد کارآ برای تأمین منافع زنان اردن نیز بر دوش این هیئت قرار گرفته است. نظام سهمیه‌بندی، پس از انجام برنامه‌های گوناگون و برگزاری جلسات گفت‌وگو برای گسترش آگاهی عمومی و تشویق دولت، در سال ۲۰۰۳ به اجماع پذیرفته شد. این برنامه‌ها شامل برگزاری چند سمینار، انجام یک همه‌پرسی در سال ۱۹۹۵، که نشان می‌داد ۲۰ حزب از ۳۳ حزب کشور با سهمیه‌بندی موافق‌اند، و نیز تهیه طوماری در پشتیبانی از سهمیه‌بندی با ۱۵هزار امضا بود که کمیته‌ای مرکب از سازمان‌های غیردولتی‌ی هوادار سهمیه‌بندی مسئولیت تکمیل آن را برعهده داشت.

در این سهمیه‌بندی شش کرسی پارلمان به زنان اختصاص یافته است. این کرسی‌ها از آن نامزدهایی است که به درصد معینی از آراء حوزه‌های انتخابی خود دست می‌یابند. البته این شش کرسی حداقلی است که قانون به زنان اختصاص داده است. اگر نامزدهای زن در حوزه‌های انتخاباتی آرائی بیشتر از آراء نامزدهای مرد دریافت کنند به کرسی‌های بیشتری در مجلس دست خواهند یافت که در شمار کرسی‌های مختص زنان به حساب نخواهد آمد.

نظام انتخاباتی اردن نظامی پیچیده است زیرا سوای کرسی‌های سهم زنان، شماری از کرسی‌ها به اقلیت‌های مسیحی، چچنی، مسلمانان قفقاز، و بادیه‌نشینان نیز اختصاص داده شده است. افزون براین، وسعت حوزه‌های انتخاباتی بر پایهٔ ملاک‌های متعارف از قبیل شمار جمعیت یا تعداد رأی‌دهندگان هر حوزه، معین نمی‌شود. شمار کرسی‌های هر حوزه، بر پایهٔ سهمیه کرسی زنان، بین یک تا پنج است.

این نظام انتخاباتی برای زنان امتیازات متعدد دارد. نخست این که بسته نیست، یعنی زنان را محدود به شش کرسی تعیین شده در قانون نمی‌کند. دوم، زنان برخلاف اقلیت‌های مسیحی، چچنی، مسلمانان قفقاز، و بدوی‌ها، محدود به کرسی‌های از قبل تعریف شده نیستند. و سرانجام، سهیمه زنان، جدا از سایر سهمیه‌هاست و بنابراین، اگر یک زن بدوی انتخاب شود کرسی وی از سهمیه اقلیت‌ها کم نخواهد شد.

مهم‌ترین نقص این نظام کم بودن کرسی‌هایی است که قانون به زنان اختصاص داده. شش کرسی تنها ۵.۵٪ کل کرسی‌های مجلس است و این خود از دلایل پایین بودن درصد زنان (۶.۳۶٪) در مجلس به شمار می‌آید. افزون بر این، نظام انتخاباتی سهمیه‌ای همراه با توزیع نابرابر نامزدهای زن درکشور، از سویی، مانع حضور نمایندگان زن در مجلس در حدی است که معرف نسبت جمعیت زن به مرد باشد و، از سوی دیگر، حتی انتخاب شدن نامزدان زن را در مناطق پرجمعیت شهری دشوارتر می‌کند. برای افزایش مشارکت زنان، باید تعداد کرسی‌هایی که به آنان اختصاص داده شده است به دو برابر میزان فعلی افزایش یابد و احزاب سیاسی موظف به رعایت سهمیهٔ حداقل برای نامزدهای زن و بهره‌جویی از نظام رأی‌گیری نسبی شوند.

به هر حال، واقعیت این است که دولت اردن، مصمّم به پیشبرد حقوق زنان و تغییر دیدگاه‌های سنّتی شده. رویدادها و تحولات گوناگون نشان جدّی بودن این تصمیم‌اند از جمله: پس گرفتن محدودیت‌هایی که دولت هنگام پذیرفتن میثاق رفع تبعیض بر این میثاق منظور کرده بود؛ تصویب قانون پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز خانوادگی»(۲۰۰۸)؛ اعلام حمایت وزارت دادگستری اردن، از برنامه‌های تعلیم قضاوت به زنان با هدف تربیت ۴۰٪ قاضی زن در طی ۱۰ سال؛ و پذیرفتن میزبانی دومین کنفرانس منطقه‌ای در بارهٔ «برابری بدون شرط» در مه ۲۰۰۹.

مصر

در سال ۲۰۰۹، تنها ۱.۸٪ از نمایندگان مجلس کشور مصر به زنان اختصاص داشت و در نتیجه این کشور در شمار کشورهایی شناخته شد که کمترین نمایندگان زن را در جهان دارد. با این همه، دولت مصر در سال ۱۹۸۱ میثاق رفع تبعیض را پذیرفت، و نخستین دولت عرب بود که در قانون اساسی‌اش (۱۹٥٦) حقوق سیاسی برای زنان به رسمیت شناخت. از انقلاب ۱۹۱۹ به بعد زنان مصر همواره به تشریح و اصرار بر تأمین خواست‌هایشان پرداخته‌اند. در واقع، نوعی نظام سهمیه‌بندی موقتی در این کشور رعایت شده بود. درعین حال که قوانین اساسی تصویب شده در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۷۱ به تصریح اصل برابری حقوق همهٔ شهروندان کشور را، ورای جنسیتشان، به رسمیت شناخته بودند، دو قانون در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ تصریح کردند که ۳۰٪ کرسی‌های مجلس ملی مصر به زنان اختصاص خواهد داشت. نظام سهمیه‌بندی به تدریج بر شمار نمایندگان زن در مجلس افزود و در نتیجه در سال ۱۹۷۹ زنان ۹٪ نمایندگان آن بودند رقمی‌که هم برای مصر و هم برای خاورمیانه بی‌سابقه بود. این پیروزی، امّا، دیر نپایید و به‌زودی نبردی برای برکناری زنان از مجلس آغاز شد. در نتیجه، در سال ۱۹۸۶، دیوان عالی قانون اساسی، قانون ۱۹۷۹ را لغو کرد و به این ترتیب نظام سهمیه‌بندی نیزغیرقانونی شمرده شد. انگیزه واقعی دیوان عالی در لغو کردن این قانون، به غیرقانونی بودن نظام انتخاباتی بازمی‌گشت. بر اساس قانون لغو شده، تنها احزاب سیاسی می‌توانستند فهرست نامزدان انتخاباتی خود را منتشر کنند و به این ترتیب نامزدهای مستقل از شرکت در انتخابات محروم می‌شدند. این شیوهٔ انتخاباتی ناقض اصل برابری فرصت بین اعضای احزاب، از سویی، و نامزدهای مستقل و غیرحزبی، از سوی دیگر، بود. ماده ۳ قانون، که تعداد مشخصی از کرسی‌ها را به زنان اختصاص می‌داد، به خودی خود آماج انتقاد قرار نگرفت اما در هر حال لغو شد. در توجیه این تصمیم، برخی ازمفسرین ادعا می‌کردند که اختصاص دادن شمار معینی از کرسی‌های مجلس به زنان خود تبعیضی است علیه مردان.

سرانجام، با کمک شورای ملّی زنان و نهادهای گوناگون، موج تازه‌ای در هواداری از حضور زنان در سیاست بالا گرفت و مشوّق زنان به ثبت‌نام برای رأی دادن و نامزد انتخاب شدن گردید. سمینارهای آموزشی و کمیته‌های گوناگون برای تشویق‌شان به شرکت در انتخابات نیز شکل گرفت. به این ترتیب، تقاضای بهره‌جویی از سهمیه‌بندی بار دیگر مطرح شد. هدف این تقاضا اختصاص دادن ۱۲ درصد از کرسی‌های مجلس به زنان بود. این درخواست بر مبنای تفسیر تازه‌ای از اصل برابری حقوق و امکانات زن و مرد، مصرّح در قانون اساسی ۱۹۷۹، میثاق رفع تبعیض و نیز اعلامیه اسکندریه (۱۵ مارس ۱۹۸۴)، عنوان می‌شد.

در سال ۲۰۰۷، این گونه فعالیت‌ها و مطالبات سرانجام دولت مصر را به افزودن متممی به ماده ٦۲ قانون اساسی واداشت. هدف، تقویت قوهٔ مقننه و اصلاح نظام انتخاباتی بود تا احزاب سیاسی نمایندگان بیشتری در مجلس ملّی و شورا داشته باشند و زنان نیز، با بهره‌جویی از سهمیه‌بندی، نقش بیشتری در عرصهٔ سیاست ایفا کنند. متمم ماده ۶۲، حداقلی از کرسی‌های مجلس

را برای زنان تعیین نکرده است. امّا، پس از انتخابات اخیر، شمار نمایندگان زن در پارلمان افزایش قابل توجهی یافته و از ٪ ۲ در سال ۲۰۰۵ به ٪۱۱ در سال ۲۰۰۹ رسیده است.

وضع مصر می‌تواند، از سویی، نشان‌دهنده تأثیر مثبت سهمیه‌بندی بر حضور زنان در سیاست باشد، و، از سوی دیگر معرّف آثار منفی حذف این شیوهٔ انتخاباتی. بنابراین، مطلوب آن است که این شیوه‌ها و تدابیر مثبت برجای بمانند تا آن هنگام که موانع فرهنگی که از حضور زنان در عرصهٔ سیاسی جلوگیری می‌کنند ریشه‌کن شوند و برابری جنسیتی کامل در جامعه به دست آید.

لبنان

وضع لبنان در کشورهای مشرق، از نظر تاریخی و گونه‌گونی فرهنگی و مذهبی، و شأن و مقام زنان در جامعه، بی‌همتاست. در واقع، در بند پ مقدمه قانون اساسی و مادهٔ ۷ قانون اساسی این کشور، بر اصل برابری حقوق همهٔ شهروندان کشور، فراسوی جنسیت آنان تصریح شده است. افزون بر این، دولت لبنان اسناد بین‌المللی در بارهٔ حقوق بشر، به ویژه میثاق رفع تبعیض، را پذیرفته و اعتقادش را به اصل برابری مردان و زنان نشان داده است.

با این همه، هنوز درصد اندکی از زنان لبنان در عرصهٔ سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیری شرکت دارند. به عنوان نمونه، تنها ٪۳.۲ از نمایندگان مجلس این کشور، زن‌اند در حالی که زنان ٪۳۰ از نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند و تعداد زنان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها بیشتر از مردان است.

وضع لبنان را، همانند دیگر کشورهای عرب، می‌توان معّرف یک ساختار اجتماعی مردسالار دانست. به گفتهٔ لامیه عًصیران، عضو کمیسیون ملّی زنان لبنان، مانع اصلی بر سر راه حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، فرقه‌گرایی خانوادگی است که حکومت این کشور بر آن مبنا شکل گرفته. در این نظام، قدرت در اختیار اعضای مردِ تعداد اندکی از خانواده‌های سیاسی و قدرتمند است. برای حل این مشکل، سازمان‌های زنان همراه با کمیسیون ملّی زنان لبنان، در حال اتخاذ تدبیرهای مساعد به حقوق زنان بوده‌اند از آن جمله برپاکردن کارگاه‌های آموزشی، شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی در بارهٔ حقوق زنان و سهمیه‌بندی برای زنان (در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، و ۲۰۰۴). در سال ۲۰۰۵، لایحه‌ای برای اختصاص دادن ۴۰ درصد از کرسی‌های مجلس به زنان، با بهره‌جویی از شیوهٔ انتخاباتی نسبی، و نیز اختصاص سهمیه‌ای ۳۰ درصدی به زنانی که در فهرست نامزدهای احزاب جای می‌گرفتند، به تصویب نرسید.

در حال حاضر هنوز هم هیچ سهمیه‌ای برای زنان در لبنان در نظر گرفته نشده است و سهمیه‌بندی‌های موجود در مورد گروه‌های گوناگون مذهبی اِعمال می‌شوند. با این همه، همان گونه که مِری نصیف-دِبس توضیح داده است، اکثر نمایندگان سیاسی، سهمیه‌بندی برای زنان را مورد انتقاد قرار داده‌اند زیرا آن را توهین به زنان می‌شمارند و فراموش کرده‌اند که به قدرت رسیدن خودشان بر اساس سهمیه‌بندی‌هایی بود که در مورد گروه‌های مذهبی اجرا می‌شد.

برخی از کشورها از سهمیه‌بندی‌های جغرافیایی یا طبقاتی بهره می‌جویند. به اعتقاد درود دالروپ، استاد علوم سیاسی در دانشگاه استکهلم، برای لبنان کارآترین نوع سهمیه‌بندی همان است که در مجلس لبنان بر اساس انتخاب نمایندگان فرقه‌های مذهبی رایج است.

به گفته کمال فِقالی، نمایندهٔ مجلس لبنان و از طرّاحان لایحه ۲۰۰۵، شمار زنان در عرصهٔ سیاسی لبنان تنها در صورتی افزایش خواهد یافت که احزاب سیاسی، در تشکیلات و فعالیت‌های خود، متعهد به تبعیت از اصل برابری شوند و سهمیه‌بندی برای زنان را هنگام تعیین نامزدهای انتخاباتی خود رعایت کنند. به عقیدهٔ فقالی لازم است زنان خود بیشتر به فعالیت در عرصهٔ سیاسی بپردازند و با اِعمال فشار بر احزاب آن‌ها را وادار به طراحی و ارائهٔ برنامه‌های مساعد به

پیشرفت زنان سازند. راهبردی بلندمدت نیز ضروری است، که بر پایهٔ فعالیت‌های زنان و احزاب سیاسی، به افزایش سطح آگاهی جامعه در بارهٔ حقوق زنان بپردازد، نیروها را برای حمایت از سهمیه‌بندی دوگانه (هم برای فرقه‌های مذهبی و هم زنان) بسیج و نیز اصلاحات لازم در نظام انتخاباتی ممکن سازد.

دولت جدید لبنان، به ایجاد برابری بین فرقه‌های مذهبی، اجرای مقررات میثاق رفع تبعیض و اصلاح نظام انتخاباتی، متعهد به نظر می‌رسد. برای رسیدن به چنین هدف‌هایی دولت لبنان باید هویت سیاسی، مذهبی، و ساختاری لبنان را به روشنی تعریف کند تا برپایهٔ آن بتوان تشخیص داد کدام شیوهٔ رأی‌گیری (اکثریت آراء، اکثریت نسبی و یا ترکیبی از هردو) و در کدام حوزهٔ انتخاباتی، برای اجرای سهمیه‌بندی زنان و در نهایت امر تأمین برابری جنسیتی، مناسب‌تر است.

گرچه نویسندگانی چون احمد بیدون بر این باورند که اصل برابری شهروندان در یک رژیم دموکراتیک به آسانی نبود نظام سهمیه‌بندی فرقه‌ای را جبران می‌کند، چنین به نظر می‌رسد که ماهیت دموکراتیک رژیم به تنهایی برای تأمین برابری جنسیتی کافی نیست و در نتیجه ضروری است که برای تحقق این هدف از سهمیه‌بندی مؤثر نیز بهره‌جویی شود.

ب) سهمیه‌بندی در سایر کشورهای دنیا

الف) آسیا

آسیا در راه تأمین منافع زنان قاره‌ای پیشرو بوده است. در سال ۱۹۵۶، پاکستان سهمی بین پنج تا ده درصد کرسی‌های مجلس خود را به زنان اختصاص داد. بنگلادش نیز در دههٔ ۱۹۷۰ از سیاستی مشابه پیروی کرد. امروز هم بنگلادش و هم هند نظام سهمیه‌بندی قوانین اساسی خود را اجرا می‌کنند. در اندونزی، پاکستان، و چین، مجالس قانونگذاری نظام سهمیه‌بندی را تدوین و تصویب کرده‌اند. به نظر می‌رسد کشورهای آسیایی سهمیه‌بندی‌های قانونی و رسمی و اجباری را به سهمیه‌بندی‌های داوطلبانه - که احزاب سیاسی تعیین می‌کنند و در کشورهای اروپای غربی و برخی کشورهای رایج است - ترجیح می‌دهد.

هند

در هند بحث بر سر بهره‌جویی از سهمیه‌بندی برای زنان، در دهه ۱۹۲۰ شروع شد و در دههٔ ۱۹۵۰، همزمان با آغاز بحث در بارهٔ حمایت از طبقات محروم اجتماع، به ویژه «مطرودان» جامعه (castes) شتاب بیشتری گرفت. هند نمونه‌ای بارز از واکنش‌های متفاوت محلی و ملّی به نظام سهمیه‌بندی است. در سال ۱۹۹۳، در قالب برنامهٔ تقویت نظام فدرال در دورهٔ نخست وزیری رجیو گاندی، مجلس هند با الحاق متمّمی به قانون اساسی کشور سهمیهٔ زنان دو برابر شد و در نتیجه ٪۳۰ کرسی‌های مجلس به آنان، و تعدادی هم به «مطرودان» به نسبت شمارشان در هر استان اختصاص یافت. گرچه نظام سهمیه بندی ۲۰ تا ۳۰ درصدی زنان در شوراهای محلی با موفقیت انجام شده، امّا لایحهٔ تخصیص ٪۳۰ از کرسی‌های مجلس ملّی به زنان هنوز مورد بحث است.

سهمیه‌بندی دو گونه می‌تواند الهام‌بخش کشورهایی چون لبنان باشد. در این کشور جبران شمار ناچیز زنان در عرصهٔ سیاسی باید به نوعی صورت گیرد که با فرقه‌گرایی مذهبی جمعیت سازگار باشد. البته، در اجرای سهمیه‌بندی چند لایه‌ای نباید به دامی افتاد که مخالفان سهمیه‌بندی اغلب بر آن انگشت می‌گذارند و آن سهمیه‌بندی بیش از حد گوناگون است (سهمیه بر مبنای جنسیت، مذهب، منطقه جغرافیایی، اقوام، و غیره) که می‌تواند به ناهمگون شدن جامعه بینجامد .

پاکستان
در پاکستان سهمیه‌بندی ٪۳۳ مورد بهره‌جویی قرار گرفت که نه تنها به مشارکت بیشتر زنان در عرصهٔ سیاسی انجامید بلکه سبب شد گروه‌های محروم و مطرود جامعه نیز از راه نمایندگان خویش در شوراهای منطقه‌ای شرکت کنند. افزون براین، پاکستان، امکانات و فضاهای مناسب برای آموزش زنان و مردان علاقمند به شرکت در عرصهٔ سیاسی فراهم آورد تا حضورشان را در این عرصه تسهیل و تسریع کند.

تیمور شرقی
تیمور شرقی نمونهٔ مناسبی است از مشارکت گسترده زنان در اِعمال قدرت و نیز در برپاساختن نهادهای حکومت پس از دوران جنگ، بی آن که شیوه و مکانیزم مشخصی، همانند سهمیه‌بندی، برای مشارکتشان در نظر گرفته شود. در واقع، این مشارکت حاصل فعالیت مشترک شبکه‌ای قدرتمند از سازمان‌های زنان و شمار قابل توجهی از زنانی که در مقام‌های بالای تصمیم‌گیری قرار داشتند بود. در این میان، تأکید سازمان ملل متحد بر اصل برابری جنسیتی در عرصهٔ سیاسی، برنامه‌ریزی، و قانونگذاری نیز نقشی مهم داشت. امروز، بیش از سی درصد نمایندگان مجلس کشور تیمور شرقی و سه تن از ۹ وزیر دولت زن‌اند.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که در قاره آسیا در واقع دو گرایش در بارهٔ شیوهٔ افزایش مشارکت زنان در عرصهٔ سیاسی وجود دارد. نخست، بهره‌جویی از سهمیه‌بندی و دیگری اختصاص دادن تعداد معینی از کرسی‌های تصمیم‌گیری به زنان. مثال آسیا، همچنین اهمیت بررسی دقیق بافتار مذهبی، قومی، طبقاتی، و فرهنگی جامعه را، پیش از گزیدن نوع خاصی از سهیمه‌بندی، آشکار می‌کند.

ب) اروپا
همانند سایر نقاط دنیا، در اروپا هم حضور زنان در عرصهٔ سیاسی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است زیرا بهره‌جویی از سهمیه‌بندی نظام‌مند نیست و در شکل‌های مختلف تجلی می‌کند.

از آنجا که کشورهای اسکاندیناوی، از نظر حضور زنان در مجلس، در ردهٔ کشورهای پیشرو به شمار می‌روند و طبق آمار سال ۲۰۰۹، نسبتی برابر ٪۴۲.۵ از کرسی‌های مجالس‌شان به زنان اختصاص دارد، بررسی راهی که آنها طی کرده‌اند و روش‌هایی که به‌کار برده‌اند اهمیتی بسیار دارد. این پیشرفت پی‌آمد چند عامل اساسی است: سال‌ها فعالیت سیاسی زنان، دولت‌هایی متعهد به ارزش‌های اجتماعی، حضور گسترده زنان در بازار کار در دهه ۱۹۶۰، رشد سریع امکانات آموزشی تحصیلی، سکولار شدن دولت، و توانمندی احزاب سوسیال دموکرات. حضور همه این عوامل در کنار هم سبب شد که حدود ٪۲۵ از کرسی‌های مجلس نصیب زنان شود. در این دوران از سهمیه‌بندی بهره‌جویی نشد و زمانی هم که مورد استفاده قرار گرفت، تنها برای تقویت و تأیید حضور زنان در عرصهٔ سیاسی بود. افزایش شمار زنان در مجلس از صفر به ٪۴۳ کل نمایندگان مجلس حدود هشتاد سال زمان برد. از همین رو، درود دالروپ، مؤلف آثار بسیار در باره زنان در سیاست، معتقد است که نباید از تجربهٔ کشورهای اسکاندیناوی به عنوان الگوی مناسب بهره برد.

در حال حاضر در **کشورهای اسکاندیناوی**، تنها سهمیه‌بندی‌هایی مورد بهره‌جویی است که احزاب داوطلبانه در ساختار و نهادهای تصمیم‌گیری درون حزبی به اجرا گذاشته‌اند. در نروژ بیشتر احزاب سیاسی سهمیهٔ ٪۴۰ برای زن و مرد هردو قرار داده‌اند. ایسلند و سوئد نیز از

سهمیه‌بندی داوطلبانه استفاده می‌کنند. در این دو کشور، زنان به ترتیب ۴۲.۹٪ و ۴۷٪ از کرسی‌های مجالس خود را اشغال کرده‌اند. باید یادآوری کرد که کشور دانمارک در اواسط دهه ۱۹۹۰ انواع سهمیه‌بندی‌ها را لغو کرد. در حال حاضر، ۳۸٪ از نمایندگان مجلس این کشور زن‌اند. در فنلاند نیز هیچ سهمیه‌ای به‌کار نمی‌رود با این همه زنان ۴۱.۵٪ از اعضای مجلس را تشکیل می‌دهند. دانمارک، فنلاند، نروژ، و سوئد، از نظام رأی‌گیری نسبی بهره‌جویی می‌کنند.

فرانسه

نخستین اعتصاب سراسری فرانسه برای مقابله با تبعیض علیه زنان که در سال ۱۴۰۵ به راه افتاد. تنها پس از گذشتن شش قرن از این اعتصاب، در سال ۲۰۰۰ قانون برابری زن و مرد تصویب شد. در این میان، پس از مبارزه‌های تلخ و دشوار، و بسیار دیرتر از بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی، در سال ۱۹۴۴ بود که زنان فرانسه موفق شدند به حق رأی دادن و دیگر حقوق سیاسی و مدنی دست یابند. با ادامهٔ مبارزه زنان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که خواست برابری زن و مرد همه‌گیر و وجدان عمومی کاملاً بیدار شد.

نخستین لوایح در حمایت از سهمیه‌بندی‌ها در سال ۱۹۷۹ و به ویژه در سال ۱۹۸۲ مطرح شدند. به موجب یکی از این لوایح نه زنان و نه مردان می‌توانستند بیشتر از ٪۷۵ کرسی‌های نمایندگی را اشغال کنند. به سخن دیگر، در هر صورت ٪ ۲۵ از کرسی‌ها به زنان اختصاص داشت. گرچه این لایحه به اتفاق آراء در مجلس ملی به تصویب رسید چندی نگذشت که دیوان عالی فرانسه آن را غیرقانونی شمرد.

حدود ۲۰ سال بعد، در سال ۱۹۹۹، کشور فرانسه در نهایت موفق به برداشتن گامی اساسی در زمینهٔ برابری زن و مرد شد. براساس متمم‌هایی که به مواد ۳ و ۴ قانون اساسی الحاق شد: «قانون، امکان دستیابی برابر زن و مرد را به مقام‌های سیاسی فراهم خواهد آورد»، و «احزاب و سازمان‌های سیاسی تحقق این هدف را در چارچوب قانون میسر خواهند کرد.» به گفتهٔ کاترین ژنیسو، گزارشگر اصلی «سازمان فرانسوی مراقبت در تأمین برابری زنان و مردان کشور»:

«این یک انقلاب واقعی است، زیرا با وارد کردن واژهٔ «زن» به ماده ۳ قانون اساسی، از مرحلهٔ برابری انتزاعی شهروندان (که درعمل تنها شامل مردان می‌شد) به برابری عینی زن و مرد رسیده‌ایم. حصارهایی که زنان را محکوم به پذیرفتن اقتدار انحصاری مردان می‌کرد شکسته شده‌اند. اصلاح قانون اساسی، با اعطای حق شهروندی بیشتر به زنان، که از برابری انتزاعی بسی فراتر می‌رود، عملاً درها را برآنان گشوده است.»

در سال ۲۰۰۰، به عنوان اجرای متمم‌های اخیر قانون اساسی، قانونی در تأیید برابری زن و مرد تصویب شد. در حال حاضر، جنبش برابری همچنان در راه پیشرفت است و در دیدگاه عمومی مقبولیت بیشتری از ایدهٔ «سهمیه» یافته است؛ ایده‌ای که مردم فرانسه را به یاد سهمیه‌بندی نامطلوب فرآورده‌های کشاورزی در بلژیک می‌اندازد. افزون براین، «سهمیه» و «برابری» یکی نیستند. برابری خواست است و سهمیه وسیله‌ای برای تحققش. به گفتهٔ والری مِرور در کتاب *حضور سیاسی زنان در دموکراسی‌های لیبرال: نمونهٔ فرانسه: عدالت، برابری*: «برخلاف ایدهٔ سهمیه‌بندی مفهوم برابری ریشه در آن بینش اجتماعی دارد که برپایهٔ آن زن و مرد با هم به ادارهٔ امور می‌پردازند. به سخن دیگر، برابری ریشه در نیاز واقعی به بازتابیدن خواست‌های جامعه دارد که مرکب از هر دو نوع بشر است، زن و مرد.

طبق قانون جدید، احزاب سیاسی موظّف به پذیرفتن اعضای زن و مرد به گونه‌ای برابراند

و اگر در فهرست نامزدهای انتخاباتی آن‌ها زن و مرد سهمی برابر نداشته باشند به پرداخت جریمهٔ مالی مجازات خواهند شد. نتیجه این قانون به سرعت آشکار شد و تعداد زنان انتخاب شده به شوراهای شهری سال ۲۰۰۱ بین ۳۰ تا ۴۷.۵٪ افزایش یافت و در برخی از حوزه‌های انتخاباتی حتی دو برابر شد.

به این ترتیب، ثابت شد که قانون معطوف به برابری جنسیتی دستکم در سطح محلی می‌تواند بسیار کارا باشد. در سطح ملی، امّا، پیشرفت کار کندتر بوده است. به عنوان نمونه، در مجلس ملی فرانسه در سال ۲۰۰۹، زنان تنها ۱۸.۲٪ از کرسی‌های آن را به خود اختصاص داده بودند که نسبتی است بسیار کمتر از نسبت نمایندگان زن و مرد در سایر کشورهای اتحادیه اروپا.

به این ترتیب، حرکت جنبش زنان به سوی برابری دو سرعت متفاوت دارد و بنابراین هنوز هم نیاز به اصلاحاتی در قوانین است تا مشارکت زنان در زندگی سیاسی بیش از این افزایش یابد، به ویژه با در نظر گرفتن شمول قانون، زمان‌بندی و سرعت دستور کار مجلس، و ضرورت افزایش کارآیی زنان انتخاب شده.

در سایر کشورهای اروپایی، روند کلی (در ۲۷ کشور) گرایش داوطلبانهٔ احزاب سیاسی به بهره‌جویی گسترده از سهمیه‌بندی است. تنها در حدود ده کشور سهمیه‌بندی را در سطح محلی و ملی اجباری کرده‌اند.

پ) قاره امریکا

ایالات متحدهٔ امریکا

در این کشورسهمیه‌بندی وجود ندارد. زنان ۱۶.۸٪ از کرسی‌های مجلس نمایندگان و ۱۵٪ از کرسی‌های مجلس سنا را در دست دارند امّا حضور فعالشان در سطوح بالای قوهٔ اجراییه گسترده است.

کانادا

نسبتی برابر ۲۲.۱٪ از اعضای پارلمان کانادا، زن‌اند. با این همه در این کشور نیز هیچ نوع سهمیه‌بندی اجباری وجود ندارد و برای زنان سهمی مشخص از مقام‌های سیاسی تعیین نشده است. احزاب، امّا، داوطلبانه از سهمیه‌بندی در ساختار و مقام‌های حزبی بهره‌جویی می‌کنند و به این ترتیب زنان در سطح حزبی فعالیت و حضور بیشتری در عرصهٔ سیاسی دارند. البته در سطح نهادهای دولتی هم چنین است به ویژه در هیئت وزرا که برای تأمین برابری جنسی تلاشی پیوسته صورت می‌گیرد. حزب لیبرال کِبِک که حزب حاکم در این استان است قبلاً موفق شده به برابری جنسیتی دست یابد، گرچه در حال حاضر، ۱۲ تن از ۲۸ وزیر این استان، زن‌اند می‌توان گفت که برابری کماپیش حاصل شده است. خطر نظام سهمیه‌بندی داوطلبانه وابستگی کامل آن به خواست و ارادهٔ تصمیم‌گیران سیاسی است و بنابراین تضمینی برای دوام آن وجود ندارد.

آمریکای لاتین

کشورهای امریکای لاتین، با گام‌های قانونی موثری که برای تأمین برابری جنسیتی برداشته‌اند، نسبت به آمریکای شمالی و اروپا در سطح پیشرفته‌تری قراردارند. در واقع، قوانین اساسی بسیاری از کشورهای این قاره به صراحت بر برابری جنسیتی تأکید می‌کنند. افزون براین،

دستاوردهای کنفرانس پکن و پیشنهادهایی که در برنامه عمل آن آمده بود انگیزه‌ای برای راه‌اندازی کمپین گسترده‌ای در حمایت از سهمیه‌بندی شد. حاصل این کمپین تصویب قوانین معطوف به سهمیه بندی در ۱۶ کشور امریکای لاتین بود که خود به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در زمینه حضور زنان در پارلمان‌های ملی انجامید. گزارش «مرکز بین‌المللی بررسی توسعهٔ در کانادا» حاکی از آن است که برخی از این قوانین مشخصاً معطوف به افزایش نقش زنان در عرصهٔ سیاسی‌اند، در حالی که برخی دیگر از قوانین در پی ایجاد تعادلی بین دو جنس‌اند و تأئیدشان بر آن است که هیچ یک از دو جنس بیش از ٪۷۰ از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص ندهند. تعداد زنان انتخاب شده در سال‌های دهه ۱۹۹۰ دو برابر شد و در یک دهه، از ٪٦ به ٪۱۵ رسید. این درصد از درصد مورد نظر در برخی از کشورهای اروپایی در همین دوره بیشتر است.

هدف کنفرانس پکن در زمینهٔ برابری جنسیتی در مقام‌های عالی سیاسی تا پایان سال ۲۰۰۵ تأمین نشده بود. با این همه، پیامدهای مثبت اجرای قوانین معطوف به سهمیه‌بندی را نادیده نباید گرفت. احزاب و حتی سازمان‌های سیاسی تخصصی که در امریکای لاتین از قدرت و نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، داوطلبانه برنامه‌هایی برای افزایش حضور زنان در عرصهٔ سیاسی طرّاحی و اجرا کرده‌اند. قوانین بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی احزاب سیاسی را موظّف می‌کنند که ۲۰ تا ۴۰ درصد نامزدهای انتخاباتی آن‌ها باید زن باشند. البته در اینجا نیز گرایش محلی به سهمیه‌بندی قانونی و اجباری به چشم می‌خورد. در برخی از کشورهای این قاره که هنوز سهمیه‌بندی را هدفی قانونی نکرده‌اند احزاب سیاسی هوادار این شیوه انتخاباتی‌اند و آن را داوطلبانه در انتخابات داخلی خود اجرا می‌کنند و آمادهٔ پذیرفتن آن در انتخابات عمومی هم هستند. آرژانتین یکی از این کشورهاست. حزب پرونیست با بهره‌جویی داوطلبانه از این شیوه آرژانتین را به یک کشور پیشرو در زمینهٔ برابری جنسیتی برکشیده است.

با این همه، نویسندگانی چون دالروپ، هِتون و جونز بر این باورند که با همه دستاوردهای مثبت سهمیه‌بندی قانونی، توانایی واقعی این نوع قوانین در افزایش تعداد زنان در سطوح بالای دولتی محدود مانده است. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴ نسبت زنان در مجالس کشورهای هندوراس و گواتمالا، تنها ٪۵.۵ بوده است. گرایش احزاب سیاسی به این است که سهمیه‌بندی را در حداقل موارد اجرا کنند. نظام‌های انتخاباتی نیز بهره‌جویی از سهمیه‌بندی را برای زنان دشوار می‌کنند. در واقع، راهی دراز و دشوار در پیش است. امّا، آمار دال بر آن است که رشدی هرچند آهسته به سوی برابری جنسیتی وجود دارد. به عنوان نمونه، امروز در هندوراس، ٪۲۳.۴ کرسی‌های مجلس به زنان اختصاص دارد. با این‌که هنوز آمار نهایی در دست نیست، امّا آمار اولیه که در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ منتشر شد نشان کاهشی اندک در شمار زنان در انتخابات این دورهٔ مجلس است. مجلس هندوراس با داشتن حدود ٪۲۹ کرسی برای زنان از بسیاری کشورهای دیگر، از جمله کشورهای اروپایی پیشی گرفته است اما هنوز راه درازی تا تحقق برابری جنسیتی در پیش دارد.

آرژانتین

برای ارزیابی رشد میزان مشارکت زنان در عرصهٔ سیاسی، آرژانتین نمونه جالبی است زیرا نه تنها نخستین کشور در این عرصه بود بلکه از چهار نوع سهمیه‌بندی بهره‌جویی می‌کند که تخلف از هریک مستوجب جریمه است. در اوایل سال‌های دههٔ ۱۹۵۰، قوی‌ترین حزب منطقه، به نام حزب پرونیست، به بهره‌جویی از نوعی سهمیه‌بندی برای زنان پرداخت. در سال ۱۹۹۱، دولت آرژانتین هم در همین راه پای نهاد و بهره‌جویی را از سهمیه‌بندی در قوانین انتخاباتی کشور

گنجاند. طبق این قوانین، زنان باید حداقل ٪۳۰ از نامزدهای انتخاباتی را تشکیل دهند. با تصویب قانون دیگری مقرر شد که ٪۵۰ از نامزدهای انتخاب به مقام‌های سیاسی در ایالت کوردوبا باید زن باشند.

آرژانتین در سال ۲۰۰۷، میثاق رفع تبعیض را تصویب کرد و مواد آن، از جمله همهٔ مواد مربوط به برابری جنسیتی، را به قانون اساسی کشور پیوست. پیامد مجموعهٔ این قوانین و برنامه‌ها، اعم از اجباری و داوطلبانه، در ٦٠ سال گذشته این بود که زنان آرژانتین در مجلس نمایندگان این کشور حضوری قابل توجه یافتند. در سال ۱۹۲۲ زنان ٪۲۲ از کرسی‌ها را در اختیار داشتند که تا آن زمان درصدی بی‌سابقه بود. در حال حاضر، زنان این کشور، ٪۴۱.۶ از مجموع نمایندگان این کشور را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، از نظر حضور زنان در مجالس مقننه، آرژانتین ششمین کشور دنیا شمرده می‌شود. این پیروزی‌های سبب شد که نخست در سال ۱۹۹۶ یک زن به ریاست دولت شهر مستقل بوئنوس آیرس، و سپس، در سال ۲۰۰۰، کریستینا کِرچنر به رهبری کشور برگزیده شوند.

ت) کشورهای جنوب صحرای آفریقا

فاتو ساو، پژوهشگر «سازمان پژوهش‌های بنیادی آفریقای شمالی»، در سِنِگال، و نیز «مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه»، می‌گوید:«دموکراسی آفریقایی بیمار است و از مشارکت اندک زنان در عرصهٔ سیاسی رنج می‌برد. سبب، فرهنگ مردسالار غالب در این قاره است. زنان باید توانایی نمایندگی دیگران را داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی شرکت کنند آنچنان که از ظواهر نمادهایی چون سهمیه‌بندی فراتر رود.» خانم ساو آنگاه مسئلهٔ زنان آفریقایی را مطرح می‌کند و می‌گوید آنان به مقام‌های بالا برگزیده می‌شوند و نه انتخاب. این انتصاب بر اساس تعلق آنان به حزب، خانواده، گروه نژادی یا مذهبی خاصی صورت می‌گیرد و صلاحیت آنان برای انجام مسئولیت نقشی در این انتصاب ندارد. ساو همچنین فمینیسم حکومتی را محکوم می‌کند زیرا به دعوی او این گونه فمینیسم به بهره‌جویی از واژگان جنسیتی و ساختارهای مربوط به زنان می‌پردازد که اغلب از معنای واقعی بی‌بهره‌اند.

مؤسسه‌ای به نام «من به سیاست واردم» (iKNOW Politics) در یک بررسی در بارهٔ آفریقا نشان داده است که در سال ۲۰۰۵، میانگین حضور زنان در ۲۱ کشور که از نظام انتخابات اکثریتی استفاده کرده‌اند، ٪۱۵.۵ بوده که با ٪۲۷.۴ در ۱۲ کشوری که از نظام انتخاباتی نسبی استفاده کرده‌اند قابل مقایسه است. کمترین میزان حضور زنان، ٪۱۳ در کشورهایی به چشم می‌خورد که از نظام انتخاباتی ترکیبی بهره جسته‌اند.

آفریقای جنوبی

در آفریقای جنوبی، شمار زنان به ٪۴۴.۵ از نمایندگان مجلس می‌رسد. این پدیدهٔ مطلوب حاصل تلاش‌های پیگیر جنبش زنان این کشور به نام «ائتلاف ملی زنان» است که، از سویی، حرکت به سوی اصلاح قانون اساسی و نظام قانونگذاری را هدایت و تقویت کرد و، از سوی دیگر، به ترغیب احزاب سیاسی به پذیرفتن سهمیه‌بندی پرداخت. به منظور رسیدن به هدف، ائتلاف ملی زنان، با اجرای یک برنامهٔ آموزشی در سراسر کشور سطح آگاهی عمومی در بارهٔ نقش زنان را در عرصهٔ سیاسی افزایش داد. حزب سیاسی نیرومند آفریقای جنوبی به نام «کنگره ملی آفریقا» (ANC) تصمیم گرفت داوطلبانه سهمیهٔ ۳۰ درصدی برای نامزدهای زن انتخاباتی خود در نظر گیرد و برنامه‌های آموزشی نیز برای آنان برگزار کند. کمپین جنبش‌های زنان در آفریقلی جنوبی

همراه با بهره‌جویی داوطلبانهٔ احزاب سیاسی این کشور از نظام سهمیه‌بندی و نیز سهمیه‌هایی که در قانون برای زنان تعیین شد، در مجموع توانستند آفریقای جنوبی را از لحاظ درصد زنان قانونگذار به مقام سوم در جهان رساند.

برنامهٔ کاستن از قدرت سیاسی متمرکز نیز نقش مهمی در افزایش مشارکت زنان در عرصهٔ سیاسی محلی داشت گرچه گرایش محافظه‌کارانهٔ رهبران سیاسی محلی کار نامزدهای زن را دشوارتر از معمول می‌کرد. بررسی‌های مرکز بین‌المللی پژوهش در بارهٔ توسعه در کانادا نشان داده است که برنامه‌های جنسیت‌محور دولت به افزایش مشارکت زنان در طرح‌های محلی یاری می‌رسانند. در عین حال، همین بررسی به این نتیجه رسیده است که حضور زنان در دولت‌های محلی، بیشتر به تقویت نقش سنتی آنها می‌انجامد تا به افزایش قدرت سیاسی آنان. نتیجهٔ نهایی این بررسی این است که بالا بردن آگاهی مردان در بارهٔ ضرورت افزایش حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، بالا بردن سطح آگاهی همان قدر برای مردان مهم است که برای زنان.

بورکینافاسو

در سال ۲۰۰۹، در این کشور نامزدهای زن از سهمیه‌ای ۳۰ درصدی در انتخابات محلی و ملّی برخوردار شدند. مهم‌ترین عامل در این جریان رهیافت جالب و نوآورانه دولت است که برای تشویق احزابی که با گنجاندن نام زنان در فهرست انتخاباتی خود بتوانند موفقیت ۳۰ درصد آنان را تأمین کند کمک مالی ویژه می‌پردازد. در حال حاضر، ۱۵.۳٪ از قانونگذاران کشور بورکینافاسو، را زنان تشکیل می‌دهند. این کشور، به پروتوکل ماپوتو در زمینه برابری جنسیتی نیز پیوسته و در آستانهٔ برداشتن گام‌های تازه در راه تحقق این برابری است.

رواندا

در رواندا، در اکتبر سال ۲۰۰۹، زنان ۵۶.۳٪ از کرسی‌های مجلس را سهم خود کردند. با چنین سهمی رواندا در رده نخست فهرست اتحادیهٔ بین‌المجالس قرار گرفت. این کشور حتی از سوئد با ۴۷٪، و آفریقای جنوبی با ۴۴.۵٪ نماینده زن نیز پیشی گرفته است. رواندا تنها کشور دنیاست که موفق شده به برابری جنسیتی دست یابد و حتی از آن فراتر هم برود. این موفقیت را باید حاصل چند عامل دانست به ویژه قانون اساسی کشور که شماری از کرسی‌های مجلس را به زنان و ۳۰٪ از کرسی‌های مجلس سنا را به زنان اختصاص داده است. پس از واقعه نسل‌کُشی سال ۱۹۹۴ مردم رواندا در حال بازسازی کشور خود و ایجاد نهادهای نوین‌اند. به یاری سازمان ملل متحد و اتحادیهٔ بین‌المجالس همایش‌های گوناگون برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی برگزار شده است. توجه به این عامل اساسی هم ضروری است که در رواندا، رهبران و نخبگان سیاسی نیز به ضرورت حضور برابر زنان در زندگی سیاسی کشور پی برده‌اند. ترکیب این عوامل در مجموع به موفقیت سیاسی زنان در عرصهٔ سیاسی شده و نظامی دموکراتیک بر مبنای برابری جنسیتی برای کشور به ارمغان آورده است.

این نمونه‌ها حکایت از پیشرفت قابل ملاحظهٔ کشورهای آفریقایی در زمینه افزایش حضور زنان در زندگی سیاسی و عمومی در سال‌های اخیر است. بهترین نتایج در کشورهایی دیده می‌شود که از نوعی سهمیه‌بندی بهره برده‌اند، چه داوطلبانه و چه در تبعیت از قانون اساسی کشور. فشردهٔ کلام این که بر اساس بررسی‌های انجام شده موفقیت نظام سهمیه‌بندی بیش از هرچیز منوط و مشروط به نوع نظام انتخاباتی کشور، تعهد رهبران احزاب و سران دولت‌ها به پیشرفت سیاسی زنان، و انرژی و ارادهٔ جنبش‌ها و سازمان‌های زنان است.

نتیجه‌گیری

آیا می‌توان سهمیه‌بندی را - که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است- ابزاری کارآ برای تأمین برابری جنسیتی شمرد، یا باید آن را تنها محملی تازه برای توهین به زنان دانست؟ همه ما، از زن و مرد باید در پی یافتن پاسخ به این پرسش باشیم. بسیاری از کشورهای جهان هم امروز به بهره‌جویی از نوعی نظام سهمیه‌بندی پرداخته‌اند. بسیاری دیگر از آن‌ها نیز هنوز در مرحلهٔ تعریف راهبرد مناسب برای برقراری دموکراسی تساوی‌گرا قرار دارند. رسالت هر دولتی است که به بررسی و یافتن مطلوب‌ترین نظام سهمیه‌بندی برای کشورش بپردازد؛ نظامی که به بهترین وجه ممکن پاسخگوی نیازهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اجرایی کشور باشد و در ایجاد جامعه‌ای موثر واقع شود که در آن زنان و مردان سرانجام به حقوقی برابر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه دست یافته‌اند.

در کنفرانس برابری مرد و زن در منطقه اروپا- مدیترانه که در اکتبر ۲۰۰۹ در استانبول تشکیل شده بود تصریح شد که «لازم است در هر جامعه‌ای همهٔ زنان از حقوق کامل شهروندی برخوردار شوند و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تأمین و تضمین گردد.» برابری جنسیتی همراه با مشارکت برابر زنان و مردان در عرصهٔ سیاسی، شرط اساسی دست یافتن به دموکراسی، انسجام جامعه و پیشرفت اجتماعی است.

در نهایت امر، زنان‌اند که باید خود را با دانش‌ها و دگرگونی‌های زمان آشنا کنند و فعّالانه در عرصهٔ سیاست مشارکت داشته باشند تا بتوانند با تأمین و تثبیت حقوقشان در زمینه‌های حقوقی، اقتصادی، و سیاسی نقشی برابر با مردان ایفا کنند. تثبیت نهادهای دموکراتیک و رشد اقتصادی کشور نیز در گرو چنین دستاوردهایی است.

منابع به زبان‌های انگلیسی و فرانسه:

Abu Rumman, Hussein. “The Women’s quota in Jordan: Crowning three decades of support for female political participation.” In The Arab Countries Report, IDEA 2007.

Agacinski, Sylviane. *Nouvel Observateur*, January 14-20, 1999.

Alami M’Chichi, Houria. “Genre et politique au Maroc; les enjeux de l’égalité hommes-femmes entre islamisme et modernisme” [Gender and Politics in Morocco: The Stakes of Male-Female Equality Between Islamism and Modernism]. L’Harmattan, Paris, 2002.

Badinter, Élisabeth. “Fausse route” [English title: Dead End Feminism, 2006]. Éditions Odile Jacob, Paris 2003.

Beydoun, Ahmad. “La dégénérescence du Liban ou la Réforme orpheline” [The Degeneration of Lebanon, or the Orphan Reform]. Sindbad, Actes Sud, Paris 2009.

Bommelaer, Claire. “L’influence du ‘Facteur Femme,’ nouveau mystère de la scène politique française” [The Influence of the “Female Factor,” a New Mystery on the French Political Scene]. In *Le Figaro*, October 15, 2007.

Cespedes, Vincent. “Vainqueuses!” [Victorious Women!] At *Vincentcespedes.net*.

Dahlerup, Drude. “Quotas: A key to equality? An international comparison of the use of electoral quotas to obtain equal political citizenship women.” Dahlerup ed., Professor of Political Science at the University of Stockholm.

Dahlerup, Drude. “Women, Quotas and Politics,” Dahlerup ed., Routledge 2006.

El Sayed, Shawki. “Lobbying for increased participation of women in Egypt.” In The Arab Countries Report, IDEA 2007.

El Sherbini, Maged. “Women’s Political Participation in Egypt: Equality versus Equal Opportunity,” In The Arab Countries Report, IDEA 2007.

Fassin, Eric. “L’épouvantail américain, penser la discrimination française” [The American Spectre, Thinking About French Discrimination] in *Vacarme* 04/05 Fall 1997.

Fraser, Nancy. *Justice interruptus. Critical reflections on the ‘postsocialist’ condition.* New York & London: Routledge. 1997

Gaspard, Françoise, Claude Servan-Schreiber, and Anne Le Gall. “Au pouvoir, citoyennes: liberté, égalité, parité” [To Power, Citizenesses! Liberty, Equality, Parity]. Broché 1992.

Génisson, Catherine. “La parité entre les femmes et les hommes: Une avancée décisive pour la démocratie” [Gender Parity: A Decisive Step Forward for Democracy]. Report to the Prime Minister. Paris, January 2002.

Htun, Mala, and Mark Jones. “Engendering the Right to Participate in Decision-Making: Electoral Quotas and Women’s Leadership in Latin America.” 2002, www.idea.int/publications.

Inter-Parliamentary Union. www.ipu.org.

Inter-Parliamentary Union (IPU), 2009. “Femmes dans les Parlements nationaux” [Women in National Parliaments]. Situation as of October 31, 2009, available on the web at http://www.ipu.org.

International Development Research Centre. “La parole aux femmes” [Women Speak], www.idrc.ca/.

International Knowledge Network of Women in Politics, www.iknowpolitics.org.

Llanos, Beatriz. “The Expert Opinion,” 2008, at http://www.iknowpolitics.org/en/node/5555.

Malumalu, Apollinaire M., and Kamal Feghali. “Une seule voix, plusieurs interprétations. Définitions, caractéristiques et paradoxes des modes de scrutin” [One Voice, Many Interpretations. Definitions, Characteristics and Paradoxes of Electoral Systems]. Mokhtarat, Kinshasa, 2006.

Meier, Iena. “SOS féminisme” [SOS Feminism]. At *Cafébabel.com*, October 26, 2007.

Nassar, Heba. “MDG goal 3: Promote gender equality.” Conference on the Joint United Nations/Arab League MDG Report. Beirut, December 9-10, 2009.

Nassif-Debs, Marie. Alterinter.org.

Osseiran, Lamia. “The political participation of women in Lebanon.” www.idea.int.

Pialot, Gaëlle. “Les femmes dans la politique locale: l’alibi de la parité” [Women in Local Politics: The Alibi of Parity], March 2008, Rue 89.

quotaproject.org

Rosanvallon, Pierre. “La démocratie inachevée” [Unfinished Democracy]. Gallimard, Paris 2000.

Roussillon, Alain, and Fatima Zahra Zryouil. “Etre femme en Egypt, au Maroc et en Jordanie” [Being a Woman in Egypt, Morocco and Jordan]. Editions Aux lieux d’Etre, Paris/Cairo/Rabat, 2006.

Senac-Slawinski, Réjane. “Evaluation des lois sur les quotas et la parité” [Evaluation of Quota and Parity Laws]. AFSP Colloquium, “Genre et Politique” *Gender and Politics*, May 30 and 31, 2002.

Sow, Fatou. “Les femmes dans l’exercice de leurs responsabilités politiques en Afrique de l’Ouest” [Women Fulfilling Their Political Responsibilities in West Africa]. IFAN Senegal, CNRS France.

UN-INSTRAW.org

UNDP Cairo, UNIFEM Arab States, “The Arab Quota Report: Selected Case Studies” February 8, 2008.

UNIFEM Progress Report 2008. “Le progrès des femmes à travers le monde: 2008-2009” [Progress of the World’s Women 2008/2009].

Vogel, Jean. “La parité et les nouvelles figures de la citoyenneté” [Parity and the New Faces of Citizenship]. In *La parité: Enjeux et mise en oeuvre* [Parity: Stakes and Implementation], lead ed. Jacqueline Martin, Presses universitaires du Mirail, 1998.

پیوست (خ)

سخنرانی در بارۀ ایمان و آزادی

ایمان و آزادی

نوشته: مهناز افخمی

ارائه شده در کنفرانس برابری در مالزی
فوریه ۲۰۰۹

حدود ۱۰ سال پیش کتابی با عنوان ***ایمان و آزادی*** را تألیف و منتشر کردم. عنوان فرعی کتاب *حقوق بشر زن در دنیای مسلمان* بود. کسانی که در تألیف این کتاب با من همکاری کردند و از مناطق مختلف دنیای مسلمان، و فراسوی آن، می‌آمدند در بارۀ زندگی بیش از نیم میلیارد زن مسلمان که از نظر جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی در فضاهای گوناگون زندگی می‌کنند، به بحث و بررسی پرداختند. آنها بر این واقعیت هم‌صدا بودند که زنان مورد بررسی آن‌ها هر کدام با دیگری متفاوت‌اند اما در یک مورد همرأی. برای بیشتر آنها مدرنیته تجلی تضاد و کشمکش است. تضاد میان طیفی از ارزش‌ها و نیروهایی که برای جلب اعتماد و اعتقاد آن‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند و آن‌ها را به پیمودن راه‌های متفاوت و پذیرفتن دیدگاه‌های متضاد نسبت به هویت خود و جهان پیرامونشان فرا می‌خوانند. در این میان مهمترین تضاد رویاروی آن‌ها تضاد بین ارزش‌ها و الزامات زیستن در جهان مدرن، از سویی، و الزامات و ارزش‌های سنّتی، از سوی دیگر، است؛ سنّت‌هایی که در قالب جهان‌بینی مدرن اسلامی تعریف و تبلیغ می‌شود. در کانون این تضاد و کشمکش معضل حقوق بشر زنان مسلمان قرار گرفته است و این پرسش که آیا زنان مسلمان از چنین حقوقی برخوردارند از آن رو که بشراند و یا از آن رو که مسلمان‌اند؟ در کانون این معضل مسئلۀ زن در خانواده مطرح است و حقوق و وظایفش.

نتایج این بررسی‌ها همچنان به قوّت خود باقی است. چالش‌ها و امکانات هنوز رویاروی زنان قرار دارد با این تفاوت که در پی دگرگونی‌های جهانی دو دو دهۀ اخیر، امروز هم چالش‌ها به ابعادی تازه رسیده‌اند و هم امکانات. بنابراین، درست است که چالش‌های فراروی ما جدّی‌تر شده‌اند امّا به همان نسبت توانایی‌ها و امکانات بالقوۀ ما نیز بسی افزایش یافته‌اند. «ایمان و آزادی»، موضوع سخنان امروزم، معطوف به این چالش‌ها و امکانات است.

پیش از آن که به موضوع اصلی بپردازم، مایلم نظرم را در بارۀ آن چه برای زنان مسلمان حیاتی است با شما در میان گذارم. به باور من اسلام نیست که مانع ورود ما به جهان مدرن شده، بلکه قید و بندهای نظام مردسالارانه در جوامع اکثریت مسلمان است که ما را از آزادی حرکت محروم کرده. واقعیت آن است که موقعیت زنان در جامعه، در طول تاریخ و در اغلب جوامع بشری -- ورای دین و آیین و نژاد و ملیت‌شان -- در اساس همسان بوده. سوای تفاوت‌های ظاهری در رفتار و سبک زندگی، قواعد تقسیم کار و قدرت بین زن و مرد در سراسر جهان تفاوتی با هم نداشته‌اند. به عبارت دیگر، حقوق زن در زمینۀ تصمیم‌های بنیادین در بارۀ آینده فرزندان، محل

اقامت، ازدواج، ارث بری، و اشتغالش، در طول تاریخ و در بیشتر جوامع دنیا، به شدت محدود بوده است. تا آغاز قرن بیستم، که زنان کشور نیوزیلند برای اولین بار در دنیا از حق رأی دادن برخوردار شدند، هیچ کشوری در جهان نبود که در آن زنان در عرّصه سیاسی حضوری یا نقشی داشته باشند. از بخت آموختن فن و شغلی هم محروم بودند و اگر هم به شغلی دست می‌یافتند دستمزدشان با دستمزد مردان برابر نبود. امّا، باید به یاد داشت که در زمینه برخی از حقوق اجتماعی – اقتصادی، به عنوان نمونه حق مالکیت، زنان مسلمان نسبت به زنان غربی وضع مطلوب‌تری داشتند.

این نکته نیز جالب است که یکی از نخستین جنبش‌های بنیادگرای مسیحی جنبشی بود که در ایالات متحده آمریکای قرن بیستم و در واکنش به یکی از مظاهر مدرنیته، یعنی تحرک و حضور بی‌سابقهٔ زنان در اجتماع، پایه گرفت. همانند محافظه‌کاران تندروی پروتستان، بنیادگرایان اسلامی نیز در اساس هدف‌های سیاسی به ویژه در مورد زنان. در واقع، در نظر بنیادگرایان اسلامی در بارهٔ هر مسئلهٔ خانوادگی می‌توان بحث و گفت‌وگو کرد جز مسائل مرتبط با حقوق زنان و موقعیت زنان در خانواده و جامعه. از همین رو، اصرار می‌ورزند که موقعیت زنان در خانواده و در جامعه باید مهم‌ترین ملاک اعتبار و اصالت نظام اسلامی شمرده شود.

همهٔ ما به این واقعیت آگاهیم که قرن‌ها همهٔ ادیان از مذهب شینتو در ژاپن، و دین بودا و کنفوسیوس گرفته تا دین زرتشت و ادیان ابراهیمی‌همگی زنان را مکملی برای مردان می‌دانسته‌اند. در واقع نظام مردسالاری تجلی این گونه تعریف از روابطه بین دو جنس است. این نظام از چنین رابطه‌ای به عنون عنصر کلیدی هویتش دفاع و پاسداری می‌کند. از همین رو، هنگامی که جوامع به راه مدرنیته گام نهادند روابط خانوادگی آخرین زمینه‌ای بود که دستخوش دگرگونی قرار گرفت. پیش از آغاز این دگرگونی زنان همچنان به عنوان نیمه دیگر مردان شمرده می‌شدند: مرد همچنان رئیس و سرور بود و زن مکملش. در این قالب، زنان ارزشی والا داشتند امّا ارزش مردان از لحاظ کیفی از ارزش زنان یکسره برتر بود. نظام مردسالار هویت زنان را در ارزش‌های ناموسی خلاصه می‌کرد آن هم آنگونه که در اندیشه و داوری و رفتار مردان -- از جمله پدر، برادر و شوهر-- تجلّی می‌یافت. رفتار زنان اگر حتّی اندکی نیز معرّف آزادی و استقلال آنان می‌بود تقریباً همیشه به عنوان چالشی بر هنجارهای حاکم بر جامعه به ویژه شرف و ناموس مردان تلقی می‌شد و به آسانی جان زنان را در معرض خطر قرار می‌داد. از لحاظ تاریخی، چنین دوگانگی در شأن و حقوق زن و مرد چنان در فرهنگ زمان رسوخ کرده بود که مرد و زن هردو اعتقاد به آن را امری روشن و طبیعی می‌پنداشتند.

امروز، امّا، زنان با آگاهی به هویت فردی خویش، به تضاد درونی این «اعتقاد» پی برده‌اند. خودآگاهی فردی، برخلاف خودآگاهی اجتماعی، پدیده‌ای است که در طول زمان حاصل می‌شود و همراه با تردیدی است نسبت به تغییرناپذیر بودن قوانین سنّتی اجتماعی که به نوبهٔ خود، مستقیم یا غیرمستقیم، منشأای الهی یا طبیعی دارند. پیشرفت دانش و فناوری بشر پدیدآورندهٔ این تردید است. در این تعبیر، در حرکت تاریخ، از قانون به حق، فرد به این آگاهی می‌رسد که حق دارد در تدوین قانون دخالت داشته باشد و، بنابراین، ناچار به تبعیت از قوانین ابدی و تغییرناپذیر جامعه نیست. در این تفسیر، همهٔ جوامع در حال تغییر و پیشرفت در همین مسیر در حرکت‌اند، گرچه این حرکت همیشه همگون نیست و در زمان واحد و شتاب یکسان صورت نمی‌پذیرد. ازهمین رو، ما با واکنش‌های گوناگون بنیادگرایان، در همهٔ جوامع و در همهٔ ادیان روبروایم. بنیادگرایی اسلامی‌امروزی نیز خود واکنش بخشی از جامعهٔ مسلمانان به تغییر اجتناب‌ناپذیری است که طبیعتاً رنگ و زبانی اسلامی دارد امّا جزء لاینفک و ماهَوی اسلام نیست. زنان قربانیان

اصلی این بنیادگرایی‌اند و برایشان فاجعه هنگامی ژرف‌تر می‌شود که دین و حکومت به هم آمیزند.

بنیادگرایان به این خودآگاهی نوین از دو سو می‌تازند، هم از درون جامعهٔ اسلامی و هم از برونش.

از درون، استدلالشان بر اسلام و مقدس بودن قرآن قرار گرفته است. چنین استدلالی از بر پایهٔ منطق و عقل استوار نیست. امّا، با توسل به ارزش‌های سنّتی، فتواهای روحانیان و مصوبات نهادهای دولتی و قانونگذاری، ساختار سیاسی این استدلال در سراسر جهان اسلام به انسجامی قابل ملاحظه رسیده است.

از بیرون، استدلال بنیادگرایان در نظریهٔ نسبی‌گرایی فرهنگی غربیان به متحد توانمندی رسیده است. هواداران این نظریه در جهان غرب به استدلال‌هایی متوسل می‌شوند که معمولاً ارتباطی با اسلام ندارند. در این جهان، به ویژه در فضاهای دانشگاهی و روشنفکرانه‌اش، نسبی‌گرایی فرهنگی به عنوان وسیله‌ای برای ترویج گونه‌گونی اجتماعی مطرح شده است. نظریهٔ نسبی‌گرایی فرهنگی، که در آغاز به عنوان نقدی بر تاریخ‌نگاری مارکسیستی و واقعه‌گرانه پدیدارشد، گفتمان‌های جهان شمول را ابزاری برای تثبیت گرایش‌های استیلاگرایانهٔ غرب و نگاه تحقیرآمیز آن نسبت به جوامع غیرغربی می‌شمرد. نقاط مثبت و منفی نسبی‌گرایی فرهنگی هرچه باشد، هدف این نظریه دفاع از حق گزینش بشر و دستیابی او به امکانات برابر است. اسلامیست‌ها، امّا، از نظریهٔ نسبی‌گرایی برای توجیه محروم ساختن زنان از آزادی و نابرابر دانستن آنان با مردان بهره می‌جویند که آشکارا هم از لحاظ اخلاقی غیرمنصفانه است و هم از نظر منطقی مخدوش. اسلامیست‌ها به جای توجه به سیر دگرگونی‌های عینی جوامع، اسلام را به مجموعه‌ای از قواعد و احکام ابدی و نامتجانس با این دگرگونی‌ها تبدیل کرده‌اند و چنین احکام و قواعدی را توانا به رویارویی با جوامع پیچیده، متحول، و از لحاظ سیاسی و اجتماعی ناهمگون، جهان می‌شمرند. در واقع، اسلام‌گرایان مشکل اساسی انقیاد و فرودستی تاریخی زنان در نظام‌های مردسالار را، که خود تابعی از اشکال گوناگون اقتدارطلبی و برتری‌جویی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، به باورهای کهن و برآمده از اعتقاد به ابدیت تاریخی، انحراف اخلاقی و مذهبی فروکاسته‌اند. چنین تفسیری از نسبیت فرهنگی به ویژه هنگامی مخاطره‌انگیز است که تلاش زنان برای دستیابی به آزادی‌ها و حقوقشان را انحراف از اسلام بشمرند؛ از مذهبی که سخت به آن معتقدند. به این ترتیب هدف اسلامیست‌ها، از تلاش برای جایگزین ساختن اسلام با تفسیر شخصی خود از آن، چیزی جز خلط مبحث و تحریف واقعیت نمی‌تواند باشد.

البته زنان به چنین ترفندی هر روز بیشتر پی می‌برند. پاسخ ما به چنین تفسیرهایی از اسلام ساده و واقع‌گرایانه است و پرسش‌هایمان روشن: چرا ما نباید حق برگزیدن و طراحی نوع زندگی مطلوب خودمان را داشته باشیم؟ به چه دلیل و برهانی کسی دیگر باید حق دخالت در زندگی خصوصی زنان را داشته باشد؟ چرا یک پیشوای اسلامی به خود حق می‌دهد ما را به اجبار در حصار برساختهٔ خود زندانی کند؟ آیا چنین حصاری را براساس احکام قرآنی طرّاحی کرده است؟ آیا آن را حکم سنّت می‌شمرد؟ ما این استدلال‌ها را یکسره مردود می‌شمریم. ما استدلال می‌کنیم که به عنوان زنان مسلمان همان قدر با احکام خدا و متون مذهبی آشناییم که هر مرد مسلمانی. ما معتقدیم که سنت دیگر نمی‌تواند به عنوان منبع معتبری مورد استناد قرار گیرد زیرا جامعه تغییر کرده و فرهنگ تحول یافته است. ما می‌توانیم و آماده‌ایم که بر سر همهٔ این باورها با هر مرد مدعی پیشوایی مسلمانان به گفت‌وگو پردازیم. پیش از آغاز چنین گفت‌وگویی نیز به او حق می‌دهیم که هرچه می‌خواهد باشد و هرچه آن مایل است انجام دهد و هرچه می‌خواهد بر زبان راند و در بارهٔ هر مطلب و موضوعی که می‌پسندد موعظه کند. در مقابل، تنها خواست ما از او این است که

از ما نخواهد به آن چه او می‌گوید سر تسلیم فرود آوریم حتّی اگر خلاف میل‌مان باشد، همانگونه که ما نیز او را به انجام آن چه خواست ماست وادار نخواهیم کرد. ما می‌گوییم حقوق با وظایف پیوندی ماهوی دارد که اصلی‌ترین نکته در بارهٔ مفهوم حقوق است. به سخن دیگر، اگر حقوقی برای خودمان قائل‌ایم باید برای دیگران هم قائل باشیم. ما نمی‌توانیم بدون داشتن وظیفه دارای حقوق باشیم. دوجانبه بودن حق را نیز باید پذیرفت. امّا، از این واقعیت نیز نیک آگاهیم که ما به پذیرفتن شرایط و انجام کارهایی وادار شده‌ایم که به عنوان وظیفه بر ما تحمیل کرده‌اند و هنوز هم در جوامع اکثریت مسلمان، علی‌رغم اعتراض شجاعانهٔ زنان، ادامه دارد. ما همچنین باور داریم که در دنیای مدرن امروز، فرهنگ‌ها مدام در حال تغییر و تحول‌اند گرچه نه با هم و در یک زمان و به یک شکل. به همین دلیل، زنان و مردان دیگری در جوامع مسلمان می‌توانند باشند که تفسیرشان از واقعیت‌ها با تفسیر ما یکسره متفاوت است.

کثرت‌گرایی فرهنگی، هر قدر هم از نظر سیاسی مهم باشد، بنیاد اخلاقی موضع ما را تغییر نمی‌دهد؛ موضعی که توسل به زور و خشونت در باورهای مذهبی را بر نمی‌تابد و هویت و حریم خصوصی و آزادی و شأن فرد فرد انسان‌ها را محترم می‌شمرد.

موضع ما تجربهٔ مذهبی را تجربه‌ای شخصی می‌داند و می‌پذیرد که وادار کردن انسان به انجام تکالیف مذهبی نه از مذهب که از تصمیم‌های سیاسی گروهی در بارهٔ گروه دیگری از انسان‌ها ریشه می‌گیرد. اصل کلیدی این باور که من به عنوان یک انسان حق گزینش و انتخاب دارم در واقع اصلی جهانی و اخلاقی است چه در پکن، کاتماندو، کوآلالامپور یا تهران زندگی کنم و چه در نیویورک. اگر در عمل نتوانم از این حق بهره برم یا ناشی از تفسیرهای سیاسی و اجتماعی است و یا برنامه‌ریزی و راهبردی و یا شیوهٔ فعالیت.

بنابراین، ما آموخته‌ایم که حق داشتن فرضی و انتزاعی با بهره‌جویی از حق در عمل تفاوتی بسیار دارد. این اختلاف‌ها ما را به مفهوم نسبی بودن ابزارها و راهبردها که در اصل باری سیاسی و اجرایی دارند آگاه کرده است. از همین رو ما برای پیشبرد حقوق زنان در سراسر دنیا راه‌های گوناگونی برگزیده‌ایم. ما آموخته‌ایم و همچنان می‌آموزیم که رهیافت مناسب با شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر هر جامعه‌ای انتخاب کنیم. ما در پی گفت‌وگوییم نه تنها از این رو که برای تغییرات موثر نیازمند برقراری ارتباط با دیگرانیم بلکه به دلیلی اساسی‌تر و آن این که حق پدیده‌ای جهان‌گیر است و به فرهنگ خاصی تعلق ندارد و بالقوه می‌تواند در همهٔ جوامع عینیت یابد. در عمل، حق محصول تکامل آگاهی بشر و نیازهایی است که در مسیر این تکامل پدیدار می‌شوند. در این تکامل حق انتخاب کردن از نفس انتخاب مهم‌تر بوده است.

در این جاست که ما زنان مسلمان باری اضافه را باید بر دوش کشیم، زیرا اصل شمول حقوق بشر به زنان را به چالش کشیده‌اند؛ چالشی که به ظاهر مذهبی است امّا در باطن یکسره سیاسی. باید توجه داشت که از میانه قرن نوزدهم تا اواخر قرن بیستم، روند تاریخی جامعه به سوی رهایی و آزادی بود روندی که شامل زنان نیز می‌شد. همه جا بنیادگرایان مذهبی در حال عقب‌نشینی بودند. با فروپاشی نظام‌های سوسیالیستی به عنوان رقیب جوامع سرمایه‌داری از سویی و پیروزی مکتب لیبرال، ازسوی دیگر، بود که بنیادگرایی مذهبی در انواع گوناگون سربرکشید و اسلام‌گرایی افراطی در جوامع گوناگون اعتباری بی‌سابقه یافت. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به چنین رویدادهایی انرژی تازه بخشید. با این همه، گرچه به نظر می‌رسد که نظام‌های مردسالار در جهان به نفس‌های واپسین رسیده‌اند، مردسالاری همچنان به عنوان چالشی بس خطیر در زمینهٔ حقوق زنان در جوامع اکثریت مسلمان حضوری ملموس دارد. درعین حال این چالش را باید فرصتی شمرد که می‌توان از آن برای بررسی ماهیت مذهب از دیدگاه زنان بهره جست.

ما، همانگونه که از این کنفرانس بر می‌آید، امروز در مقام رویارویی با چنین چالشی در سراسر جهان‌ایم. ما، با بهره‌جویی از پدیدهٔ جهانروایی و تکنولوژی ارتباطاتی که موتور و محرک تبادل آراء و ایده‌ها و زایندهٔ راهبردهای گوناگون و تسهیل‌گر همبستگی‌های جهانی است، می‌توانیم در شکل‌گیری و رشد جنبشی به سوی تغییر در سراسر جهان نقشی کارساز داشته باشیم. ما، به تعدادی روزافزون و از جایگاه‌های متفاوت اجتماعی به هم پیوسته و به اعتراض علیه تفسیر بنیادگرایان از اسلام برخاسته‌ایم. ابعاد پیکار ما را تلاشمان برای دستیابی به حقوق‌مان در خانواده و در جامعه تعیین می‌کنند. ما، در همبستگی با یکدیگر، به تعریف این حقوق و چگونگی ارتباطش با معرفت‌شناسی اسلام، به بازتابش درعرصهٔ قدرت‌جویی‌های سیاسی و اجتماعی در هریک از جوامع مسلمان برخاسته‌ایم و در پی یافتن راهبردهایی هستیم که بتوانند تحقق این اهداف را تسریع کنند.

از مهمترین کارها در صدر فهرست هدف‌هایمان پی بردن به راه و روش‌های تفسیر متون دینی است و این که چگونه به این موضوع بپردازیم، به چه تخصص‌ها و مهارت‌هایی نیازمندیم و چگونه می‌توانیم هدف‌ها را با رهبران محلی در میان گذاریم و چگونه داده‌ها و آگاهی‌هایی را که از سطوح گوناگون جامعه به ما می‌رسند تفسیر کنیم. افزون بر این همه، ما در جست‌وجوی راه‌های مناسب برای آگاه سازی نخبگان سیاسی مسلمانیم و نیز یافتن تصمیمگیران مساعد به هدف‌ها و آرمان‌های خویش، و چگونگی ارائهٔ تفسیرهای نوین از متون مذهبی، و پی بردن به مرزها و حدود فعالیت‌های سیاسی، و یاری دادن به قانونگذاران و مدیران و قاضیان موافق با حقوق بشر زنان برای اصلاح وضع زنان. ما همچنین در جست‌وجوی شیوه‌های مناسب بسیج مردم‌ایم از جمله شناختن و حمایت کردن از زنان پیشرو و پیشگام در سطوح گوناگون جامعه، آموختن راه‌های اِعمال فشار بر تصمیمگیران سیاسی، و مهمتر از همه، جلوگیری از خشونت‌های روانی و جسمی نسبت به کوشندگان زن‌ایم. این فهرست از کارهایی که در پیش داریم طبیعتاً فهرست جامعی نیست ولی معرّف پیوندهای میان حقوق بشر زنان، سیاست، متون اسلامی و ابعاد پیکار ماست. از آن جا که خانواده در کانون زندگی ما قرار دارد تا زمانی که به حقوق خویش در این کانون اصلی دست نیافته باشیم پیکارمان نافرجام خواهد ماند. به عنوان عضو مکمل مرد در خانواده ما حقّی نداریم، چه حق از آن بشر مستقل و خودگردان است. به همین دلیل این کنفرانس را باید کنفرانسی نه تنها به‌هنگام بلکه بهترین معرّف و نماد پیشرفت به سوی تأمین و تضمین اعتقادات و آزادی‌هایمان شمرد.

****

پیوست (د)

قراردادهای بین‌المللی و مشارکت سیاسی زنان

۱. «زنان در مقام قدرت و تصمیم‌گیری،» بخش‌هایی از برنامهٔ عمل چهارمین کنفرانس جهانی زنان

۲. میثاق رفع همهٔ اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)

۳. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)

۴. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر (UDHR)

۱.

زنان در مقام قدرت و تصمیم‌گیری

بخش‌هایی از:

چهارمین کنفرانس جهانی زنان

پکن، چین- سپتامبر ۱۹۹۵

برنامهٔ عمل

چ. زنان در مقام قدرت و تصمیم‌گیری

اصل ۱۸۱. طبق اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر هر فرد حق دارد در نظام سیاسی کشورش شرکت کند. توانمندی و استقلال زنان و پیشبرد وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها شرط اساسی شفافیت و پاسخگویی نهادهای سیاسی و اداری دولت و لازمهٔ پیشرفت پایدار جنبه‌های گوناگون زندگی انسان است. روابط و نیروهای قدرتمندی که مانع برخورداری زنان از یک زندگی خواستنی و ثمربخش می‌شوند در همهٔ سطوح جامعه قرار گرفته‌اند، از خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی گرفته تا اجتماعی‌ترین آنها. دستیابی به هدف مشارکت برابر زن و مرد در فرایند تصمیم‌گیری به توازنی خواهد انجامید که به درستی بازتابندهٔ خواست‌های کلیهٔ افراد جامعه باشد. چنین توازنی لازمهٔ تثبیت نهادهای دموکراتیک و تضمین ایفای درست مسئولیت‌هایشان است. برابری در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی شالوده مناسبی است که بدون آن برابری همه‌جانبه شهروندان در زندگی اجتماعی تحقق نخواهد یافت. ازهمین روست که شرکت کامل زنان در عرصهٔ سیاسی نقشی کلیدی در پیشبرد وضع زنان در جامعه دارد. مشارکت برابر زن و مرد در فرایند تصمیم‌گیری تنها لازمهٔ برقراری عدالت و تحقق دموکراسی در جامعه نیست، بلکه باید شرط ضروری تأمین منافع و حقوق زنان شمرده شود. بدون مشارکت فعّال زنان، و در نظر گرفتن آراء و دیدگاه‌های آنان در همه سطوح تصمیم‌گیری، تأمین هدف‌هایی چون برابری، توسعه و صلح شدنی نخواهد بود.

اصل ۱۸۲. با همه تلاشی که برای برقراری و تثبیت دموکراسی در اغلب کشورهای جهان صورت می‌گیرد، غیبت زنان در اغلب نهادهای دولتی به ویژه در سطوح بالای تصمیم‌گیری سیاسی و اداری کاملاً مشهود است. در نهادهای قانونگذاری نیز در این زمینه پیشرفت چندانی به چشم نمی‌خورد. به این ترتیب، می‌توان گفت که تصمیم

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در بارهٔ ضرورت حضور سی درصدی زنان در این سطوح تا سال ۱۹۹۵ هنوز تحقق نیافته است. در سطح جهانی، زنان تنها ۱۰ درصد از کرسی‌های نهادهای قانونگذاری و درصدی پایین‌تر از کرسی‌های وزارتی را اشغال کرده‌اند. در برخی از کشورها، به ویژه آنهایی که در حال گذار از دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اند، تعداد زنان نماینده در نهادهای قانونگذاری به شکل چشم‌گیری کاهش یافته است. گرچه زنان تقریبا نیمی از رای‌دهندگان بیشتر کشورها هستند، به حق رای نیز دست یافته‌اند و تقریبا در همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد به مقام‌های بلند دولتی رسیده‌اند، اما همچنان شمار اندکی از آنان خود را نامزد رسیدن به پست‌های سیاسی انتخابی می‌کنند. الگوهای سنّتی اشتغال در بسیاری از احزاب سیاسی و نهادهای دولتی همچنان مانعی بزرگ در راه حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی‌اند. موانع دیگری نیز از عوامل دلسردی زنان در پیمودن این راه‌اند، از جمله رفتارها و دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز، مسئولیت‌های خانه‌داری و نگهداری از فرزندان و هزینه بالای دستیابی به مقام‌های انتخاباتی. حضور زنان در نهادهای سیاسی و تصمیم‌گیری در نهادهای اجرایی و قانونگذاری دولت عامل مهمی‌است در باز تعریف کردن اولویت‌های سیاسی، ورود مسائل و موضوع‌های تازه در دستور کار سیاسی؛ دستور کاری که بازتابندهٔ آراء و خواست‌های جنسیتی زنان و معرّف ارزش‌ها و تجربه‌های آنان است.

اصل ۱۸۳. زنان صلاحیت و توانایی رهبری خود را نه تنها در سازمان‌های محلی و غیردولتی، بلکه در نهادهای دولتی نیز ثابت کرده‌اند. امّا، کلیشه‌سازی‌های منفی از زنان و مردان، از جمله در رسانه‌های ارتباطی، همچنان این فرض سنّتی را زنده نگه می‌دارد که بهتر آن است نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی در اختیار مردان باقی بماند. به همین ترتیب، حضور اندک زنان در کانون‌های تصمیم‌گیری در حوزه‌های هنر، فرهنگ، ارتباطات، آموزش، مذهب و حقوق سبب شده است که زنان در نهادهای کلیدی اجتماعی از ایفای نقش مؤثری محروم باشند.

اصل ۱۸۴. سهم اندک زنان در کانون‌های سنّتی قدرت و تصمیم‌گیری، مانند احزاب سیاسی، سندیکاهای کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری، سبب شده که آنان از راه شرکت در ساختارهای دیگری، به ویژه در بخش خصوصی، به عرصه‌های تصمیم‌گیری عمومی‌دست یابند. از راه شرکت در ساختارهایی غیردولتی، محلی و مردمی زنان توانسته‌اند هدف‌ها و خواست‌هایشان را به روشنی در میان گذارند و مسائل زنان را در دستور کار تصمیم‌گیران کشور خود، دولت‌های همسایه و نهادهای بین‌المللی قرار دهند.

اصل ۱۸۵. نابرابری در عرصهٔ تصمیم‌گیری‌های اجتماعی اغلب با افکار و رفتارهای تبعیض‌آمیز، و تقسیم نابرابر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، همانگونه که در پاراگراف ۲۹ در بالا آمده است، شروع می‌شود. تقسیم غیرعادلانهٔ کار و مسئولیت‌ها در خانه نیز، که بر پایهٔ تقسیم نابرابر حقوق و اختیارات قرار دارد، توان بالقوهٔ زنان را در یافتن فرصت و پرورش مهارت‌هایشان محدود می‌کند. به این ترتیب آن‌ها فرصتی نمی‌یابند تا مهارت‌های خویش را، در آن حد که برای مشارکت در

تصمیم‌گیری در عرصه‌های عمومی لازم است، پرورش دهند. تقسیم عادلانه‌تر این مسئولیت‌ها بین زن و مرد نه تنها کیفیت بهتری به زندگی زنان و دختران آنها می‌بخشد بلکه فرصت‌های بیشتری برای شرکت در فرایندهای تصمیم‌گیری برایشان فراهم می‌کند تا، از جمله بتوانند مسائل و اولویت‌های خویش را در سطح برنامه‌ریزی عمومی‌مطرح کنند. شبکه ارتباطات غیررسمی و امکانات تصمیم‌گیری محلی که معرّف استیلای فرهنگ مردسالار است توانایی زنان را برای مشارکت برابر در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سخت محدود می‌کند.

اصل ۱۸۶. پایین بودن سهم مشارکت زنان در امور اقتصادی و سیاسی و در سطح تصمیم‌گیری‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نشان وجود موانع ساختاری و رفتاری است که باید با گام‌ها و برنامه‌های مثبت از میان برداشته شوند. دولت‌ها، شرکت‌های بومی و بین‌المللی، رسانه‌ها، بانک‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علوم، و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله آن‌هایی که تحت نظارت سازمان ملل متحد فعالیت می‌کنند، به طور کامل از استعداد زنان در سطح‌های بالای مدیریت، سیاستگذاری و دیپلماسی بهره نمی‌جویند.

اصل ۱۸۷. تقسیم منصفانهٔ قدرت و اهرم‌های تصمیم‌گیری در سطوح مختلف همگی بستگی به دولت‌ها و نهادهایی دارد که عهده دار بررسی و تجزیه و تحلیل آمار جنسیتی و گنجاندن هدف‌های جنسیت محور در سطح برنامه‌ریزی و سیاستگذاری عمومی‌اند. برابری در فرایند تصمیم‌گیری سهمی اساسی در توانمند کردن زنان دارد. در برخی از کشورها سهمیه‌بندی نشان آن است که مشارکت و نمایندگی زنان در هردو سطح محلی و ملی تا سقف ۳۳.۳ درصد نیزافزایش یافته.

اصل ۱۸۸. نهادهای آمارگیری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هنوز به داده‌ها و آگاهی‌های لازم برای چگونگی مطرح ساختن مسائل مربوط به برابری جنسیتی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی دست نیافته‌اند. در این میان، به ویژه از داده‌ها و متدولوژی‌های موجود برای اصلاح شیوه‌ها و ساختارهای تصمیم‌گیری به حد کافی بهره‌جویی.

اصل ۱۸۹. برای رفع نابرابری بین زن و مرد در عرصه‌های قدرت و تصمیم‌گیری، در همهٔ سطوح اجتماعی، دولت و نهادهای ذینفع دیگر باید به ترویج سیاست‌هایی بپردازند که مساعد به ملحوظ داشتن دیدگاه‌های جنسیتی پیش از تصمیم‌گیری در بارهٔ هر برنامه‌ای باشد. شرط لازم برای توفیق چنین سیاستی این است که قبل از هر تصمیم‌گیری چگونگی تأثیر تصمیم بر زنان و مردان بررسی شود.

هدف‌های راهبردی چ. ۱.
انجام کارهای لازم برای تأمین دسترسی برابر زنان به قدرت و شرکت کامل آنان در ساختارهای قدرت و تصمیم‌گیری

گام‌هایی که باید انجام شوند
۱۹۰. توسط دولت‌ها:

الف) متعهد شدن به ایجاد توازن جنسیتی در نهادها و کمیته‌های دولتی، در همهٔ تأسیسات اداری، در قوهٔ قضاییه، و نیز تعیین هدف‌های مشخص و برداشتن گام‌هایی- از جمله سهمیه‌بندی در صورت لزوم - که بتواند برای تأمین برابری جنسیتی شمار زنان را در همهٔ مقام‌های دولتی و اداری افزایش دهد؛

ب) برداشتن گام‌هایی، از جمله در نظام انتخاباتی که بتواند احزاب سیاسی را برانگیزد تا شمار زنان در مقام‌های تصمیم‌گیری انتخابی و غیرانتخابی را تا حد شمار مردان بیفزایند؛

پ) ترویج و تأمین حقوق برابر زنان و مردان برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی و تشکیل انجمن‌ها از جمله عضویت در احزاب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری؛

ت) بررسی پیامد نظام‌های انتخاباتی بر نسبت شرکت زنان در نهادهای انتخابی سیاسی و پرداختن به اصلاح نظام در صورت لزوم؛

ث) بررسی و ارزیابی میزان شرکت زنان در عرصهٔ سیاسی از راه جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار داده‌های کمی و کیفی مربوط به زنان و مردان در سطوح مختلف و در مقام‌های متفاوت تصمیم‌گیری در بخش‌های خصوصی و عمومی؛ همچنین انتشار سالانهٔ آمار مربوط به تعداد زنان و مردان شاغل در سطوح مختلف نهادهای دولتی؛ اطمینان یافتن از دسترسی برابر زنان و مردان به مقام‌های گوناگون و؛ نصب کردن ابزار مناسب در نهادهای دولتی برای پی بردن به میزان پیشرفت در زمینه‌های یادشده؛

ج) حمایت از سازمان‌های غیردولتی و نهادهای پژوهشی که به بررسی چگونگی مشارکت زنان در بدنه‌های تصمیم‌گیری می‌پردازند و نیز به پیامد این مشارکت در کیفیت تصمیم‌گیری؛

چ) تشویق زنان بومی به شرکت در فرایند تصمیم‌گیری در همه سطوح؛

ح) تشویق سازمان‌های بهره‌مند از کمک مالی دولت به اتخاذ سیاست‌ها و رفتارهای غیرتبعیضی برای افزایش تعداد و ارتقاء مشاغل اعضای زن؛

خ) پذیرفتن این واقعیت که کار مشترک و مسئولیت‌های پدری و مادری به افزایش میزان مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی می‌انجامد و نیز برداشتن گام‌های مناسب برای هماهنگ کردن زندگی خانوادگی و حرفه‌ای؛

د) تلاش برای ایجاد تعادل جنسیتی در فهرست نامزدان شرکت در انتخابات و یا رسیدن به مقام‌های انتصابی – به ویژه مقام‌های ارشد- در ارگان‌های سازمان ملل متحد، آژانس‌های ویژهٔ آن و یا دیگر نهادهای مستقل سازمان ملل متحد، به ویژه مقام سطح ملی و سمت‌های انتصابی در بدنه سیستم سازمان ملل متحد.

۱۹۱. توسط احزاب سیاسی:

الف) بررسی ساختارهای حزبی و روند کار آنان برای از بین بردن همه موانعی که مستقیم یا غیرمستقیم زنان را از مشارکت در عرصه‌های اجتماعی بازمی‌دارند؛

ب) طرّاحی و توسعهٔ سیاست‌هایی که به زنان اجازه مشارکت کامل در همه ساختارهای داخلی دهد و ورود آن‌ها را به فهرست نامزدان انتخاباتی و مقام‌های دولتی تسهیل کند:

پ) در نظر گرفتن مسائل جنسیتی در شعارها و برنامه‌های سیاسی و گام برداشتن در جهت تسهیل مشارکت زنان در کادر رهبری حزب در سطح و میزان برابر با مردان؛

۱۹۲. توسط دولت‌ها، نهادهای ملّی، بخش خصوصی، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه کارفرمایان سازمان‌ها، مراکز پژوهشی و دانشگاهی، مؤسسات منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی:

الف) اقدام‌های مثبت در جهت افزایش شمار زنانی که در مقام‌های رهبری و اجرایی و مدیریت در سطوح تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند؛

ب) ایجاد و یا تقویت مکانیزم‌های مناسب برای نظارت بر دسترسی زنان به سطوح عالی تصمیم‌گیری.؛

پ) بازنگری معیارهای استخدام و انتصاب در نهادهای مشورتی و تصمیم‌گیری و اطمینان یافتن از این که معیارهای بررسی شده حامل تبعیضی علیه زنان نیستند؛

ت) تشویق سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های تجاری و بخش خصوصی به تأمین برابری زنان و مردان عضو از جمله تأمین مشارکت برابر آن‌ها در نهادهای تصمیم‌گیری در همهٔ سطوح؛

ث) توسعه راهبردهای ارتباطی برای ترویج مناظره‌های عمومی در بارهٔ نقش تازهٔ مردان و زنان در جامعه و خانواده، همانگونه که در پاراگراف ۲۹ تعریف شده است؛

ج. تجدید نظر در برنامه‌های استخدامی و توسعه مشاغل برای تأمین دسترسی برابر زنان و مردان به سمت‌های اجرایی، کارآفرینی، تکنیکی و آموزش رهبری، از جمله آموزش‌های در حین کار؛

چ) توسعهٔ برنامه‌های ارتقاء شغلی برای زنان در هر سنّی، شامل برنامه‌ریزی‌های شغلی، کاریابی، راهنمایی، نظارتی، آموزشی و بازآموزی؛

ح) تشویق و حمایت از مشارکت سازمان‌های غیردولتی زنان در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد از جمله در مراحل مقدماتی تشکیل آن‌ها؛

خ) تلاش برای ایجاد تعادل جنسیتی در ترکیب هیئت‌های نمایندگی در سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی.

۱۹۳. توسط سازمان ملل متحد:

الف) به اجرا گذاشتن سیاست‌های استخدامی کنونی و تدوین سیاست‌های تازهٔ استخدامی برای تسهیل و تسریع رسیدن به برابری جنسیتی کامل به ویژه در سطوح حرفه‌ای و بالاتر از آن تا سال ۲۰۰۰، ضمن توجه به اهمیت استخدام کارمندان از حوزه‌های گوناگون جغرافیایی بر پایهٔ پاراگراف ۳ ماده ۱۰۱ منشور سازمان ملل متحد؛

ب) توسعهٔ مکانیزم‌هایی برای نامزدکردن زنان برای اشتغال در مقام‌های بالای سازمان ملل متحد، آژانس‌های تخصصی و دیگر نهادهای آن؛

پ) ادامه جمع‌آوری و انتشار داده‌های کمی و کیفی آماری نسبت زنان و مردان در سمت‌های تصمیم‌گیری، بررسی و تحلیل تفاوت تاثیر شرکت آنان در روند تصمیم‌گیری، و نظارت بر میزان پیشرفت تعادل جنسیتی در مشاغل به سوی تحقق هدف دبیرکل سازمان: رسیدن سهم زنان در مقام‌های تصمیم‌گیری و اجرایی به ۵۰ درصد کل این گونه مشاغل تا سال ۲۰۰۰؛

۱۹۴. توسط سازمان‌های زنان، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های کارگری، تولیدکنندگان و سازمان‌های صنعتی و حرفه‌ای:

الف) کمک به تقویت همبستگی زنان از راه پخش داده‌ها و آگاهی‌ها، آموزش، و فعالیت‌های حسّاسیت‌انگیز در بارهٔ حقوق زنان؛

ب) فعالیت‌های ترویجی در سطوح گوناگون برای توانمند کردن زنان به تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی، اقتصادی و تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و نیز نظارت بر اجرای تعهداتی که نمایندگان مجلس در مورد خواست‌های زنان بر دوش گرفته‌اند؛

پ) ایجاد پایگاه‌ها ومنابع اطلاعاتی در بارهٔ زنان و صلاحیت‌هایشان برای اشتغال در سمت‌های بالای تصمیم‌گیری و مشورتی که بتواند مورد بهره‌برداری دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و شرکت‌های خصوصی، احزاب سیاسی و دیگر نهادهای علاقه‌مند باشد.

هدف‌های راهبردی چ ۲

افزایش دادن ظرفیت‌ها و مهارت‌های زنان برای مشارکت در سمت‌های تصمیم‌گیری و رهبری

کارهایی که باید برداشته شود:

۱۹۵. توسط دولت‌ها، نهادهای ملّی، بخش خصوصی، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، سندیکاهای کارفرمایان، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی و نهادهای آموزشی:

الف) ارائهٔ دوره‌های آموزش رهبری و اعتماد به نفس آفرینی برای کمک به زنان و دختران، به ویژه زنانی که نیازمندی‌ها و یا ناتوانی‌های ویژه دارند، زنان متعلق به اقلیت‌های نژادی و قومی، و تشویق آنان برای پذیرفتن سمت‌های تصمیم‌گیری؛

ب) گزیدن معیارهای شفّاف برای سمت‌های تصمیم‌گیری و تأمین توازن جنسیتی در نهادهای ایجاد شده؛

پ) ایجاد یک نهاد آموزشی، به ویژه آموزش مهارت‌های رهبری و تصمیم‌گیری، سخنرانی در مجامع عمومی و اظهار نظر در کمپین‌های سیاسی، برای زنان بی‌تجربه؛

ت) ارائهٔ دوره‌های آموزشی برای آگاه‌سازی زنان و مردان از مسائل مربوط به توازن جنسیتی به قصد بهینه کردن روابط کاری تهی از تبعیض و به رسمیت شناختن مزایای احترام به تنوع سلیقه در شیوه‌های گوناگون مدیریت؛

ث) توسعه مکانیزم‌ها و آموزش‌های ویژه برای تشویق زنان به مشارکت در فرایند انتخاباتی، فعالیت‌های سیاسی و دیگر حوزه‌های نیازمند به رهبری.

۲.

میثاق رفع همهٔ اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)

این میثاق در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و برای امضا و تصویب دولت‌های عضو گشوده شد. این میثاق بر اساس بند ۱ از مادهٔ ۲۷ آن در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (سوم سپتامبر ۱۹۸۱) لازم‌الاجرا خواهد شد. متن این میثاق که به قطعنامهٔ مجمع عمومی ملحق شده به قرار زیر است:

دولت‌های عضو این میثاق:

با توجه به اینکه منشور ملل متحد بر پایبندی حقوق اساسی بشر، مقام و منزلت هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تاکید دارد؛

با توجه به اینکه اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر با تأئید اصل ممنوع بودن تبعیض اعلام کرده است که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچ گونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند؛

با توجه به اینکه دولت‌های عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی شده‌اند؛

با در نظر گرفتن میثاق‌های بین‌المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده‌اند،

با توجه به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌هایی که توسط سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است؛

نگران از این که علیرغم اسناد متعدد بالا، تبعیض‌ها علیه زنان همچنان به‌طور گسترده ادامه دارد؛

با یادآوری این که هر نوع تبعیض علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت بشر، مانع شرکت برابر زنان و مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و گسترش سعادت جامعه و خانواده است و شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعدادهای زنان را در خدمت به کشور و بشریت دشوارتر می‌کند؛

نگران از این که زنان در شرایط فقر و تنگدستی تنها از حداقل امکان دسترسی به مواد غذایی، بهداشت، آموزش و اشتغال برخوردارند؛

با اعتقاد بر این که پیدایش نظام نوین اقتصاد بین‌الملل بر اساس برابری و عدالت به پیشبرد برابری بین مردان و زنان کمکی شایسته می‌کند؛

با تاکید بر اینکه ریشه‌کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض‌نژادی، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال و استیلا بر سرزمین‌های دیگر، و دخالت در امور داخلی کشورها، برای بهره‌جویی کامل از حقوق زنان و مردان ضروری است؛

با تایید بر این که تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدایی بین‌المللی، همکاری‌های متقابل دولت‌ها، ورای نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و به ویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و موثر بین‌المللی، تاکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به تحقق برابری کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد؛

با اعتقاد بر این که توسعهٔ کامل کشور، رفاه جهانی و بر قراری صلح مستلزم مشارکت همه جانبهٔ زنان و حقوق برابر آنان با مردان است؛

با آگاهی به این که تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به برابری کامل میان زنان و مردان ضروری است؛

با آگاهی از این که دگرگونی در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دست‌یابی به برابری کامل میان و زنان و مردان ضروری است؛

مصمم به اجرای اصول مندرج در اعلامیه رفع همهٔ اشکال تبعیض علیه زنان و اتخاذ اقدامات ضروری برای از میان برداشتن انواع تبعیض‌ها، به شرح ذیل توافق کردند:

بخش اول

ماده ۱

عبارت «تبعیض علیه زنان» در این میثاق به هر گونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اِعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان سوای وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس برابری میان زنان و مردان، اطلاق می‌شود.

ماده ۲

دول عضو، با محکوم کردن هر گونه تبعیض علیه زنان توافق خواهند کرد که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با بهره‌جویی از همهٔ امکانات مناسب پی‌گیر خواهند کرد و خود را به تحقق اهداف زیر متعهد می‌کنند:

الف. گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوطه هر کشور، چنانچه تا کنون منظور نشده باشد، و تظمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر راه‌های مناسب دیگر؛

ب. تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

پ. بر قراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛

ت. خودداری از انجام هرگونه عمل و حرکت تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛

ث. اتخاذ کلیه اقدامات مناسب برای رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکت‌های خصوصی؛

ج. اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، هدف یا روش‌های موجود که نسبت به زنان تبعیض‌آمیزند؛

چ. لغو کلیه مقررات کیفری که موجب تبعیض نسبت به زنان می‌شود.

ماده ۳

دولت‌های عضو باید در تمام زمینه‌ها به ویژه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات مناسب را از جمله وضع قوانین برای تضمین توسعه و پیشرفت کامل زنان و نیز بهره‌مندی آنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر مبنای مساوات با مردان به عمل آورند.

ماده ۴

۱. اتخاذ تدابیر ویژه و موقتی توسط دول عضو آن تسریع در برقراری مساوات بین مردان و زنان است نباید به عنوان «تبعیض» به صورتی که در این میثاق تعریف شده است تلقی گردد. و بدون اینکه این اقدامات منجر به حفظ معیارهای نابرابر و مجزا گردد، پس از تحقق رفتار و فرصت‌های برابر متوقف خواهد شد.

۲. اتخاذ تدابیر ویژه توسط دولت‌های عضو از جمله اقداماتی که در این میثاق برای حمایت از امور مادرانه منظور شده است تبعیض‌آمیز تلقی نخواهد شد.

ماده ۵

دولت‌های عضو کلیه اقدامات مناسب را در زمینه‌های زیر به عمل می‌آورند:

الف. تعدیل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتاری مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و کلیهٔ روش‌های سنتی و غیره که بر تفکر پَست‌نگری یا برترنگری هر یک از دو. جنس و یا تداوم نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار باشد؛

ب. حصول اطمینان از اینکه آموزش خانواده شامل درک صحیح از وضعیت مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زنان و مردان در پرورش و تربیت کودکان خود باشد، با این استنباط که منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قرار دارد.

ماده ۶

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را از جمله وضع قوانین به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی و بهره‌بری از روسپی‌گری زنان به عمل خواهند آورد.

بخش دوم

ماده ۷

دولت‌های عضو برای رفع تبعیض از زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد، به ویژه حقوق زیر را در شرایط مساوی با مردان برای زنان تضمین خواهند کرد:

الف. رای دادن در کلیه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و داشتن شرایط نامزدی در همه اجتماعات منتخب عمومی؛

ب. مشارکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتصاب به سمت‌های دولتی و انجام کلیه مسئولیت‌های دولتی در تمام سطوح دولت؛

پ. شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی مرتبط با حیات سیاسی و اجتماعی کشور.

ماده ۸

دولت‌های عضو اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا بدون هیچ گونه تبعیض و در شرایط مساوی با مردان این فرصت به زنان داده شود که به عنوان نماینده دولت خود در سطح بین‌المللی حاضر شوند و در فعالیت سازمان‌های بین‌المللی نقش داشته باشند.

ماده ۹

۱. دولت‌های عضو در مورد کسب، تغییر یا حفظ تابعیت، به مردان و زنان حقوقی برابر اعطا خواهند کرد. دولت‌ها به ویژه تضمین می‌کنند که از ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت

شوهر در طی دوران ازدواج خود به خود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد.

۲. دولت‌های عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق مساوی اعطا خواهند کرد.

بخش سوم

ماده ۱۰

دولت‌های عضو به منظور تضمین حقوق برابر زنان با مردان در زنان با مردان در زمینه آموزش و پرورش هرگونه اقدامی برای رفع تبعیض از زنان به عمل خواهند آورد. به ویژه بر اساس مساوات بین اساس و مردان موارد زیر را تضمین خواهند کرد:

الف. شرایط یکسان در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و برای دسترسی به آموزش و دریافت دانشنامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشی در مناطق شهری و روستایی، این تساوی باید در آموزش پیش مدرسه‌ای، آموزش عمومی، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز دوره‌های حرفه‌ای مختلف تضمین شود؛

ب. دسترسی به برنامهٔ درسی یکسان، امتحانات یکسان، معلمین دارای مهارت‌ها و صلاحیت‌های هم‌تراز و محل‌ها و امکانات آموزشی با کیفیت برابر؛

ج. از بین بردن هر گونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال مختلف آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط و سایر انواع روش‌های آموزشی که نیل به این هدف را ممکن می‌سازد و به ویژه از طریق تجدیدنظر در کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس و تطبیق دادن روش‌های آموزشی؛

د. ایجاد فرصت‌های یکسان جهت بهره‌مندی از بورس‌ها و سایر مزایای تحصیلی؛

ه. امکانات مشابه جهت دستیابی به برنامه‌های مربوط به ادامه تحصیلات، از جمله برنامه‌های عملی سواد آموزی بزرگسالان به ویژه برنامه‌هایی که با هدف کاهش هر چه سریع‌تر شکاف آموزشی موجود بین زنان و مردان تدوین یافته‌اند؛

و. کاهش در صد دانش‌آموزان دختر که ترک تحصیل می‌کنند و تنظیم برنامه‌هایی برای دختران و زنانی که ترک تحصیل زودرس داشته‌اند،

ز. امکانات یکسان برای شرکت فعال زنان در ورزش و تربیت بدنی؛

ح. دسترسی به آگاهی‌های آموزشی مشخص که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می‌نمایند، از جمله آگاهی‌ها و راهنمایی در مورد تنظیم خانواده.

ماده ۱۱

دولت‌های عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا هر گونه تبعیض علیه زنان در اشتغال از بین برود و بر اساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود، به ویژه در موارد زیر:

الف) حق اشتغال به کار به عنوان حق لاینفک تمام افراد بشر؛

ب) حق استفاده از فرصت‌های استخدامی یکسان، از جمله اعمال ضوابط یکسان برای استخدام؛

ج) حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق برخورداری از ارتقای مقام، حق برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط شغلی و حق استفاده از دوره‌های آموزش حرفه‌ای و بازآموزی از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای پیشرفته و آموزش مرحله‌ای؛

د) حق دریافت دستمزد برابر و نیز استفاده از مزایا و حق برخورداری از رفتار یکسان در مشاغلی که دارای ارزش برابر است و همچنین قضاوت یکسان در ارزیابی کیفیت کار مشابه؛

ه) حق استفاده از بیمه‌های اجتماعی به ویژه در دوران بازنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری و در سایر موارد ازکارافتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی؛

و) حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار، از جمله حمایت از وظیفه تولید مثل؛

۲- به منظور جلوگیری از اعمال تبعیضات علیه زنان بر پایه ازدواج یا مادری (بارداری) و تضمین حق مؤثر آنان جهت کار، دولت‌های عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج بر اساس وضعیت زناشویی و اعمال مجازات‌های قانونی بدین منظور؛

ب) صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی، ارشدیت یا مزایای اجتماعی؛

ج) تشویق به ارائه پوشش‌های اجتماعی لازم به نحوی که والدین را قادر کند تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی و مشارکت در زندگی اجتماعی هماهنگ سازند، به خصوص از راه ایجاد و توسعه شبکه تسهیلاتی برای مراقبت از کودکان؛

د) برقراری حمایت خاص از زنان هنگام بارداری در انواع مشاغلی که برای آنان زیان‌آور محسوب می‌گردد؛

۳- قوانین حمایت‌کننده ذکر شده در این ماده به طور متناوب همگام با پیشرفت آگاهی‌ها و دانش‌های علمی و تکنولوژیکی باید مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم بازنگری، لغو یا تمدید شوند.

ماده ۱۲

۱- دولت‌های عضو برای رفع تبعیض از زنان در زمینه مراقبت بهداشتی آنان کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدماتی که به تنظیم خانواده مربوط می‌شود بر اساس رعایت مساوات بین مردان و زنان تضمین شود.

۲- دولت‌های عضو صرف نظر از مفاد بند ۱ این ماده ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداری، بستری برای زایمان و دوران پس از زایمان را تضمین خواهند کرد و در موارد لازم خدمات رایگان و نیز تغذیه کافی در دوران بارداری و دوران شیردهی در اختیار آنان قرار خواهند داد.

ماده ۱۳

دولت‌های عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیض از زنان در سایر زمینه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی به عمل خواهند آورد تا حقوق یکسان به ویژه در زمینه‌های زیر بر اساس برابری مردان و زنان تضمین شود:

الف) حق استفاده از مزایای خانوادگی؛

ب) حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن و سایر اشکال اعتبارات مالی؛

ج) حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و کلیه زمینه‌های حیات فرهنگی.

ماده ۱۴

۱- دولت‌های عضو این میثاق مشکلات خاص زنان روستایی را مد نظر قرار داده و به نقش مهمی که این زنان در جهت حیات اقتصادی خانواده‌های خود از جمله کار در بخش‌های غیرمالی اقتصاد به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا مفاد این میثاق نسبت به زنان در مناطق روستایی اجرا گردد.

۲- دولت‌های عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیض از زنان در مناطق روستایی به عمل خواهند آورد تا این زنان بر اساس تساوی مردان و زنان در برنامه‌های عمرانی و روستایی شرکت نموده و از آن بهره‌مند گردند و به خصوص از حقوق زیر برخوردار شوند:

الف) شرکت در تدوین و اجرای برنامه‌های عمرانی در کلیه سطوح؛

ب) دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی از جمله آگاهی‌ها، مشاوره خدمات تنظیم خانواده؛

ج) استفاده مستقیم از برنامه‌های تأمین اجتماعی؛

د) استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله سوادآموزی عملی و نیز بهره‌مندی از خدمات محلی و فوق‌العاده به منظور بالا بردن کارآیی فنی آنان؛

ه) تشکیل گروه‌ها و تعاونی‌های خودیاری به منظور به دست آوردن امکان دستیابی مساوی به فرصت‌های اقتصادی از طریق اشتغال یا خوداشتغالی؛

و) شرکت در کلیه فعالیت‌های محلی؛

ز) دسترسی به وام‌ها و اعتبارات کشاورزی، تسهیلات بازاریابی، تکنولوژی مناسب و استفاده یکسان از زمین و بر خورداری از رفتاری مساوی در چارچوب اصلاحات ارضی و روستایی و نیز در برنامه‌های جایگزینی زمین؛

ح) بهره‌مندی از شرایط زندگی مناسب، به ویژه مسکن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده ۱۵

۱- دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در برابر قانون اعطا می‌کند.

۲- دولت‌های عضو در امور مدنی به زنان اختیارات و امکانات قانونی دقیقاً یکسان با مردان و نیز شرایط مساوی برای بهره‌برداری از این اختیارات و امکانات اعطا خواهند کرد. دولت‌های عضو برای انعقاد قرار داد و اداره املاک برای زنان حقوقی برابر با مردان قائل شده و با ایشان در کلیه مراحل دادرسی در دادگاه‌ها و مراجع قضایی به صورت یکسان رفتار خواهند کرد.

۳- دولت‌های عضو موافقت می‌نمایند که کلیه قراردادها وسایر اسناد خصوصی دارای مدت اجرایی قانونی و محدود کننده اهلیت قانونی زنان، کان لم یکن تلقی گردد.

۴- دولت‌های عضو بادرنظرگرفتن قانون نقل مکان و قانون حق انتخاب آزادانه محل اقامت و سکونت افراد حقوق برابر با مردان به زنان اعطا می‌کنند.

ماده ۱۶

۱- دولت‌های عضو به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد و به ویژه بر اساس تساوی مردان و زنان موارد ذیل را تضمین خواهند کرد:

الف) حق یکسان برای ورود به ازدواج؛

ب) حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه دو طرف ازدواج؛

ج) حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی؛

د) حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین، صرف نظر از وضع روابط زناشویی، در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می‌شود؛ در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛

ه) حقوق یکسان در مورد تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به آگاهی‌ها، آموزش و ابزار لازم که قدرت بهره‌مندی را از این حقوق به ایشان می‌دهد؛

و) حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان و یا موارد مشابه با این مفاهیم در حقوق ملی، در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار خواهد بود؛

ز) حقوق فردی یکسان به عنوان شوهر و زن منجمله حق انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه؛

ح) حقوق یکسان برای زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌مندی و انتقال ملک اعم از اینکه رایگان باشد و یا هزینه‌ای در بر داشته باشد.

۲- نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیهٔ اقدامات ضروری منجمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج باید در دفاتر رسمی به عمل آید.

بخش پنجم

ماده ۱۷

۱- به منظور بررسی پیشرفت حاصله در اجرای مفاد این میثاق کمیته رفع تبعیض علیه زنان (از این پس کمیته) شامل هجده نفر در زمان لازم‌الاجرا شدن و پس از تصویب یا پیوستن سی و پنجمین کشور عضو، بیست و سه نفر از کارشناسان دارای شهرت اخلاقی والا و صلاحیت در زمینه‌های مربوط به میثاق تشکیل می‌شود این کارشناسان توسط دولت‌های عضو از میان

اتباع کشورهای‌شان انتخاب می‌شوند و به استقلال خدمت می‌کنند. در انتخاب این اشخاص به توزیع عادلانه جغرافیایی و به حضور اشکال مختلف تمدن و نظام‌های عمده حقوقی توجه می‌شود.

۲- اعضای کمیته با رای مخفی و از فهرست افرادی که توسط دولت‌های عضو نامزد شده‌اند انتخاب می‌شوند؛ هریک از دولت‌های عضو می‌تواند یک نفر از اتباع خود را نامزد کند.

۳- نخستین انتخابات شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این میثاق برگزار می‌شود. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات دبیر کل ملل متحد طی نامه‌ای از دولت‌های عضو می‌خواهد تا ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. دبیر کل فهرست اسامی نامزدها را به ترتیب حروف الفبا و با نام کشور نامزدکننده هریک تهیه و برای دولت‌های عضو ارسال خواهد داشت.

۴- انتخاب اعضای کمیته در جلسه دولت‌های عضو که توسط دبیر کل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام می‌شود. در این جلسه، که حد نصاب تشکیل آن حضور دو سوم دولت‌های عضو می‌باشد، اشخاص انتخاب شده برای عضویت در کمیته آن دسته از نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد آراء و همزمان اکثریت مطلق آراء نمایندگان دولت‌های عضو حاضر و رای‌دهنده را در جلسه به دست آورند.

۵- اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند امّا دوره عضویت ۹ نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال به پایان می‌رسد. بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این ۹ عضو به قید قرعه توسط رئیس کمیته تعیین خواهد شد.

۶- انتخاب ۵ عضو دیگر کمیته مطابق با بندهای ۲، ۳ و ۴ این ماده و به دنبال سی و پنجمین تصویب یا الحاق عضو صورت خواهد گرفت. دوره عضویت دو نفر از اعضای فوق در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت و اسامی این دو نفر به قید قرعه توسط رئیس کمیته تعیین خواهد شد.

۷- به منظور اشغال پست‌های خالی احتمالی، دولتی که فعالیت کارشناسش به عنوان عضو کمیته متوقف شده است، کارشناس دیگری را از بین اتباع خود برای عضویت در کمیته مشروط به تایید کمیته انتخاب خواهد کرد.

۸- اعضای کمیته با تأیید مجمع عمومی و بر طبق ضوابط و شرایطی که آن مجمع مقرر می‌دارد و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌های کمیته از سازمان ملل مقرری دریافت خواهند کرد.

۹- دبیر کل ملل متحد تسهیلات و کارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظایف کمیته در چارچوب این میثاق تأمین خواهد نمود.

ماده ۱۸

۱- دولت‌های عضو متعهد می‌شوند گزارشی برای بررسی کمیته در مورد اقدامات تقنینی، قضایی اجرایی و سایر اقدامات متخذه در راستای اجرای مفاد این میثاق و پیشرفت‌های حاصله در این رابطه به دبیر کل ملل متحد ارائه کنند:

الف) یکسال پس از لازم‌الاجرا شدن میثاق برای آن دولت؛

ب) پس از آن حدا قل هر چهار سال یک بار و علاوه بر آن هر زمانی که کمیته درخواست کند.

۲- این گزارش‌ها می‌تواند مبین عوامل و مشکلاتی به شمار آید که بر میزان اجرای تعهدات تحت این میثاق اثر می‌گذارد.

ماده ۱۹

۱- کمیته آیین‌نامه اجرایی خود را تصویب خوهد نمود.

۲- کمیته مسئولان خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

ماده ۲۰

۱- کمیته به منظور بررسی گزارش‌های که مطابق با ماده ۱۸ این میثاق ارائه شده هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند تشکیل جلسه می‌دهد.

۲- جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسب دیگری که به تصمیم کمیته تعیین می‌شود برگزار خواهد شد.

ماده ۲۱

۱- کمیته همه ساله از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی گزارشی در مورد فعالیت‌های خود به مجمع عمومی تسلیم می‌کند و می‌تواند بر اساس گزارش‌ها و ادعانامه‌های واصله از دولت‌های عضو پیشنهادها و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این پیشنهادها و توصیه‌های کلی همراه با نظرات احتمالی دولت‌های عضو در گزارش کمیته درج می‌گردد.

۲- دبیر کل ملل متحد گزارش‌های کمیته را جهت آگاهی به کمیسیون مقام زن ارسال می‌کند.

ماده ۲۲

مؤسسات تخصصی مجاز خواهند بود که از طریق نمایندگان‌شان اجرای موادی از میثاق حاضر را که در حوزه فعالیت‌های آنها جای می‌گیرند مورد بررسی قرار دهند. کمیته ممکن است از مؤسسات تخصصی دعوت کند تا گزارش‌هایی در بارۀ نحوه اجرای میثاق در زمینه‌هایی که به حوزه فعالیت آنها مربوط می‌شود ارائه نمایند.

بخش ششم

ماده ۲۳

هیچ چیز در این میثاق بر مقرراتی که برای دستیابی زنان و مردان به برابری مفیدتر و مؤثرتر وجود دارد تأثیر نخواهد گذاشت؛ این مقررات می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف) قوانین یک دولت عضو؛ یا

ب) هر میثاق یا موافقت‌نامه بین‌المللی دیگری که برای آن دولت لازم‌الاجرا است.

ماده ۲۴

دولت‌های عضو متعهد می‌گردند کلیه اقدامات لازم را در سطح ملی که هدف از آن تحقق کامل حقوق به رسمیت شناخته شده در این میثاق می‌باشد، به عمل آورند.

ماده ۲۵

۱- این میثاق برای امضای کلیه دولت‌ها باز خواهد ماند.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد به عنوان امین این میثاق تعیین می‌شود.

۳- تصویب این میثاق منوط به طی مراحل تصویب قانونی است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت گذارده خواهد شد.

۴- این میثاق جهت الحاق کلیه دولت‌ها باز خواهد ماند. الحاق با سپردن سند الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد محقق می‌شود.

ماده ۲۶

۱- دولت‌های عضو می‌توانند در هر زمان طی نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد در خواست تجدیدنظر را در این میثاق نمایند.

۲- مجمع عمومی ملل متحد در مورد اقدامات احتمالی بعدی در مورد چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۲۷

۱- این میثاق سی روز پس از تاریخ که بیستمین سند تصویب یا الحاق آن نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲- پس از به ودیعه سپردن بیستمین سند تصویب یا الحاق، برای هر دولتی که این میثاق را تصویب می‌کند یا به آن ملحق می‌گردد، میثاق مذکور از سیمین روز تاریخی که سند تصویب یا الحاق آن دولت به امانت گذارده شده لازم‌الاجرا می‌گردد.

ماده ۲۸

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد متن تحفظ کشورها را، در هنگام تصویب یا الحاق دریافت و آن را میان کلیه دولت‌های عضو توزیع خواهد کرد.

۲- تحفظاتی که با هدف و منظور این میثاق سازگار نباشد پذیرفته نخواهد شد.

۳- تحفظات از طریق تسلیم یادداشتی به دبیر کل سازمان ملل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همه دولت‌ها را از این موضوع مطلع خواهد کرد. لغو تحفظ از روزی که یادداشت دریافت شود معتبر است.

ماده ۲۹

۱- هر گونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این میثاق بین دو یا چند دولت عضو که از طریق مذاکره حل نگردد بنا به تقاضای یکی از طرفین به داوری ارجاع می‌گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داوری، طرفین در مورد نحوه و تشکیلات داوری به توافق نرسند، یکی از طرفین می‌تواند خواستار ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق با اساسنامه دیوان گردد.

۲- هر دولت عضو می‌تواند به هنگام امضاء یا تصویب این میثاق یا الحاق به آن اعلام کند که خود را موظف به اجرای بند یک این ماده نمی‌داند. دولت‌های عضو دیگر در قبال دولتی که به بند یک این ماده اعلام تحفظ نموده است ملزم به اجرای بند یک نمی‌باشند.

۳- هر دولت عضوی که بر طبق بند ۲ این ماده اعلام تحفظ نموده باشد می‌تواند در هر زمان از تحفظ خود از طریق اعلام رسمی به دبیر کل ملل متحد صرف نظر کند.

ماده ۳۰

این میثاق که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیولی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشند، نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت گذارده می‌شود.

۳.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)

این میثاق، که با قطعنامهٔ ۲۲۰۰ آ (۲۱) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶به تصویب رسید و برای امضا، تصویب و الحاق کشورهای عضو سازمان گشوده شد، در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۷۶ طبق ماده ۴۹ قوّت قانونی یافت.

مقدمه

دولت‌های طرف این میثاق:

با توجه به این که بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است احترام به حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است؛

با اذعان به این که حقوق یادشده ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است؛

با اذعان به این که بر طبق اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد و رها از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی -اجتماعی و فرهنگی ایجاد شود؛

با عنایت به این که دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر رعایت حقوق و آزادی‌های بشر ملزم شده‌اند؛

با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار و ظایف است و مکلف است به این که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام کند؛

با مواد زیر موافقت دارند:

بخش یکم

ماده نخست

۱- کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب این حق مزبور ملت‌ها نظام سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی -اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

۲- کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود بدون اخلال به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هر گونه تصرفی بکند - در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسائل معاش خود محروم کرد.

۳– دولت‌های طرف این میثاق از جمله دولت‌های مسئول اداره سرزمین‌های غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

بخش دوم

ماده دوم

۱– دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت‌شان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند.

۲- هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلا به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده است به‌عمل آورد.

۳- هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که:

الف. تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق در باره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند.

ب. تضمین کند که مقامات صالح قضایی-اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به‌موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد در باره شخص دادخواست‌دهنده احقاق حق کنند و همچنین امکان تظلم و توسّل را به مقامات قضایی توسعه بدهد.

ج. تضمین کند که مقامات صالح نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز بشود ترتیب اثر بدهند.

ماده سوم

دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند.

ماده چهارم

۱- هرگاه خطری استثنائی یا فوق‌العاده موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسما اعلام بشود کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتما ایجاب می‌کند اتخاذ نمایند مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به اِعمال تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، زبان، اصل و منشاء مذهبی یا اجتماعی نشود.

۲- حکم مذکور در بند فوق هیچ نوع انحرافی را از مواد ۶ ۷- ۸- : (بندهای اول و دوم) ۱۱ - ۱۵ ۱۶- ۱۸- مجاز ندانسته است.

۳- دولت‌های طرف این میثاق که از حق انحراف استفاده کنند مکلفند بلافاصله سایر دولت‌های طرف میثاق را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است آگاه کنند و در تاریخی که به این انحراف‌ها خاتمه می‌دهند مراتب را بوسیله اعلامیه جدیدی از همان مجری آگاهی دهند.

ماده پنجم

۱- هیچ یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی به عمل آورد.

۲- هیچگونه محدودیت یا انحراف از هر یک از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین، میثاق‌ها، آیین‌نامه‌ها یا عرف و عادات نزد هر دولت طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است بعد از اینکه این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته یا اینکه به میزان کمتری به رسمیت شناخته است قابل قبول نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم

۱- حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

۲- در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائز نیست مگر در مورد مهمترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجراء در زمان ارتکاب جنایت که آنهم نباید با مقررات این میثاق و میثاق‌های دیگر ناظر بر جلوگیری از ارتکاب جنایت کشتار دستجمعی و کیفر آن منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جائز نیست مگر به حکم قطعی دادگاه صالح.

۳- در مواقعی که سلب حیات تشکیل‌دهنده جرم کشتار دسته جمعی باشد چنین معهود است هیچ یک از مقررات این ماده دولت‌های طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که به هیچ نحو از هیچ یک از الزاماتی که به موجب مقررات میثاق جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی تقبل شده انحراف ورزند.

۴- هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بکند. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطاء شود.

۵- حکم اعدام در مورد جرائم ارتکابی اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجراء نیست.

۶- هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف هر یک از دولت‌های طرف این میثاق قابل استناد نیست.

ماده هفتم

هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و آماج رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی، و تحقیرآمیز قرار داد. به ویژه هیچ کس را نمی‌توان، بدون رضایت قبلی و داوطلبانه‌اش، آماج آزمایش‌های طبّی و علمی کرد.

ماده هشتم

۱- هیچکس را نمی‌توان در بردگی نگاهداشت. بردگی و خرید و فروش برده به هر نحوی از انحاء ممنوع است.

۲- هیچکس را نمی‌توان در بندگی (غلامی) نگاهداشت.

۳-

الف. هیچکس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد.

ب. شق الف بند ۳ را نمی‌توان چنین تفسیر نمود که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با اعمال شاقه مانع اجرای مجازات اعمال شاقه مورد حکم صادر از دادگاه صالح بشود.

ج. "اعمال شاقه یا کار اجباری" مذکور در این بند شامل امور زیر نیست:

چ: هر گونه کار یا خدمت ذکر نشده در شق "ب" که متعارفاً به کسی که به موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد تکلیف می‌گردد.

خ: هرگونه خدمت نظامی و در کشورهایی که امتناع از خدمت وظیفه به رسمیت شناخته شده است هر گونه خدمت ملی که به موجب قانون به امتناع‌کنندگان تکلیف می‌شود.

د: هرگونه خدمتی که در موارد قوهٔ قهریه (فورس ماژور) یا بلیاتی که حیات یا رفاه جامعه را تهدید می‌کند تکلیف بشود.

ذ: هر کار یا خدمتی که جزیی از الزامات مدنی (اجتماعی) متعارف باشد.

ماده نهم

۱- هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.

۲- هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد.

۳- هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تصمیم‌هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین کند.

۴- هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت شدن از آزادی محروم می‌شود حق دارد که به دادگاه تظلم کند. به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.

۵- هر کس که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت.

ماده دهم

۱- در بارهٔ کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد .

۲-

الف. متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیرمحکوم خواهند بود.

ب. صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.

۳- نظام زندان‌ها متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد. صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونیشان باشند.

ماده یازدهم

هیچکس را نمی‌توان تنها به این علت که قادر به اجرای یک تعهد قراردادی خود نیست زندانی کرد.

ماده دوازدهم

۱- هر کس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.

۲- هر کس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند.

۳- حقوق مذکور فوق تابع هیچگونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴- هیچکس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

ماده سیزدهم

تبعهٔ بیگانه‌ای را که مجاز به اقامت در قلمرو دولت عضو این میثاق باشد تنها بر اساس حکمی قانونی می‌توان اخراج کرد. به استثنای مواردی که اخراج وی برای حفظ امنیت کشور ضروری است، تبعهٔ بیگانه باید بتواند دلائل خویش را برای اعتراض به حکم اخراج ارائه دهد و حق داشته باشد خواستار رسیدگی به پروندهٔ خود از سوی یک مقام صالح، یا کسانی که او منصوب می‌کند، شود.

ماده چهاردهم

۱- همه در مقابل دادگاه‌ها، و دیگر نهادهای قانونی رسیدگی به شکایات، از حقوقی برابر بهره‌مند خواهند بود. هر کس حق دارد بخواهد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود و آن دادگاه در باره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم کند. تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی

اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد لیکن حکم صادر در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء کند یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی باشد یا ولایت اطفال باشد.

۲- هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بیگناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

۳- هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:

الف. در اسرع وقت و به‌تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود.

ب. وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج. بدون تاخیر غیرموجه در باره او قضاوت بشود.

د. در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا بوسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او آگاهی داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء کند از طرف دادگاه راساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

ه. از شهودی که برعلیه او شهادت می‌دهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود شهودی که برله او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالات بشود.

و. اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمیفهد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناً به او کمک کند.

ز. مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.

۴- آیین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بکند.

۵- هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالی‌تری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.

۶- هرگاه حکم قطعی محکومیت جزایی کسی بعداً فسخ بشود یا یک امر حادث یا امری که به تازگی کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد، شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارات

او طبق قانون جبران بشود مگر این که ثابت شود عدم افشاء به‌موقع حقیقت مکتوم کلاً یا جزئا منتسب به خود او بوده است.

۷- هیچکس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجددا مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

ماده پانزدهم

۱- هیچکس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد. هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف‌تری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود .

۲- هیچ یک از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به‌علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته شده در جامعه ملت‌ها مجرم بوده منافات نخواهد داشت.

ماده شانزدهم

هرکس حق دارد به اینکه شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود

ماده هفدهم

۱- هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرارگیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

۲- هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض از حمایت قانون برخوردار شود.

ماده هجدهم

۱- هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به‌طور فردی یا جمعی، خواه به طورعلنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

۲- هیچکس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

۳- آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه منحصرا به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

۴- دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

ماده نوزدهم

۱- هرکس حق دارد بدون دخالت دیگران دارای رأی و عقیده باشد.

۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه آگاهی‌ها و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به‌صورت نوشته یا چاپ یا به‌صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

۳- اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف. احترام حقوق یا حیثیت دیگران.

ب. حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

ماده بیستم

۱- هر گونه تبلیغ برای جنگ به‌موجب قانون ممنوع است.

۲- هر گونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا اعمال زور باشد به‌موجب قانون ممنوع است.

ماده بیست و یکم

حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به‌رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نخواهد بود جز آنچه بر طبع قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده بیست ودوم

۱- هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.

۲- اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعهٔ دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد بود که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیت‌های قانونی بشوند.

۳- هیچیک از مقررات این ماده دولت‌های طرف میثاق مورخ ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا با نحو اجرای قوانین به تضمین‌های مقرر در آن میثاق لطمه وارد آورند.

ماده بیست و سوم

۱- خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.

۲- حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود.

۳- هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.

۴– دولت‌های طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تأمین تساوی حقوق و مسئولیت‌های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج، پیش‌بینی‌هایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.

ماده بیست و چهارم

۱- هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، مکنت یا نسب حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد.

۲- هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود.

۳- هر کودکی حق تحصیل تابعیتی دارد.

ماده بیست و پنجم

هر شهروند حق و امکان خواهد داشت بدون هیچ یک از تبعیض‌های مصرّح در ماده یکم این میثاق و بدون محدودیت‌های غیرمعقول:

الف . در اداره امور کشور مستقلاً یا به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب می‌کند شرکت کند.

ب. در انتخابات ادواری که از روی صحت به آراء عمومی مساوی و مخفی انجام و تضمین‌کننده بیان آزادانه اراده انتخاب‌کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.

ج . با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود.

ماده بیست و ششم

کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچگونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی مکنت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.

ماده بیست و هفتم

در کشورهایی که اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و بدین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.

بخش چهارم

ماده بیست و هشتم

۱- یک کمیته حقوق بشر (که از این پس در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس می‌شود. این کمیته مرکب از هجده عضو است و متصدی خدمات به شرح ذیل می‌باشد:

۲- کمیته مرکب خواهد بود از اتباع دولت‌های طرف این میثاق، که باید از شخصیت‌های دارای مکارم عالی اخلاقی بوده و صلاحیت‌شان در زمینه حقوق بشر محرز (شناخته شده) باشد. مفید بودن شرکت بعضی اشخاص واجد تجربه در امور قضایی در کارهای این کمیته مورد توجه واقع خواهد شد.

۳- اعضای کمیته انتخابی هستند و بر حسب صلاحیت شخصی خودشان خدمت خواهند نمود

ماده بیست و نهم

۱- اعضای کمیته با رأی مخفی از فهرست اشخاص واجد شرایط مذکور در ماده بیست و هشت که به این منظور به وسیله دولت‌های طرف این میثاق نامزد شده‌اند انتخاب می‌شوند.

۲- هر دولت طرف این میثاق نمی‌تواند بیش از دو نفر نامزد کند. این دو نفر بایستی از اتباع دولت معرف بوده باشند.

۳- تجدید نامزدی یک شخص مجاز است.

ماده سی‌ام

۱- اولین انتخابات دیرتر از شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این میثاق انجام نخواهد شد.

۲- برای انتخابات کمیته هر بار حداقل چهار ماه پیش از تاریخ انجام آن به استثنای انتخاباتی که برای اشغال محل خالی طبق ماده بیست و چهار به عمل می‌آید دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق کتباً دعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت کمیته ظرف سه ماه معرفی کنند.

۳– دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از کلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد می‌شوند با ذکر نام دولت‌هایی که آنان را معرفی کرده‌اند تهیه و آن را حداکثر یک‌ماه قبل از تاریخ انتخابات به دولت‌های طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

۴- انتخابات کمیته در جلسه‌ای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از دولت‌های طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام می‌شود. حد نصاب این جلسه دو سوم دولت‌های طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد رأی را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء نمایندگان دولت‌های حاضر و رأی‌دهنده باشند.

ماده سی ویکم

۱- کمیته نمی‌تواند بیش از یک تبعه از هر دولت عضو داشته باشد.

۲- در انتخاب اعضای کمیته رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیایی و شرکت نمایندگان اشکال مختلف تمدن‌ها و سیستم‌های عمده حقوقی خواهد شد.

ماده سی و دوم

۱- اعضای کمیته برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند و در صورتی که مجدداً نامزد شوند تجدید انتخاب آنها مجاز خواهد بود لیکن مدت عضویت ۹ تن از اعضا منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال منقضی می‌شود. نام این ۹ تن بلافاصله پس از اولین انتخابات بوسیله قرعه توسط رئیس جلسه مذکور در بند ۴ ماده ۳۰ معین می‌شود.

۲– در پایان دوره تصدی، انتخابات طبق مواد قبلی این بخش میثاق به عمل خواهد آمد.

ماده سی و سوم

۱- هر گاه یک عضو کمیته به نظر مورد اتفاق آراء سایر اعضاء کمیته انجام خدمات خود را به هر علتی جز غیبت قطع نموده باشد رئیس کمیته دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او کرسی عضو مزبور را بلامتصدی اعلام می‌کند.

۲- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته رئیس کمیته فوراً دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او آن کرسی را از تاریخ فوت یا تاریخی که به استعفاء ترتیب اثر داده می‌شود بلامتصدی اعلام می‌کند.

ماده سی و چهارم

۱- هر گاه بلامتصدی بودن یک کرسی بر طبق ماده ۳۳ اعلام شود و دوره تصدی عضوی که به جانشینی باید انتخاب گردد، ظرف شش ماه از تاریخ اعلام بلامتصدی بودن منقضی نشود دبیرکل سازمان ملل متحد به هر یک از دولت‌های طرف این میثاق اعلام خواهد نمود که می‌توانند ظرف مدت دو ماه نامزدهای خود را بر طبق ماده ۲۹ به منظور اشغال کرسی بلامتصدی معرفی کنند.

۲- دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از اشخاصی که به این ترتیب نامزد شده‌اند تهیه خواهد نمود و آن را برای دولت‌های طرف این میثاق ارسال خواهد داشت. انتخاب برای اشغال کرسی بلامتصدی بر طبق مقررات مربوط این بخش از میثاق صورت خواهد گرفت.

۳- هر عضوی که برای اشغال کرسی بلامتصدی اعلام شده به شرح مذکور در ماده سی وسه انتخاب می‌شود برای بقیه مدت عضویت عضوی که کرسی او در کمیته طبق مقررات آن ماده بلامتصدی شده است عضو کمیته خواهد بود.

ماده سی و پنجم

اعضای کمیته با تصویب سازمان ملل متحد طبق شرایطی که مجمع عمومی با توجه به اهمیت خدمات کمیته تعیین کند از منابع سازمان ملل متحد مقرری دریافت خواهند داشت.

ماده سی و ششم

دبیرکل سازمان ملل متحد کارمندان و وسائل مادی مورد احتیاج برای اجرای موثر وظایفی که کمیته به موجب این میثاق به عهده دارد در اختیار کمیته خواهد گذاشت.

ماده سی وهفتم

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه در مرکز سازمان ملل متحد دعوت می‌کند.

۲- پس از نخستین جلسه کمیته در اوقاتی که در آیین‌نامه داخلی آن پیش‌بینی می‌شود تشکیل جلسه خواهد داد.

۳- کمیته معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل جلسه خواهد داد.

ماده سی و هشتم

هر عضو کمیته باید پیش از تصدی وظایف خود در جلسه علنی طی تشریفات رسمی تعهد کند که وظایف خود را با کمال بی‌طرفی و از روی کمال وجدان ایفاء خواهد کرد.

ماده سی ونهم

۱- کمیته هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد کرد. اعضای هیئت رئیسه قابل انتخاب مجدد هستند.

۲- کمیته آیین‌نامه داخلیش را خود تنظیم می‌کند. آیین‌نامه مزبور از جمله مشتمل بر مقررات ذیل خواهد بود:

الف. حد نصاب رسمیت جلسات حضور دوازده عضو است.

ب. تصمیمات کمیته به اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده چهلم

۱– دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند در باره تدابیری که اتخاذ کرده‌اند و آن تدابیر به حقوق شناخته شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و در باره پیشرفت‌های حاصل در تمتع از این حقوق گزارش‌هایی تقدیم کنند.

الف. ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق برای هر دولت طرف میثاق در امور مربوط به خود دولت.

ب. پس از آن هر موقع که کمیته چنین درخواستی کند.

۲- کلیه گزارش‌ها باید خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد باشد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد کرد. گزارش‌ها باید حسب‌المورد حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که در اجرای مقررات این میثاق تأثیر دارند.

۳- دبیرکل سازمان ملل متحد می‌تواند پس از مشورت با کمیته رونوشت قسمت‌هایی از گزارش‌ها را که ممکن است مربوط به امور مشمول صلاحیت آژانس‌های تخصصی باشد برای آن‌ها بفرستد.

۴- کمیته گزارش‌های واصل از دولت‌های طرف این میثاق را بررسی می‌کند و گزارش‌های خود و همچنین هرگونه ملاحظات کلی که مقتضی بداند به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت. کمیته نیز می‌تواند این ملاحظات را به ضمیمهٔ گزارش‌های واصل از کشورهای طرف این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم کند.

۵– دولت‌های طرف این میثاق می‌توانند نظریاتی در باره هرگونه ملاحظاتی که بر طبق بند ۴ این ماده اظهار شده باشد به کمیته ارسال دارند.

ماده چهل و یکم

۱- هر دولت طرف این میثاق می‌تواند در هر زمان به موجب این ماده اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به ادعانامهٔ هر دولت عضو مبنی بر قصور عضو دیگر در انجام تعهداتی که طبق میثاق برعهده گرفته است، به رسمیت شناسد. به موجب این ماده کمیته تنها به ادعانامه عضوی رسیدگی خواهد کرد که صلاحیت کمیته را برای رسیدگی به ادعاهای علیه خود اعلام کرده باشد. هیچ ادعانامه‌ای علیه دولت عضوی که صلاحیت کمیته را به رسمیت نشناخته باشد پذیرفته نخواهد شد. نسبت به ادعانامه‌هایی که بر اساس این ماده دریافت می‌شود به ترتیب زیر اقدام خواهد شد؛

الف. اگر یک دولت طرف میثاق تشخیص دهد که دولت دیگر طرف میثاق به مقررات این میثاق ترتیب اثر نمی‌دهد می‌تواند با فرستادن یادداشت کتبی توجه آن دولت طرف میثاق را به موضوع جلب کند. در ظرف مدت سه ماه پس از وصول یادداشت دولت دریافت کننده آن توضیح یا هر گونه اظهار کتبی دیگر دائر به روشن کردن موضوع در اختیار دولت فرستنده یادداشت خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور حتی‌الامکان و تا جایی که مقتضی باشد از جمله حاوی آگاهی‌ها خواهد بود در خصوص قواعد دادرسی طبق قوانین داخلی آن دولت و آنچه برای علاج آن به عمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل استفاده بعدی است؛

ب. اگر در ظرف شش ماه پس از وصول اولین یادداشت به دولت دریافت‌کننده موضوع با رضایت هر دو طرف مربوط فیصله نیابد هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه‌ای به کمیته و به طرف مقابل موضوع را به کمیته ارجاع کند؛

پ. کمیته به موضوع مرجوعه فقط پس از احراز این که بنابر اصول پذیرفته شدهٔ حقوق بین‌الملل کلیه طرق شکایت طبق قوانین داخلی در موضوع مورد استناد واقع و طی شده است به موضوع مرجوعه رسیدگی می‌کند. این قاعده در مواردی که طی طرق شکایت به نحو غیرمعقول طولانی باشد مجری نخواهد بود؛

ج. کمیته در موقع رسیدگی به یادداشت‌های واصل به موجب این ماده جلسات سری تشکیل خواهد داد؛

ح. با رعایت مقررات شق (ج) کمیته به منظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف بر اساس احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناخته شده در این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار دولت‌های ذینفع طرف میثاق خواهد گذار؛

خ. کمیته در کلیه امور مرجوعه بخود می‌تواند از دولت‌های (ذینفع) طرف اختلاف موضوع شق(ب) هر گونه آگاهی‌های را مربوط به قضیه بخواهد؛

د. دولت‌های ذینفع طرف میثاق موضوع شق (ب) حق خواهند داشت هنگام رسیدگی به قضیه در کمیته نماینده داشته باشند و ملاحظات خود را شفاهاً (یا کتباً) یا به هر یک از دو شق اظهار بدارند؛

س. کمیته باید در مدت ۱۲ ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه موضوع شق (ب) گزارش بدهد؛

ش. اگر راه‌حلی طبق مقررات شق (ه) حاصل نشده باشد کمیته در گزارش خود به شرح مختصر قضایا اکتفا خواهد کرد. متن ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی که دولت‌های ذینفع طرف میثاق اظهار کرده‌اند ضمیمه گزارش خواهد بود. برای هر موضوعی گزارشی به دولت‌های ذینفع طرف میثاق ابلاغ خواهد شد؛

ه. اگر کمیته، بر اساس مقررات بند ث، به راه حلی رسید، گزارش خود را به شرح فشرده‌ای از داده‌های مسئله و راه‌حل انتخاب شده محدود خواهد کرد.

و. اگر کمیته، براساس بند ث به راه حلی نرسید، گزارش خود را به شرح فشرده‌ای از داده‌های مسئله محدود خواهد کرد. نسخه‌ای از لوایح ارائه شده و مدارک حاوی بیانات شفاهی دو دولت طرف شکایت به این گزارش پیوست خواهد شد. در هرحال، گزارش کمیته به دولت‌های طرف شکایت ابلاغ خواهد شد.

۲- مقررات این ماده موقعی لازم‌الاجراء خواهد شد که ده دولت طرف این میثاق اعلامیه‌های پیش‌بینی شده را در بند اول این ماده داده باشند. اعلامیه‌های مذکور توسط دولت طرف میثاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع می‌شود و رونوشت آن را برای سایر دولت‌های طرف این میثاق ارسال خواهد داشت اعلامیه ممکن است هر موقع به وسیله اخطاریه خطاب به دبیر کل مسترد گردد. این استرداد به رسیدگی هر مسئله موضوع یک ادعانامه که قبلا به موجب این ماده ارسال شده باشد خللی وارد نمی‌کند. هیچ ادعانامهٔ دیگری پس از وصول اخطاریه استرداد اعلامیه به دبیر کل پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه دولت ذینفع طرف میثاق اعلامیهٔ تازه‌ای داده باشد.

ماده چهل و دوم

۱-

الف. اگر مسئله مرجوعه به کمیته طبق ماده چهل و یک با رضایت دولت‌های ذینفع طرف میثاق حل نشود کمیته می‌تواند با موافقت قبلی دولت‌های ذینفع طرف میثاق یک کمیسیون خاص سازش تشکیل بدهد (که از این پس کمیسیون نامیده می‌شود). کمیسیون به منظور نیل به یک راه‌حل دوستانه مساله بر اساس احترام این میثاق مساعی خود را در اختیار دولت‌های ذینفع طرف میثاق می‌گذارد.

ب. کمیسیون مرکب از پنج عضو است که با توافق دول ذینفع طرف میثاق تعیین می‌شوند. اگر دولت‌های ذینفع طرف میثاق در باره ترکیب تمام یا بعضی از اعضاء کمیسیون در مدت سه

ماه به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که در باره آنها توافق نشده است از بین اعضا کمیته با رأی مخفی به اکثریت دو ثلث اعضاء کمیته انتخاب می‌شوند.

۲- اعضای کمیسیون بر حسب صلاحیت شخصی خودشان انجام وظیفه می‌کنند. آنها نباید از اتباع دولت‌های ذینفع طرف میثاق بوده یا از اتباع دولتی که طرف این میثاق نیست یا از اتباع دولت طرف این میثاق که اعلامیه مذکور را در ماده چهل و یک نداده باشد.

۳- کمیسیون رئیس خود را انتخاب و آیین‌نامه داخلی خود را تصویب می‌کند.

۴- جلسات کمیسیون معمولا در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل خواهد شد. هرچند با مشورت دبیرکل ممکن است در محل مناسب دیگری هم تشکیل شود.

۵- دبیرخانه پیش‌بینی شده در ماده ۳۶ خدمات دفتری کمیسیون‌های متشکل را به موجب این ماده نیز انجام می‌دهد.

۶– آگاهی‌هایی که کمیته دریافت و رسیدگی می‌کند در اختیار کمیسیون گذارده می‌شود و کمیسیون می‌تواند از دولت‌های ذینفع طرف میثاق تهیه هرگونه آگاهی تکمیلی مربوطه دیگری را بخواهد.

۷- کمیسیون پس از مطالعه مسئله از جمیع جهات، ولی در هر صورت حداکثر در مدت دوازده ماه پس از ارجاع امر به آن، گزارشی به رئیس کمیته تقدیم می‌دارد و او آن را به دولت‌های ذینفع طرف میثاق ابلاغ می کند:

الف. اگر کمیسیون نتواند در مدت دوازده ماه رسیدگی را به اتمام برساند در گزارش خود اکتفا به بیان این نکته می‌کند که رسیدگی مسئله به کجا رسیده است.

ب. هر گاه یک راه‌حل دوستانه بر اساس احترام حقوق بشر به نحو شناخته شده در این میثاق حاصل شده باشد کمیسیون در گزارش خود به ذکر مختصر قضایا و راه‌حلی که به آن رسیده‌اند اکتفا می‌کند.

ج. هر گاه یک راه‌حل به مفهوم شق (ب) حاصل نشده باشد کمیسیون استنباط‌های خود را در خصوص کلیه نکات ماهیتی مربوط به مسئله مورد بحث بین دولت‌های ذینفع طرف میثاق و هم چنین نظریات خود را در خصوص امکانات حل دوستانه قضیه در گزارش خود درج می‌کند. این گزارش همچنین محتوی ملاحظات کتبی و صورت‌مجلس ملاحظات شفاهی دولت‌های ذینفع طرف میثاق خواهد بود.

د. هر گاه گزارش کمیسیون طبق شق (ج) تقدیم بشود دولت‌های ذینفع طرف میثاق در مدت سه ماه پس از وصول گزارش به رئیس کمیته اعلام می‌دارند که مندرجات گزارش کمیته را می‌پذیرند یا نه.

۸- مقررات این ماده به اختیارات کمیته بر طبق ماده ۴۱ خللی وارد نمی‌کند.

۹- کلیه هزینه‌های اعضای کمیسیون به‌طور تساوی بین دولت‌های ذینفع طرف میثاق بر اساس برآوردی که دبیر کل سازمان ملل متحد تهیه می‌کند تقسیم می‌شود.

۱۰- دبیر کل سازمان ملل متحد اختیار دارد در صورت لزوم هزینه‌های اعضاء را قبل از آنکه دولت‌های ذینفع طرف میثاق طبق بند ۹ این ماده پرداخت کنند کارسازی دارد.

ماده چهل وسوم

اعضای کمیته و اعضای کمیسیون‌های خاص سازش که طبق ماده ۴۲ ممکن است تعیین شوند حق دارند از تسهیلات و امتیازات و مصونیت‌های مقرر در باره کارشناسان مامور سازمان ملل متحد مذکور در قسمت‌های مربوط میثاق امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد استفاده نمایند.

ماده چهل و چهارم

مقررات اجرایی این میثاق بدون اینکه به آیین‌های دادرسی مقرر در زمینه حقوق بشر طبق اسناد تشکیل‌دهنده یا به موجب میثاق‌های سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی خللی وارد سازد اعمال می‌شود و مانع از آن نیست که دولت‌های طرف میثاق برای حل یک اختلاف طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی عمومی یا اختصاصی که ملزم به آن هستند متوسل به آیین‌های دادرسی دیگری بشوند.

ماده چهل و پنجم

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را توسط شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد.

بخش پنجم

ماده چهل و ششم

هیچ یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیت‌های مربوط به هر یک از ارکان سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نسبت به مسائل موضوع این میثاق لطمه‌ای وارد آورد.

ماده چهل و هفتم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که به حق ذاتی کلیه ملل به تمتع و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروت‌های طبیعی خودشان لطمه‌ای وارد آورد.

بخش ششم

ماده چهل و هشتم

۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان مل متحد یا عضو هریک از مؤسسات تخصصی آن یا هر دولت طرف متعاهد اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین هر دولتی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف این میثاق بشود مفتوح است.

۲- این میثاق موکول به تصویب است. اسناد تصویب باید نزد دبیر کل سازمان ملل متحد تودیع شود.

۳- این میثاق برای الحاق هر یک از دولت‌های مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

۴- الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به عمل می‌آید.

۵- دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه دولت‌هایی را که این میثاق را امضاء کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده چهل و نهم

۱- این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء می‌شود.

۲– در باره هر دولتی که این میثاق را پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند یا الحاق آن دولت لازم‌الاجراء می‌شود.

ماده پنجاهم

مقررات این میثاق بدون هیچگونه محدودیت یا استثناء در باره کلیه واحدهای تشکیل‌دهنده دولت‌های متحد (فدرال) شمول خواهد داشت.

ماده پنجاه و یکم

۱- هر دولت طرف این میثاق می‌تواند اصلاح (این میثاق را) پیشنهاد کند و متن آن را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در این صورت دبیرکل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاح پیشنهادی را به دولت‌های طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می کند به او اعلام دارد که آیا مایلند کنفرانسی از دولت‌های طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی در بارۀ طرح‌های پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتی که حداقل یک ثلث دولت‌های طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را در زیر لوای سازمان ملل متحد

دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت دولت‌های حاضر و رای‌دهنده در کنفرانس واقع بشود برای تصویب به مجمع عمومی‌سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲- اصلاحات موقعی لازم‌الاجراء می‌شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو ثلث دولت‌های طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آن را قبول کرده باشند.

۳- موقعی که اصلاحات لازم‌الاجراء می‌شود برای آن دسته از دولت‌های طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هرگونه اصلاح آن که قبلا قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

ماده پنجاه و دوم

قطع نظر از ادعا نامه‌های مصرّح در بند ۵ ماده ۴۸، دبیرکل سازمان ملل متحد دولت‌های نامبرده شده در بند اول را از نکات زیر آگاه خواهد کرد:

الف. امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده چهل و هشت.

ب. تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق طبق ماده چهل و نه و تاریخ لازم‌الاجرا شدن اصلاحات طبق ماده پنجاه و یک.

ماده پنجاه و سوم

۱- این میثاق که متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۲- دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه دولت‌های مذکور در ماده چهل و هشت ارسال خواهد داشت.

۴.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر (UDHR)

این اعلامیه، در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

مقدمه

از آن جا که شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانوادهٔ بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است؛

از آن جا که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر به اقدامات وحشیانه‌ای انجامیده که وجدان بشر را برآشفته است و پیدایش جهانی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد، و از ترس و فقر فارغ باشند، عالی‌ترین آرزوی بشر اعلام شده است؛

از آن جا که ضروری است که از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان بر ضد بیداد و ستم مجبور نگردد؛

از آن جا که گسترش روابط دوستانه میان ملت‌ها باید تشویق شود؛

از آن جا که مردمان ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده‌اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند؛

از آن جا که دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تضمین کنند؛

از آن جا که برداشت مشترک در مورد این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد؛ مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترک تمام مردمان و ملت‌ها اعلام می‌کند تا همهٔ افراد و تمام نهادهای جامعه این اعلامیه را همواره در نظر داشته باشند و بکوشند که به یاری آموزش و پرورش، رعایت این حقوق و آزادی‌ها را گسترش دهند و با تدابیر فزایندهٔ ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای جهانی و مؤثر آن‌ها را، چه در میان خود مردمان کشورهای عضو و چه در میان مردم سرزمین‌هایی که در قلمرو آن‌ها هستند، تأمین کنند.

ماده ۱
تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

ماده ۲
هر کس می‌تواند بی‌هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیدهٔ سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر، و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همهٔ آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومیت یا غیرخودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۳
هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۴
هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت؛ بردگی و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.

ماده ۵
هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضدانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۶
هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی‌اش در همه جا به رسمیت شناخته شود.

ماده ۷
همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیهٔ حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.

ماده ۸
در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند ـ حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است ـ هر شخصی حق مراجعهٔ مؤثر را به دادگاه‌های ملی صالح دارد.

ماده ۹
هیچ کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.

ماده ۱۰
هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی

رسیدگی شود و چنین دادگاهی در باره حقوق و الزامات وی، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد، تصمیم بگیرد.

ماده ۱۱

۱. هر شخصی که به بزه‌کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا هنگامی‌که در جریان محاکمه‌ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد.
۲. هیچ کس نباید برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن، به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق می‌گرفت، در بارهٔ کسی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲

نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است.

ماده ۱۳

۱. هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند.
۲. هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.

ماده ۱۴

۱. در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری را از پناهندگی در کشورهای دیگر دارد.
۲. در موردی که تعقیب واقعاً در اثر جرم عمومی و غیرسیاسی یا در اثر اعمالی مخالف با هدف‌ها و اصول ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد کرد.

ماده ۱۵

۱. هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد.
۲. هیچ کس را نباید خودسرانه از تابعیت خویش، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده ۱۶

۱. هر مرد و زن بالغی حق دارند بی‌هیچ محدیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند.
۲. ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانهٔ زن و مرد صورت گیرد.
۳. خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

ماده ۱۷

۱. هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد.
۲. هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

ماده ۱۸

هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود، این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.

ماده ۱۹

هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده ۲۰

۱. هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند گردد.
۲. هیچ کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.

ماده ۲۱

۱. هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.
۲. هر شخصی حق دارد با شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد.
۳. ارادهٔ مردم، اساس قدرت حکومت است؛ این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به طور ادواری صورت می‌پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

ماده ۲۲

هر شخصی به عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانهٔ شخصیت خود را، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور، به دست آورد.

ماده ۲۳

۱. هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی‌کاری حمایت شود.
۲. همه حق دارند که بی هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، مزد مساوی بگیرند.
۳. هر کسی که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.

۴. هر شخصی حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.

ماده ۲۴

هر شخصی حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و به ویژه باید از محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌ها و تعطیلات ادواری با دریافت حقوق بهره‌مند شود.

ماده ۲۵

۱. هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود؛ همچنین حق دارد که در مواقع بی‌کاری، بیماری، نقض عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از ارادهٔ خویش وسایل امرار معاشش را از دست داده باشد، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.

۲. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همهٔ کودکان، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی‌ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره‌مند گردند.

ماده ۲۶

۱. هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش، و دست‌کم آموزش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش فنی و حرفه‌ای باید همگانی شود و دست‌یابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان‌پذیر باشد تا هر کس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره‌مند گردد.

۲. هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبهٔ شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود، بر دیگران حق تقدم دارند.

ماده ۲۷

۱. هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره‌مند شود.

۲. هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.

ماده ۲۸

هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصهٔ اجتماعی و بین‌المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه را به تمامی تأمین و عملی سازد.

ماده ۲۹

۱. هر فردی فقط در برابر آن جامعه‌ای وظایفی بر عهده دارد که رشد آزادانه و همه جانبهٔ او را

ممکن می‌سازد.
۲. هر کس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانهٔ اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند.
۳. این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد اعمال شوند.

ماده ۳۰

هیچ یک از مقررات اعلامیهٔ حاضر نباید چنان تفسیر شود که به هیچ دولت، جمعیت یا فردی حقی برای اقدام به حرکت یا رفتاری برای تحدید یا نقض هیچ یک از حقوق و آزادی‌های مصرّح در این اعلامیه داده شده است.

پیوست ذ

انتشارات سازمان بین‌المللی مشارکت و آموزش زنان

<u>مواد یادگیری و آموزشی</u>

مواد یادگیری و آموزشی سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان به گونه‌ای تدوین و تهیه شده است که متناسب با فرهنگ جوامع اکثریت مسلمان جهان جنوب باشد. این مواد، که به یاری سازمان‌های همکار ما فراهم شده و شامل کتاب، جزوه، رهنمون، نوار صوتی و تصویری است، در ۲۰ زبان منتشر شده و در بیشتر از ۳۰ کشور جهان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته.



***در جستجوی حق انتخاب: آموزه‌های رهبری برای زنان* (۲۰۰۱)**

این کتاب راهنما که برای گروه‌های گوناگون زنان طرّاحی شده و شامل آموزه‌های عملی برای یادگیری رهبری فراگیر، افقی و مشارکتی است به ۲۰ زبان ترجمه و انتشاریافته.

فن‌آوری تکنولوژیکی را از آن خود کنیم؛ رهنمونی برای آموزش مربیان (۲۰۰۸)



این رهنمون ابتکاری برای بهره‌جویی در کارگاه‌های آموزش رشته‌های فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی و نیز آموزش مربیان این رشته‌هاست به ویژه برای یادگیری مهارت‌های تکنولوژیک در راه ترویج عدالت جنسیتی و پیشبرد حقوق بشر.

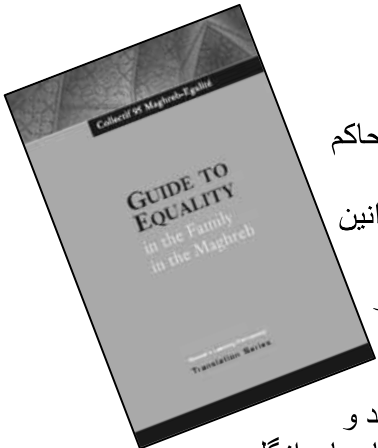
***در جستجوی حق انتخاب: آموزه‌های رهبری چند رسانه‌ای* (۲۰۰۳)**



این مجموعهٔ آموزش‌های چندرسانه‌ای برای بهره‌جویی آن گروه از کوشندگان، رهبران، مروّجان و تسهیل‌گران زن طراحی شده که در تلاش برای پیشبرد حقوق بشر و دموکراسی نیازمند تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های رهبری خویش برای دستیابی به حقوق سیاسی و اقتصادی‌اند. این مجموعه شامل ۳ نوار تصویری همراه با جزوهٔ راهنما است. با بهره‌جویی از شیوه‌های کنش متقابل، نمایش‌ها و تصویرهای آموزشی، این مجموعه می‌آموزد چگونه می‌توان به ایجاد یک فضای یادگیری مشارکتی و دموکراتیک، انجام کمپین‌های کارآی ترویجی و طرّاحی پیام‌های گیرا برای مخاطبان مورد نظر، موفق شد. این مجموعه در زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی و فارسی ترجمه شده است.

مجموعه آثار ترجمه شده

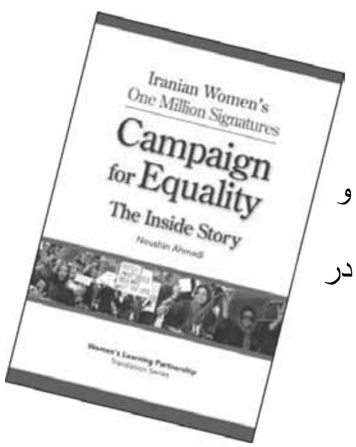
این مجموعه شامل نوشته‌های ارزندهٔ مؤلفان فمینیستِ جهان جنوب است.



رهنمون برابری در خانواده در جوامع شمال آفریقا (۲۰۰۷)

قانون خانواده در جوامع اکثریت مسلمان بر همهٔ ابعاد و سطوح زندگی زن حاکم است، از حداقل سن و شرایط ازدواج و طلاق، تا حضانت از فرزندان، حق اشتغال و سفر و تصمیم‌گیری در بارهٔ محل سکونت. از همین رو اصلاح قوانین خانواده برای دستیابی زنان به مشارکت برابر با مردان، نه تنها در زندگی خصوصی بلکه در عرصهٔ اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر دارد. هریک از بخش‌های موضوعی این رهنمون، پس از تشریح وضع کنونی قوانین خانواده در این جوامع، به ارائهٔ استدلال‌های مذهبی، حقوق بشری، جامعه شناختی، و قوانین داخلی می‌پردازد که اصلاح قوانین خانواده را تأئید می‌کنند و همگی مستند به داده‌ها و نمونه‌های تاریخی معتبراند. این رهنمون، که به زبان‌های انگلیسی و فارسی منتشر شده است، الگوئی بدیع و بی‌نظیر برای اصلاح قوانین خانواده را در جوامع اکثریت مسلمان در دسترس پژوهشگران و کوشندگان حقوق بشر قرار می‌دهد.

کمپین یک میلیون امضای زنان ایران برای برابری با مردان: روایتی از درون



نویسندهٔ این روایت، نوشین احمدی خراسانی، به جزئیات و دقایق رویدادها، راهبردها و ارزش‌هایی می‌پردازد که زمینه را برای گردهم آمدن گروه‌های گوناگون زنان، مردان و کوشندگان حقوق بشر برای شرکت در این کمپین پرآوازهٔ زنان برابری‌جو فراهم آوردند. این روایت نمونهٔ ارزندهٔ الگوئی تازه برای پیدایش جنبش‌های مردمی در قرن بیست و یکم است، نه تنها در جوامع زیر فرمان حکومت‌های استبدادی و یا بنیادگرای افراطی، بلکه حتّی در جوامع نسبتاً باز و مداراگر که همچنان در تلاش دستیابی به برابری کامل زنان با مردان‌اند.

WLP

WOMEN'S
LEARNING
PARTNERSHIP

FOR RIGHTS,
DEVELOPMENT,
AND PEACE

www.learningpartnership.org